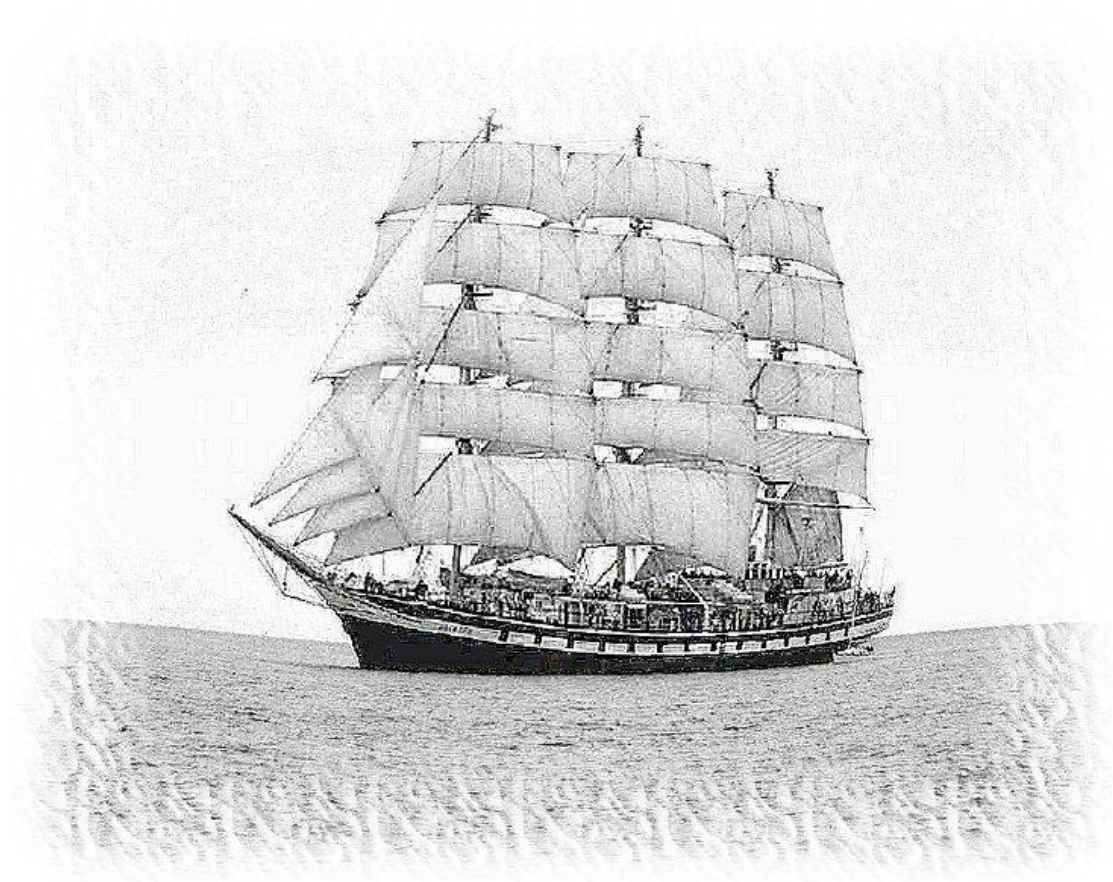


# بروید و کلیسای مسیح را بنا کنید



دوره شاگردسازی از رادیو

---

**دستورعمل بنای کلیسا - کتاب سوم**

---

# مقدمه

## کلیسا چیست؟

در سطح محلی، کلیسا همانا تجمع مسیحیان در يك خانه (رومیان ۱۶: ۵) یا يك شهر (اول قرن‌تینان ۱: ۲) می‌باشد. در سطح جهانی، کلیسا بدن مسیح (افسسیان ۱: ۲۲-۲۳) می‌باشد و تمام مسیحیان اعضای آن بدن هستند (اول قرن‌تینان ۱۲: ۱۲). کلیسا بنایی روحانی است که هر فرد مسیحی یکی از سنگهای زنده آن می‌باشد (اول پطرس ۲: ۵) و یا مکانی است که خود خدا بواسطه روحش در آن سکونت می‌نماید (افسسیان ۲: ۲۱-۲۲). کلیسا خانواده الهی می‌باشد (افسسیان ۲: ۱۹). خدا، پدر پر محبت کلیسا و مسیحیان نیز برادران و خواهران یکدیگر می‌باشند. کلیسا گله گوسفندانی است که شبانی را که در جلوی آنها حرکت می‌کند، پیروی می‌کنند (اول پطرس ۵: ۲؛ ۲: ۲۵؛ ۴: ۵). کلیسا ملت مقدس خداست که متشکل از مردمی است که خدا آنها را از میان تمام ملل جهان انتخاب می‌کند (اول پطرس ۲: ۹-۱۰). کلیسا تجلی قابل رؤیت ملکوت یا پادشاهی خدا بر روی زمین می‌باشد (متی ۱۳: ۳۶-۴۳؛ ۱۶: ۱۸-۱۹؛ ۲۱: ۴۲-۴۴). کلیسا هنوز واقعیت کاملی نیست، بلکه در زمان بازگشت مسیح، عروس کامل عیسی خواهد بود (مکاشفه ۲۱: ۱-۲، ۹-۱۰؛ ۱۹: ۷). از طرفی کلیسا، "کلیسای مبارز" در دنیا است که در آن مسیحیان در برابر حملات دشمن ایستادگی می‌کنند (متی ۱۶: ۱۸-۱۹؛ افسسیان ۶: ۱۰-۱۸؛ مکاشفه ۱۲: ۱۰-۱۲). از طرف دیگر، کلیسا، "کلیسای پیروز" در آسمان می‌باشد، مکانی که مسیحیانی که از این جهان رفته‌اند در آنجا در حضور خدا سکونت می‌کنند (غلاطیان ۴: ۲۶؛ عبرانیان ۱۱: ۱۰، ۱۶؛ ۱۲: ۲۲-۲۴؛ ۱۳: ۱۴).

## کلیسای مسیح چگونه بنا می‌شود؟

مسیح کلیسای خود را بنا می‌کند و ابواب جهنم بر آن استیلا نخواهند یافت (متی ۱۶: ۱۸). مسیح در ابتدا از رسولان استفاده کرد تا کلیساهای تاریخی را در میان یهودیان، غیریهودیان و سامریان بنیان نهد (افسسیان ۲: ۲۰). امروزه او از مسیحیان معمولی جهت بنای کلیسای خود استفاده می‌کند. او کلیسای خود را بر روی مسیحیانی بنیان می‌گذارد که زندگی مسیحی درستی داشته (افسسیان ۴: ۱-۲)، و متکی بر آموزه‌های صحیح از کلام خدا هستند (افسسیان ۴: ۳-۶). او همچنین کلیسای خود را بر روی مسیحیانی که خدمات مختلف و تواناییهای روحانی متفاوتی دارند، بنا می‌کند (افسسیان ۴: ۷-۱۲). او به ایمانداران جدید کمک می‌کند تا تبدیل به شاگردان او شوند (مسیحیان بالغ) (افسسیان ۴: ۱۳-۱۴) و آنها را به جهت انجام خدمات مختلف عملی در داخل و خارج از کلیسا تجهیز می‌کند (افسسیان ۴: ۱۲) و اجتماعی مبتنی بر حقیقت و محبت بنا می‌کند که در آن ایمانداران دائماً در جهت شباهت به مسیح رشد می‌کنند (افسسیان ۴: ۱۵-۱۶). و بدین ترتیب کلیسای خود را بنا می‌کند. امروزه، بنای کلیسای مسیح مسئولیت تمام مسیحیان می‌باشد.

## هدف از چهار کتاب دستور عمل بنای کلیسای مسیح

این دوره درسی از طریق عنوان کردن موارد زیر به سر گروه، بنای کلیسای مسیح را امری عملی می‌سازد:

- ۱- هر کدام از چهار کتاب دستور عمل بنای کلیسای مسیح، حاوی ۱۲ درس می‌باشند که می‌توان در طول سه ماه آنها را به اتمام رساند.
- ۲- آیات مهم کتاب مقدسی به شاگردان کمک می‌کنند که مسیح، کلیسا و کتاب مقدس را بشناسند.
- ۳- دستور العمل هایی که با حروف پررنگ چاپ شده مثل " بخوانید"، " کشف و گفتگو کنید" به سرگروه در هدایت گروه کمک می‌کند.
- ۴- " ملاحظات " جواب مختصری به هر سوال می‌دهند که می‌توانند بعنوان خطوط راهنما برای سرگروه مورد استفاده قرار گیرند.
- ۵- این دوره آموزشی روشهایی عملی، جهت بنای کلیسای مسیح و بررسی انجیل یوحنا به طور فردی یا جمعی ارائه می‌کند.
- ۶- هر درس دارای يك تکلیف خارج از کلاس می‌باشد.
- ۷- این دوره آموزشی را می‌توان در اختیار دیگران نیز گذاشت. پس از به اتمام رساندن بررسی یکی از کتب دستور عمل بنای کلیسای مسیح، تنها آن عده از شاگردان می‌توانند يك نسخه از آن کتاب دستور عمل را داشته باشند که مایلند این دوره درسی را در يك گروه کوچک دیگر تعلیم دهند.

دعای ما این است که خداوند به سرعت بر تعداد کلیساهای و کلیساهای خانگی در منطقه شما بیفزاید. عیسی می‌فرماید: "من کلیسای خود را بنا می‌کنم و ابواب جهنم بر آن استیلا نخواهند یافت" (متی ۱۶: ۱۸). باشد که خدا جلال یابد. "زیرا که از او و به او و تا او همه چیز است. و او را تا ابدالآباد جلال باد، آمین" (رومیان ۱۱: ۳۶).

دوره شاگردسازی از رادیو

## حقوق مؤلف کتاب

این چهار کتاب دستورعمل بنای کلیسای مسیح مشمول حقوق مؤلف هستند. رونوشت برداشتن (کپی کردن) از آنها جهت آموزش مجاز است، اما بدون اجازه کتبی نویسنده، فروش، تغییر مطالب و یا ترجمه آنها به زبانهای دیگر ممنوع میباشد.

### توصیه:

این دوره آموزشی بدین منظور تهیه شده است که بطور گسترده استفاده شود و باعث برکت بسیاری گردد، اما از آنجا که هدف چهار کتاب دستورعمل بنای کلیسای مسیح، آموزش یا مجوز کردن مسیحیان است، توصیه میشود که فقط سرگروه های این دوره آموزشی، از چهار کتاب دستورعمل بنای کلیسای مسیح برابر با اصل، کپی یا رونوشت بردارند. هر شاگرد فقط پس از آنکه یک درس یا یک کتاب دستورعمل را ببیایان رسانده و میخواهد شخص یا گروه کوچک دیگری را تعلیم دهد، می تواند يك نسخه از آن درس یا کتاب دستورعمل را داشته باشد.

دوره شاگرد سازی از رادیو

# فهرست مطالب

## دستور عمل بنای کلیسای مسیح - کتاب سوم

### صفحه

۲

مقدمه و حقوق مؤلف کتاب

### برنامه آموزشی ۱

يك برنامه هفتگی برای سه ماه - حدود ۲ ساعت در هفته - تعداد افراد گروه بین حدود ۳ تا ۱۰ نفر باشد - هر برنامه با دعا شروع می‌شود و با دعای در پاسخ به کلام خدا و يك تکلیف برای منزل پایان می‌یابد.

۸		درس ۲۵
	رازگهان (لوقا ۱: ۱- ۴: ۳۰)	
	حفظ کردن (ترك کردن و بیوستن: پیدایش ۲: ۲۴)	
	تعلیم (خدمات بنا کننده در کلیسا: پرورش فرزندان در خانواده مسیحی)	
۱۵		درس ۲۶
	رازگهان (لوقا ۴: ۳۱- ۷: ۵۰)	
	حفظ کردن (محبت و هدایت: افسسیان ۵: ۲۳، ۲۵)	
	بررسی کتاب مقدس (یوحنا ۱۱)	
۲۱		درس ۲۷
	رازگهان (لوقا ۸: ۱- ۱۱: ۲۸)	
	حفظ کردن (محبت و اطاعت: تیطس ۲: ۴- ۵)	
	تعلیم (خدمات بنا کننده در کلیسا: تربیت فرزندان در خانواده مسیحی)	
۲۷		درس ۲۸
	رازگهان (لوقا ۱۱: ۲۹- ۱۴: ۳۵)	
	حفظ کردن (حل اختلافات: متی ۵: ۲۳- ۲۴)	
	بررسی کتاب مقدس (یوحنا ۱۲)	
۳۳		درس ۲۹
	رازگهان (لوقا ۱۵: ۱- ۱۸: ۱۷)	
	حفظ کردن (وفادار ماندن: امثال ۳: ۳- ۴)	
	تعلیم (خدمات بنا کننده در کلیسا: آموزش مسیحیان نوایمان از طریق ارائه کمک شخصی)	
۳۹		درس ۳۰
	رازگهان (لوقا ۱۸: ۱۸- ۲۱: ۳۸)	
	حفظ کردن (مجموعه "ازدواج مسیحی" را مرور کنید)	
	بررسی کتاب مقدس (یوحنا ۱۳)	
۴۵		درس ۳۱
	رازگهان (لوقا ۲۲- ۲۴)	
	حفظ کردن (یوحنا ۱۱: ۲۵)	
	تعلیم (خدمات بنا کننده در کلیسا: از دیاد مسیحیان و کلیساها)	
۵۲		درس ۳۲
	رازگهان (تیطس ۱- ۳)	
	حفظ کردن (یوحنا ۱۲: ۳۲)	
	بررسی کتاب مقدس (یوحنا ۱۴)	

۵۸	رازگهان (عبرانیان ۱-۳) حفظ کردن (یوحنا ۱۳: ۳۴-۳۵) تعلیم (خدمات بنا کننده در کلیسا: تصمیم‌گیری و دادن مشورت)	درس ۳۳
۶۷	رازگهان (عبرانیان ۴-۷) حفظ کردن (یوحنا ۱۴: ۶) بررسی کتاب مقدس (یوحنا ۱۵)	درس ۳۴
۷۳	رازگهان (عبرانیان ۸-۱۰) حفظ کردن (یوحنا ۱۰: ۲۸) تعلیم (خدمات بنا کننده در کلیسا: خدمت بر اساس عطایای روحانی)	درس ۳۵
۸۲	رازگهان (عبرانیان ۱۱-۱۳) حفظ کردن (۵ آیه آخر حفظی را از انجیل یوحنا مرور کنید) بررسی کتاب مقدس (یوحنا ۱۶)	درس ۳۶
۸۸	مسئولیت والدین در رابطه با تأدیب فرزندان	ضمیمه ۱
۹۳	جمع آوری اطلاعات به منظور مشورت دادن	ضمیمه ۲
۹۶	طرح‌ریزی برنامه‌های خوب	ضمیمه ۳
۱۰۲	عطایای روحانی بیشتر	ضمیمه ۴

ضمیمه‌های دستور عمل شاگردسازی - کتاب اول " بروید و شاگردان بسازید " را ملاحظه کنید:  
روش‌های رازگهان، بررسی کتاب مقدس، تعمق و حفظ کردن

## برنامه آموزشی ۲

این برنامه فشرده را می‌توان هفته‌ای یکروز (یک روز کامل) و یا در یک دوره فشرده آموزشی شش روزه استفاده کرد. تمام گروه را با همراهی یک سرگروه آموزش دیده، به گروه‌های کوچک تقسیم کنید. تعداد افراد هرگروه بین حدود ۳ یا ۱۰ نفر باشد.

### برنامه پیشنهادی:

پرستش (گروه)	۹:۰۰ - ۹:۳۰
تعلیم (گروه)	۹:۳۰ - ۱۱:۰۰
وقت استراحت	
بررسی کتاب مقدس (گروه)	۱۱:۳۰ - ۱۳:۰۰
وقت استراحت	
وقت اضافی برای پایان دادن تعلیم یا بررسی کتاب مقدس، برای پاسخ به سوالات یا برای یک تعلیم دیگر احتمالی (گروه)	۱۶:۰۰ - ۱۷:۰۰
وقت استراحت	
تعمق و حفظ کردن آیات (دونفری)	۱۷:۳۰ - ۱۷:۴۵
مطالعه کتاب مقدس برای رازگهان (به تنهایی)	۱۷:۴۵ - ۱۸:۳۰
رازگهان (دونفری)	۱۸:۳۰ - ۱۹:۰۰
در میان گذاشتن برکات و دعا (در گروه‌های کوچک حداکثر ده نفره)	۱۹:۰۰ - ۱۹:۴۵

### روز اول (دروس ۲۵ و ۲۶)

دعا  
تعلیم (خدمات بنا کننده در کلیسا: پرورش فرزندان در خانواده مسیحی)  
بررسی کتاب مقدس (یوحنا ۱۱)  
حفظ کردن (پیدایش ۲: ۲۴؛ افسسیان ۵: ۲۳، ۲۵)  
مطالعه کتاب مقدس در رازگهان (لوقا ۱-۷)  
رازگهان (دونفری: لوقا ۶: ۲۷-۴۵)  
در میان گذاشتن برکات و دعا

### روز دوم (دروس ۲۷ و ۲۸)

دعا  
تعلیم (تربیت فرزندان در خانواده مسیحی)  
بررسی کتاب مقدس (یوحنا ۱۲)  
حفظ کردن (تیطس ۲: ۴-۵؛ متی ۵: ۲۳-۲۴)  
مطالعه کتاب مقدس در رازگهان (لوقا ۸-۱۴)  
رازگهان (دونفری: لوقا ۱۱: ۳۳-۵۴)  
در میان گذاشتن برکات و دعا کردن

### روز سوم (دروس ۲۹ و ۳۰)

دعا  
تعلیم (خدمات بنا کننده در کلیسا: آموزش مسیحیان نوایمان از طریق ارائه کمک شخصی)  
بررسی کتاب مقدس (یوحنا ۱۳)  
حفظ کردن (امثال ۳: ۳-۴ و مرور مجموعه "ازدواج مسیحی")  
مطالعه کتاب مقدس در رازگهان (لوقا ۱۵-۲۱)  
رازگهان (دونفری: لوقا ۱۸: ۱۵-۴۳)  
در میان گذاشتن برکات و دعا کردن

### روز چهارم (دروس ۳۱ و ۳۲)

دعا

تعلیم (خدمات بنا کننده در کلیسا: ازدیاد مسیحیان و کلیساها)  
بررسی کتاب مقدس (یوحنا ۱۴)  
حفظ کردن (یوحنا ۱۱: ۲۵ و یوحنا ۱۲: ۳۲)  
مطالعه کتاب مقدس در رازگهان (لوقا ۲۲ - ۲۴ و تیطس ۱ - ۳)  
رازگهان (دو نفری: تیطس ۲: ۱ - ۳: ۱۱)  
در میان گذاشتن برکات و دعا کردن

### روز پنجم (دروس ۳۳ و ۳۴)

دعا

تعلیم (خدمات بنا کننده در کلیسا: تصمیم گیری و دادن مشورت)  
بررسی کتاب مقدس (یوحنا ۱۵)  
حفظ کردن (یوحنا ۱۳: ۳۴ - ۳۵ و یوحنا ۱۴: ۶)  
مطالعه کتاب مقدس در رازگهان (عبرانیان ۱ - ۷)  
رازگهان (دو نفری: عبرانیان ۳: ۱۲ - ۴: ۱۶)  
در میان گذاشتن برکات و دعا کردن

### روز ششم (دروس ۳۵ و ۳۶)

دعا

تعلیم (خدمات بنا کننده در کلیسا: خدمت بر اساس عطایای روحانی)  
بررسی کتاب مقدس (یوحنا ۱۶)  
حفظ کردن (یوحنا ۱۵: ۵ و ۵ آیه آخر حفظی را از انجیل یوحنا مرور کنید)  
مطالعه کتاب مقدس در رازگهان (عبرانیان ۸ - ۱۳)  
رازگهان (دو نفری: عبرانیان ۱۲: ۱ - ۲۹)  
در میان گذاشتن برکات و دعا کردن

### امکانات برای تعلیم دیگر احتمالی

مسئولیت والدین در رابطه با تأدیب فرزندان	ضمیمه شماره ۱
جمع آوری اطلاعات به منظور مشورت دادن	ضمیمه شماره ۲
طرح ریزی برنامه های خوب	ضمیمه شماره ۳
سایر عطایای روحانی	ضمیمه شماره ۴

## درس ۲۵

۱	دعا
---	-----

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) لوقا
---	---

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگهان خود را از قسمت مشخص شده (لوقا ۱: ۱- ۴: ۳۰) با دیگران در میان بگذارید (یا از روی یادداشت‌های رازگهان آن روز بخوانید).  
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان می‌گذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: ازدواج مسیحی
---	--

دو نفری تعمق، حفظ و مرور کنید: ترك کردن و پیوستن: پیدایش ۲: ۲۴

۴	تعلیم (۸۵ دقیقه) پرورش فرزندان در خانواده مسیحی
---	--

**مقدمه:** این تعلیم در مورد چگونگی پرورش فرزندان در خانواده مسیحی است. در این درس خواهیم آموخت که کتاب مقدس راجع به مسئولیتهای والدین مسیحی در قبال پرورش فرزندانشان به ما چه تعلیمی می‌دهد. در این رابطه مخصوصاً بر نمونه بودن والدین و محبت کردن آنها به فرزندان، تأکید خواهیم ورزید. بر طبق اشعیا ۴۳: ۷، خدا فرزندان را برای جلال خودش آفریده است. بنابراین مطابق مزمو ۱۲۷: ۳، فرزندان متعلق به خدا هستند. خدا فرزندان را به والدین به ودیعه سپرده است تا به نیابت از او به تربیت آنها بپردازند. در اول سموئیل ۱: ۱۱، ۲۸ می‌خوانیم که چگونه حنا فرزند خود را به خدا تقدیم کرد. او دعا کرده بود که خدا به او فرزندی عطا کند، و خدا نیز در پاسخ دعایش فرزندی به او بخشید. حنا این فرزند را تقدیم خدا کرد تا تمامی ایام عمرش در خدمت خداوند باشد. خدا از مسیحیان می‌خواهد که فرزندان خود را در ترس او بزرگ کنند، ولی آنها را موظف نمی‌سازد که فرزندان‌شان را به کلیسا یا سازمان خاصی وقف کنند یا آنها را به طور تمام وقت وقف خدمت خدا بنمایند. اینها مواردی است که وقتی خود فرزند به سن بلوغ رسید، باید در مورد آنها تصمیم بگیرد. خدا از بسیاری از فرزندان مسیحی دعوت می‌کند که او را از طریق زندگی روزانه خود در جامعه، خدمت کنند. اما با اینحال، خدا از والدین نیز انتظار دارد که فرزندان خود را به نیابت از او بر طبق تعالیم کتاب مقدس تربیت نمایند. خدا سه مسئولیت مهم بر دوش والدین نهاده است: نمونه بودن برای فرزندان، محبت کردن و تعلیم دادن به آنها.  
در درس بعدی در رابطه با "تعلیم و تربیت فرزندان" خواهیم آموخت.

### الف - وظیفه والدین در زمینه نمونه بودن برای فرزندان

#### ۱- دو نمونه از والدین

**کشف و گفتگو کنید:** پدر یا مادر کدام يك از دو تأثیر زیر را می‌توانند بر روی فرزند خود داشته باشند؟

الف) کتاب مقدس در مورد والدینی که نمونه بد هستند، هشدار می‌دهد.  
بخوانید: اول پادشاهان ۲۲: ۵۱-۵۳؛ دوم تواریخ ۲۵: ۲، ۱۴-۲۰؛ ۲۶: ۴، ۱۶-۱۹.



**ملاحظات:** اخزیا، پادشاه اسرائیل در نظر خداوند شرارت ورزید، زیرا از راه‌های گناه‌آلود والدین خود، اخاب و ایزابل که اسرائیل را نیز به گناه کشاندند، پیروی کرد. والدین اخزیا بت پرست بودند و او خود نیز به بت پرستی گرایش پیدا کرد. امصیای پادشاه خدا را با تمام دل خدمت نمی‌کرد، بلکه شخصی مغرور و گستاخ بود. پسر او عززیای پادشاه نیز از نمونه پدرش پیروی کرد و به شخصی مغرور و گستاخ تبدیل شد.

(ب) کتاب مقدس در رابطه با تأثیر خوب والدینی که برای فرزندان‌شان نمونه هستند نیز صحبت می‌کند.  
**بخوانید:** امثال ۳۱: ۱۰-۳۱

**ملاحظات:** مادری که در امثال فصل ۳۱ به وی اشاره شده است، چنان تأثیر مثبتی از خود بر جای نهاده بود که شوهر و فرزندان او را ستودند، زیرا برکت بزرگی برای آنها بود. بنابراین خیلی مهم است که والدین در این ۵ مورد نمونه خوبی برای فرزندان خود باشند: اطاعت، صداقت، احترام، حکمت و محبت.

(پ) با این که والدین مسیحی نجات دارند (یعنی عادل شمرده شده‌اند)، در برخی مواقع مرتکب گناه می‌شوند (اول یوحنا ۱: ۸-۲: ۲).

**بخوانید:** متی ۵: ۲۳-۲۴؛ امثال ۳: ۳۳

**ملاحظات:** والدین انسانهای کاملی نیستند، بلکه گاهی دچار اشتباه نیز می‌شوند و در برخی مواقع بر فرزندان خود تأثیر بد می‌گذارند. پدر یا مادر در چنین مواردی می‌توانند از فرزند خود به خاطر کوتاهی یا خطایی که از آنها سر زده است، طلب بخشش کنند و با فرزندان آشتی نمایند. شخص عادل چنین کاری را انجام می‌دهد. لعنت خداوند بر خانه شیران است ولی او خانه عادلان را برکت می‌دهد (۱ پطرس ۳: ۱۲).

## ۲- نمونه‌هایی از وظایف الهی که بر دوش والدین است.

**کشف و گفتگو کنید:** دختر خانواده معمولاً در آینده شبیه چه کسی خواهد شد؟ پسر خانواده در آینده شبیه چه کسی می‌شود؟ بهترین راهی که فرزندان می‌توانند خصوصیات خوبی چون محبت، رهبری، احترام و اطاعت را یاد بگیرند این است که هر روزه چنین خصوصیتی را در اعمال و رفتار والدین خود شاهد باشند.

(الف) وظایف الهی که بر دوش يك مادر است.

**بخوانید:** پیدایش ۳: ۱۶؛ تیطس ۲: ۴-۵

**ملاحظات:** وظایف الهی که بر دوش مادر است عبارتند از محبت و احترام نسبت به پدر فرزندان و اطاعت کردن از او. تیطس ۲: ۴ تعلیم می‌دهد که مادران جوان باید شوهران و فرزندان خود را دوست داشته باشند. خویشتندار و عقیف و کدبانو و مهربان باشند و از شوهران خود اطاعت کنند تا کلام خدا بد گفته نشود. اگرچه زنان نیز به اندازه مردان در دید خدا ارزش دارند، خدا عملکردهای متفاوتی را به آنان محول کرده است: از نظر فیزیکی، به دنیا آوردن فرزندان؛ از نظر اجتماعی، داشتن روابط در چهارچوب ازدواج و خانواده؛ و از نظر روحانی، مسئولیتهایی که در کلیسا بر عهده دارند. اینگونه وظایف الهی ممکن است از دید دنیا قابل قبول نباشد، ولی زنان مسیحی باید کماکان آنها را در چارچوب ملکوت خدا رعایت کنند. فرزندان بویژه هنگامی که هنوز به سن بلوغ نرسیده‌اند، در خانه به حضور مادر نیاز دارند تا به آنها محبت کند و آنان را تعلیم و تربیت نماید. موضوع "اشتغال مادر" باید از يك طرف در پرتو میل زن برای تحصیل اموال مادی بیشتر، داشتن زندگی متمول و برخورداری از استقلال فردی مورد ارزیابی قرار گیرد، و از طرف دیگر با در نظر گرفتن نیازهای روحانی، مادی، اجتماعی و عاطفی فرزندان.

(ب) وظایف الهی که بر دوش پدر است.

**بخوانید:** پیدایش ۳: ۱۷-۱۹؛ افسسیان ۵: ۲۲-۲۵؛ ۶: ۴؛ اول قرنتیان ۱۳: ۴-۸

**ملاحظات:** وظایف الهی که بر دوش پدر است عبارتند از محبت کردن به مادر فرزندان و هدایت کردن او. پدران باید همانگونه که مسیح مسیحیان را محبت می‌کند، مادر فرزندان خود را محبت کنند. آنها باید همچنان که مسیح کلیسا را رهبری می‌کند، مادر فرزندان خود را هدایت و رهبری کنند. اگرچه خدا وظیفه کار و کسب درآمد را بر عهده پدران نهاده است، اما آنها این مسئولیت را نیز دارند که فرزندان خود را مطابق معیارهای کلام خدا تعلیم داده، تربیت کنند. چنین وظایف الهی ممکن است از دید دنیا مطرود و غیرقابل قبول باشد، اما پدران مسیحی باید آنها را در چارچوب ملکوت خدا رعایت کنند. فرزندان بویژه هنگامی که هنوز در سن نوجوانی هستند، به پدري نیاز دارند که به آنها توجه می‌کند، با آنها رابطه‌ای دوستانه دارد، و آنها را نصیحت و تشویق می‌کند.

(پ) در يك خانواده، پدر و مادر هر چه بکارند، همان را درو خواهند کرد.

**بخوانید:** غلاطیان ۶: ۷-۸؛ حزقیال ۱۶: ۴۴

**ملاحظات:** وقتی يك پدر مثل مسیح به همسر خود محبت کند و او را رهبری نماید، برای مادر نیز دشوار نخواهد بود که به شوهرش محبت کند و تسلیم هدایت و رهبری او باشد. فرزندان با مشاهده رفتاری که پدر و مادر نسبت به هم دارند، یاد

می‌گیرند که خود نیز باید دیگران را محبت و احترام کرده، در عمل افرادی مطیع و نمونه باشند. وقتی پدر و مادر مسئولیتهایی را که خدا بر عهده آنها نهاده است از جان و دل انجام می‌دهند، فرزندان با مشاهده آنها یاد می‌گیرند که آنها نیز باید در ملکوت خدا مانند والدین‌شان رفتار کنند. بدین ترتیب مطابق آنچه در حزقیال ۱۶: ۴ آمده: "دختر به مثال مادرش و پسر به مثال پدرش خواهد بود".

**ت) دلایل بالا نشان می‌دهند که چرا هر فرزندی به يك پدر و يك مادر نیاز دارد**  
**بخوانید:** ملاکی ۲: ۱۳-۱۶؛ لوقا ۱۴: ۱۲-۱۴؛ یعقوب ۱: ۲۷

**ملاحظات:** یکی از دلایلی که خدا از طلاق تنفر دارد این است که طلاق به فرزندان ضرر غیرقابل پیش بینی می‌رساند. خدا با استفاده از خانواده‌ای خداترس، فرزندان خداترس بر می‌انگیزد. و اگر پدر یا مادر از این دنیا بروند یا از هم جدا شوند، برادران و خواهران مسیحی باید به فرزندان چنین اشخاصی توجه خاصی نشان دهند و آنها را به خانه‌های خود دعوت کرده، در مورد حقایق روحانی به آنها تعلیم دهند.

### **۳- نمونه بودن والدین در واکنشی که نسبت به مردم و شرایط دارند.**

**کشف و گفتگو کنید:** يك پدر یا مادر در چه شرایطی می‌توانند بر فرزندان خود تأثیر بگذارند؟ بسیار مهم است که فرزندان ببینند والدین‌شان نسبت به مردم و شرایط محیط پیرامون چگونه واکنشی دارند، بویژه نسبت به مردمی که تحمل کردن‌شان سخت است یا شرایطی که دشوار و طاقت‌فرسا است.

**الف) پیروی از نمونه خوب والدین**

**بخوانید:** اول تسالونیکیان ۱: ۳؛ ۵: ۱۴؛ رومیان ۸: ۲۸.

**ملاحظات:** روبرو شدن با مردمی که تحمل کردن‌شان سخت است یا شرایطی که دشوار و طاقت‌فرسا است، فرصت خوبی است تا والدین نشان دهند می‌توانند در زمینه محبت به مردم و حفظ ایمان و امید تحت شرایط سخت، برای فرزندان خود نمونه باشند. برای فرزندان افتخار بزرگی است که والدین‌شان به ضعف کمک کنند، آنهایی را که به تشویق احتیاج دارند تشویق نمایند و نسبت به همه صبور باشند. وقتی فرزندان می‌بینند که والدین‌شان به دیگران خدمت می‌کنند، آنها نیز یاد می‌گیرند که از الگوی والدین خود پیروی کنند. فرزندان وقتی می‌بینند که والدین‌شان مطیع خدا هستند و حتی در شرایط سخت زندگی تنها به او اعتماد دارند، آنها نیز وقتی به سن بلوغ رسیدند از همین الگوی والدین‌شان پیروی می‌کنند.

**ب) پیروی از نمونه بد والدین**

**بخوانید:** اول پطرس ۲: ۲۳

**ملاحظات:** اما فرزندان نه تنها از نمونه خوب والدین پیروی می‌کنند، بلکه از نمونه بد آنها نیز تأثیر می‌پذیرند. اگر والدین مدام از دیگران انتقاد کنند، در مورد مردم داوری نمایند و غیبت کنند، اگر وقتی مردم به آنها اهانت می‌کنند در صدد انتقام‌جویی برآیند و به تهدید دشمنان‌شان بپردازند، فرزندان آنها نیز وقتی به سن بلوغ برسند از همین نمونه بد والدین خود پیروی خواهند کرد.

### **۴- نمونه رابطه يك پدر یا مادر با خدا**

**الف) جایگاه خدا در يك خانواده مسیحی**

**کشف و گفتگو کنید:** خدا باید در يك خانواده مسیحی چه جایگاهی داشته باشد؟

**بخوانید:** تثیبه ۶: ۵-۶

**ملاحظات:** والدین باید در زمینه داشتن ارتباط با خدا برای فرزندان خود نمونه باشند. به عنوان مثال، آنها باید از طریق دعا و مطالعه روزانه کتاب مقدس، با خدا رابطه داشته باشند. در تثیبه ۶: ۵-۶، خدا به والدین حکم می‌کند که قبل از هر چیز، "خداوند خدای خود را به تمامی جان و تمامی قوت خود محبت نمایند". والدین باید اجازه دهند که احکام خدا در زندگی آنها تحقق پیدا کند و آنها را در رفتار و نحوه زندگی‌شان هدایت نماید. خدا باید در زندگی پدر و مادر و در يك خانواده مسیحی همیشه در رأس باشد.

**ب) جایگاه فرزندان و خدمت در خانواده مسیحی**

**کشف و گفتگو کنید:** فرزندان یا خدمت چه جایگاهی را نباید در يك خانواده مسیحی داشته باشد؟

**بخوانید:** متی ۱۰: ۲۷؛ اول تیموتاؤس ۳: ۴-۵

**ملاحظات:** عیسی در متی ۱۰: ۳۷ چنین تعلیم می‌دهد: "و هر که پدر یا مادر خویش را بیش از من دوست دارد، لایق من نباشد". بنابراین والدین نباید دچار این وسوسه شوند که تمام توجه خود را معطوف فرزندان خود کنند، زیرا بدین ترتیب فرزندان خود را افرادی لوس و جاه طلب تربیت خواهند کرد. بلکه آنها باید به فرزندان خود کمک کنند تا شخصیت خود را پرورش داده، افرادی بالغ و مسؤولیت‌پذیر باشند. به همین ترتیب يك خانواده مسیحی نباید تمام توجه خود را معطوف خدمت مسیحی کند، زیرا

بدین ترتیب فرزندان آن خانواده احساس می‌کنند که مورد غفلت واقع شده‌اند و اعتماد خود را نسبت به والدین خود از دست خواهند داد.  
یک خانواده مسیحی باید توجه خود را تنها معطوف خداوند عیسی مسیح و تعالیم او سازند. بدین ترتیب بین وظایف مختلف و اولویتهای والدین و فرزندان به بهترین وجه تعادل ایجاد خواهد شد.

## **ب - وظیفه والدین در خصوص محبت کردن به فرزندان خود**

### **۱ - محبت کردن بر طبق اصول قید شده در اول قرنیتیان فصل ۱۳**

**کشف و گفتگو کنید:** والدین مسیحی چگونه باید فرزندان خود را به طرزی عملی محبت کنند؟

**بخوانید:** اول قرنیتیان ۱۳: ۴ - ۸

**ملاحظات:** والدین باید فرزندان خود را بر اساس اصول قید شده در کتاب مقدس محبت کنند، نه اینکه آنها را لوس بار آورند یا از لحاظ احساسی دلباخته آنها شوند. منظور از "حلم"، محبتی است که می‌تواند صبر کند و منتظر بماند؛ محبتی که مهربانی را بر فرزند تحمیل نمی‌کند، بلکه می‌تواند برای نشان دادن مهر و محبت منتظر بماند. "مهربانی" محبتی دوستانه است، و از هر فرصتی جهت نیکی کردن به فرزند سود می‌جوید. آنچه را که برای فرزند "خوب و نیکو" است، خواسته‌ها یا عیبجویی‌های او تعیین نمی‌کند، بلکه کلام خدا و تجربه والدین تعیین‌کننده آن است. "حسد نوزیدن" عبارت است از محبتی که می‌داند باید از فرزند بخاطر دستاوردهایش قدردانی کند و برایش احترام قائل شود. "فخر نکردن" محبتی است که فروتن است، به فضائل و دستاوردهای خود نمی‌بالد، و سعی نمی‌کند فرزندان خود را از این طریق تحت تأثیر قرار دهد. "مغرور نبودن" عبارت است از محبتی که در آن والدین در خصوص نقاط قوت و ضعف خویش با فرزندان‌شان صریح هستند، لاف نمی‌زنند و بخود مباحثات نمی‌کنند. فرزندان خیلی زود متوجه می‌شوند که آیا والدین‌شان با آنها رو راست هستند یا اینکه صرفاً تظاهر می‌کنند. "نداشتن رفتار ناشایست" محبتی است که در آن والدین با فرزند خود به نیکی و بطور شایسته رفتار می‌کنند. "نفع خود را طالب نبودن" محبتی است که در آن والدین بیشتر به علایق و خواسته‌های فرزندان‌شان توجه نشان می‌دهند تا به خواسته‌های شخصی خودشان. "به آسانی خشمگین نشدن" محبتی است که در آن والدین با فروتنی رفتارها و حرکات بچگانه فرزندان خود را تحمل می‌کنند و رنجیده‌خاطر نمی‌شوند.

### **۲ - محبت کردن از طریق توجه کامل به هر فرزند**

**کشف و گفتگو کنید:** والدین مسیحی چگونه باید به طرزی عملی به فرزندان خود توجه نشان دهند؟

**الف) نشان دادن توجه مخصوص به فرزند**

**بخوانید:** غلاطیان ۶: ۷ - ۸

**ملاحظات:** والدین باید به فرزندان خود توجه خاصی نشان دهند، زیرا در غیر اینصورت، فرزندان نیز وقتی به سنین نوجوانی برسند مایل نخواهند بود به والدین خود توجه نشان دهند. آنچه را که والدین در زمان کودکی فرزندان‌شان کاشته‌اند، در زمان نوجوانی آنها درو خواهند کرد.

**ب) باید به دقت به سخنان فرزند گوش داد.**

**بخوانید:** امثال ۱۸: ۱۳

**ملاحظات:** والدین باید یاد بگیرند که به دقت به سوالات و صحبت‌های فرزندان‌شان توجه نشان دهند. آنها نباید بین فرزندان‌شان فرق بگذارند، نسبت به صحبت‌های آنها بی‌اعتنا باشند و در مورد آنچه آنها می‌گویند قضاوت نادرست کنند. آنها همچنین باید با صبر و حوصله به صحبت‌های فرزندان‌شان گوش دهند و منتظر باشند فرزندان‌شان سخنان خود را به پایان برسانند. والدین باید سخنان فرزندان‌شان را جدی بگیرند تا آنها احساس کنند که والدین آنها را می‌پذیرند (رومیان ۱۵: ۷). وقتی که فرزندان احساس کنند والدین‌شان مدام به فکر انتقاد کردن از صحبت‌های آنها هستند یا آنها را مورد تمسخر قرار می‌دهند، این حس در آنها ایجاد می‌شود که والدین‌شان نه تنها سخنان آنها را رد می‌کنند بلکه خود آنها را نیز نمی‌پذیرند. اگر فرزندی به سخنان والدین خود گوش نمی‌کند، شاید به این دلیل است که والدین نیز به سخنان او گوش نمی‌دهند.

**پ) اوقات مشخصی را به فرزندان خود اختصاص دهید.**

**بخوانید:** مرقس ۳: ۱۳ - ۱۴

**ملاحظات:** عیسی مایل بود که شاگردانش "با او" باشند. او تنها از طریق "بودن با آنها" می‌توانست بر روی آن تأثیر گذاشته، آنها را تعلیم دهد. والدین باید طوری برنامه‌ریزی کنند که بتوانند بطور مرتب با فرزندان خود وقت داشته باشند. به عنوان مثال، می‌توانید با فرزندان خود کارهایی خلاق انجام دهید، مثلاً با آنها بازی کنید، با آنها به گردش بروید، با یکدیگر سرود بخوانید، برای‌شان داستان تعریف کنید، و غیره. تمام کارهای مهم را "با آنها" انجام دهید.

ت) از خودتان و پولتان مایه بگذارید.

**بخوانید:** دوم قرنیتان ۱۲: ۱۴-۱۵

**ملاحظات:** پولس می‌فرماید که والدین باید برای فرزندان خود پول پس انداز و خرج کنند. او در مورد خود می‌فرماید که با خوشحالی حاضر است هر آنچه دارد برای فرزندان روحانی خود خرج کند. والدین باید با خوشحالی در جهت رفع نیازهای واقعی فرزندان خود پول خرج کنند. آنها باید فرزندان خود را به خوبی در خانه تعلیم دهند، و برای آنها امکان برخورداری از تحصیلات خوب و تعالیم روحانی را فراهم سازند. والدین باید با کمال میل چنین کنند، ولو آنکه بدین منظور مجبور باشند در موارد دیگر صرفه‌جویی کنند یا هر دو زمانی که فرزندان در منزل نیستند، کار کنند. به‌علاوه، والدین باید سعی کنند در آینده نیز از نظر مالی باری بر دوش فرزندان خود نگذارند.

پولس همچنین می‌فرماید که با خوشحالی حاضر است هر چه دارد در راه جانهای آنها خرج کند. حتی اگر فرزندان روحانی او به محبت پدرانه او ارزش نهند، کماکان حاضر است که هیچ‌گونه محبتی را از فرزندان خود دریغ نکند. محبت اندک آنها نسبت به پولس باعث نمی‌شود که او نیز از محبت خود نسبت به آنها بکاهد، زیرا هدف پولس این نیست که فرزندان را به خود پیوند دهد، بلکه به مسیح. به همین ترتیب مسیح نیز نیامد تا توسط فرزندان روحانی اش خدمت شود، بلکه تا آنها را خدمت کند و جان خود را در راه آنها قربانی نماید (مرقس ۱۰: ۴۵). البته والدین باید بین فداکاری به منظور رفع نیازهای واقعی فرزندان از یک سو، و لوس کردن آنها از طریق دادن هر چیزی که فرزندان بخواهند، تمایز بگذارند.

### ۳- محبت کردن به فرزندان از طریق پرورش حس بلوغ و احساس استقلال و وابستگی سالم در آنها

**مقدمه:** برخی از فرزندان کاملاً مستقل هستند و هیچ قدرت یا کنترلی را که بخواهد بر آنها اعمال نفوذ کند نمی‌پذیرند. چنین فرزندان ممکن است در آینده تبدیل به افرادی سرکش و جنایتکار شوند. در مقابل، برخی از فرزندان کاملاً به والدین خود یا شخصی دیگر وابسته می‌شوند. چنین فرزندان هیچ‌گاه نمی‌توانند به بلوغ کامل برسند، بلکه دچار مشکلات مختلف شخصیتی می‌شوند. هم به هیچ کس وابسته نبودن خطرناک و ناسالم است، هم وابستگی مطلق به دیگران. کتاب مقدس از یک سو تعلیم می‌دهد که مسیحیان بالغ به یکدیگر نیازمندند و باید یکدیگر را خدمت کنند (اول قرنیتان ۱۲: ۲۱؛ اول پطرس ۴: ۱۰). بنابراین فرزندان نیاز دارند که در روابط خود با یکدیگر تا حدی به هم احساس وابستگی کنند، منتهی وابستگی سالم. ولی از طرف دیگر، کتاب مقدس هشدار می‌دهد که مسیحیان نباید به هیچ طریق خود را اسیر و برده دیگران سازند (ارمیا ۱۷: ۵-۸؛ غلاطیان ۱: ۱۰). بنابراین فرزندان باید در زمینه برخورداری از احساس وابستگی سالم و دوطرفه که مخرب نیست، رشد کنند.

الف) به فرزندان تان فعالیتها یا مسئولیتهای خاصی را محول کنید.

**کشف و گفتگو کنید:** کتاب مقدس در این رابطه که والدین باید به فرزندانشان کمک کنند تا در زمینه بلوغ و داشتن وابستگی سالم دوطرفه رشد کنند، چه تعلیمی می‌دهد؟

**بخوانید:** مراثی ۳: ۲۷

**ملاحظات:** والدین از طریق محول کردن فعالیتها و وظایفی خاص بر دوش فرزندان، به آنها کمک می‌کنند که در زمینه بلوغ و داشتن وابستگی سالم دو طرفه رشد کنند. مراثی ۳: ۲۷ تعلیم می‌دهد: "برای انسان نیکوست که یوغ را در جوانی خود بردارد". والدین نباید در این زمینه غفلت کنند. خدا وظیفه تربیت فرزندان را به عهده والدین نهاده است و آنها نباید در انجام این وظیفه کوتاهی کنند. تعلیم و تربیت فرزندان مستلزم آن است که والدین دارای حکمت باشند و بدین منظور از وقت و توان خود مایه بگذارند. این امر مستلزم تلاش و وقت زیاد و انضباط شخصی از سوی خود فرزند نیز هست. خدا به والدین می‌فرماید که نباید از سپردن وظایف به فرزندان خود هراسان باشند. فرزندان اگر بیش از حد اوقات فراغت داشته باشند، خسته می‌شوند و این خطر هست که مرتکب کارهای ناشایست و حتی اعمال جنایت‌آمیز شوند. ولی اگر به انجام فعالیتها و وظایف سالم مشغول شوند، تبدیل به افرادی بالغ و مسئولیت‌پذیر خواهند شد. اگر فرزندان در محیط خانوادگی سالم یاد بگیرند که فعالیتها و وظایف خاصی را انجام دهند، در آینده نیز خواهند توانست در جامعه‌ای ناسالم، افرادی سالم و مفید باشند.

ب) به فرزندان خود درس قناعت یاد دهید.

**کشف و گفتگو کنید:** بر طبق قسمتهایی که در زیر از کتاب مقدس قید شده است، والدین چگونه می‌توانند به فرزندان خود کمک کنند که در زمینه بلوغ و داشتن وابستگی سالم دو طرفه رشد نمایند؟

**بخوانید:** فیلیپیان ۴: ۱۱-۱۲؛ اول تیموتاؤس ۶: ۶-۱۰

**ملاحظات:** والدین از طریق آموختن درس قناعت به فرزندان خود به آنها کمک می‌کنند تا در زمینه بلوغ و داشتن وابستگی سالم دوطرفه رشد کنند. اگر والدین فرزندان خود را واقعاً دوست داشته باشند، به آنها هر چه که فرزندان بخواهند نمی‌دهند. چون بدین ترتیب فرزندان افرادی لوس و پرتوقع بار خواهند آمد. ولی وقتی فرزندان درس قناعت بیاموزند، یاد خواهند گرفت که چگونه وقتی چیزی می‌خواهند، خودشان ابتکار عمل بخرج دهند و برای بدست آوردن آن قدم اول را بردارند. به عنوان مثال، ممکن است لازم باشد فرزند برای رسیدن به خواسته‌های خود، شغلی نیمه‌وقت داشته باشد یا در یک دوره آموزشی شرکت کند، و یا در یک مرکز فعالیت اجتماعی کمک کند.

پ) بیش از حد از فرزندان خود محافظت نکنید.

**کشف و گفتگو کنید:** بر طبق قسمتی که در زیر از کتاب مقدس ذکر شده است، والدین چگونه می‌توانند به فرزندان خود کمک کنند که در زمینه بلوغ و داشتن وابستگی سالم دو طرفه رشد کنند؟

**بخوانید:** اشعیا ۴۳: ۲

**ملاحظات:** والدین با افراط نکردن در محافظت از فرزندان خود، به آنها کمک می‌کنند که در زمینه بلوغ و داشتن وابستگی سالم دو طرفه رشد کنند. فرزندان باید یاد بگیرند در این دنیایی که پر از خطرات و وسوسه‌های گوناگون است زندگی کنند. در اشعیا ۴۳: ۲، خدا به فرزندان خود وعده داده می‌فرماید: "چون از آنها بگری من با تو خواهم بود و چون از نهرها عبور کنی تو را فرو نخواهند گرفت. و چون از میان آتش روی سوخته نخواهی شد و شعله‌اش تو را نخواهد سوزانید". وقتی والدین سعی می‌کنند فرزندان خود را از هر خطر یا شرارتی محافظت کنند، فرزندان آنها هرگز نحوه مقابله با خطرات و اتفاقات بد را نخواهند آموخت. به علاوه، یاد نخواهند گرفت که چگونه باید در رویارویی با مسائل پیچیده و وسوسه‌های سخت، به خدا توکل کنند. البته والدین باید هر گاه ضرورت ایجاد می‌کند از فرزندان خود محافظت کنند. ولی این فرصت را نیز باید به آنها بدهند که شخصاً با وسوسه‌ها، خطرات و مشکلات مقابله کنند. تنها در این صورت است که فرزندان یاد می‌گیرند که چگونه با حکمت عمل کنند، تصمیمات درست بگیرند و به وعده‌های خدا ایمان داشته باشند. بنابراین در کنار فرزند خود بایستید، در مورد مشکلات این دنیا و عواقب آن با او صحبت کنید، او را تشویق کنید، به او مشورت‌های حکیمانه بدهید و با او دعا کنید تا او احساس نکند که مشکلات از هر سو احاطه‌اش کرده‌اند. ولی موقعیتهایی را نیز که فرزند از طریق آنها با مسائل زندگی آشنا می‌شود، از او سلب نکنید.

ت) حس مالکیت نداشته باشید.

**کشف و گفتگو کنید:** بر طبق قسمتی که در زیر از کتاب مقدس ذکر شده است، والدین چگونه می‌توانند به فرزندان خود کمک کنند که در زمینه بلوغ و داشتن وابستگی سالم دو طرفه رشد کنند؟

**بخوانید:** مزمو ۱۲۷: ۳

**ملاحظات:** والدین از طریق نداشتن حس مالکیت نسبت به فرزندان خود، به آنها کمک می‌کنند که در زمینه بلوغ و داشتن وابستگی سالم دو طرفه رشد کنند. فرزندان باید یاد بگیرند که نه به والدین، بلکه به خدا تعلق دارند. هر فرزندی در دنیا به خدا تعلق دارد. بنابراین والدین نباید در رابطه با فرزندانشان حس مالکیت داشته باشند و فکر کنند که فرزندانشان متعلق به آنها هستند. خدا فرزندان را به والدین سپرده است تا آنها را به نیابت از او تربیت کنند. "محبت مادرانه‌ای که توأم با حس تملک باشد"، باعث می‌شود که چنین مادری بخواهد از تمام افکار و اعمال فرزند خود مطلع شود؛ یا عملکردهای او را تحت کنترل داشته باشد و یا از نظر عاطفی فرزند خود را کاملاً وابسته به خود سازد. "محبت پدرانه‌ای نیز که توأم با حس تملک باشد" باعث می‌شود چنین پدری در زندگی به جای فرزندش تصمیم بگیرد. اگر والدین محبتی توأم با حس تملک نسبت به فرزندان خود داشته باشند، در فرزندان نیز احساس مالکیت بوجود می‌آید. و آنها را خودخواه، حریص، سرکش و خسیس بار می‌آورند. بنابراین والدین باید خصوصیات مهمی چون انکار نفس، بخشندگی و خدمت به دیگران را به فرزندان خود بیاموزند.

**خلاصه:** والدین این وظیفه را بر دوش دارند که به فرزندان خود کمک کنند تا در زمینه بلوغ و داشتن وابستگی سالم دو طرفه رشد کنند. البته فرزندان تا حد زیادی از دوستان، معلمان مدرسه و رسانه‌های گروهی چون تلویزیون و کتابهایی که مطالعه می‌کنند، نیز تأثیر می‌پذیرند. بنابراین اگر والدین تمام تلاش خود را در زمینه تعلیم و تربیت فرزند خود به کار گرفته‌اند ولی با این حال فرزندان کماکان فردی نابالغ و مسؤلیت‌ناپذیر است، نباید احساس تقصیر کنند یا خود را به خاطر این موضوع سرزنش کنند.

در نهایت هر فرزندی، خود در رابطه با اعمال و کردار خود مسؤول می‌باشد. جامعه ۱۱: ۹؛ ۱۲: ۱، ۱۳- ۱۴ می‌فرماید: "ای جوان در وقت شباب خود شادمان باش و در روزهای جوانی‌ات دلت تو را خوش سازد. و در راههای قلبیت و بر وفق رؤیت چشمانت سلوک نما، لیکن بدان که به سبب این همه خدا تو را به محاکمه خواهد آورد... پس آفریننده خود را در روزهای جوانی‌ات به یاد آور قبل از آنکه روزهای بلا برسد و سالها برسد که بگویی مرا از اینها خوشی نیست... پس ختم تمام امر را بشنویم. از خدا بترس و اوامر او را نگاه دار چونکه تمامی تکلیف انسان این است. زیرا خدا هر عمل را با هر کار مخفی خواه نیکو و خواه بد باشد، به محاکمه خواهد آورد."

<b>دعا (۸ دقیقه)</b>	<b>۵</b>
<b>دعای در پاسخ به کلام خدا</b>	

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیابورید.

(سر گروه: رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

- ۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
- ۲ - موضوع "پرورش فرزندان در يك خانواده مسیحی" را برای یکدیگر، برای شخصی دیگر یا برای جمعی از مردم موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید. بر اساس اصول کتاب مقدسی نشان دهید که فرزندان را چگونه باید تربیت کرد.
- ۳ - رازگهان - هر روز نیمی از يك فصل از لوقا ۴: ۳۱-۷: ۵۰ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
- ۴ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (محبت و هدایت: افسسیان ۵: ۲۳، ۲۵) را مورد تعمق قرار داده و حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
- ۵ - بررسی کتاب مقدس - درس بعدی بررسی کتاب مقدس (یوحنا ۱۱) را در خانه آماده کنید. از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید.
- ۶ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
- ۷ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر (یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت های خود در مورد رازگهان، آیات حفظی، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

## درس ۲۶

۱	دعا
---	-----

**سرگروه:** دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) لوقا
---	---

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگهان خود را از قسمت مشخص شده (لوقا ۴: ۳۱-۷: ۵۰) با دیگران در میان بگذارید (یا از روی یادداشت‌های رازگهان آن روز بخوانید). به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان می‌گذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: ازدواج مسیحی
---	--

مرور: دو نفری مرور کنید. محبت و هدایت: افسسیان ۵: ۲۳، ۲۵

۴	بررسی کتاب مقدس (۸۵ دقیقه) یوحنا ۱۱: ۱-۵۷
---	--

**مقدمه:** یوحنا فصل ۱۱ (یوحنا ۱۰: ۴۰-۱۱: ۵۷) خدمت عیسی مسیح در پیریه را توصیف می‌کند که از ماه دسامبر سال ۲۹ تا ماه آوریل سال ۳۰ میلادی را در بر می‌گیرد (چهارماه). در یوحنا ۱۱: ۱-۴۴، عیسی از آنطرف رود اردن به بیت عنیا واقع در مجاورت اورشلیم سفر می‌کند تا ایلعازر مرده را برخیزاند. یوحنا ۱۱: ۴۵-۴۷ نیز اجتماع رهبران یهودی شورای سنهدرین را توصیف می‌کند که در صدد کشتن عیسی بودند.

<b>قدم ۱: بخوانید</b> بخوانید: یوحنا ۱۱: ۱-۵۷ را با هم بخوانیم. هر یک به نوبت يك آیه را بخواند تا تمام قسمت خوانده شود.
---

<b>قدم ۲: کشف کنید</b> توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ بنویسید: يك یا دو حقیقتی را که درک می‌کنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضاء گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم در میان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کرده‌ایم با یکدیگر در میان بگذاریم. (موارد زیر مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر در میان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید که در هر گروه کوچک اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم در میان می‌گذارند که نباید لزوماً یکسان باشند).
---

**کشف ۱)** در یوحنا ۱۱: ۹-۱۰ در رابطه با زمانی که خدا مقرر می‌کند تا وظیفه الهی را که به من واگذار کرده به تحقق برساند، حقیقت مهمی برای من وجود دارد. شاگردان به شرایط نگاه کردند و به عیسی هشدار دادند که به یهودیه بازنگردد، زیرا در آنجا یهودیان قصد داشتند او را بکشند. ولی عیسی در پاسخ آنها گفت که در طول روز، تا مدت زمان مشخصی نور

وجود دارد. انسان باید مادام که هنوز روز است و نور وجود دارد راه برود. منظور عیسی این بود که خدا مدت زمان مشخصی را در اختیار او نهاده است تا کار خدا را بر روی زمین به اتمام رساند. این زمان بواسطه تلاش شاگردان طولانی‌تر نمی‌شود و با نقشه قتل عیسی توسط دشمنانش کوتاه‌تر نیز نخواهد شد. خدا، خدایی قادر مطلق است و هیچ چیز و هیچ کس نمی‌تواند مدت زمان مشخصی را که او در اختیار هر کس نهاده است تغییر دهد. خدای پدر برای من نیز مدت زمان مشخصی را مقرر داشته تا در این مدت بر روی زمین زندگی کنم و کاری را که او به من سپرده است به انجام برسانم. تا زمانیکه من در نور نقشه خدا راه بروم، هیچ کس و هیچ وضعیتی نمی‌تواند در من خوف و نگرانی ایجاد کند. بنابراین هیچ گزندی به من نخواهد رسید و هیچگاه شکست نخواهم خورد. برآستی که چه اطمینان‌بخش است که می‌دانیم خدا بر تخت قدرتمند خود نشسته و بر تمام انسانها و شرایط احاطه دارد.

**کشف ۲)** در یوحنا ۱۱: ۳۳-۳۵ در این مورد که عیسی چگونه در روح مکرر و آشفته شد، برای من حقیقت مهمی وجود دارد. وقتی عیسی، مریم و یهودیانی را که به خاطر مرگ ایلعازر گریان بودند، دید: "در روح خود به شدت مکرر شده مضطرب گشت".

الف) اصطلاح "به شدت مکرر شدن" به مفهوم "مانند اسب خرناس کشیدن" یا "عصبانی شدن و عدم رضایت" است. عیسی با دیدن مردمی که در رنج و سختی بودند خشمگین می‌شد. چرا؟ او به خاطر وجود گناه خشمگین می‌شد، زیرا گناه عاملی اصلی تمام رنجها، غمها و مرگ است. ولی عیسی به شدت در روح خود مکرر شد. این جمله بیشتر بیانگر حس همدردی است تا خشم. بنابراین اصطلاح "به شدت مکرر شدن" بیشتر به "حس عمیق همدردی با انسانهایی که در رنج و سختی هستند" اشاره دارد.

ب) معنی اصطلاح "مضطرب گشتن"، "لرزش یا تکان خوردن" است. این اصطلاح در یوحنا ۱۲: ۲۷، بیانگر منقلب شدن و اضطرابی درونی است؛ یا به عبارت دیگر "آشفته‌گی و تلاطمی قابل رؤیت در نتیجه اضطرابی درونی". وقتی عیسی رنج و درد انسانهای دیگر را می‌دید، خود نیز به طرز قابل رؤیت متلاطم و آشفته می‌شد. این دو اصطلاح بر روی هم به این مفهوم هستند که عیسی در عین حال که به خاطر وجود گناه که عامل تمام غمها و رنجهای بشر است خشمگین بود، با دیدن انسانهای رنج‌دیده در روح مکرر می‌شد و با آنها همدردی می‌کرد. عیسی حتی گریست. اشکهای او بیانگر حس همدردی و محبت او برای انسانهای رنج‌دیده بود. من هم مایلیم که مانند عیسی چنین احساسی داشته باشم. من می‌خواهم به خاطر وجود گناه خشمگین باشم، ولی در عین حال با مردمی که در نتیجه وجود گناه در رنج و سختی هستند، همدردی کنم.

### قدم ۳: سؤال

**توجه کنید:** در این متن چه سؤالاتی در زمینه‌های مختلف وجود دارد که مایلید در گروه آنها را بپرسید؟ سعی کنیم تمام حقایق مربوط به یوحنا ۱۱: ۱-۵۷ را درک کنیم و در مورد آنچه نمی‌فهمیم سؤالهای خود را مطرح کنیم. **بنویسید:** تا آنجایی که امکان دارد سؤالهای خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.

**در میان بگذارید:** (بعد از اینکه مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد اجازه دهید که هرکدام از افراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد).

**گفتگو کنید:** (پس چند سؤال را از بین همه سؤالها انتخاب کنید و سعی کنید با گفتگو کردن در مورد آنها در گروه جوابی برای آنها پیدا کنید. در ادامه، نمونه سؤالاتی که ممکن است شاگردان بپرسند و همچنین ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است).

**سؤال ۱)** (یوحنا ۱۱: ۱۲-۱۳). مسیحیان مرگ و قیام را چگونه تلقی می‌کنند؟

### ملاحظات:

الف) ارواح مردگان در اطراف خانه یا قبور پرسیه نمی‌زنند. کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که ارواح مردگان در اطراف خانه‌ای که زمانی در آن زندگی می‌کرده‌اند یا قبرهایی که بدنهایشان در آنجا گذاشته شده است، پرسیه نمی‌زنند. به همین دلیل است که مسیحیان از ارواح مردگان ترسی ندارند و آنها را در هیچ مکانی، چه در خانه، معابد، مقبره‌ها و یا اماکن دیگر عبادت نمی‌کنند. کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که پس از مرگ، جانهای انسانهای مرده بلافاصله به بهشت یا جهنم منتقل می‌شوند. بر طبق فیلیپیان ۱: ۲۳، مرگ مسیحیان "رحلت از این جهان است به منظور بودن با مسیح".

ب) در کتاب مقدس "مرگ" غالباً به "خواب" تشبیه شده است. به عنوان مثال، در متی ۲۷: ۵۲ نوشته شده است که: "بسیاری از بدنهای مقدسین که آرامیده بودند برخاستند". این تشبیه بر این حقیقت دلالت دارد که در آن سوی خواب، بیداری پر جلالی وجود خواهد داشت. بیدار شدن از خواب مرگ، در کتاب مقدس قیامت نامیده می‌شود. هنگامی که عیسی گفت: "دوست ما ایلعازر در خواب است"، منظور او این بود که: "ایلعازر مرده است ولی بدن او از میان مردگان برخیزانده خواهد شد".



پ) روح يك شخص مرده از اتفاقاتی که در این جهان می‌گذرد آگاهی ندارد. اگرچه مرگ به خواب تشبیه شده است، کتاب مقدس تعلیم نمی‌دهد که روح يك شخص مرده به طور مطلق در خواب است و از هیچ واقعه‌ای آگاهی ندارد. روح يك شخص مرده تنها از وقایع جهان مادی که از آن رحلت کرده ناآگاه است. بر طبق اشعیا ۶۳: ۱۶، ارواح مردگانی چون ابراهیم و یعقوب، قادر به دیدن و شناختن انسانهای روی زمین نیستند. بر طبق جامعه ۹: ۶-۱۰، انسانهای مرده "از هیچ چیزی آگاهی ندارند" و "آنها دیگر هیچگاه در وقایع روی زمین نصیبی نخواهند داشت". بر طبق لوقا ۱۶: ۲۳-۳۱، اگرچه مرد ثروتمندی که مرده بود به پنج برادرش که هنوز بر زمین بودند فکر می‌کرد، اما اطلاعی از وضعیت آنها نداشت و همچنین قادر نبود با آنها ارتباط برقرار کند. ارواح انسانهای مرده از وقایع روی زمین هیچ آگاهی ندارند و قادر نیستند با انسانهای روی زمین ارتباط برقرار کنند. آنها نمی‌توانند بر روی انسانهای روی زمین هیچ گونه نفوذی داشته باشند و یا در رابطه با وقایع روی زمین برنامهریزی کنند. واقعه‌ای که در اول سموئیل فصل ۲۸ عنوان شده است، تقلیدی است جعلی از يك روح شریر.

ت) روح يك شخص مرده کاملاً از بهشت یا جهنم آگاه است. در لوقا ۱۶: ۲۳-۳۱، می‌خوانیم که ارواح مردگان در خواب نیستند، بلکه کاملاً بیدارند. آنها کاملاً از سرنوشت ابدی خود، یعنی رنج کشیدن در جهنم یا آرامش در بهشت، آگاهند. جانهای مسیحیانی که مرده‌اند کاملاً از جهانی که بدان رفته‌اند آگاه و هوشیارند. آنها از حضور خدا و مسیح و انسانهایی چون ابراهیم که در بهشت هستند، آگاهی دارند. آنها در حضور خدا زیست خواهند کرد، با خدا صحبت خواهند کرد و او را عبادت و خدمت خواهند نمود.

**سؤال ۲)** (یوحنا ۱۱: ۲۵-۲۶). منظور عیسی چیست که می‌گوید، يك مسیحی هیچوقت نمی‌میرد؟  
**ملاحظات:** عیسی در آیات ۲۵-۲۶ می‌فرماید: "من قیامت و حیات هستم. هر که به من ایمان آورد، اگر مرده باشد، زنده گردد. و هر که زنده بود و به من ایمان آورد تا به ابد نخواهد مرد".

الف) عیسی می‌فرماید: "من قیامت و حیات هستم". این جمله به این مفهوم است که قیامت از مردگان بطرز انفکالناپذیر در گرو عیسی مسیح است. این جمله را می‌توان این گونه نیز ترجمه کرد: "عیسی قیامت و حیات است"، بدین معنا که قیامت و حیات ریشه در مسیح دارد. با توجه به اینکه مسیح خود از میان مردگان برخاسته است و تا ابد زیست خواهد کرد، مسیحیان نیز از میان مردگان برخیزانده شده، تا ابد زیست خواهند کرد. عیسی منشأ قیامت از مردگان و حیات غیرفانی است. قیامت در وهله اول قرار دارد زیرا به منزله دروازه‌ای است که راه را برای دریافت حیاتی ابدی و غیرفانی مهیا می‌کند. عیسی پس از قیامت از میان مردگان، دارای بدنی غیرفانی شده است و مسیحیان نیز می‌توانند در این حیات غیرفانی نصیبی داشته باشند.

ب) عیسی می‌فرماید: "هر که به من ایمان آورد، اگر مرده باشد، زنده گردد." وقتی ایلعازر سخت بیمار شد، خواهرانش کسی را نزد عیسی فرستادند تا او را از این موضوع مطلع سازد. در آیه ۴ عیسی فرمود: "این مرض تا به موت نیست بلکه برای جلال خدا تا پسر خدا از آن جلال یابد." عیسی بلافاصله نرفت تا ایلعازر را شفا دهد، بلکه وقتی به بیت عنیا رسید ۴ روز از مرگ ایلعازر می‌گذشت و بدن او در قبر بود. در آیات ۲۱-۲۲ مرتا به عیسی گفت: "ای آقا اگر در اینجا می‌بودی، برادر من نمی‌مرد. و لیکن الآن نیز می‌دانم که هر چه از خدا طلب کنی خدا آن را به تو خواهد داد". سخن مرتا از سر خشم و برای ملامت کردن عیسی نبود، بلکه بیانگر غم و اندوه جانکاه او بود. او می‌دانست که عیسی برای شفای ایلعازر بسیار دیر به بیت عنیا رسیده است. با اینحال از آنجا که قاصدی که نزد عیسی فرستاده بودند احتمالاً آنچه را که عیسی در مورد ایلعازر گفته بود - اینکه بیماری او تا به موت نخواهد بود - به گوش مرتا رسانده بود، مرتا هنوز در قلب خود کمابیش امید داشت که برادرش زنده شود. مرتا هنوز در ذهن خود این احتمال را می‌داد که ممکن است برادرش از مرگ برخیزانده شود. اما با توجه به اینکه یکی از اعضای نزدیک خانواده او درگذشته بود، دلش دچار کشمکش عظیم بود. از يك طرف، با اینکه می‌دانست ایلعازر در روز قیامت از مردگان برخیزانده خواهد شد، از مرگ او در اندوه بود. ولی از طرف دیگر، به خاطر سخنی که عیسی به آن قاصد گفته بود، امیدوار بود که معجزه‌ای به وقوع بپیوندد. بدین ترتیب غم از دست دادن ایلعازر از يك سو و امید به زنده شدن او از سوی دیگر، در قلب مرتا با هم در کشمکش بودند.

پس از آن عیسی گفت: "هر که به من ایمان آورد اگر مرده باشد زنده گردد". آنچه عیسی گفت بسی وراي ایمان مرتا بود. در این جمله، فرد مسیحی در آستانه مرگ به تصویر کشیده می‌شود. کسی که به عیسی مسیح ایمان دارد، حتی اگر از نظر جسمانی بمیرد، از نظر روحانی زیست خواهد کرد. اگرچه بدن او باید بمیرد و به خاک بازگردد، روح او هیچوقت نخواهد مرد. روح او در حیات قیام کرده مسیح نصیب خواهد داشت و از حیات جاودان برخوردار خواهد شد، حیاتی که در آن مرگ مفهومی نخواهد داشت. بدن فرد مسیحی بهنگام مرگ به خاک باز می‌گردد، ولی روح او بلافاصله وارد حضور عیسی مسیح در آسمان می‌شود. بدن مرده او هیچ چیزی تجربه نمی‌کند، ولی روح زنده او حیات ابدی را در حضور مسیح تجربه خواهد کرد. حیات فانی يك فرد مسیحی باید با بدن جسمانی او به پایان رسد، ولی حیات ابدی او در روحش تا به ابد تداوم خواهد داشت.

پ) عیسی می‌فرماید: "هر که زنده است و به من ایمان آورد، تا به ابد نخواهد مرد." در این جمله، فرد مسیحی در وضعیت قبل از مرگ، یعنی در زمانی که هنوز بر روی زمین زیست می‌کند، به تصویر کشیده شده است. هر که از نظر روحانی زیست کند و به عیسی مسیح ایمان داشته باشد، هرگز مرگ ابدی را تجربه نخواهد کرد. بر طبق ۲ تسالونیکیان ۱: ۹، "هلاکت یا مرگ

جاودانی" به مفهوم جدایی از حضور پرمحبت خدا در روح و بدن می‌باشد. ولی يك فرد مسیحی هیچوقت چنین چیزی را تجربه نخواهد کرد. بدن و روح او هیچوقت از حضور پرمحبت خدا جدا نخواهد شد. فرد مسیحی تا زمانیکه هنوز بر روی این زمین زندگی می‌کند، روح او حیات ابدی را تجربه خواهد کرد و بدن او از محبت و محافظت خدا بهره‌مند خواهد شد. وقتی بدن او مرگ جسمانی را تجربه کند، روح او بلافاصله وارد حضور قابل رؤیت خدا در آسمان می‌شود. و اگرچه بدن او در قبر نهاده می‌شود، خدا هرگز بدن او را ترک نخواهد کرد. بر طبق یوحنا ۵: ۲۵-۲۹، عیسی مسیح در زمان بازگشت خود، بدنهای مردگان را بر خواهد خیزانید. بر طبق فیلیپیان ۳: ۲۱، او بدنهای فانی ما را طوری متبدل خواهد ساخت که به شباهت بدن پرجلال او در آیند. بر طبق اول قرنتیان ۱۵: ۴۲-۴۴، مسیحیان، از بدنهای غیرفانی و پرجلال برخوردار خواهند شد.

**خلاصه:** در آیه ۲۵، عیسی وعده می‌دهد که روح یا جان يك فرد مسیحی هرگز مرگ را تجربه نخواهد کرد. و در آیه ۲۶، او وعده می‌دهد که حتی بدنهای مسیحیان هیچوقت جدایی ابدی از حضور خدا را تجربه نخواهد کرد. اگرچه يك مسیحی باید از نظر جسمانی بمیرد، ولی نه تنها روح او هرگز نخواهد مرد، بلکه بدن او نیز که در خاک نهاده شده است هیچوقت از حضور پرمحبت خدا جدا نخواهد شد.

### سؤال ۳) (یوحنا ۱۱: ۴۷) سنهدرین یا شورای عالی یهود چگونه شورایی بود؟

**ملاحظات:** سنهدرین والاترین مجمع یا شورا در اسرائیل (متی ۵: ۲۲) و عالی‌ترین هیئت رهبری یهودیان در امپراطوری رم بود. این شورا در زمان مکابیان (در حدود ۱۵۰ سال قبل از میلاد) تشکیل شد. محل شورای سنهدرین، شهر اورشلیم بود و اعضای آن را که تعدادشان به ۷۱ نفر می‌رسید، کاهنان اعظم که اعضای مهمترین خانواده های کاهنین بودند، سران خانواده‌ها، کاتبان که در تفسیر کتب مقدسه یهودی تبحر داشتند، و معلمین یهود که سنت شفاهی را که بر شریعت مکتوب مبتنی بود برای مردم تفسیر می‌کردند تشکیل می‌دادند. ریاست شورا را کاهن اعظمی بر عهده داشت که در صدر شورا می‌نشست. شورای سنهدرین بر تمام امور مذهبی یهودیان، حتی یهودیانی که در کشورهای بیگانه زندگی می‌کردند، نظارت داشت.

### سؤال ۴) (یوحنا ۱۱: ۴۹-۵۲) قیافا که بود؟

**ملاحظات:** قیافا کاهن اعظم بود و از سال ۱۸ تا ۳۶ میلادی ریاست شورای سنهدرین را نیز بر عهده داشت. او بدون اینکه خود متوجه باشد، در مورد عیسی مسیح چنین نبوت کرد که او باید در راه قوم خدا که ایمانداران جامعه یهود هستند بمیرد، و اینکه او فرزندان پراکنده خدا را که ایمانداران ملل غیر یهودی باشند، گرد هم جمع نموده، آنها را به يك ملت واحد تبدیل خواهد ساخت (یوحنا ۱۰: ۱۶؛ ۱ پطرس ۲: ۹-۱۰).

### سؤال ۵) (یوحنا ۱۱: ۴۷-۵۳). چگونه امکان دارد شخص شریبری چون قیافا نبوت کند؟

#### ملاحظات:

الف) **قصد و نیت قیافا.** قیافا گفت: "شما هیچ نمی‌دانید و فکر نمی‌کنید که به جهت ما مفید است که يك شخص در راه قوم بمیرد تا تمامی طایفه هلاک نگردند". او از این گفته به هیچ وجه قصد خوبی نداشت. منظور قیافا این بود که اگر مردم اسرائیل از عیسی پیروی کنند، در آن صورت سربازان رومی خواهند آمد و ملت یهود را قتل‌عام خواهند کرد. ولی اگر عیسی بمیرد، ملت یهود هلاک نخواهد شد و نجات خواهد یافت. قیافا با تظاهر به مینهن پرستی سعی می‌کرد از دست عیسی که مانعی بر سر راه شهرت و جلال او بود، خلاصی یابد. ولی درست بر عکس آنچه قیافا فکر می‌کرد اتفاق افتاد. یهودیان با کشتن عیسی در واقع حکم مجازات قوم خود را امضا کردند. رومی‌ها در سال ۷۰ میلادی آمدند و اورشلیم و معبد و ملت یهود را بکلی نابود ساختند. نقشه قیافا برای کشتن عیسی عملی شد، ولی نتیجه آن بر خلاف آرزویی بود که قیافا در سر داشت.

ب) **نبوت قیافا.** ولی چرا یوحنا در آیات ۵۱-۵۲ می‌فرماید که قیافا این سخن را از خود نگفت بلکه چون در آن سال رئیس کهنه بود، چنین نبوت کرد که عیسی باید در راه آن قوم بمیرد؟ یوحنا تعلیم می‌دهد که خدا بر تاریخ تسلط و اقتدار دارد. هیچ اتفاقی در تاریخ بشر بدون اجازه و حاکمیت خدا به وقوع نمی‌پیوندد (اشعیا ۱۴: ۲۴، ۲۷). خدا بواسطه حاکمیت مطلق خود، کاری کرد که سخن قیافا مفهومی بس عمیقتر از آنچه خودش تصور می‌کرد، داشته باشد. قیافا بواسطه ماهیت منصب کهنانت خود، بی‌اختیار در مورد حقیقتی نبوت کرد. در اوایل دوران عهدعتیق، کاهن اعظم اسرائیل اراده خدا را از طریق اوریم و تمیم اعلام می‌داشت (اعداد ۲۷: ۲۱). در آن مقطع از زمان نیز خدا اجازه داده بود که قیافا در مورد او نبوت کند، هرچند خود او از درک آنچه نبوت می‌کرد عاجز بود. قیافا از بیان آن سخنان منظور خاصی در ذهن داشت، اما خدا معنای دیگری به گفته‌های او بخشید.

اگرچه قیافا و شورای یهود نقشه کشیدند تا عیسی را بکشند، خدا از مرگ عیسی جهت نجات مردم دنیا استفاده کرد. اگرچه قصد قیافا از کشتن عیسی نیکو نبود و او بخاطر آن سخنان شرارت‌آمیز خود به خدا حساب پس خواهد داد، اما خدا از قصد بد او برای هدفی پرجلال استفاده کرد. این قسمت از کتابمقدس هم بیانگر حاکمیت خدا بر امور است و هم نشان‌دهنده مسؤولیتی که متوجه خود انسان است. قیافا آزاد بود که هر چه در قلبش است بازگو کند و این کار را انجام داد، ولی از طرف دیگر خدا بر اساس حاکمیت و اراده خود سخنان شرارت‌آمیز او را به گونه‌ای هدایت کرد که در نهایت نقشه نجات او برای انسانها جامه عمل پوشید. قیافای شریر بدون اینکه خود متوجه باشد، مانند يك نبی نبوت کرد. درست همانگونه که در عهد عتیق خدا از طریق بلعام که يك نبی شریر بود صحبت کرد (اعداد ۲۳)، اکنون نیز از طریق قیافا که يك کاهن اعظم شریر بود، سخن می‌گفت.

**سؤال ۶) (یوحنا ۱۱: ۵۱-۵۲). آیا عیسی فقط برای قوم یهود مرد؟**

**ملاحظات:** خیر، این قسمت می‌فرماید: "عیسی نه تنها باید در راه قوم یهود بمیرد، بلکه در راه فرزندان پراکنده خدا". قیافا اصطلاح "ملت اسرائیل" را در مفهومی سیاسی بکار برد، در حالیکه یوحنا آن را در مفهومی روحانی به معنای "فرزندان خدا" بکار می‌برد.

بر طبق یوحنا ۱: ۱۲-۱۳، "فرزندان خدا" کسانی هستند که به عیسی مسیح ایمان دارند (یا تولد تازه یافته‌اند). عیسی در راه دو گروه از مردم جان سپرد: اولاً برای "فرزندان خدا که به قوم یهود تعلق دارند"، و ثانیاً برای "فرزندان خدا که در نقاط مختلف دنیا پراکنده هستند". گروه دوم را غیر یهودیان تشکیل می‌دهند. یوحنا در اینجا آنچه را که عیسی در یوحنا ۱۰: ۱۶ گفته بود، تکرار می‌کند. عیسی می‌خواست گوسفندان دیگر خود را نیز که متعلق به گله غیر یهود می‌باشند بیاورد و در کنار گوسفندانی قرار دهد که به گله یهود تعلق دارند، و آنها را به صورت گله‌ای واحد شبانی کند. عیسی این ایده را مجدداً در یوحنا ۱۲: ۳۲ نیز تکرار می‌کند و می‌فرماید: "وقتی که من از زمین بلند کرده شوم، همه را به سوی خود خواهم کشید".

**سؤال ۷) (یوحنا ۱۱: ۵۵) یوحنا به کدام عید فصح یهود اشاره می‌کرد؟**

**ملاحظات:** عید فصح یهود یادآور خروج یهودیان از مصر تحت رهبری موسی بود. یوحنا در دوران خدمت زمینی عیسی به سه عید فصح یهودی اشاره می‌کند: نخست، عید فصح مربوط به آوریل سال ۲۸ میلادی (یوحنا ۲: ۱۳، ۲۳)، دوم عید فصح مربوط به آوریل سال ۲۹ میلادی (یوحنا ۶: ۴)، و سوم عید فصح مربوط به آوریل سال ۳۰ میلادی (یوحنا ۱۱: ۵۵، ۱۲: ۱۳، ۱۳: ۱). سه انجیل دیگر تنها به سومین عید فصح اشاره می‌کنند.

#### **قدم ۴: بکار ببرید**

**توجه کنید:** کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان‌پذیر است.

**درمیان بگذارید و بنویسید:** افکار خود را صریحاً با هم درمیان بگذارید و فهرستی از کاربردهای امکان‌پذیر براساس یوحنا ۱۱: ۱-۵۷ تهیه کنید.

**توجه کنید:** خدا از شما می‌خواهد کدامیک از کاربردهای امکان‌پذیر را تبدیل به یک کاربرد شخصی بکنید؟

**بنویسید:** این کاربرد شخصی را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران درمیان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می‌کنند و حتی از یک حقیقت کاربردهای متفاوتی می‌یابند.

(فهرست زیر، نمونه‌هایی از کاربردهای امکان‌پذیر در این قسمت از کتاب مقدس می‌باشند).

#### **نمونه‌هایی از کاربردهای امکان‌پذیر (انجیل یوحنا فصل ۱۱)**

- ۱۱: ۴ \* این موضوع را درک کنید که اگرچه ریشه و عامل اصلی بیماری، وجود گناه در جهان است، برخی از بیماریها ممکن است برای این باشد که خدا جلال پیدا کند.
- ۱۱: ۶ \* از این حقیقت آگاه باشید که اعتماد واقعی به خدا گاه ممکن است مستلزم آن باشد که بجای آنکه عجولانه دست به کاری بزنیم، صبر کنیم و منتظر باشیم تا خدا به ما نشان دهد چه زمانی باید وارد عمل شویم.
- ۱۱: ۲۰-۲۷ \* در لوقا ۱۰: ۳۸-۴۲ می‌بینیم که مرتا به جای اینکه کنار پایهای عیسی بنشیند و به سخنان او گوش دهد، مشغول کار و فعالیت است. اما او در یوحنا ۱۱: ۲۰-۲۷ به سرعت نزد عیسی می‌رود تا به سخنان او گوش دهد. اگر مرتا در این زمینه تغییر کرد، برای شما نیز امید هست و می‌توانید در این زمینه عوض شوید.
- ۱۱: ۲۵ \* اگرچه بدن فیزیکی یک ایماندار خواهد مرد، جان یا روح او هرگز نخواهد مرد، بلکه در حضور عیسی مسیح زیست خواهد کرد. در روز قیامت، بدن او نیز برخیزانده خواهد شد و به بدنی غیرفانی میل خواهد گشت.
- ۱۱: ۲۶ \* اگرچه بدن فیزیکی فرد ایماندار خواهد مرد، روح و بدن او پس از برخیزانده شدن هرگز نخواهد مرد. به عبارت دیگر، روح و بدن فرد ایماندار به جهنم افکنده نخواهد شد.
- ۱۱: ۳۳-۳۵ \* مسیحیان نیز باید مانند عیسی مسیح از گناه که باعث تمام غمها و سختیها است به خشم آیند، ولی از طرف دیگر باید همچون او نسبت به مردم رنج‌دیده حس همدردی داشته باشند.
- ۱۱: ۴۷-۴۸ \* این موضوع را درک کنید که برخی از مذهبیین بیشتر به فکر کسب قدرت و منفعت سیاسی هستند تا به فکر عدالت و ملکوت خدا.

#### **نمونه‌های از کاربردهای شخصی**

الف) من می‌خواهم بیشتر شبیه مسیح شوم. وقتی که عیسی انسانهایی را که در رنج و غم بودند می‌دید، به شدت در روح خود مکر می‌شد و آثار این آشفتگی و تلاطم حتی در ظاهر او نیز نمایان بود. عیسی از گناه به عنوان آنچه عامل تمام رنجها و غمهای بشر است خشمگین بود، ولی در عین حال با خود انسانهای رنج‌دیده همدردی می‌کرد. من نیز مایلم مانند عیسی عمل کنم: می‌خواهم از گناه خشمگین باشم ولی با انسانهایی که در نتیجه عواقب گناه رنج می‌کشند، همدردی کنم.

ب) من می‌خواهم از هر روز زندگی‌ام به بهترین وجه استفاده کنم. خدا برای زندگی در این دنیا مدت زمان مشخصی به من عطا کرده و وظایف بخصوصی را به من سپرده است. تا زمانیکه من در نور نقشه خدا زندگی کنم، نباید از هیچ شخص یا شرایطی ترسان باشم. مشکلات و سختی‌هایی هیچگاه نخواهد توانست مرا از پای درآورد و مغلوب سازد. من می‌خواهم وظایفی را که خدا بر روی این زمین به من محول کرده است به انجام برسانم و ایمان دارم که خدا بر تمام انسانها، شرایط و اتفاقات احاطه کامل دارد.

#### قدم ۵: دعا کنید

در مورد حقیقتی که خدا به ما در یوحنا ۱: ۱-۵۷ آشکار کرده است، دعا کنیم.  
(در دعای خود به آنچه که در طی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده اید، پاسخ دهید. تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. بیاد داشته باشید که افراد در هر گروه، در مورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

<b>۵</b>	<b>دعا (۸ دقیقه)</b>
<b>دعای شفاعت</b>	

به دعا کردن در گروه‌های دو نفری یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و برای مردم جهان دعا کنید.

<b>۶</b>	<b>تکلیف منزل (۲ دقیقه)</b>
<b>برای درس بعدی</b>	

(سرگروه: رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

- ۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
- ۲ - برای يك فرد یا گروه، موضوع " انجیل یوحنا فصل ۱۱ " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
- ۳ - رازگهان - هر روز نیمی از يك فصل از لوقا ۸: ۱-۲۸ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
- ۴ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (محبت و اطاعت: تیطس ۲: ۴-۵) را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
- ۵ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
- ۶ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر (یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

## درس ۲۷

۱	دعا
---	-----

**سرگروه:** دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) لوقا
---	---

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگهان خود را از قسمت مشخص شده (لوقا ۸: ۱ - ۱۱: ۲۸) با دیگران در میان بگذارید (یا از روی یادداشت‌های رازگهان آن روز بخوانید).  
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان می‌گذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: ازدواج مسیحی
---	--

دو نفری تعقیق، حفظ و مرور کنید: محبت و اطاعت: تیطس ۲: ۴ - ۵

۴	تعلیم (۸۵ دقیقه) تربیت فرزندان در خانواده مسیحی
---	--

**مقدمه:** این تعلیم در رابطه با "تأدیب و تربیت فرزندان" می‌باشد. در این درس خواهیم آموخت که کتاب مقدس راجع به وظایف والدین مسیحی در قبال تربیت فرزندانشان چه تعلیمی می‌دهد. منظور از "تربیت کردن"، تعلیم دادن به فرزند در زمینه‌های عقلانی، جسمانی، روحانی و اخلاقی است. همچنین مراجعه کنید به بخش "مسئولیت والدین در رابطه با تأدیب فرزندان" در دستور عمل بنای کلیسا - کتاب سوم، ضمیمه شماره ۱ در انتهای این کتاب.

ممکن است والدین پس از مطالعه تمام اصولی که در کتاب مقدس در خصوص تربیت فرزندان آمده است، از خود نومید شوند. ممکن است فکر کنند که والدین خوبی نیستند و هرگز نمی‌توانند تمام اصول کتاب مقدس را در زندگی خود و فرزندانشان اجرا کنند. هدف از این درس، نومید کردن والدین نیست. بلکه هدف، دادن دستور العملها و راهنمایی‌هایی است که به والدین کمک می‌کند فرزندان خود را بهتر تعلیم دهند و تربیت کنند. هیچ پدر و مادری در جهان کامل نیست. بسیاری از والدین تنها پس از بدنیآ آمدن اولین فرزندشان به این فکر می‌افتند که چطور باید او را تربیت کنند. اکثر والدین در زمینه تربیت فرزندان خود بسیار کم تجربه هستند.

نیازی نیست والدین به امید روزی بنشینند که از هر لحاظ والدین کاملی شده‌اند و آنوقت بخواهند بچه‌دار شوند. فرزندان را خود خدا به والدین عطا می‌کند و خود او نیز این فیض را به والدین می‌بخشد که فرزندان خود را بزرگ کرده، آنها را تربیت و انضباط کنند. بنابراین اگر شما یک پدر یا مادر هستید، یکی از جوانب تربیت فرزند خود را انتخاب کرده، او را در آن زمینه به‌خصوص تربیت کنید و وقتی فرزندان به اندازه کافی در این قسمت رشد کرد، به جنبه دیگری از تربیت او بپردازید. در زمینه تربیت فرزندان به فیض خدا متکی باشید.

امثال ۲۲: ۶ می‌فرماید: "طفل را در راهی که باید برود تربیت نما، و چون پیر هم شود از آن انحراف نخواهد ورزید." کلمه "تربیت کردن" یعنی وقف کردن یا تقدیم نمودن فرزند در راهی که خدا از او انتظار دارد. این کلمه همچنین به مفهوم آموزش و راهنمایی فرزند در چنین طریقی است. تعلیم والدین مساوی با تربیت نیست و گوش دادن فرزند برابر با آموختن نیست.

یک باغبان برای پرورش تاکهای تاکستان خود به آنها یک سلسله دستورالعمل و نظریه جهت رشد، تعلیم و ارائه نمی‌دهد، بلکه تاك را هرس کرده و حتی در صورت لزوم به شاخه‌ها طناب وصل می‌کند تا آنها را در جهتی که باید رشد کنند هدایت کند. او هر سال شاخه‌های مرده و وحشی را بدور می‌اندازد تا بدین وسیله شاخه‌های سالم به بهترین وجه ثمر آورند. به همین ترتیب والدینی که فرزندان خود را تربیت می‌کنند، برای زندگی آنها برنامه‌ریزی می‌کنند و حد و مرزهایی را برای آنها مشخص می‌کنند تا آنها از راه راست منحرف نشوند و در مسیر درست رشد کنند. والدین از طریق انضباط فرزندان خود آنها را هرس می‌کنند و از طریق سپردن وظایف سالم به آنها و مخصوصاً تشویق آنها، به آنها کمک می‌کنند تا در مسیری درست رشد کنند.

## ۱ - روشهای تربیت

**بخوانید:** اول قرنتیان ۱۱: ۱؛ افسسیان ۳: ۲۰؛ افسسیان ۶: ۴ (به کلمات خشمگین نساختن، تعلیم و تربیت توجه کنید). غلاطیان ۴: ۶-۵؛ امثال ۱۰: ۱۷

**تعلیم دهید:** در زیر به چهار روش بسیار عملی در زمینه تربیت فرزندان اشاره شده است:

**الف) برای فرزند خود نمونه باشید و برای او دعا کنید.**  
اگر والدین آنچه را که به فرزندان خود تعلیم می‌دهند خود انجام ندهند، نتیجه ناامید کننده خواهد بود. چنین رفتار ریاکارانه ای باعث خشمگین شدن فرزند می‌شود. فرزند اغلب عادات نیکو را نه از طریق تعلیم والدین، بلکه با نگاه کردن به سخنان و رفتار آنها یاد می‌گیرد. بنابراین والدین باید در عین حال که فرزندان خود را تربیت می‌کنند، خود را نیز تربیت کنند. و چون والدین متوجه هستند که در انجام این وظیفه خطیر به کمک خدا نیاز دارند، در دعا بدین منظور از خدا کمک می‌خواهند. خدا وعده داده است که بسیار بیشتر از آنچه که والدین تصور می‌کنند و برای آن دعا می‌کنند، انجام خواهد داد.

**ب) از روی کتاب مقدس به فرزند خود تعلیم دهید.**  
تربیت کردن یعنی تعلیم دادن حقیقت. فرزندان باید از حقایقی که در کتاب مقدس مکتوف شده است، آگاه باشند. حقایق کتاب مقدس عبارت است از باورها، ارزشها، و معیارهای زندگی که باعث خشنودی خدا می‌شود. فرزندان باید بفهمند حقیقت چیست. آنها باید درک کنند که چه چیزهایی مهم است و چرا. همچنین باید حکمت را بیاموزند تا کارها را بطور درست انجام دهند. در اینکه یاد بگیرند که هر کاری را در چه زمانی، برای چه کسی و چگونه باید انجام دهند. بنابراین والدین باید حقیقت را از روی کلام خدا به فرزندان خود تعلیم دهند و آنان را تشویق کنند که از این حقیقت پیروی کرده، آن را عملاً در زندگی خود بکار ببندند. سوالات فرزندان را نیز باید تا حد امکان با استناد به کتاب مقدس پاسخ دهند. بنابراین به فرزندان خود بگویید که کتاب مقدس در خصوص جوانب مهم زندگی تعالیم زیادی دارد.

**پ) به فرزند خود کمک کنید تا عادات نیکو را فراگیرد.**  
تعلیم و تربیت عبارت است از تمرین کردن یک سری عادات. فرزندان باید یاد بگیرند که از حقیقت اطاعت کنند و آن را در زندگی خود به کار ببرند.

- ۱) فرزندان نخست از الگوی والدین پیروی می‌کنند و حقیقت را با کمک آنها در زندگی خود بکار می‌بندند.
- ۲) سپس یاد می‌گیرند که حقیقت را خودشان شخصاً بکار ببندند، ولی هنوز تحت نظارت والدین هستند.
- ۳) و سرانجام یاد می‌گیرند که حقیقت را بدون اینکه کسی بر آنها نظارت داشته باشد به عنوان یک عادت بکار ببندند.

فرزندان به تشویق نیاز دارند. والدین باید در فرزندان خود انگیزه ایجاد کنند تا آنها صبر و استقامت به خرج داده، هدف خود را به انجام برسانند. والدین و فرزندان باید متوجه این موضوع باشند که آزادی واقعی همیشه دارای حد و مرز است. بنابراین والدین باید مواظب باشند که فرزندان را هیچگاه در آن واحد با انتخابهای زیادی روبرو نباشند. والدینی که می‌خواهند فرزندان شان را درست تربیت کنند، هرگز نباید یکی از آنها را با دیگری مقایسه کنند، زیرا خدا هر کس را به گونه‌ای متفاوت خلق کرده است. مقایسه کردن فرزندان با یکدیگر کاری غیراخلاقی است. والدین باید فرزندان خود را بخاطر پیشرفت‌هایی که داشته‌اند تشویق کنند و به آنها پاداشی دهند که از قبل به آنها وعده نداده اند.

**ت) وقتی فرزندان کار اشتباهی انجام می‌دهد، او را اصلاح و تأدیب کنید.**  
تربیت کردن عبارت است از اصلاح و تأدیب، و باعث می‌شود فرزند در مسیر درستی گام بردارد. در بخش بعدی به تفصیل به این موضوع می‌پردازیم. والدین باید بین نیاز فرزندان برای محبت دیدن از آنها از یک سو، و تنبیه آنها بخاطر سرکشی و ناطاعتی از سوی دیگر، تمایز قائل شوند و تعادل را حفظ کنند. امثال ۱۰: ۱۷ می‌فرماید: "کسی که تأدیب را نگاه دارد در طریق حیات است، اما کسی که تنبیه را ترک نماید گمراه می‌شود".

## ۲ - جوانب مختلف تربیت فرزند

**مقدمه:** در لوقا ۲: ۵۲ می‌خوانیم: "و عیسی در حکمت و قامت و رضامندی نزد خدا و مردم ترقی می‌کرد". بر اساس این آیه متوجه می‌شویم که در نظر خدا مهم است که یک فرزند در این زمینه‌ها تربیت شود:

- ۱) "حکمت"، که عبارت است از داشتن علم و آگاهی و بکار بستن این آگاهی در شرایط مختلف زندگی.
- ۲) "قامت"، یعنی رشد جسمانی.
- ۳) "رضامندی نزد خدا"، که بعد روحانی دارد.
- ۴) "رضامندی نزد مردم"، که بعد اجتماعی دارد.

بعد عاطفی به طور مشخص مطرح نشده است، ولی قطعاً به زمینه‌های فوق مربوط است.

مواردی که در لوقا ۲: ۵۲ مطرح شده است، بسیار گسترده است و نمی‌توانیم همه آنها را در این جا بررسی کنیم. بنابراین بررسی خود را تنها به چند مورد خاص نظیر اطاعت، احترام، راه رفتن با خدا، پرهیزگاری و حس مسؤولیت‌پذیری محدود خواهیم کرد. تمامی این موارد برای رشد و تعالی فرزند ضروری هستند.

### الف) تربیت فرزند در زمینه اطاعت

**بخوانید:** افسسیان ۶: ۱

**کشف و گفتگو کنید:** چرا مهم است که فرزند طوری تربیت شود که از آنچه درست است اطاعت کند؟

**ملاحظات:** یکی از جوانب مهم تربیت این است که به فرزند بیاموزیم از والدین خود اطاعت کند.

افسسیان ۶: ۱ حکم می‌کند: "ای فرزندان، والدین خود را در خداوند اطاعت کنید، زیرا که این انصاف است". این اولین و مهم‌ترین حقیقتی است که والدین باید به فرزند خود بیاموزند. این موضوع کلید تربیت فرزند در زمینه‌های دیگر زندگی‌اش می‌باشد. در این قسمت از کتاب مقدس، به فرزندان مسیحی حکم شده است که از والدین خود اطاعت کنند، نه به این خاطر که والدینشان مسیحی هستند ("در خداوند")، بلکه به این خاطر که خود فرزند فردی مسیحی است (یعنی "در خداوند" زندگی می‌کند). اطاعت فرزندان از والدین باعث خشنودی خدا می‌شود، ولو آنکه والدین مسیحی نباشند. به همین دلیل است که تربیت کردن فرزندان در زمینه اطاعت از والدین "در نظر خدا منصفانه است". اگر فرزندان یاد گرفته باشند که در زمینه آنچه درست و نیکو است از والدین خود اطاعت کنند، خواهند توانست در زمینه‌های دیگر نیز رشد کنند. چنین فرزندان به احتمال زیاد بعدها از خدا و تمام قدرتهای مافوق خود نیز اطاعت خواهند کرد. اما اگر فرزند درس اطاعت را نیاموزد، در عوض اعمال بد و شرارت آمیز را خواهد آموخت.

اطاعت کلید یادگیری عادات نیکو و شیوه زندگی خداپسندانه است. فرزندان با اطاعت از والدین آنها را حرمت می‌نهند و در آینده نیز در جهت بنای کشور خود گام بر می‌دارند.

اگر فرزندی به سن بلوغ رسیده ولی والدینش او را در زمینه اطاعت تربیت نکرده‌اند، بهتر است هر چه زودتر او را در این زمینه تربیت کنند و نسبت به این موضوع غافل نمانند. والدین باید به فرزندان خود بگویند که در این زمینه غفلت کرده‌اند، و باید دعا کرده، از خدا به خاطر قصور خود طلب بخشش کنند. خدا والدین را خواهد بخشید و به آنها حکمتی جدید عطا خواهد کرد تا فرزندان‌شان را بخوبی تربیت کنند. والدین حتماً باید فرزندان خود را در زمینه اطاعت به بهترین وجه تربیت کنند. اگر والدین فرزندان خود را به خاطر سرکشی و ناطاعتی تأدیب ننمایند، او را طوری بار می‌آورند که در آینده فردی نامطمع و سرکش شود.

والدین باید به فرزند خود کمک کنند که اعمال خوب و مفید انجام دهد، زیرا در غیر اینصورت او ممکن است به انجام کارهای بد روی آورد. در خانه وظایف مختلفی را به فرزند خود محول کنید و از او بخواهید آنها را انجام دهد، و بدین ترتیب به او درس اطاعت را بیاموزید. و وقتی فرزندان از شما اطاعت می‌کنند و کاری را که به او سپرده‌اید انجام می‌دهد، بلافاصله او را به خاطر این اخلاق خوب تشویق کنید. اگر فرزند بلافاصله از درخواست والدینش اطاعت نکرد، در انصورت والدین باید مجدداً درخواست خود را تکرار کنند و اگر باز از انجام آن سر باز زد، او را تأدیب نمایند. اگر چنین نکنند، در واقع فرزند خود را تشویق به ناطاعتی کرده‌اند. اگر فرزند کاری را که از او خواسته شده است به علت احساس عدم امنیت یا ترس انجام نمی‌دهد، والدین باید در انجام آن کار به او کمک کنند تا فرزندشان اعتماد به نفس لازم را برای انجام آن کار را بدست آورد.

### ب) تربیت فرزند در زمینه احترام گذاشتن به والدین

**بخوانید:** افسسیان ۶: ۲-۳

**کشف و گفتگو کنید:** چگونه يك فرزند می‌تواند والدین خود را به طرز عملی احترام نماید؟

**ملاحظات:** دومین مورد مهم که والدین باید فرزندان خود را به انجام آن تربیت کنند، احترام گذاشتن به والدین است.

منظور از "احترام گذاشتن"، توجه نشان دادن به والدین، ارزش نهادن به آنها و محبت کردن آنها با میل شخصی و بدون ترس و انگیزه‌های خودخواهانه است. فرزندان به سه طریق می‌توانند والدین خود را احترام نمایند:

(۱) از طریق عدم درگیری و مجادله با والدین. فرزندان می‌توانند نقطه‌نظرات خود را با ملایمت به آنها بگویند و اجازه دهند خدا خود به‌گونه‌ای که باعث خشنودی او می‌شود در این قسمت عمل کند. فرزندان همچنین نباید پشت سر والدین خود و یا پشت سر هر فرد دیگری غیبت کنند. غیبت کردن به معنای بی‌حرمتی به مردم است (امثال ۱۷: ۹).

(۲) از طریق جدی گرفتن نصایح و پیشنهادات والدین. کتاب مقدس می‌فرماید که فرزندان باید حقیقت، حکمت، تأدیب، انضباط و فهم را از والدین خود بیاموزند (امثال ۲۳: ۲۳). وقتی والدین به فرزند خود پیشنهاد یا نصیحتی ارائه می‌دهند، بر فرزندان است که آن را جدی بگیرند. فرزندان باید تا زمانی که فرصت هست، از تجارب والدین و از حکمت آنها استفاده کنند.

(۳) از طریق شریک ساختن والدین در زندگی واقعی خود. دوم قرنیتان ۶: ۱۱-۱۳ تعلیم می‌دهد که: "مسیحیان باید دل‌های خود را نزد یکدیگر بگشایند". فرزندان باید یاد بگیرند که در رابطه با فعالیت‌های مختلف خود با والدین‌شان صحبت کنند. آنها باید یاد بگیرند که با والدین در مورد کارهایی که در مدرسه، محل کار، کلیسا و یا در جمع دوستان‌شان انجام می‌دهند، گفتگو کنند. همچنین باید یاد بگیرند که در مورد روابط خود نیز با آنها صحبت کنند و برای‌شان توضیح دهند که چه دوستانی دارند و رابطه‌شان با آنها چگونه است. فرزندان باید یاد بگیرند که با والدین خود در مورد ایمان، افکار، احساسات و برنامه‌های خود صحبت کنند. والدین مسیحی نیز باید در این قسمت برای فرزندان خود الگوی خوبی باشند. اگر والدین مسیحی سفره دل خود را برای فرزندان خود نگشایند، چگونه می‌توانند از فرزندان خود انتظار چنین کاری داشته باشند؟

### پ) تربیت فرزندان در زمینه راه رفتن یا خدا

**کشف و گفتگو کنید:** والدین چگونه می‌توانند به طرز عملی فرزندان خود را در زمینه راه رفتن با خدا تربیت کنند؟

۱) **بخوانید:** تثبیه ۶: ۶-۹؛ ۳۲: ۴۶. خدا به والدین تعلیم می‌دهد که احکام وی را در افکار و زندگی فرزندان خود حک کنند. او می‌فرماید: "در حین نشستن در خانه، راه رفتن، خوابیدن و برخاستن، در مورد احکام خدا گفتگو کن". هم والدین و هم فرزندان باید اجازه دهند که کلام خدا بر اعمال و افکار و بر خانه آنها حاکم باشد. خدا به والدین تعلیم داده می‌فرماید: "دل خود را به همه سخنانی که من امروز به شما شهادت می‌دهم مشغول سازید تا فرزندان خود را حکم دهید که متوجه شده، تمامی کلمات این تورات را به عمل آورند."

۲) **بخوانید:** رومیان ۱۳: ۱-۵؛ اعمال ۵: ۲۹؛ اول پطرس ۲: ۱۹. خدا به والدین این وظیفه را محول کرده است که به فرزندان خود تعلیم دهند تا آنان خدا را در زندگی خود بشناسند و تنها از او اطاعت کنند. هیچ قدرت حاکم دیگری اجازه ندارد والدین را از انجام این کار باز دارد. زیرا خدا خود حکومتها را برقرار کرده و وظایف خاص و محدودیتهایی را برای آنها معین کرده است. اگر حکومتی بخواهد مسیحیان را به انجام کاری وادارد که خدا آنها را از آن برحذر داشته است، در آن صورت مسیحیان باید به آرامی در برابر چنین حکومتی بایستند. تمام حکومتها در نهایت در برابر خدایی که خود را در کتاب مقدس مکتشف ساخته است، پاسخگو هستند.

۳) **بخوانید:** دوم تیموتائوس ۱: ۵؛ ۳: ۱۵-۱۷. کتاب مقدس مهمترین کتابی است که فرزندان باید در طول زندگی خود آن را مطالعه کنند. کتاب مقدس به جوانان در مورد نجات آگاهی و بصیرت می‌دهد و حقیقت را تعلیم داده، به آنها می‌آموزد که چگونه باید عادلانه زیست کنند. فرزندان با مطالعه کتاب مقدس و عمل به تعالیم آن افرادی بالغ و کامل می‌شوند و برای انجام وظایف و تحقق دعوتشان آماده می‌گردند. بنابراین والدین باید به فرزندان خود بیاموزند که کتاب مقدس را مطالعه و بررسی کنند و بخصوص از آن اطاعت نمایند. والدین برای این منظور می‌توانند از روشهای مختلفی بهره گیرند: آنها می‌توانند با اعضای خانواده خود وقت مشخصی جهت مطالعه کتاب مقدس داشته باشند. به عنوان مثال، یکی از والدین می‌تواند قسمتی از کتاب مقدس را مطالعه کند و بعد آن قسمت را با فرزندان خود مورد گفتگو و بررسی قرار دهد. والدین می‌توانند با فرزندان خود وقت خاصی را به دعای خانوادگی اختصاص دهند، و آیاتی از کتاب مقدس را با یکدیگر حفظ کنند. والدین باید در طول مراحل مختلف رشد فرزندان، پیغام انجیل را برای او بازگو کنند و به او فرصت بدهند که عیسی مسیح را به زندگی خود دعوت کند (اگر قبلاً این کار را انجام نداده است). وقتی فرزندان به اندازه کافی بالغ شدند، والدین می‌توانند به آنها یاد بدهند که چگونه باید هر روز وقت مشخصی را به مطالعه کتاب مقدس و دعای شخصی اختصاص دهند. اعضای یک خانواده همچنین می‌توانند با یکدیگر عیسی مسیح را در همسایگی خود خدمت کنند (یعقوب ۲: ۱۵-۱۷). بدین ترتیب فرزندان می‌توانند مانند والدین خود ایمانی بپرورداشته باشند. والدین باید به فرزندان خود کمک کنند که در ایمان رشد کرده، در تجارب مختلف تنها به خدا توکل نمایند. آنها همچنین باید به فرزندان خود اجازه دهند که در مورد تجارب شخصی‌شان در زمینه توکل کردن به خدا صحبت کنند.

### ت) تربیت فرزندان در زمینه پرهیزگاری و کنترل نفس

**بخوانید:** دوم پطرس ۱: ۵-۶؛ امثال ۱۰: ۱۹؛ ۱۵: ۱؛ افسسیان ۴: ۲۶

**کشف و گفتگو کنید:** چگونه والدین می‌توانند فرزند خود را طوری تربیت کنند که در عمل شخصی پرهیزگار باشد؟

**ملاحظات:** "پرهیزگاری" عبارت است از توانایی شخص مبنی بر دست کشیدن از يك سری علايق، سخنان و اعمال. والدین باید فرزندان خود را طوری تربیت کنند که حاضر باشند در صورت لزوم از برخی علايق، سخنان و اعمال صرف نظر کنند. به عنوان مثال، والدین نباید به فرزند خود اجازه دهند که برای بدست آوردن چیزی آنقدر ناله و شکایت کند تا سرانجام آن چیز را بدست آورد. اگر چنین کنند، فرزندان در آینده نیز همواره برای گرفتن چیزی از والدین به ناله و شکایت متوسل خواهد شد. امثال ۱۵: ۱ می‌فرماید: "جواب نرم (والدین) خشم را برمی‌گرداند، اما سخن تلخ غیظ را به هیجان می‌آورد." و امثال ۱۰: ۱۹ می‌فرماید: "کثرت کلام (والدین) از گناه خالی نمی‌باشد، اما آنکه لبهائش را ضبط نماید عاقل است". والدین باید با فرزندان‌شان با محبت و ملایمت برخورد کنند و از این طریق برای آنها الگوی خوبی باشند. آنها باید به فرزندان خود یاد دهند که وقتی با یکدیگر صحبت می‌کنند، بویژه در مواقعی که ناراحت و عصبانی هستند، همواره باید رفتاری ملایم و محبت‌آمیز داشته باشند. برخی از فرزندان عصبانیت خود را به طرز غیرقابل کنترل ابراز می‌کنند، به عنوان مثال به شدت خشمگین می‌شوند و دست به اعمال وحشیانه‌ای می‌زنند که باعث ایجاد خرابی می‌شود، و یا عصبانیت خود را با توهین به دیگران بروز می‌دهند که باعث جریحه‌دار شدن احساسات طرف مقابل و حتك ابروی او می‌گردد. والدین حکیم در عین حال که باید به فرزندان خود اجازه ابراز خشم بدهند، باید به آنها کمک کنند که بر خشم خود کنترل داشته باشند. "نردمبان خشم" درجات مختلفی دارد: پایین‌ترین نرده نشاندنده ابراز خشم است به بدترین وجه ممکن، و بالاترین نرده نشاندنده ابراز خشم به بهترین شکل است (مراجعه کنید به دستور عمل شاگردسازي - کتاب چهارم، ضمیمه شماره ۲، بخش شخصیت يك مسیحی: قسمت خشم). والدین باید فرزندان خود را در زمینه پرهیزگاری تربیت کنند. هر وقت که فرزند عصبانی می‌شود باید تمرین کند که خشمش را از طریق مثبت ابراز کند. به عنوان مثال اگر عادت دارد که خشمش را با اعمال خشونت انگیز نشان دهد باید یاد بگیرد که خشمش را بدون اعمال و رفتار خشمگینانه ابراز کند. والدین باید فرزندان‌شان را به خاطر پیشرفتی که در این زمینه حاصل می‌کنند، تشویق نمایند. والدین باید به فرزندان خود یاد دهند که به ۵ روش می‌توان بر خشم فائق آمد: نخست اینکه دیر غضب باشند. به عبارت دیگر، به خاطر هر مسئله جزئی از کوره در نروند و هر اهانتی را به دل نگیرند (یعقوب ۱: ۱۹). دوم اینکه اجازه ندهند خشمشان بیش از يك روز ادامه یابد (افسسیان ۴: ۲۶). سوم اینکه از فرزند دیگری که زود خشمگین می‌شود و ممکن است روی او نیز تأثیر منفی



بگذارد، دوری جویند (امثال ۲۲: ۲۴-۲۵). چهارم اینکه بدون سرکوبی یا انکار خشم خود، بیشتر بر خصوصیات مثبت کسی که از دست او عصبانی است متمرکز شود (رومیان ۱۲: ۱۰). و پنجم، هیچگاه کینه به دل نگیرد (اول قرنیتیان ۱۳: ۵).

### ث) تربیت فرزند در زمینه داشتن حس مسوولیت

بخوانید: مراثی ۳: ۲۷

**کشف و گفتگو کنید:** چگونه والدین می‌توانند فرزندان خود را به گونه‌ای تربیت کنند که در عمل افرادی مسوولیت‌پذیر باشند. **ملاحظات:** والدین باید تا زمانیکه فرزندشان هنوز جوان است، مسوولیت‌های خاصی را به او واگذار کنند و از او بخواهند بابت کارهایی که انجام می‌دهد به والدینش پاسخگو باشد. والدین باید چه در داخل خانه و چه در خارج، به تدریج مسوولیت‌های بیشتری را به فرزندان خود بسپارند. به عنوان مثال، باید به آنها یاد دهند که محل استراحت و زندگی خود را منظم و تمیز نگاه دارند. به فرزندتان اجازه دهید در انجام مسوولیت‌های مربوط به خانه، مغازه یا مزرعه سهمی داشته باشد. فرزند خود را طوری تربیت کنید که نسبت به پول و اموال خود احساس مسوولیت کند. او را تشویق کنید که به سفر برود، با دیگران بویژه با جنس مخالف رفتاری شایسته داشته باشد، و همچنین در کلیسا مسوولیت‌هایی را بر عهده بگیرد.

### ۳- مراحل تربیت کردن

**تعلیم دهید:** تعالیم کتاب‌مقدس در خصوص تربیت فرزندان، چهارچوبی عملی دارد. تربیت فرزند دارای مراحل مختلفی است. تجربه نشان می‌دهد که از زمان بدنیا آمدن طفل تا پنج سالگی، و سپس از سنین شش تا یازده سالگی جزو مهمترین سالهای شکل‌گیری زندگی فرزند می‌باشند. در زیر نگاهی اجمالی خواهیم داشت به ۴ مرحله تربیت فرزند تا سن یازده سالگی. به خاطر داشته باشید که این مراحل ممکن است بسته به فرهنگ، جنسیت، شخصیت و شرایط محیطی فرزند، متفاوت باشد.

#### الف) اولین مرحله تربیت فرزند تا دو سالگی است.

این مرحله مهمترین دوره تربیت فرزند در زمینه اطاعت کردن است. در این مرحله، از لحاظ جسمانی فرزند را باید در زمینه‌های مختلفی چون غذا خوردن، صحبت کردن و غیره تربیت کرد.

#### ب) دومین مرحله تربیت فرزند، سنین بین دو تا سه سالگی است.

در این دوره، اغلب فرزندان والدین خود را آزمایش می‌کنند تا ببینند تا چه اندازه می‌توانند نافرمانی کرده و به آنچه خود می‌خواهند ادامه دهند. این مرحله مهمترین دوره جهت آموختن انضباط به فرزند است. والدین باید برای فرزند خود حد و مرزهایی تعیین کنند: هر گاه فرزندشان از این حدود خارج شود، او را تنبیه کنند و هر گاه در چهارچوب این حدود رفتار کرد، او را تشویق نمایند. از لحاظ عاطفی نیز باید فرزند را طوری تربیت کرد که با دیگران رفتاری شایسته داشته باشد و از کارهای بد بپرهیزد و مخصوصاً پرهیزگاری را به او بیاموزند. کودک در این دوره نیازمند حفاظت و محبت بیشتری است و اغلب ترجیح می‌دهد با مادر خود باشد.

#### پ) سومین مرحله تربیت فرزند، سنین سه تا پنج سالگی است.

این مرحله مهمترین دوره تربیت فرزند در زمینه راه رفتن با خدا است. انجیل را به او بیاموزید، برای او داستان‌هایی از کتاب‌مقدس بخوانید، به او یاد دهید که آیات کتاب‌مقدس را حفظ کند، دعا کند و سرود بخواند. او را تربیت کنید که بر احساسات خود کنترل داشته باشد، و مخصوصاً خشم و ناراحتی خود را به طرزی شایسته ابراز نماید. نیز این مرحله دوره مهمی است جهت تربیت فرزند در زمینه کسب مهارت‌های اجتماعی چون نحوه برخورد با مردم و یافتن دوست در بین هم سن و سالان خود. به فرزندتان یاد دهید که مسوولیت‌پذیر باشد. به عنوان مثال، به او یاد دهید که اسباب بازیهای خود را جمع کند، در خانه به شما کمک کند و غیره. از لحاظ عقلانی، فرزند در این سنین دائماً در مورد "چرا"های مختلف سؤال می‌کند. والدین باید جهت پاسخ به سوالات فرزندشان وقت دهند و با بیان مطالب مختلفی در خصوص موضوعاتی چون نحوه زندگی انسان، گیاهان، جانوران و غیره، مهارت‌های یادگیری را در او توسعه دهند. کتابهای مفیدی برای او بخوانید و سرودهای زیبایی را به او یاد دهید. از لحاظ جسمانی نیز به فرزند خود یاد دهید که بدن خود را همواره تمیز نگاه دارد و غیره.

#### ت) چهارمین مرحله تربیت فرزند، سنین شش تا یازده سالگی است.

این مرحله از لحاظ جسمانی و اجتماعی، بهترین دوره است جهت تربیت فرزند در زمینه کسب مهارت در انجام امور خانه، نواختن موسیقی، فراگیری بازیهای مختلف و ورزش. در خصوص امور جنسی نیز به فرزندتان تعلیم دهید و همچنین به او بیاموزید که از پول خود به خوبی استفاده کند. این بهترین دوره‌ای است که می‌توانید به فرزندتان یاد دهید به فکر دیگران باشد و به آنان کمک کند. همچنین این دوره زمان خوبی است جهت توسعه فعالیت‌های خانوادگی به منظور استحکام خانواده. به‌طور مرتب جلسات خانوادگی داشته باشید، با هم بازیهای گروهی انجام دهید، از بودن با یکدیگر لذت ببرید و به اتفاق اعضای خانواده خود به ملاقات دیگران بروید. سعی کنید با هم جلسات خانوادگی ترتیب داده، در مورد مسائل مختلف زندگی خانوادگی با هم مشورت و تبادل نظر کنید. این جلسات به فرزندتان کمک خواهد کرد تا در خصوص مسائل مختلف زندگی تصمیم‌گیری کند. سعی کنید فرزند خود را در تصمیم‌گیریها و برنامه‌ریزیهای که انجام می‌دهید سهیم کنید، مخصوصاً در تصمیم‌گیریهایی که به نحوی به خود آنها مرتبط است.

از لحاظ عقلانی، فرزند در این مرحله دوست دارد مطالعه کند، بر معلومات خود بیافزاید و به سفر برود. بنابراین، او را تشویق کنید که کتب مفیدی مطالعه کند. فرزندتان را تشویق کنید که در پی کسب معلومات مفید باشد، و همراه او به سفر برود. از لحاظ عاطفی، فرزند در این دوره احساسات خود را به طرز شدیدتر و پیچیده‌تری ابراز می‌کند. والدین باید فرزند خود را ببینند، به او محبت کنند و او را بخوبی درک نمایند. از لحاظ روحانی، این مرحله دوران مهمی است جهت کمک به فرزند تا در رابطه خود با مسیح رشد کند و با دیگر فرزندان مسیحی مشارکت داشته باشد. خانواده باید با یکدیگر کتاب مقدس را مطالعه کنند و در مورد مطالب آن با هم گفتگو کرده، با یکدیگر دعا کنند. والدین باید به فرزندان خود یاد دهند که چگونه باید با غیرمسیحیان نیز رابطه داشت. و سرانجام، والدین باید معیارهای رفتار مسیحی را به فرزندان خود تعلیم دهند. والدین باید به طور مرتب برای فرزندان خود دعا کنند و از خدا بخواهند به آنها فیض دهد تا در زندگی خود اعتقادات، ارزشها و معیارهایی مسیحایی داشته باشند.

<b>۵</b>	<b>دعا (۸ دقیقه)</b>
<b>دعای در پاسخ به کلام خدا</b>	

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعا‌های کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیآورید.

<b>۶</b>	<b>تکلیف منزل (۲ دقیقه)</b>
<b>برای درس بعدی</b>	

**(سر گروه):** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.

- ۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
- ۲ - موضوع " تربیت فرزندان در يك خانواده مسیحی" را برای یکدیگر، برای شخصی دیگر یا برای جمعی از مردم موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
- ۳ - راز گاهان - هر روز نیمی از يك فصل از لوقا ۱۱: ۲۹ - ۱۴: ۳۵ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
- ۴ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (حل اختلافات: متی ۵: ۲۳ - ۲۴) را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
- ۵ - بررسی کتاب مقدس - درس بعدی بررسی کتاب مقدس (یوحنا ۱۲) را در خانه آماده کنید. از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید.
- ۶ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
- ۷ - آموزش‌های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر (یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد راز گاهان، آیات حفظی، یادداشت‌های تعلیمی و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

## درس ۲۸

۱	دعا
---	-----

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) لوقا
---	---

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگهان خود را از قسمت مشخص شده (لوقا ۱۱: ۲۹ - ۱۴: ۳۵) با دیگران در میان بگذارید (یا از روی یادداشت‌های رازگهان آن روز بخوانید). به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان می‌گذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: ازدواج مسیحی
---	--

مرور: دو نفری مرور کنید. حل اختلافات: متی ۲۳ - ۲۴

۴	بررسی کتاب مقدس (۸۵ دقیقه) یوحنا ۱۲: ۱-۵۰
---	--

مقدمه: یوحنا ۱۲: ۱-۵۰ تدهین شدن عیسی در بیت عنیا و ورود مظفرانه او را به اورشلیم توصیف می‌کند.

<b>قدم ۱: بخوانید</b>	
بخوانید: یوحنا ۱۲: ۱-۵۰ را با هم بخوانیم. هر یک به نوبت يك آیه را بخواند تا تمام قسمت خوانده شود.	

<b>قدم ۲: کشف کنید</b>	
توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ بنویسید: يك یا دو حقیقتی را که درک می‌کنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضاء گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم در میان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کرده‌ایم با یکدیگر در میان بگذاریم. (موارد زیر مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر در میان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید که در هر گروه کوچک اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم در میان می‌گذارند که نباید لزوماً یکسان باشند).	

**کشف ۱)** در یوحنا ۱۲: ۱-۱۱، در رابطه با تدهین شدن عیسی توسط مریم حقیقت مهمی برای من وجود دارد. این واقعه با واقعاتی که در لوقا فصل ۷ توصیف شده فرق دارد، ولی شبیه وقایعی است که در متی ۲۶ و مرقس ۱۴ آمده است. در منزل شمعون جذامی، ضیافتی به خاطر عیسی برپا بود. بر طبق رسم موجود در اسرائیل، مهمانان در کنار میز نشسته و تکیه داده بودند. مریم، خواهر مرتا و ایلعازر، يك شیشه مملو از عطری گرانبها را شکست و تمام آن را روی پایهای عیسی ریخت. سپس با موهای خود پایهای عیسی را خشک کرد. خانه از بوی عطر پر شده بود.

این واقعه، مقایسه‌ای است بین سخاوت و بخشندگی مریم از يك سو و خودخواهی یهوذا از سوی دیگر. یهوذا به عمل مریم اعتراض کرد. در نظر او، این کار در واقع هدر دادن پول فراوانی بود. بر طبق محاسبه یهوذا، قیمت این عطر معادل مزد يك سال يك کارگر بود (۳۰۰ دینار، يك دینار مزد يك روز کارگر بود). برخی از شاگردان دیگر نیز به خاطر این عمل خشمگین

بودند. مریم قیافه‌های خشمگین و ناراضی افرادی را که در آنجا حضور داشتند می‌دید. عیسی تنها کسی بود که از عمل او دفاع کرد. تنها عیسی انگیزه مریم را درک کرد. به همین جهت نیز گفت: "این عطر به جهت روز دفن من نگاه داشته شده بود". مریم بسیار بهتر از شاگردان عیسی می‌دانست که دشمنان عیسی به زودی او را خواهند کشت. اگرچه عیسی بارها در مورد مرگ خود پیشگویی کرده بود، احتمالاً مریم بهترین شنونده سخنان عیسی بود. بر طبق رسوم یهود، پس از مرگ یک شخص بدن او را با حنوط و عطریات مختلف عطر آگین می‌کردند و پارچه‌ای از کتان دور بدنش می‌پیچیدند. مریم می‌خواست تا عیسی هنوز زنده بود، او را حرمت کند. به همین دلیل عطر را روی پاهای او ریخت تا پیشاپیش او را برای تدفین آماده سازد. عیسی هدیه باارزش او را پذیرفت و پیشگویی کرد که عمل نیکوی او را روزی تمام مردم جهان خواهند دانست. البته، عیسی به فکر فقرا نیز بود و اسراف بی‌مورد را تأیید نمی‌کرد. ولی کار مریم هنر دادن پول نبود، بلکه عملی بود ناشی از محبتی که نسبت به عیسی داشت. مریم با اینکار مهمترین شخصیت تاریخ جهان را برای گرانبهاترین مرگ تاریخ آماده می‌کرد. مریم با این کار خود نشان داد که به آنچه مسیح راجع به مرگش پیشگویی می‌کند ایمان کامل دارد. من بسیار تحت تأثیر این موضوع قرار گرفته‌ام که نحوه نگرش عیسی در مورد چگونگی خرج کردن پول با نگرشی که مردم دنیا در این مورد دارند کاملاً فرق می‌کند.

**کشف ۲)** در یوحنا ۱۲: ۱۲-۲۹، در رابطه با ورود مظفرانه عیسی به اورشلیم حقیقت مهمی برای من وجود دارد. دو حقیقتی که در زیر بیان شده‌اند، برای من حائز اهمیت فراوان هستند.

**الف)** عیسی ثابت می‌کند که بر تمام شرایط کنترل دارد. نقشه شورای سنهترین این نبود که عیسی را در زمان عید فصح بکشند، بلکه ورود مظفرانه او به اورشلیم بود که آنها را به انجام این کار واداشت. عیسی با ورود خود به اورشلیم، ثابت کرد که آمده است تا داوطلبانه جان خود را فدا کند.

**ب)** عیسی ثابت می‌کند که مسیح موعود، یا سرور سلامتی است. ورود او به اورشلیم بر روی کره الاغ، تحقق عینی نبوتی بود که در زکریا ۹: ۹ آمده است. مردم اورشلیم پادشاه خود را می‌دیدند که سوار بر کره الاغی به نزد آنها می‌رود. در حالیکه آمدن سوار بر اسب نشانه ای از جنگ بود، سوار بر الاغی آمدن معمولاً نمایانگر صلح بود. عیسی از این طریق ثابت کرد که همان مسیح موعودی است که در کتاب مقدس در مورد او وعده داده شده است، و نه یک مسیحای سیاسی و نظامی که یهودیان منتظرش بودند. او ثابت کرد که نیامده تا بر دشمنان سیاسی مردم غلبه یابد، بلکه آمده است تا صلح را برقرار کند. و از طریق مرگش می‌خواهد بین خدا و انسان گناهکار مصالحه ایجاد کند.

### قدم ۳: سؤال

**توجه کنید:** در این متن چه سؤالاتی در زمینه‌های مختلف وجود دارد که مایلید در گروه آنها را بپرسید؟ سعی کنیم تمام حقایق مربوط به یوحنا ۱۲: ۱-۵۰ را درک کنیم و در مورد آنچه نمی‌فهمیم سؤالهای خود را مطرح کنیم. **بنویسید:** تا آنجایی که امکان دارد سؤالهای خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.

**در میان بگذارید:** (بعد از اینکه مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد اجازه دهید که هرکدام از افراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد).

**گفتگو کنید:** (سپس چند سؤال را از بین همه سؤالها انتخاب کنید و سعی کنید با گفتگو کردن در مورد آنها در گروه جوابی برای آنها پیدا کنید. در ادامه، نمونه سؤالاتی که ممکن است شاگردان بپرسند و همچنین ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است).

**سؤال ۱)** (یوحنا ۱۲: ۲۰). چرا در میان افرادی که به منظور برگزاری عید فصح به اورشلیم رفته بودند، یونانیانی نیز بودند؟ **ملاحظات:** یهودیان در طول قرون متمادی به کشورهای اطراف مهاجرت کردند یا به مناطق دوردست به اسارت برده شدند. آنها در آن اماکن به منظور عبادت خدا و بررسی عهد عتیق کنیسه‌هایی بنا نمودند. برخی از غیر یهودیان نیز تحت تأثیر قداستی که در یکتاپرستی آیین یهود وجود داشت، به مذهب یهود گرویدند. برخی از این غیریهودیان ختنه شدند و قول دادند که به طور کامل از شریعت اطاعت کنند. این افراد، یهودی شدند و در تمام مزایا و وظایف مربوط به آیین یهود سهیم بودند. ولی برخی دیگر از غیر یهودیان ختنه نشدند و تشریفات مربوط به شریعت را نگاه نمی‌داشتند. این عده افرادی "خداترس" نامیده می‌شدند. آنها اجازه ورود به معبد را نداشتند، و تنها می‌توانستند به صحن مخصوص غیر یهودیان وارد شوند. بنابراین، شریعت تشریفاتی یهود تا زمان ظهور مسیح کماکان دیواری بود که بین یهودیان و غیر یهودیان جدایی می‌افکند (افسیان ۲: ۱۴-۱۵). یونانیانی که در مراسم برگزاری عید فصح شرکت کرده بودند، جزو غیر یهودیان "خداترس" بودند. بدرستی نمی‌دانیم که چرا آنها می‌خواستند عیسی را ببینند. شاید از یک سو دیگر به حکمت و درایت یونانیان اعتقادی نداشتند و از سوی دیگر نمی‌توانستند آرامش واقعی را در مذهب یهود بیابند. پاسخ عیسی نشان می‌دهد که آنها می‌خواستند با عیسی در مورد موضوع نجات صحبت کنند. این یونانیان درخواست خود را از طریق فیلیپس و اندریاس که تنها شاگردان عیسی بودند که اسامی یونانی داشتند، به اطلاع عیسی رساندند. عیسی پاسخ سؤال آنها را به شاگردان خود گفت و آنها نیز سخن عیسی را به این افراد یونانی منتقل کردند.

**سؤال ۲)** (یوحنا ۱۲: ۲۳-۲۴). منظور عیسی چیست که می‌فرماید: اگر دانه گندم نمیرد تنها می‌ماند؟  
**ملاحظات:** هنگامی که عیسی به سؤال یونانیان پاسخ می‌داد، گروهی از یهودیان او را احاطه کردند. عیسی گفت: "ساعتی رسیده که پسر انسان جلال یابد. آمین، آمین به شما می‌گویم، اگر دانه گندم در خاک نیفتد و نمیرد، تنها می‌ماند. اما اگر بمیرد، بار بسیار می‌آورد."

عیسی گفت که ساعت جلال یافتن او فرا رسیده است. او در این قسمت به مرگ خود بر صلیب، برخاستنش از میان مردگان، صعودش به آسمان و سرانجام نشستنش بر تخت شاهی بدست راست خدای پدر اشاره می‌کند. عیسی در مورد نزدیک بودن واقعه مرگش صحبت می‌کرد. یونانیان مشتاق بودند که این مسیح موعود معروف را که به طرزی پیروزمندانه وارد اورشلیم شده بود، ملاقات کنند. ولی عیسی این موضوع را برای آنها روشن کرد که ملاقات با مسیح موعود هیچ نفعی برای آنها نخواهد داشت. این مسیح موعود ابتدا باید بمیرد، و تنها در آن صورت است که در مقام مسیح موعود آسمانی قادر خواهد بود آنها را نجات دهد. ولی اکنون زمان رنج کشیدن و مصلوب شدن او بود. عیسی واقعه مرگ خود را به "دانه‌ای که به زمین فرو می‌رود و می‌میرد"، تشبیه می‌کند.

هر کشاورزی می‌داند که تا دانه در زمین فرو نرود و نمیرد، به گیاهی پرثمر تبدیل نخواهد شد. از طرفی عیسی می‌فرماید که مرگ او امری ضروری است. و اگر او نمیرد هیچ کس نمی‌تواند نجات یابد. او همچنین می‌فرماید که مرگش بزرگترین حصاد را در جهان تولید خواهد کرد. اگر او بمیرد، مردم بسیاری نجات خواهند یافت. بنابراین وقتی عیسی از مرگ خود بعنوان دانه‌ای که به زمین فرو می‌رود و می‌میرد یاد می‌کند، منظورش این است که مرگ کفارهای او بر صلیب برای نجات مردم ضروری است و بزرگترین تأثیر را در تاریخ بشر خواهد داشت.

**سؤال ۳)** (یوحنا ۱۲: ۲۵-۲۶). چرا يك مسیحی باید از جان خود در این جهان نفرت داشته باشد؟  
**ملاحظات:** در یوحنا ۱۲: ۲۵-۲۶ عیسی می‌فرماید: "کسی که جان خود را دوست دارد، آن را هلاک کند؛ اما هر که در این جهان جان خود را دشمن دارد، تا حیات جاودانی آن را نگاه خواهد داشت". هر که مرا خدمت میکند باید از من پیروی کند و هر جا من هستم، خادم من نیز آنجا با من است. پدرم کسی را که مرا خدمت میکند، سرافراز خواهد کرد. يك مسیحی باید در این جهان از جان خود نفرت داشته باشد، زیرا این تنها طریق نجات او است. کسی که جان خود را دوست دارد، در واقع در زندگی، خودش و خانواده و دوستان و اموال مادی‌اش را در اولویت قرار داده و آنها را مقدم بر عیسی می‌پندارد. چنین شخصی جان خود را از دست خواهد داد. به عبارت دیگر، عیسی مسیح او را انکار خواهد کرد و او برای همیشه هلاک خواهد شد.  
در رابطه با دوست نداشتن جان خود در این جهان، توجه به سه نکته حائز اهمیت است:

**الف) اصل انکار نفس.** وقتی یوحنا ۱۲: ۲۳-۲۶ را با هم بررسی می‌کنیم، متوجه می‌شویم که اصل انکار نفس هم در مورد عیسی صادق است و هم در مورد مسیحیان. بر طبق یوحنا ۱۲: ۲۳-۲۴، عیسی باید بمیرد تا بدینوسیله بتواند مردم زیادی را نجات دهد. و اما بر طبق یوحنا ۱۲: ۲۵-۲۶، مسیحیان نیز باید حاضر باشند به خاطر مسیح بمیرند. البته يك فرد مسیحی نمی‌تواند با تکیه بر قدرت خود این کار را انجام دهد، ولی با این حال اصل انکار نفس، موضوع مهمی برای عیسی مسیح می‌باشد.

**ب) تعلیمی در رابطه با "در اولویت قرار دادن عیسی".** آنچه در یوحنا در مورد "مقدم شمردن عیسی بر هر چیز دیگر" تعلیم داده شده است، در اناجیل دیگر نیز آمده است. عیسی در متی ۱۰: ۳۷-۳۹، مرقس ۸: ۳۴-۳۸، و لوقا ۱۴: ۲۶-۳۳ تعلیمی واحد می‌دهد. او در متی ۱۰: ۳۷-۳۹، می‌فرماید: "هر که پدر یا مادر را بیش از من دوست دارد، لایق من نباشد و هر که پسر یا دختر را از من زیاده دوست دارد، لایق من نباشد. و هر که صلیب خود را بر نداشته، از عقب من نیاید، لایق من نباشد. هر که جان خود را دریابد، آن را هلاک سازد و هر که جان خود را به خاطر من هلاک کرد، آن را خواهد یافت." در اعمال رسولان ۵: ۲۹، پطرس به رئیس کهنه و افرادی که صاحب قدرت بودند گفت: "خدا را می‌باید بیشتر از انسان اطاعت نمود". يك مسیحی باید در زندگی شخصی و اجتماعی خود عیسی را در اولویت قرار دهد. او باید بیشتر نسبت به عیسی مسیح احساس تعهد کند تا نسبت به والدین، معلمین و یا مقامات حاکم مملکتی. اگر بین آنچه که عیسی حکم می‌کند و آنچه که والدین، معلمین و مقامات دولتی فرمان می‌دهند تناقض وجود داشته باشد، مسیحیان باید از مسیح اطاعت کنند و با مهربانی و نرمی در برابر دیگران ایستادگی و مقاومت کنند.

**پ) رنج کشیدن در حین خدمت.** عیسی در یوحنا ۱۲: ۲۶ می‌فرماید: "اگر کسی می‌خواهد مرا خدمت کند، باید از من پیروی کند؛ و جایی که من می‌باشم او نیز آنجا خادم من خواهد بود؛ و هر که مرا خدمت کند پدر او را حرمت خواهد داشت". منظور عیسی این است که اگر يك فرد مسیحی می‌خواهد عیسی مسیح را خدمت کند، باید او را پیروی نماید، ولو آنکه لازمه این پیروی این باشد که صلیب خود را برداشته، نفس خود را انکار نماید. "صلیب خود را برداشتن و از عیسی پیروی کردن" در متی ۱۰: ۳۹، به مفهوم "تمایل و آمادگی جهت مقابله با سختیها، طردشدنها، جفاها و حتی مرگ به خاطر عیسی مسیح و ملکوت او در جهان" است. ولی هر فرد مسیحی باید این موضوع را نیز به خاطر داشته باشد که هر چند طریق صلیب، طریق دشواری است، اما در نهایت به سرافرازی و پادشاهی ختم می‌شود. عیسی می‌فرماید: "هر که جان خود را به خاطر من و انجیل از دست بدهد، آن را بدست خواهد آورد". او همچنین می‌فرماید: "هر که مرا خدمت کند، پدر او را حرمت خواهد داشت".

**سؤال ۴) (یوحنا ۱۲: ۳۱-۳۲).** رئیس این جهان چه کسی است؟ منظور از بیرون افکنده شدن او چیست؟  
**ملاحظات:** عیسی در یوحنا ۱۲: ۳۱-۳۲ می‌فرماید: "الحال داوری این جهان است و الآن رئیس این جهان بیرون افکنده می‌شود. و من اگر از زمین بلند کرده شوم، همه را به سوی خود خواهم کشید". بلند کرده شدن عیسی از زمین به مرگ او بر صلیب، قیام او از مردگان، و صعود و جلوسش بر تخت پادشاهی در آسمان اشاره دارد. مرگ عیسی بر صلیب، در عین حال زمان داوری این جهان و بیرون افکنده شدن شریر از مقام ریاستش در جهان نیز می‌باشد.

**الف) داوری این جهان.** "دنیایی" که عیسی در مورد آن صحبت می‌کند، کل جهان هستی نیست، بلکه عبارت است از دنیای کسانی که او را طرد کرده‌اند و نیز دنیای رهبران این افراد که عیسی را محکوم نمودند. دنیای یهودا است که عیسی را انکار کرد، دنیای سربازانی است که او را به تمسخر گرفتند و دنیای پیلطس است که او را محکوم به مرگ کرد. به طور خلاصه، "این جهان"، به تمامی مردمان شریری که از خدا رویگردان شده و شیطان را به عنوان پادشاه و خداوند زندگی خود پذیرفته‌اند، اشاره دارد. این جهان با اینکه عیسی را تجربه کرده، اما او را طرد کرده و بیرون افکنده است بدون اینکه متوجه باشد با انجام این کار در واقع خود را محکوم نموده است. این جهان اکنون مورد داوری است. به عبارت دیگر، به هلاکت ابدی در جهنم محکوم شده است (مکاشفه ۲۱: ۸).

**ب) بیرون افکنده شدن شیطان.** رئیس این جهان، شیطان است. شیطان تا قبل از آمدن عیسی به این جهان، بر آن ریاست می‌کرد و سخت می‌کوشید تا انبیای خدا را از قلمرو خود دور نگاه دارد (دانیال ۱۰: ۱۳، ۲۰، ۲۲). ولی هنگامی که عیسی به این جهان آمد، اعمال شیطان را نابود کرد (اول یوحنا ۳: ۸) و از طریق اخراج روحهای شریر (متی ۱۲: ۲۸-۳۰)، مرگ خود بر صلیب (کولسیان ۲: ۱۵؛ عبرانیان ۲: ۱۴)، قیام، صعود، و نشستنش بر تخت پادشاهی در آسمان (مکاشفه ۱۲: ۵-۹)، شیطان را بست. در واقع او شیطان را داوری و محکوم کرد (یوحنا ۱۲: ۳۱؛ ۱۶: ۱۱). شیطان هیچگاه قدرتی بر عیسی نداشته است (یوحنا ۱۴: ۳۰). او گرچه بر ایمانداران این جهان هیچ قدرتی ندارد (اول یوحنا ۵: ۱۹؛ اول پطرس ۵: ۸-۹)، ولی هنوز بر دنیای بی‌ایمانان قدرت دارد و آنان را در سلطه خود گرفته است (اول یوحنا ۵: ۲۰). اگرچه مسیحیان هنوز با شیطان و نیروهای شریر در نبردی روحانی بسر می‌برند (افسیسیان ۶: ۱۰-۱۲)، ولی شیطان دیگر قادر نیست از گسترش پیغام انجیل در بین مردم جهان جلوگیری کند.

عیسی می‌فرماید که از طریق مرگش بر صلیب، "رئیس این جهان بیرون افکنده خواهد شد". نتیجه بیرون افکنده شدن شیطان از مقام خود به عنوان رئیس این جهان، این است که میلیونها نفر از اقصا نقاط جهان به سمت عیسی مسیح کشیده خواهند شد. شیطان بواسطه مرگ عیسی بر صلیب و قیام و صعود و جلوس او بر تخت آسمان، قدرت خود را بر ملل جهان از دست داده است و دیگر نمی‌تواند از موعظه پیغام انجیل به مردم و نجات آنها جلوگیری کند. از این پس، عیسی مسیح مردم مختلف روی زمین را از حاکمیت شیطان بیرون کشیده، آنها را به سمت ملکوت خود جذب خواهد کرد (کولسیان ۱: ۱۳). یونانیانی که به ملاقات عیسی آمده بودند، نماینده گروه زیادی از غیریهودیانی هستند که به عیسی مسیح ایمان خواهند آورد. از هنگام آمدن عیسی به این جهان تا به امروز، میلیونها نفر از مردم به سمت ملکوت او جذب شده‌اند.

**سؤال ۵) (یوحنا ۱۲: ۳۷-۴۶).** دیدگاه کتاب مقدس در رابطه با ایمان و بی‌ایمانی چیست؟  
**ملاحظات:**

**الف) دیدگاه کتاب مقدس در رابطه با ایمان چیست؟ فیلیپیان ۱: ۲۹** تعلیم می‌دهد: "زیرا که به شما عطا شد... ایمان آوردن به مسیح". و اعمال ۱۳: ۴۸ می‌فرماید: "آنانی که برای حیات جاودانی مقرر بودند ایمان آوردند". تعلیم مشخصی که در کتاب مقدس در رابطه با ایمان وجود دارد این است که ایمان هدیه خداست و نه نتیجه عمل انسان. خدا ایمان را عطا می‌کند و انسان وظیفه دارد ایمانی را که خدا به او بخشیده است، بکار ببندد. یوحنا ۱۲: ۴۲-۴۳ تعلیم می‌دهد که ایمان اصیل و واقعی صرفاً يك واقعیت عقلانی نیست، بلکه تعهدی است که شخص بر اساس آن نه تنها در قلب خود به حقیقتی ایمان می‌آورد، بلکه آن را با زبان خود نیز اعتراف می‌کند.

**ب) دیدگاه کتاب مقدس در رابطه با بی‌ایمانی چیست؟** در یوحنا ۱۲: ۳۷-۴۰، نوشته شده است: "و با اینکه عیسی پیش روی ایشان چنین معجزات بسیار نموده بود، بدو ایمان نیاوردند... از آن جهت نتوانستند ایمان آورند زیرا اشعیا نیز گفت: خدا چشمان ایشان را کور کرد و دل‌های ایشان را سخت ساخت تا به چشمان خود نبینند و به دل‌های خود نفهمند و برنگردند تا ایشان را شفا دهیم."

خداوند کتاب مقدس انسانها را به خاطر بی‌ایمانی‌شان مسؤل می‌داند. در اشعیا ۱: ۲-۴ می‌خوانیم که بنی‌اسرائیل در برابر خدا سرکشی کردند و به فساد کشیده شدند. به همین دلیل، در اشعیا ۶: ۹-۱۰، خدا آنها را مورد داوری قرار می‌دهد و می‌فرماید: "دل این قوم را فربه ساز و گوش‌های ایشان را سنگین نما و چشمان ایشان را ببند، مبادا با چشمان خود ببینند و با گوش‌های خود بشنوند و با دل خود بفهمند و بازگشت نموده، شفا یابند." قوم اسرائیل شاهد معجزات بسیاری بودند و سخنان زیبای فراوانی از انبیا شنیده بودند، ولی تصمیم گرفته بودند قلب خود را نسبت به خدا سخت سازند. آنها به خدا ایمان نیاوردند. به همین دلیل خدا نیز اجازه داد تبدیل به همان افرادی شوند که خود می‌خواستند. خدا اجازه داد چشمان و گوش‌های آنها کاملاً بسته بماند. آنها آنچه کاشته بودند، همان را درو کردند.

فریسیان و بسیاری از یهودیان دیگر نیز شاهد معجزات عیسی بوده، تعالیم زیادی از او دریافت کرده بودند، ولی با وجود این به او ایمان نیاوردند. آنها نیز به همان ترتیب داوری خواهند شد (متی ۱۳: ۱۱-۱۷).

به همین ترتیب امروزه نیز هر انسانی وظیفه دارد که به سخنان خدا که در کتاب مقدس نوشته شده است، ایمان بیاورد و نسبت به تعالیم و اعمال عیسی مسیح واکنش نشان دهد. اگر کسی بخواد مانند فریسیان دائماً از عیسی انتقاد کند و به او ایمان نیاورد، در آن صورت دل او نیز سخت خواهد شد و نخواهد توانست وارد ملکوت خدا شود. ولی هر کس که به سادگی به سخنان عیسی ایمان بیاورد، نباید ترسان باشد. هر قلب خوب و پاکی که نسبت به کلام خدا واکنش مثبت نشان دهد، در کلام رشد خواهد کرد و ثمر خواهد آورد.

#### **قدم ۴: بکار ببرید**

**توجه کنید:** کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان پذیر است.

**درمیان بگذارید و بنویسید:** افکار خود را صریحاً با هم درمیان بگذارید و فهرستی از کاربردهای امکان پذیر براساس یوحنا ۱۲: ۱-۵۰ تهیه کنید.

**توجه کنید:** خدا از شما می خواهد کدامیک از کاربردهای امکان پذیر را تبدیل به یک کاربرد شخصی بکنید؟

**بنویسید:** این کاربرد شخصی را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران درمیان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می کنند و حتی از یک حقیقت کاربردهای متفاوتی می یابند.

(فهرست زیر، نمونه هایی از کاربردهای امکان پذیر در این قسمت از کتاب مقدس میباشند).

#### **نمونه هایی از کاربردهای امکان پذیر (انجیل یوحنا فصل ۱۲)**

- ۱۲: ۳ \* گاهی هدیه باارزشی را به خدا تقدیم کنید و او را بدین ترتیب احترام بگذارید.
- ۱۲: ۶ \* مراقب باشد زمانی که مسئولیت امور مالی را بر عهده دارید، مانند یهودا خسیس یا ریاکار نباشید.
- ۱۲: ۱۰ \* اگر دشمنان عیسی مسیح در صدد قتل او برآمدند، در صدد کشتن مسیحیان نیز بر خواهند آمد. بنابراین خود را آماده کنید.
- ۱۲: ۱۶ \* مواظب باشید نگرش تان راجع به عیسی مسیح مانند نگرش رهبران مذهبی یهود نباشد. آنها نه تنها از کتب مذهبی خود آگاه نبودند (متی ۲۲: ۲۹؛ یوحنا ۵: ۳۹)، بلکه تصورات باطل خود را در مورد مسیح موعود جایگزین کتب آسمانی کرده بودند.
- ۱۲: ۱۷، ۱۹ \* روی هم رفته، بیشتر این مردم عادی هستند که خیر خوش عیسی مسیح را در بین دیگران منتشر خواهند کرد، نه رهبران مذهبی. بنابراین بهتر است اجازه دهید مردم عادی پیغام انجیل را به گوش دیگران برسانند.
- ۱۲: ۲۰-۲۱ \* اگر رهبران مذهبی عیسی مسیح را نپذیرند، مردمان عادی او را خواهند پذیرفت. بنابراین پیغام انجیل را به مردم عادی اعلام نمایید.
- ۱۲: ۲۴-۲۵ \* انکار نفس و رنج کشیدن به خاطر مسیح دو صفت بسیار مهم یک فرد مسیحی است.
- ۱۲: ۳۱-۳۲ \* پیغام انجیل را به تمام مردم جهان اعلام کنید، زیرا عیسی مسیح آنها را به سمت خود می کشد.
- ۱۲: ۴۲-۴۳ \* مردمی که ایمانی خالص نسبت به عیسی مسیح دارند، حتی زمانی که در جفا هستند نام او را با زبان خود اعتراف خواهند کرد.
- ۱۲: ۴۸ \* پیغام انجیل یا هم اکنون شما را عادل می گرداند، و یا در روز آخر شما را داوری خواهد کرد.

#### **نمونه هایی از کاربردهای شخصی**

الف) من می خواهم عیسی مسیح را در زندگی خود در اولویت قرار دهم. من تصمیم گرفته ام که در وهله نخست نسبت به او احساس تعهد کنم، نه نسبت به والدین، معلمین یا مقامات دولتی. اگر بین آنچه که خدا حکم می کند و آنچه که والدین، معلمین یا سایر قدرتهای حاکم به من دستور می دهند تناقضی وجود داشته باشد، در آن صورت من از احکام مسیح اطاعت خواهم کرد.

ب) من می خواهم عیسی مسیح را در زندگی خود خدمت کنم، هر چند می دانم که راه صلیب، طریق رنج و انکار نفس است. من متعهد شده ام که صلیب خود را برداشته، از عیسی پیروی کنم. من حاضریم که به خاطر عیسی و ملکوت او در این جهان، متحمل سختیها، طردشدنها، جفاها و حتی مرگ بشوم. ولی همواره بیاد خواهم داشت که طریق صلیب به پادشاهی خدا ختم می شود. تنها در مسیر خدمت است که زندگی من نجات خواهد یافت. تنها در مسیر خدمت و رنج کشیدن است که خدای پدر مرا حرمت خواهد کرد.

#### **قدم ۵: دعا کنید**

در مورد حقیقتی که خدا به ما در یوحنا ۱۲: ۱-۵۰ آشکار کرده است، دعا کنیم.

(در دعای خود به آنچه که در طی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده اید، پاسخ دهید. تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. بیاد داشته باشید که افراد در هر گروه، در مورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

<b>دعا (۸ دقیقه)</b>	<b>۵</b>
----------------------	----------

**دعای شفاعت**

به دعا کردن در گروه های دو یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و مردم دنیا دعا کنید.

<b>تکلیف منزل (۲ دقیقه)</b>	<b>۶</b>
-----------------------------	----------

**برای درس بعدی**

**(سرگروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

- ۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
- ۲ - برای يك فرد یا گروه، موضوع " یوحنا فصل ۱۲ " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
- ۳ - رازگاهان - هر روز نیمی از يك فصل از لوقا ۱۵: ۱-۱۸: ۱۷ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
- ۴ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (وفادار ماندن: امثال ۳: ۳-۴) را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
- ۵ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
- ۶ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر (یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.



## درس ۲۹

۱	دعا
---	-----

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) لوقا
---	---

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگهان خود را از قسمت مشخص شده (لوقا ۱۵: ۱- ۱۸: ۱۷) با دیگران در میان بگذارید (یا از روی یادداشت‌های رازگهان آن روز بخوانید). به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان می‌گذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: ازدواج مسیحی
---	--

دو نفری تعمق، حفظ و مرور کنید: وفادار ماندن: امثال ۳: ۳- ۴

۴	تعلیم (۸۵ دقیقه) آموزش مسیحیان نوایمان از طریق ارائه کمک شخصی
---	--

مقدمه: موضوع این درس، تعلیم دادن به مسیحیان نوایمان از طریق ارائه کمکی شخصی به آنها می‌باشد. در این درس، یکی از راه‌هایی را که از طریق آن مسیحیان بالغتر می‌توانند به رشد ایمان مسیحیان نوایمان کمک کنند، بررسی خواهیم کرد.

### الف - اهمیت کمک شخصی

#### ۱- کمک شخصی چیست؟

تعلیم دهید: "کمک شخصی" در این درس، کمکی است که از سوی يك ایماندار بالغتر به يك مسیحی نوایمان عرضه می‌شود و باعث می‌شود مسیحی تازه‌ایمان در ایمان خود رشد کرده، به شاگرد عیسی مسیح تبدیل شود. در واقع این شخص تازه‌ایمان کمکی را دریافت می‌کند که مطابق با نیازها و شخصیتش است. يك ایماندار بالغ می‌تواند از طریق کتاب‌مقدس و با نشان دادن محبت و توجه مسیحایی از طریق رابطه شخصی، به رشد ایمان يك مسیحی نوایمان کمک کند.

#### ۲- نمونه‌هایی از کمک شخصی در کتاب‌مقدس

مقدمه: اگرچه مواردی که در زیر بدانها اشاره می‌شود همگی نمونه‌هایی از خدمت مسیح هستند، عیسی مسیح در شاگردانش این انگیزه را ایجاد کرد که از نمونه او پیروی کنند. این نمونه‌ها به این منظور عنوان شده‌اند که افکار ما را در رابطه با برخی از جوانب مربوط به کمک شخصی برانگیزانند.

الف) به کسی که مایل است نجات بیابد، به طور شخصی کمک کنید.

بخوانید: لوقا ۱۹: ۱- ۱۰

کشف و گفتگو کنید: عیسی به هنگام ملاقات با زکی، چه کاری انجام داد؟

ملاحظات: عیسی مسیح به جهان آمد تا انسانهایی را که گمشده هستند، بجوید و آنها را نجات دهد. زکی گمشده بود، ولی عیسی او را پیدا کرد. زکی يك باجگیر بود. او شخص بسیار ثروتمندی بود، زیرا سر مردم کلاه گذاشته بود و آنها را وادار کرده بود که بیش از اندازه مالیات بپردازند. وقتی عیسی وارد شهر او شد، او نیز مایل بود عیسی را ببیند. دلایش را نمی‌دانیم. شاید به

خاطرکارهای بدی که انجام داده بود، احساس تقصیر می‌کرد. در هر صورت عیسی از نیاز واقعی زکی مطلع بود، به همین جهت پیشقدم شد و به او پیشنهاد کرد که برای ملاقات با او به خانه‌اش برود. زکی در طی مصاحبت با عیسی، نزد او به گناهان خود اعتراف کرد و گفت: "الحال ای خداوند نصف مایملک خود را به فقرا می‌دهم و اگر چیزی به ناحق از کسی گرفته باشم، چهار برابر بدو پس می‌دهم." عیسی به او کمک کرد تا نجات بیابد، و به او گفت: "امروز نجات در این خانه پیدا شد... پسر انسان آمده است تا گمشده را بجوید و نجات بخشد." یکی از جوانب مهم کمک شخصی این است که به افراد کمک کنیم تا نجات بیابند.

ب) به کسی که مایل است در مورد عیسی بیشتر بداند، به طور شخصی کمک کنید.

**بخوانید:** لوقا ۱۰: ۳۸-۴۲؛ دوم قرنتیان ۴: ۱۶-۱۸

**کشف و گفتگو کنید:** فکر می‌کنید "آن چیزی" که مردم بدان احتیاج دارند چیست؟

**ملاحظات:** "آن چیزی" که مردم واقعاً بدان نیاز دارند، نشستن در زیر پایهای عیسی و تعلیم گرفتن از او است. ما نمی‌دانیم که نیاز اصلی مریم چه بود یا عیسی چه نکته‌ای را به او تعلیم داد. ولی می‌دانیم که عیسی به این کار خیلی اهمیت می‌داد. عیسی فرمود که کمک شخصی مریم در مقایسه با انجام کارهای روزانه کار بسیار مهمتری است. این موضوع بسیار مهم است زیرا مسیحیان باید به چیزهای نادیدنی چشم بدوزند، نه به چیزهای دیدنی. بنابراین يك ايماندار قديمی‌تر می‌تواند به يك شخص نوايمان کمک کند تا به اتفاق یکدیگر "در زیر پایهای عیسی بنشینند" و از تعالیم او بهره‌مند شوند. یکی از جوانب مهم کمک شخصی این است که به اتفاق دیگران، از عیسی تعلیم بگیریم.

پ) به کسی که در یک رابطه دچار شکست شده است، به طور شخصی کمک کنید.

**بخوانید:** یوحنا ۱۳: ۳۷؛ ۲۱: ۱۵-۱۹

**کشف و گفتگو کنید:** عیسی به هنگام ملاقات با پطرس در دریاچه جلیل، چه کاری انجام داد؟

**ملاحظات:** عیسی قدم اول را جهت ملاقات با او برداشت و رابطه‌ای را که میان آنها از هم گسسته بود، احیا کرد. پطرس تا قبل از مصلوب شدن عیسی به این امر افتخار می‌کرد که همواره وی را پیروی خواهد کرد، ولو آنکه لازم باشد بخاطر اینکار جفا ببیند یا کشته شود. او گفته بود که: "جان خود را در راه تو خواهم نهاد". ولی به هنگام مصلوب شدن عیسی، او نیز همچون دیگر شاگردان عیسی فرار کرد. پطرس در زمان محاکمه عیسی، سه بار او را انکار کرد و گفت که عیسی را نمی‌شناسد و جزو شاگردان او نیست. این عمل پطرس بین او و عیسی مسیح جدایی ایجاد کرد. پس از اینکه عیسی از میان مردگان قیام نمود، به طور شخصی با پطرس صحبت کرد و گفت: "پطرس، آیا مرا واقعاً محبت می‌نمایی؟" عیسی سه بار این سؤال را از پطرس پرسید و هر سه بار وظیفه واحدی را بر عهده او نهاد: "گوسفندان مرا شبانی کن و آنها را خوراک ده". عیسی از نیاز واقعی پطرس آگاه بود. پطرس قبل از مرگ عیسی سه بار خداوند خود را انکار کرده بود. او اکنون نیاز به بخشش داشت و لازم بود رابطه‌اش با عیسی احیا شود. عیسی قدم اول را به منظور کمک به پطرس در زمینه نیاز شخصی‌اش برداشت. او پطرس را بخشید و بار دیگر او را به عنوان یکی از شاگردان و همکاران خود پذیرفت. بنابراین یکی دیگر از جنبه‌های کمک شخصی این است که به نیازهای خاصی که يك فرد دارد رسیدگی نماییم.

### ۳- جنبه‌های عملی کمک شخصی

الف) اعلام کردن، نصیحت نمودن و تعلیم دادن در کمک شخصی

**بخوانید:** کولسیان ۱: ۲۸-۲۹

**کشف و گفتگو کنید:** کمک شخصی پولس متشکل از چه مواردی بود؟

**ملاحظات:** پولس می‌فرماید: "پس به هر جا که می‌رویم، با هر کس که مشتاق شنیدن باشد درباره مسیح سخن می‌گوییم و به هر طریقی ایشان را هشدار و تعلیم می‌دهیم تا همه را بصورت افرادی بالغ در مسیح، به حضور خدا تقدیم کنیم. کار من همین است و در این راه زحمت میکشم و با تمام نیرویی که مسیح عطا میکند، در این زمینه تلاش و کوشش میکنم." این کاری بود که پولس در نظر داشت در مورد همه انجام دهد. جنبه عملی کمک پولس شامل موارد زیر می‌شد:

۱) پولس پیام عیسی مسیح را به همگان اعلام می‌نمود. او آشکارا اعلام می‌داشت که عیسی مسیح تنها نجات دهنده و خداوند است. يك مسیحی بالغ نیز وقتی می‌خواهد به رشد روحانی يك مسیحی نوايمان کمک کند، باید تنها مسیح را به عنوان یگانه منشأ، وسیله و هدف نهایی نجات و بلوغ روحانی ابنا بشر اعلام نماید (رومیان ۱: ۳۶). البته، ايماندار بالغ‌تر می‌تواند با فرد نوايمان در رابطه با موضوعاتی که برای وی حائز اهمیت است - مثلاً اینکه فلاسفه می‌توانند چه تأثیری بر افکار بشر داشته باشند - بحث و گفتگو کند. ولی باید در نظر داشت که آنچه باعث نجات انسانها می‌شود و به آنها کمک می‌کند تا در مسیر بلوغ رشد کنند و به شباهت مسیح در آیند، نه فلاسفه بلکه انجیل عیسی مسیح است (اول قرنتیان ۱: ۲۰-۲۵).

۲) پولس همگان را نصیحت می‌کرد. "نصیحت کردن" به طور لغوی به این مفهوم است که کلماتی خاص را از طریق تعلیم، هشدار، انگیزش یا تشویق کسی در فکر او حکاکی کنیم. پولس در این مورد که چگونه دیگران را نصیحت می‌کرد، نمونه‌هایی بیان می‌کند. در دوم قرنتیان ۵: ۲۰، او از مردم استدعا می‌کند که با خدا مصالحه کنند. بر طبق اعمال ۲۰: ۳۱، او سه سال شبانه‌روز با اشک و آه پیوسته به تك تك رهبران مسیحی افسس هشدار می‌داد. کمک پولس در اول تسالونیکیان ۲: ۷، ۱۱-۱۲ به طرز بسیار زیبایی عنوان شده است: "بلکه در میان شما به ملائمت به سر می‌بردیم، مثل دایه‌ای که اطفال خود را می‌پرورد.

چنانکه می‌دانید که هر يك از شما را چون پدر، فرزندان خود را نصیحت و دل‌داری می‌نمودیم، و وصیت می‌کردیم که رفتار بکنید بطور شایسته خدایی که شما را به ملکوت و جلال خود می‌خواند.

۳) پولس به هر شخصی تعلیم می‌داد. "تعلیم دادن" یعنی بیان حقایق کتاب مقدس به گونه‌ای منظم و عملی. بین نصایح و تعالیم پولس و آموزه‌ها و اخلاقیات او تفاوت فاحشی وجود نداشت. تعالیم پولس به هدف نصیحت کردن و اندرز دادن به دیگران بود و نصایح او نیز ریشه در تعالیمش داشت. بنابراین، پولس همواره مسیح را به عنوان کسی معرفی می‌کرد که نجات دهنده بشر، الگوی زندگی انسان، و خداوندی است که باید از او اطاعت کرد. در واقع مسیح تنها می‌تواند برای کسانی نمونه و الگو باشد که او را به عنوان نجات دهنده و خداوند زندگی خود می‌پذیرند. غیر مسیحیانی که صرفاً برای عیسی مسیح احترام قائلند ولی او را به عنوان نجات دهنده و خداوند خود نمی‌پذیرند، نمی‌توانند از اسارت گناهان خود آزاد شده، عیسی را پیروی نمایند.

#### ب) رابطه موجود میان تعلیم دادن و نصیحت کردن

بین آنچه که پولس در رابطه با شخصیت مسیح و کار او تعلیم می‌داد و نصایح و اندرزهایی که به دیگران می‌کرد، همواره ارتباط وجود داشت.

#### کشف و گفتگو کنید: پولس در این قسمت‌ها از کتاب مقدس چه تعالیم و نصایحی را بیان می‌کند؟

۱) **بخوانید:** رومیان ۱: ۲-۳. پولس تعلیم می‌دهد: "مسیح خوشی خود را طالب نمی‌بود". بنابراین او ما را نصیحت می‌کند که: "هر يك از ما باید همسایه خود را خوشنود سازیم".

۲) **بخوانید:** افسسیان ۵: ۲. او تعلیم می‌دهد: "مسیح ما را محبت نمود و خود را برای ما فدا کرد". بنابراین نصیحت پولس این است که: "در محبت رفتار نماییم".

۳) **بخوانید:** کولسیان ۳: ۱۳. پولس تعلیم می‌دهد: "مسیح شما را آمرزید". بنابراین او ما را نصیحت می‌کند که: "یکدیگر را عفو کنیم". پولس وظیفه اعلام پیام انجیل، تعلیم دادن و نصیحت نمودن مردم را بسیار حکیمانه انجام می‌داد. "حکمت" یعنی استفاده از بهترین شیوه ممکن به منظور نائل شدن به والاترین هدف. نیز حکمت بدین معنا است که حقیقت را در زمان مناسب و به طریقی درست، در مورد زندگی يك شخص یا در مورد شرایطی خاص بکار ببندیم.

#### پ) مسئولیتهایی که در قبال دیگران بر عهده داریم.

**کشف و گفتگو کنید:** برخی از جوانب عملی کمک شخصی که هر فرد مسیحی باید آماده ارائه آن باشد، چیست؟

**بخوانید:** غلاطیان ۶: ۲؛ ۱ تسالونیکیان ۵: ۱۱؛ عبرانیان ۱۰: ۲۵.

**ملاحظات:** در بسیاری از قسمت‌های عهد جدید در رابطه با "وظیفی که مسیحیان در قبال یکدیگر دارند"، می‌خوانیم. به عنوان مثال، می‌خوانیم که: "بارهای یکدیگر را متحمل شوید"، "یکدیگر را تشویق کنید"، و "در دیگران جهت انجام اعمال نیک انگیزه ایجاد کنید". مسیحیان بالغ باید در تمام این موارد به طور شخصی به مسیحیان نوایمان کمک کنند.

#### ۴- هدف از ارائه کمک شخصی

**کشف و گفتگو کنید:** هدف از ارائه کمک شخصی چیست؟

**بخوانید:** کولسیان ۱: ۲۸-۲۹؛ اول قرنتیان ۱: ۸-۹؛ ۳: ۵-۷؛ فیلیپیان ۱: ۶.

**ملاحظات:** هدف از ارائه کمک شخصی، بلوغ روحانی است. هدف این است که هر مسیحی در عیسی مسیح تبدیل به فردی "کامل" شود. در متن اصلی کتاب مقدس کلمه "کامل" را می‌توان به مفهوم "پایان" یا "بالغ" نیز ترجمه کرد. این کلمه هم به زمان و هم به درجه چیزی اشاره می‌کند:

الف) وقتی که کلمه "کامل" به زمان اشاره می‌کند، از نظر لغوی به مفهوم "انتهای یا پایان" می‌باشد.

در ۱ قرنتیان ۱: ۸، پولس می‌فرماید: "خدا شما را تا به آخر استوار خواهد فرمود". عمل خدا در زندگی يك مسیحی تا به انتها ادامه خواهد یافت، یعنی تا زمان بازگشت مسیح. خدا وفادار است و او وفادارانه آنچه را که وعده داده است، انجام خواهد داد.

ب) وقتی کلمه "کامل" به درجه چیزی اشاره می‌کند، به مفهوم "بدون تقصیر، بی‌ملامت، بالغ و کامل" می‌باشد.

عمل خدا در زندگی يك فرد مسیحی منجر به بلوغ کامل او شده، او را تبدیل به فردی می‌کند که از هر لحاظ کامل و بی‌عیب و تقصیر است. کمک به يك مسیحی نوایمان مستلزم وقت و تلاش زیادی است. با این حال، خدا وعده داده است که او خود کار را به کمال خواهد رساند، و این حقیقت به مسیحیان اطمینان عالی می‌بخشد. اگرچه گاهی به نظر می‌رسد که يك فرد مسیحی به حد بلوغ رشد نخواهد کرد و تبدیل به شخصی بی‌تقصیر و بی‌ملامت نخواهد شد، ولی خدا وعده داده است که در زمان بازگشت مسیح، هر فرد مسیحی بطور کامل بالغ و بی‌ملامت خواهد بود.

يك خادم مسیحی با خدا هم‌هدف است. در اول قرنتیان ۳: ۶ پولس می‌فرماید: "من دانه را کاشتم و اِپلس آن را آبیاری کرد لکن خدا آنرا نمو بخشید." خدا از مسیحیان بالغ برای رشد مسیحیان نوایمان استفاده می‌کند، ولی در نهایت این خود خدا است که رشد و نمو فرد نوایمان را باعث می‌شود. در اول قرنتیان فصل ۳، پولس به مردم قرنتس بشارت می‌دهد، ولی این خود خدا است که آنها را از نظر روحانی احیا می‌نماید. اِپلس آنها را شاگردسازی کرد، ولی خدا عامل اصلی رشد و بلوغ آنها بود. خدا عمل نیکویی را که در آنها شروع کرده است تا زمان بازگشت خود ادامه خواهد داد. و آنها در آن زمان افرادی کامل خواهند بود.

## ب - محتوای کمک شخصی

**مقدمه:** وقتی می‌خواهید به طور شخصی به کسی کمک کنید، خوب است بدین منظور از ۵ قدم عملی زیر استفاده کنید.

**قدم اول:** برای مسیحی نوایمان دعا کنید.

**کشف و گفتگو کنید:** بهنگام کمک به يك مسیحی نوایمان، چه داعایی می‌توانید برایش بکنید؟  
(الف) **بخوانید:** یوحنا ۶: ۴۴. خدا را شکر کنید که این شخص را به سمت خود کشیده و او را نجات داده است.  
(ب) **بخوانید:** کولسیان ۱: ۲-۱۴. خدا را به خاطر پیشرفت روحانی این شخص، و برای ایمان، محبت و امیدی که دارد، شکر کنید. خدا را برای خادمین مسیحی که پیغام انجیل را به او و عطا کرده‌اند و او را تعلیم می‌دهند، شکر کنید. خدا را برای زندگی و خدماتی که خود این شخص در کلیسا انجام می‌دهد، شکر کنید. برای این منظور می‌توانید از نمونه داعایی که پولس برای مسیحیان کولسی کرد (کولسیان ۱: ۹-۱۲)، کمک بگیرید و برای رشد، زندگی و خدمت مسیحی نوایمان دعا کنید. در این قسمت، پولس برای معرفت، حکمت، رفتار، رشد و خدمت پرثمر آنها دعا می‌کند.  
(پ) **بخوانید:** لوقا ۲۲: ۳۱-۳۲. شما نیز می‌توانید مثل عیسی برای نیازهای شخصی مسیحی نوایمان دعا کنید.  
(ت) **بخوانید:** متی ۶: ۹-۱۰. دعا کنید تا مسیحی نوایمان اراده خدا را آنگونه که در کتاب مقدس آمده است، درک کند و اجازه دهد که خدا در قلب او سلطنت نموده، در زندگی او جلال بیابد. وقتی که شما برای يك مسیحی نوایمان دعا می‌کنید، از خود بپرسید: "خدا از من می‌خواهد چه داعایی برای او بکنم که باعث تشویق او شود؟"

**قدم دوم:** در مورد پیشرفتهای خود با مسیحی نوایمان گفتگو کنید.

**کشف و گفتگو کنید:** وقتی به طور شخصی به يك مسیحی نوایمان کمک می‌کنید، چه مواردی را می‌توانید با یکدیگر در میان بگذارید؟  
**ملاحظات:** با یکدیگر در مورد پیشرفتهایی که در زندگی روحانی خود داشته‌اید و همچنین در مورد کشمکشهای زندگی، به گفتگو بپردازید و یکدیگر را تشویق کنید. مسیحی بالغتر باید در مورد چگونگی رشد ایمان خود با مسیحی نوایمان صحبت کند تا بدینوسیله الگوی خوبی برای او باشد.  
(الف) **بخوانید:** اول تیموتاؤس ۴: ۱۵. با یکدیگر در رابطه با کارهایی که جهت رشد هر چه بیشتر در ایمان تان انجام می‌دهید، گفتگو کنید. به عنوان مثال، برکاتی را که در نتیجه مطالعه کلام خدا در طول هفته گذشته بدست آورده‌اید، با هم در میان بگذارید. آیه حفظی را که به خاطر سپرده‌اید با یکدیگر مرور کنید. در رابطه با وقایع مربوط به خانواده، ازدواج و کار خود با هم صحبت کنید، و در مورد خدمات خود در کلیسا یا در ملکوت خدا، با یکدیگر گفتگو نمایید.  
(ب) **بخوانید:** رومیان ۱: ۱۲. در این قسمت می‌خوانیم: "تا در میان شما تسلی یابیم از ایمان یکدیگر". از طریق گفتگو کردن در رابطه با ایمان تان، باعث تشویق و بنای یکدیگر شوید. به عنوان مثال، وعده‌های کتاب مقدس را برای هم بازگو کنید. در رابطه با آنچه که خدا در جهت تقویت ایمانتان برای شما انجام داده است، گفتگو کنید. دید و نقشه‌های خود را در مورد آینده با مسیحی نوایمان در میان بگذارید و به او بگویید که چگونه آینده زندگی خود را بدست خدا سپرده‌اید و در این مورد به او اعتماد دارید. وقتی چنین مواردی را با او در میان می‌گذارید، از خود بپرسید: "من چگونه می‌توانم به او کمک کنم تا از نظر روحانی رشد کند و در ایمان بنا شود؟"

**قدم سوم:** کلام خدا را تعلیم دهید.

**کشف و گفتگو کنید:** وقتی می‌خواهید به طور شخصی به يك مسیحی نوایمان کمک می‌کنید، چه مواردی را می‌توانید به او تعلیم دهید؟

**ملاحظات:** به مسیحی نوایمان کلام خدا را تعلیم دهید. به یاد داشته باشید که خدا در متی ۲۸: ۱۹-۲۰، به مسیحیان بالغتر حکم می‌کند که "به مسیحیان نوایمان تمام اموری را که خدا حکم کرده است، تعلیم دهید".

(الف) **بخوانید:** متی ۲۸: ۱۹-۲۰. موضوعی را از کتاب مقدس با یکدیگر بررسی نمایید. از قسمتهای مختلف این دوره شاگردسازی جهت تعلیم و آموزش او استفاده کنید. مهمترین نکته این است که در یکدیگر انگیزه ایجاد کنید تا بتوانید حقایق کتاب مقدس را عملاً در زندگیهای خود بکار ببندید.

(ب) **بخوانید:** دوم قرنیتیان ۱۳: ۱۰. نکته مهمی که باید به خاطر داشته باشید این است که بیشتر باید بر نقاط قوت يك مسیحی نوایمان متمرکز شوید و در صدد تقویت این نکات باشید، نه اینکه بر روی نقاط ضعفش تأکید کنید. به عنوان مثال، اگر نقطه قوت او در زمینه بررسی کتاب مقدس است ولی نقطه ضعفش این است که نمی‌تواند آیات کتاب مقدس را به خوبی به خاطر بسپارد، در آن صورت او را در زمینه مطالعه و بررسی کلام خدا تشویق کنید و در عین حال، برای پیشرفتی هم که در زمینه حفظ آیات کتاب مقدس داشته است او را تشویق نمایید. بر نقاط ضعف فرد نوایمان تأکید نکنید زیرا در این صورت احساس عدم امنیت خواهد کرد و همیشه از اینکه مبدا مرتکب اشتباه شود، در ترس خواهد بود. سعی کنید مشوق خوبی برای او باشید. وقتی

می‌خواهید در زمینه بررسی و مطالعه کتاب مقدس به يك مسیحی نوایمان كمك می‌کنید، از خود بپرسید: "نقاط قوت او چه هستند و من چگونه می‌توانم او را در این زمینه كمك کنم؟ چگونه می‌توانم برای او مشوق خوبی باشم؟"

**قدم چهارم:** راجع به سؤالات شخصی او با هم گفتگو کنید.

**کشف و گفتگو کنید:** عیسی مسیح چگونه به سؤالات شاگردانش پاسخ می‌داد؟

**الف) بخوانید:** متی ۱۹: ۳-۶. عیسی گاه با استناد به آیات کتاب مقدس به سؤالات آنها پاسخ می‌داد. او سخنان خدا را به یاد شاگردانش می‌آورد و از روی کلام خدا به آنها پاسخ می‌داد.

**ب) بخوانید:** لوقا ۱۰: ۲۵-۲۶. گاهی اوقات عیسی سؤال آنها را نه صرفاً با استناد به آیات خاصی از کتاب مقدس، بلکه با پرسیدن سؤالی دیگر پاسخ می‌داد. عیسی می‌خواست بداند شاگردانش راجع به آنچه کتاب مقدس در پاسخ سؤال ایشان تعلیم می‌دهد، چه اطلاعی دارند. او به جوابهایی که آنها از کتاب مقدس می‌دادند گوش می‌داد و اگر پاسخ درستی می‌دادند آنها را تشویق می‌کرد که در زندگی خود مطابق همین پاسخ عمل کنند.

**پ) وقتی که شما به طور شخصی به يك مسیحی نوایمان كمك می‌کنید، به او فرصت دهید تا راجع به مواردی که مایل است در مورد آنها بحث و گفتگو کند از شما سؤالاتی بپرسد. به سؤالات و حتی به مشکلات او به دقت گوش دهید. خودتان نیز سؤالاتی از او بپرسید و از این طریق او را ترغیب کنید آنچه که در فکر و قلب خود دارد با شما در میان بگذارد.**

پس از اینکه به سخنان او گوش دادید، با استفاده از طرق زیر به او مشورت دهید:

**(۱) بهتر است پاسخهای شخصی خود را برای او بازگو نکنید، زیرا چنین پاسخهایی برخاسته از عقاید شخصی خودتان هستند و ممکن است لزوماً در مورد او صدق نکنند.**

**(۲) بهتر است به او فرصت دهید که پاسخ سؤالاتش را در کتاب مقدس بیابد. به مسیحی نوایمان اجازه دهید که خودش حقیقت را کشف کند و آن را شخصاً در زندگی خود به کار بگیرد. تنها کاری که شما می‌توانید انجام دهید این است که او را راهنمایی کنید تا قسمتی از کتاب مقدس را که به سؤال یا مشکل خاصی که عنوان کرده مربوط می‌شود، مطالعه کند. وقتی این فرد نوایمان حقیقت را کشف کرد و پاسخ سؤالات خود را یافت، این پاسخها جزو عقاید شخصی خود او خواهد شد و بنابراین هیچگاه آنچه را که از خدا تعلیم یافته از یاد نخواهد برد. وقتی به يك مسیحی نوایمان مشورت می‌دهید، از خود بپرسید: "کدام قسمت از کتاب مقدس بیشترین كمك را در زمینه یافتن پاسخی مناسب به سؤالات و مشکلاتش به او می‌کند؟"**

**قدم پنجم:** با یکدیگر دعا کنید.

**تعلیم دهید:** سرانجام، با یکدیگر دعا کنید. ابتدا از فرد مسیحی نوایمان بخواهید که دعا کند و نسبت به آنچه که در طی روز از کلام خدا آموخته است در دعا واکنش نشان دهد. او در رابطه با حقایقی دعا خواهد کرد که در جریان ملاقاتی که با هم داشته‌اید برایش باز شده است. دعای او به شما كمك خواهد کرد که بفهمید خدا دارد در زندگی او چه کاری انجام می‌دهد، و از این طریق خواهید توانست دعا و كمكهای شخصی خود را به بهترین وجه با او ادامه دهید. خود شما نیز باید به عنوان يك مسیحی بالغتر در مورد آنچه که خدا در آن روز به شما آموخته است دعا کنید. وقتی که این مسیحی نوایمان رفته رفته در ایمان خود بیشتر رشد کرد، می‌توانید با یکدیگر برای سایر مردم نظیر خانواده، دوستان و همکاران خود دعا کنید تا آنها نیز حقیقت را بشناسند و نجات یابند.

## **پ - پیشنهادات عملی در رابطه با كمك شخصی**

### **۱ - شما باید به چه کسی به طور شخصی كمك کنید؟**

**کشف و گفتگو کنید:** چه کسی باید كمك شخصی را دریافت کند؟

**ملاحظات:** با توجه به اینکه هر خادم مسیحی وقت و توان محدودی دارد، هیچ کدام از خادمین قادر نخواهند بود به طور مرتب زمان شخصی را جهت كمك به افراد تحت شیبانی آنها اختصاص دهند. بنابراین بر مسیحیان بالغتر و قدیمی‌تر است که به افرادی که بیشترین نیاز را دارند، به طور شخصی كمك کنند.

**الف) کسانی که با مشکلات و سؤالاتی خاصی دست به گریبانند.**

**بخوانید:** اول تسالونیکیان ۵: ۱۴. این قسمت تعلیم می‌دهد: "سرکشان را تنبیه نمایید و کوتاه‌دلان را دل‌داری دهید و ضعفا را حمایت کنید و با جمیع مردم تحمل کنید". شما باید به افرادی که خود را با مسائل یا سؤالات بخصوصی مواجه می‌بینند و مایلند آنها را با شما در میان بگذارند، به طور شخصی كمك کنید.

**ب) کسانی که از شرکت در جلسات غافل می‌مانند.**

**بخوانید:** عبرانیان ۱۰: ۲۵. تعلیم می‌دهد: "از با هم آمدن در جماعت غافل نشویم چنانکه بعضی را عادت است، بلکه یکدیگر را نصیحت کنیم و زیادتیر به اندازه‌ای که می‌بینید که آن روز نزدیک می‌شود". مسیحیان بالغتر و قدیمی‌تر باید به افرادی که از شرکت در جلسات غافلند و همچنین به افرادی که در زمینه بررسی قسمت خاصی از کتاب مقدس دچار مشکل هستند، به طور شخصی كمك کنند.

ب) کسانی که امین و وفادار و تعلیم‌پذیرند.

**بخوانید:** دوم تیموتاؤس ۲: ۱-۷. پولس تیموتاؤس را ترغیب می‌کند تا در فیضی که در مسیح عیسی است زور آور و قوی باشد، و آنچه را که از پولس آموخته است به دیگر مسیحیانی نیز که آماده یادگیری هستند، تعلیم دهد؛ همچون سرباز مسیح متحمل سختیها باشد؛ همواره در پی جلب خشنودی فرمانده خویش، عیسی مسیح باشد؛ همانند یک ورزشکار با اتکا بر اصول و قوانین الهی که در کتاب مقدس نوشته شده است، دوره خود را به پایان برساند و مانند یک کشاورز با جدیت در مزرعه خدا کار کند. مسیحیان بالغتر و قدیمی‌تر باید به کسانی که وفادار و تعلیم‌پذیر هستند، به طور شخصی کمک کنند.

## ۲- کمکی شخصی را چه زمانی باید ارائه داد؟

**تعلیم دهید:** چه زمانی باید به دیگران کمک شخصی کرد؟ این موضوع تا اندازه زیادی به بلوغ، ظرفیت، رغبت و آمادگی شما جهت تعلیم و تربیت دیگران و نیز به دعوتی که خدا از شما دارد، بستگی دارد. این موضوع همچنین به این بستگی دارد که شما تا چه اندازه در زندگی شخص مقابل دخیل هستید. به عنوان مثال، اگر شما تنها فرد مسیحی هستید که با این مسیحی نوایمان در تماس است، در آنصورت باید حداقل یکبار در هفته به ملاقات او بروید تا بدینوسیله بتوانید با او گفتگو کرده، به او تعلیم دهید، سؤالاتش را پاسخ گویند و با هم دعا کنید. ولی اگر این مسیحی نوایمان در جلسات و مشارکتهای مختلف کلیسایی و همچنین در جلسات خانگی یا کلاسهای شاگردسازی شرکت می‌کند، در آنصورت تنها لازم است هر وقت نیاز مبرمی پیش آمد به ملاقات او بروید.

## ۳- کمکی شخصی را چگونه باید ارائه داد؟

**بخوانید:** متی ۲۰: ۲۵-۲۸؛ لوقا ۲۲: ۲۴-۲۷؛ عبرانیان ۱۰: ۲۴-۲۵

**کشف و گفتگو کنید:** کمک شخصی باید چگونه ارائه شود؟

**ملاحظات:** عیسی تعلیم می‌دهد که مسیحیان قدیمی‌تر و بالغتر نباید بر مسیحیان نوایمان حکمرانی کنند، زیرا تنها افراد خدانشناس چنین می‌کنند. عیسی به هیچ خادم مسیحی اجازه نمی‌دهد بر مسیحی دیگری حکم کند. خادمین مسیحی تنها مجاز میباشند که به مسیحیان دیگر تعلیم دهند و آنها را نصیحت کنند. آنها نباید مسیحیان را به انجام کاری وادار کنند، بلکه باید آنها را ترغیب و تشویق کنند که اصل محبت را در تمام روابط خود به جا آورند و اعمال نیک انجام دهند. کمک شخصی باید به منظور تشویق دیگران و به جهت بنای ایمان آنها باشد.

<b>۵</b>	<b>دعا (۸ دقیقه)</b>
<b>دعای در پاسخ به کلام خدا</b>	

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعا‌های کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیابورید.

<b>۶</b>	<b>تکلیف منزل (۲ دقیقه)</b>
<b>برای درس بعدی</b>	

(سر گروه: رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

- ۱- تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
- ۲- برای یک فرد یا گروه، موضوع "تعلیم به مسیحیان نوایمان از طریق ارائه کمک شخصی" را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
- ۳- رازگهان - هر روز نیمی از یک فصل از لوقا ۱۸: ۱۸-۲۱: ۳۸ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
- ۴- حفظ کردن - هر روز مجموعه "ازدواج مسیحی" را مرور کنید.
- ۵- بررسی کتاب مقدس - درس بعدی بررسی کتاب مقدس (یوحنا فصل ۱۳) را در خانه آماده کنید. از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید.
- ۶- دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
- ۷- آموخته‌های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر (یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگهان، آیات حفظی، یادداشت‌های تعلیمی و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

## درس ۳۰

۱	دعا
---	-----

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) لوقا
---	---

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگهان خود را از قسمت مشخص شده (لوقا ۱۸: ۱۸ - ۲۱: ۳۸) با دیگران در میان بگذارید (یا از روی یادداشت‌های رازگهان آن روز بخوانید).  
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان می‌گذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: ازدواج مسیحی
---	--

مرور: دو نفری ۵ آیه حفظی مربوط به "ازدواج مسیحی" را مرور کنید.

۴	بررسی کتاب مقدس (۸۵ دقیقه) یوحنا ۱۳: ۱ - ۳۸
---	--

مقدمه: فصل ۱۳ یوحنا، خدمت پایانی عیسی مسیح در طی هفت هفته ماههای آوریل و می سال ۳۰ میلادی را بازگو می‌کند. در این فصل، واقعه شام آخر اتفاق می‌افتد که عیسی از طریق آن، خصوصیات واقعی یک شخص خادم را به طرز عملی برای شاگردان خود توصیف نمود و به آنها حکمی جدید داد.

<b>قدم ۱: بخوانید</b> بخوانید: یوحنا ۱۳: ۱ - ۳۸ را با هم بخوانیم. هر یک به نوبت یک آیه را بخواند تا تمام قسمت خوانده شود.
---

<b>قدم ۲: کشف کنید</b> توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ بنویسید: یک یا دو حقیقتی را که درک می‌کنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضاء گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم در میان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کرده‌ایم با یکدیگر در میان بگذاریم. (موارد زیر مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر در میان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید که در هر گروه کوچک اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم در میان می‌گذارند که نباید لزوماً یکسان باشند).
---

**کشف ۱)** در یوحنا فصل ۱۳ در رابطه با ارتباط بین عیسی و یهودا حقیقت مهمی برای من وجود دارد.

الف) یهودا فردی متظاهر بود. در یوحنا ۶: ۶۶ - ۷۱ می‌خوانیم که بسیاری از شاگردان عیسی از او رویگردان شدند و دیگر او را پیروی نکردند. ولی یهودا با عیسی ماند و وانمود کرد که شاگرد واقعی او است. در آن زمان عیسی فرمود: "آیا من شما دوازده را برنگزیدم و حال آنکه یکی از شما ابلیسی هستید." "ابلیس" یعنی "متهم کننده". عیسی گفت که یکی از آن دوازده شاگرد، برده ابلیس یا آلت دست ابلیس است. این خصوصیت شریرانه یهودا بویژه از آن جهت بود که به دروغ تظاهر کرد

شاگرد عیسی است. با اینکه خیلی‌ها عیسی را ترك کرده بودند و احساس می‌کردند دیگر نمی‌توانند با عیسی و ماهیت روحانی تعالیم او موافق باشند، این مرد یعنی یهودا کماکان با عیسی ماند و چنین به نظر می‌رسید که کاملاً با عیسی موافق و همراهی است. اما عیسی پیشاپیش می‌دانست که یهودا در آینده دست به چه کاری خواهد زد. این امر هشدار می‌داد برای کسانی که با آموزه‌ها و تعالیم کلیسایی که به آن تعلق دارند موافق نیستند، ولی ترجیح می‌دهند در همان کلیسا باقی بمانند و سایر اعضا را نیز با خود به ورطه نابودی بکشانند.

سالها بعد که یوحنا انجیل خود را نگاشت، توضیح داد که منظور از این شخص، یهودای اسخریوطی است.

ب) یهودا شخصی حریص و دزد بود. یوحنا ۱۲: ۴ - ۶ یهودا را فردی حریص و دزد توصیف می‌کند. مریم برای تدهین عیسی عطر گرانبهایی آورده بود که بسیار قیمت داشت، اما یهودا معتقد بود که این کار مریم اتلاف پول است. او گفت: "برای چه این عطر فروخته نشد تا پول آن به فقرا داده شود؟ زیرا بهای آن معادل مزد سالیانه يك کارگر بود." یوحنا در تعبیر سخن یهودا می‌گوید: "این را از آن رو نگفت که به فکر فقرا بود، بلکه از آنرو که دزد بود و خریطه در حواله او و از آنچه در آن انبوخته می‌شد بر می‌داشت." خودخواهی و پولدوستی یهودا از يك طرف و سخاوتمندی مریم از طرف دیگر هر دو بسیار تکان‌دهنده بودند.

پ) یهودا خیانتکار بود. یوحنا ۱۳: ۲ چگونگی تسلیم شدن عیسی توسط یهودا را توصیف می‌کند. این قسمت می‌فرماید: "ابلیس پیش از آن در دل یهودا نهاده بود که عیسی را تسلیم کند." در میان دوازده شاگرد عیسی، مردی بود که شخصیت بسیار پستی داشت و مصمم بود عیسی مسیح را تسلیم دشمنان کند. کاهنان اعظم و فریسیان دستور داده بودند که هر گاه کسی بداند عیسی کجاست، باید خبر دهد تا او را دستگیر کنند (یوحنا ۱: ۱۱: ۵۷). یهودا جداً مصمم بود که عیسی را به دست دشمنانش تسلیم کند. او با دشمنان عیسی تیبانی کرده بود که در ازای دریافت سی پاره نقره این کار را برایشان انجام دهد. هیچکدام از شاگردان دیگر از این موضوع خبر نداشتند و حتی به چنین کاری مظنون نیز نشده بودند، بلکه شیطان این نقشه شریک را در فکر او نهاده بود. یهودا پس از مدتها که به عنوان شاگرد عیسی از او پیروی کرده بود، به این نتیجه رسید که شاگرد او بودن دیگر ارزشی ندارد. او شخصی حریص بود و پول را بیشتر از عیسی دوست می‌داشت. او شخصی حسابگر بود و مصمم و مراقب بود که از کینسه بیرون افکنده نشود (یوحنا ۹: ۲۲)، بلکه در عوض می‌خواست مطابق خواسته‌های مقامات یهود عمل کند و زمان و مکان دستگیری عیسی را به آنها اطلاع دهد.

ت) یهودا برگزیده شده بود، ولی برکت نیافته بود. عیسی در یوحنا ۱۳: ۱۷ - ۱۸ به شاگردان خود می‌فرماید که زمانی برکت خواهند یافت که اعمالی را که او به آنها آموخته است انجام دهند. سپس گفت: "در باره جمیع شما نمی‌گویم؛ من آنانی را که برگزیده‌ام می‌شناسم، لیکن تا کتاب تمام شود: آنکه با من نان می‌خوردم، پاشنه خود را بر من بلند کرده است." عیسی وقتی بر اساس آنچه در لوقا ۶: ۱۲ - ۱۳ آمده است، با دعا دوازده شاگرد خود را برگزید، در مورد انتخاب یهودا اشیانه نکرده بود. او خود فرمود: "من می‌دانم چه کسی را انتخاب کرده‌ام." عیسی تك تك کسانی را که به عنوان شاگردان خود برگزیده بود تا در این جهان شاهد او باشند، می‌شناخت. او از فکر و قلب یهودا نیز به خوبی آگاه بود. او یهودا را برای هدف خاصی انتخاب کرده بود. یهودا برای دریافت نجات مقرر نشده بود. عیسی در تمام این مدت می‌دانست که یهودا شخصی متظاهر و غیر قابل اعتماد است. او یهودا را از این جهت برگزیده بود تا بدینوسیله نبوتی که در عهد عتیق در مورد او شده بود تحقق یابد. این نبوت در مزمو ۴۱: ۹ نوشته شده است. در این آیه داود به مشاور خود، اخیئوفل یا شخصی مشابه اشاره می‌کند. این شخص در صدد بود داود را بکشد. در ۲ سموئیل ۱۵ - ۱۷ می‌خوانیم که چگونه اخیئوفل به همراه ابشالوم نقشه قتل داود را برنامهریزی کرده بودند. داود در مزمو ۵۵: ۹ - ۱۴ می‌گوید که کسی که به او تهمت زده و بر علیه او قیام کرده است، دشمن نیست بلکه دوست و مشاور اوست که در حق او خیانت کرده است. "ای یار خالص و دوست صدیق من. که با یکدیگر مشورت شیرین می‌کردیم و به خانه خدا در انبوه می‌خرامیدیم." داود خیلی به این شخص خوبی کرده بود. این مرد از برکات سفره داود بهره‌مند شده بود، ولی با وجود همه این محبتها، مثل اسبی که ناگهان صاحب خود را لگد می‌زند، او نیز بی هیچ ترحم به داود ضربه زد. داود دعا کرد و از خدا خواست تا مشورت‌های افراد شریک چون اخیئوفل را باطل سازد و سخنان آنها را مغشوش نماید. بر اساس آنچه در مزمو ۵۵: ۹ - ۱۴ آمده است، هر که مرتکب خطایی چون خطای اخیئوفل شود، سخت سزاوار مجازات است. این نبوت قطعاً در رابطه با یهودا نیز صادق بود. او تا آن زمان که عیسی را بوسید و او را تسلیم دشمنان کرد، در ظاهر خود را دوست عیسی معرفی می‌کرد. هیچکدام از شاگردان به او مظنون نشده بودند. یهودا شخصی متظاهر و ریاکار بود که مستحق خوار شدن بود. عیسی یهودا را برگزیده بود تا نبوت مربوط به تسلیم شدن او به دشمنان، از طریق وی تحقق یابد.

ث) یهودا بخاطر اعمال خود کاملاً مسؤل بود. در یوحنا ۱۳: ۱۹ عیسی می‌فرماید: "الآن قبل از وقوع به شما می‌گویم تا زمانی که واقع شود باور کنید که من هستم." عیسی به نو دلیل این سخن را بر زبان آورد: اولاً می‌خواست به یهودا اخطار دهد و ثانیاً می‌خواست ایمان شاگردان خود را تقویت کند. عیسی به یهودا اخطار داده بود که با اجرای نقشه قتل او، هیچگاه برکت نخواهد یافت. یهودا می‌بایست این سخن عیسی را جدی می‌گرفت و در مورد آن تأمل می‌کرد. عیسی این سخن را گفت تا بدینوسیله به یهودا بفهماند که مسؤلیت کاری که انجام می‌دهد کاملاً متوجه خود او خواهد بود. ولی از طرف دیگر عیسی می‌خواست ایمان شاگردانش را نیز تقویت کند. او می‌دانست که خیانت یهودا باعث ناراحتی شاگردان خواهد شد و در ایمان آنها اختلال ایجاد خواهد کرد. شاگردان ممکن بود بخاطر خیانت یهودا، در مورد عیسی و نقشه خدا که می‌بایست توسط او به انجام می‌رسید،



دچار شك و تردید شوند. ولی شاگردان وقتی به خیانت یهودا پی بردند، متوجه این حقیقت نیز شدند که عیسی از قبل از تمام این اتفاقات آگاه بوده است و این اتفاق، در واقع تحقق نقشه خداست. عیسی قبل از اینکه به دست دشمنان تسلیم شود، مورد محاکمه قرار گیرد و مصلوب گردد، تمامی این سخنان را به شاگردان خود گفت تا آنها کماکان ایمان داشته باشند که او همانی است که ادعا می‌کند.

(ج) **یهودا خود را اسپر شیطان ساخته بود.** یوحنا ۱۳: ۲۷ می‌فرماید: "شیطان در او داخل گشت". شیطان فکر شریانه‌ای را در ذهن و قلب یهودا نهاده بود و آن این که به خاطر پول به عیسی خیانت کند. یهودا با شیطان مقاومت نکرد، بلکه بر طبق پیشنهاد او عمل کرد، و بدین ترتیب شیطان وارد قلب او شد. این روشی است که شیطان در مورد کسانی که با او مقاومت نمی‌کنند بکار می‌گیرد. شیطان تمامی وجود این فرد خیانتکار را در سلطه خود گرفت. یهودا تبدیل به فردی سنگدل شد و به هشدار عیسی هیچ اعتنایی نکرد. عیسی برای بار دوم به یهودا هشدار نداد، زیرا کار او با وی به اتمام رسیده بود. وقتی به پایان صرف شام فصیح نزدیک می‌شدند، عیسی به یهودا گفت: "آنچه می‌کنی، به زودی بکن". با این که یوحنا و پطرس از شنیدن این خبر که یهودا به عیسی خیانت خواهد کرد سخت متحیر گشته بودند، ولی نمی‌دانستند که یهودا دقیقاً چه کاری خواهد کرد. یهودا در ریا و ظاهرسازی بسیار ماهر بود، بطوری که هیچکدام از شاگردان فکر نمی‌کردند او ممکن است روزی به عیسی خیانت کند. یهودا متوجه شد که نقشه او در حال برملا شدن است، به همین جهت بلافاصله آن مکان را ترک کرد تا نقشه خود را به تحقق برساند. (یوحنا ۱۳: ۲۷ - ۳۰).

**کشف ۲) در یوحنا فصل ۱۳ در رابطه با ارتباط بین عیسی و پطرس حقیقت مهمی برای من وجود دارد.**  
در یوحنا ۱۳: ۳۳، عیسی فرموده بود: "اندک زمانی دیگر با شما هستم... جایی که من می‌روم شما نمی‌توانید آمد". افکار پطرس در نتیجه شنیدن سخنان عیسی مغشوش شده بود، به همین جهت از او پرسید: "ای آقا کجا می‌روی؟" عیسی پاسخ داد: "تو اکنون نمی‌توانی به جایی که من می‌روم از پی من بیایی؛ اما بعدها به دنبال من خواهی آمد". عیسی به آسمان اشاره می‌کرد، ولی پطرس متوجه مفهوم سخن او نشد. بر اساس نقشه خدا، لحظه مرگ پطرس هنوز فرا نرسیده بود. در مرقس ۱۴: ۲۹ می‌خوانیم که پطرس گفت: "حتی اگر تمام شاگردان دیگر از پیروی عیسی رویگردان شوند و لغزش بخوردند، من هرگز لغزش نخواهم خورد". او در مرقس ۱۴: ۳۱ به عیسی می‌گوید: "تو را هرگز انکار نخواهم کرد". و در یوحنا ۱۳: ۳۷ می‌گوید: "جان خود را در راه تو خواهم نهاد". پطرس خودش را درست نمی‌شناخت. او بی‌صبرانه می‌خواست عیسی را در تمام رنجهایی که می‌بایست می‌کشید پیروی کند. ولی عیسی به پطرس گفت که او با وجود آنچه اکنون می‌گوید، دقیقاً دست به همان کارهایی خواهد زد که در حال حاضر منکر آن است. اما از آنجا که پطرس به آنچه می‌گفت اطمینان و یقین داشت، متوجه سخنان عیسی نشد. پطرس فکر می‌کرد که جانش را در راه عیسی خواهد نهاد، ولی حقیقت این بود که عیسی باید جان خود را برای پطرس می‌نهاد.

### قدم ۳: سؤال

**توجه کنید:** در این متن چه سؤالاتی در زمینه‌های مختلف وجود دارد که مایلید در گروه آنها را بپرسید؟ سعی کنیم تمام حقایق مربوط به یوحنا ۱۳: ۱-۳۸ را درک کنیم و در مورد آنچه نمی‌فهمیم سؤالهای خود را مطرح کنیم. **بنویسید:** تا آنجایی که امکان دارد سؤالهای خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.

**در میان بگذارید:** (بعد از اینکه مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد اجازه دهید که هرکدام از افراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد).

**گفتگو کنید:** (سپس چند سؤال را از بین همه سؤالها انتخاب کنید و سعی کنید با گفتگو کردن در مورد آنها در گروه جوابی برای آنها پیدا کنید. در ادامه، نمونه سؤالاتی که ممکن است شاگردان بپرسند و همچنین ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است).

### سؤال ۱) (یوحنا ۱۳: ۱-۲) یهودیان چه زمانی شام فصیح را برگزار می‌کردند؟

**ملاحظات:** برخی از مسیحیان در مورد زمان دقیق برگزاری شام فصیح دچار سردرگمی هستند. بر طبق اناجیل متی، مرقس و لوقا، عیسی و شاگردانش مراسم شام فصیح را عصر پنجشنبه (۱۴ نیسان) برگزار کردند، و این زمانی بود که اکثر یهودیان که فریسیان را نیز شامل می‌شد، این شام را صرف می‌کردند. مراسم این شام، شامگاه قبل از مصلوب شدن عیسی در روز جمعه برگزار شد. ولی در یوحنا ۱۸: ۲۸ می‌خوانیم که یهودیان می‌خواستند شام فصیح را در عصر روز جمعه (۱۵ نیسان)، یعنی پس از مصلوب شدن عیسی صرف کنند.

بین انجیل یوحنا و اناجیل دیگر تناقضی وجود ندارد، زیرا شام فصیح در دو روز صرف می‌شد. بر طبق شریعت عهد عتیق، شام فصیح باید در روز ۱۵ ماه نیسان، یعنی تقریباً ماه آوریل، صرف می‌شد. ولی وقتی این روز با روز سبت مصادف می‌شد (عصر جمعه تا عصر شنبه)، فریسیان و اکثر یهودیان آن را یک روز زودتر برگزار می‌کردند، تا مبادا روز سبت را رعایت نکرده باشند. ولی صدوقیان که اکثر کاهنان به این گروه تعلق داشتند، در مورد این موضوع حساسیت خاصی نداشتند و همیشه این مراسم را در روز پانزدهم برگزار می‌کردند، ولو آنکه مصادف با روز سبت بود. بنابراین اناجیل متی، مرقس و لوقا و نیز یوحنا فصل ۱۳ به رسم فریسیان اشاره می‌کنند، و حال آنکه یوحنا فصل ۱۸ به رسم صدوقیان اشاره دارد. به علاوه، اصطلاح "عید فصیح" که در یوحنا ۱۳: ۲۹ بکار رفته است، همواره به کل هفت روز جشن دلالت دارد (یوحنا ۲: ۲۳؛ ۴: ۴۵؛ ۱۲: ۱۲).

سؤال ۲) (یوحنا ۱۳: ۱-۱۷) شستن پاهای شاگردان توسط عیسی چه مفهومی دارد؟

#### ملاحظات:

الف) عیسی می‌خواست با شستن پاهای شاگردان، در مورد خدمت درسی به آنها یاد دهد. عیسی و شاگردانش مسیری را از بیت عنیا طی کرده بودند و به همین جهت پاهایشان از گرد و غبار راه کثیف شده بود. رسم موجود در اسرائیل این بود که دون‌پایه‌ترین خدمتکار خانه وظیفه داشت پاهای مهمانان را قبل از صرف شام بشوید. سالها پیش از آن یحیی تعمید دهنده خود را کسی معرفی کرده بود که حتی لیاقت ندارد در برابر عیسی خم شده، بند نعلینش را باز کند و پاهای او را بشوید. و اما در آن بالاخانه، خدمتکاری وجود نداشت. بنابراین وقتی شاگردان داخل اتاق شدند، ظرف آب و نیز حوله‌ای در برابر خود دیدند، ولی هیچکس مایل نبود نقش خادم دون‌پایه را بازی کند و پاهای سایرین را بشوید. تمام شاگردان بسیار مغرور بودند. لوقا در فصل ۲۲ می‌فرماید که شاگردان در این مورد که چه کسی در میان آنها از همه بزرگتر است با هم بحث کرده بودند. و حتی در این مورد نیز که بر سر میز چه کسی باید در کجا بنشینند، میان‌شان اختلاف بود. بنابراین تمام دوازده شاگرد به اتفاق عیسی با پاهایی کثیف دور میزی کوتاه نشسته بودند. اگر چه عیسی کاملاً از این حقیقت آگاه بود که یگانه فرزند خدا و خداوند تمام مخلوقات می‌باشد، اما با وجود این برخاست، لباسهای خود را در آورد و لنگی به کمر بسته، مشغول شستن پاهای شاگردان شد.

ب) غسل بدن سمبولی بود از کار نجات که با فروتنی توسط عیسی انجام شد، و عادل شمردگی نامیده می‌شود. عیسی در کمال فروتنی بخاطر ما جسم پوشید و انسان شد، و هر چند گناهی مرتکب نشده بود، بخاطر ما خوار گردید، از سوی مردم طرد شد و سرانجام بر روی صلیب رنج کشید و مرد.

کتاب مقدس توضیح نمی‌دهد که عیسی پاهای شاگردان را به چه ترتیبی شست، بلکه فقط به گفتگوی او و پطرس اشاره می‌کند. احتمالاً تمام شاگردان از اینکه عیسی پاهای آنها را می‌شوید بسیار خجالت‌زده و شرمگین بودند. ولی پطرس که شخصیت عصبی و تندخویی داشت از این کار عیسی بسیار تعجب کرده بود. عیسی به او گفت: "آنچه من می‌کنم، الان تو نمی‌دانی، لکن بعد خواهی فهمید." (یوحنا ۱۳: ۷). منظور عیسی این بود که پس از مرگ، قیام و نزول روح‌القدس، شاگردان مفهوم کار او را خواهند فهمید.

در ابتدا پطرس به عیسی اجازه نداد که پاهایش را بشوید. ولی عیسی در پاسخ او گفت: "اگر تو را نشویم (در یونانی: nipto)، تو را با من نصیبی نیست" (یوحنا ۱۳: ۸). منظور عیسی این بود که اگر توسط عمل نجات‌بخش خود با فروتنی گناهان پطرس را پاک نکند (که شستن پاها نشانه‌ای از آن محسوب می‌شد)، پطرس در برکات این نجات نصیبی نخواهد داشت.

عیسی فرمود: "کسی که غسل یافت (در یونانی: louo) محتاج نیست مگر به شستن پاهای، بلکه تمام او پاک است" (یوحنا ۱۳: ۱۰). شستن بدن نمایانگر کار کامل نجات توسط مسیح می‌باشد که تجدید حیات یا عادل شمردگی نامیده می‌شود. خون مسیح تمام گناهان شخص ایماندار را پاک می‌سازد (اول یوحنا ۱: ۷) و او را به طور کامل عادل می‌گرداند (دوم قرنتیان ۵: ۲۱؛ اول پطرس ۳: ۱۸).

پ) شستن پاها سمبولی بود از تداوم کار نجات‌بخش عیسی مسیح، که تقدیس شدن نامیده می‌شود. شستن پاها سمبلی است از تداوم کار نجات‌بخش عیسی در زندگی شخص ایماندار که تولد تازه یافته و عادل شمرده شده است. این عمل تقدیس شدن نامیده می‌شود. پطرس پس از اینکه به اهمیت شسته شدن پاهایش پی برد، باز بخاطر شخصیت تندی که داشت می‌خواست در زمینه‌ای دیگر افراط کند و بنابراین از عیسی خواست که سر و دستانش را نیز بشوید. او فکر می‌کرد اگر قسمت‌های زیادی از بدنش توسط عیسی شسته شود، برکات بیشتری از او دریافت خواهد کرد.

اما عیسی در مورد غسل جسمانی سخن نمی‌گفت، بلکه به "غسل و طهارتی روحانی" اشاره می‌کرد. عیسی در یوحنا فصل ۳ در مورد "تولد نو از نظر روحانی"، در فصل ۴ در رابطه با "آب روحانی"، و در فصل ۶ در رابطه با "نان روحانی" سخن گفته بود. او اکنون در فصل ۱۳، در مورد "غسل روحانی" تعلیم می‌داد. بنابراین عیسی در ادامه سخن خود گفت: "کسی که غسل یافت محتاج نیست مگر به شستن پاهای، بلکه تمام او پاک است. و شما پاک هستید لکن نه همه." در اسرائیل، کسی که قبل از رفتن به ضیافت شام حمام کرده بود، دیگر لازم نبود به هنگام ورود به سالن ضیافت نیز یکبار دیگر حمام کند. بلکه تنها پاهایش را می‌شست. عیسی نیز از "غسل روحانی" (تجدید حیات، عادل شمردگی) و "شستن پاها به مفهوم روحانی" (تقدیس شدن) سخن می‌گفت. تمام شاگردان، به جز یهوذا به عیسی و کلام او ایمان آورده بودند، به همین جهت از نظر روحانی پاک بودند (تولد تازه داشتند). آنها نجات را از مسیح دریافت کرده بودند، ولی تنها نیازشان این بود که "پاهای خود را بشویند" و بیش از پیش تقدیس شوند (یوحنا ۱: ۹).

ت) نتیجه‌گیری. شستن پاها سه حقیقت مهم را تعلیم می‌دهد.

۱) شستن پاها بخشی ضروری از وضعیت خوار شدن و رنجهای مسیح، یعنی بخشی ضروری از کار او به عنوان خادم و مرگ او به عنوان یک خطاکار بود. در دوم قرنتیان ۵: ۲۱ و فیلیپیان ۲: ۵-۸ در این رابطه تعلیم داده شده است.

۲) شستن پاها سمبلی است از عمل کفارهای مسیح برای گناهان بشر که یکبار برای همیشه انجام شد، و نیز سمبولی است از تقدیس شدن تدریجی و مداوم ایمانداران.

شستن پاها نمایانگر این حقیقت است که عیسی یکبار برای همیشه به خاطر خطایای بشر کفاره شد و همانگونه که در مرقس ۱۰: ۴۵ و عبرانیان ۱۰: ۱۰، ۱۴ آمده است، روح‌القدس عمل تقدیس شدن را به طور تدریجی و پیوسته در آنها انجام می‌دهد.

۳) شستن پاها درسی است در زمینه خدمت فروتنانه. این عمل عیسی نمونه‌ای است که همه مسیحیان باید از آن پیروی کنند. شاگردان در آن زمان تنها همین مفهوم سوم کار عیسی را فهمیدند، ولی پس از ریزش روح القدس بر آنها، به مفاهیم اول و دوم نیز پی بردند. عیسی آیین، رسم یا حکم جدیدی ابداع نکرد که بر اساس آن شاگردان موظف باشند و واقعاً هر از گاه پاهای یکدیگر را بشویند. بلکه این عمل او نمونه‌ای بود از خدمت فروتنانه‌ای که شاگردان با چشم خود شاهد آن بودند. بزرگی در ملکوت خدا از روی خدمت فروتنانه شخص مشخص می‌شود، نه از روی مقام و شهرت او. خدمت فروتنانه تصویری است از حکم بزرگ عیسی که می‌فرماید: "یکدیگر را محبت نمایید، همانگونه که مسیح نیز ما را محبت نمود". من تصمیم گرفته‌ام یک خادم باشم و کارهایی را انجام دهم که دیگران راغب یا قادر به انجام آن نیستند. من می‌خواهم اولین کسی باشم که کارهایی را که به ظاهر خوشایند نیست و هیچ کس نمی‌خواهد آنها را انجام دهد، انجام دهم. من می‌خواهم در جای پایهای عیسی گام بردارم.

**سؤال ۳) (یوحنا ۱۳: ۳۴-۳۵).** چرا این حکم، حکمی "جدید" نامیده شده است؟

**ملاحظات:** این حکم که خدا را با تمام جان و قوت خود محبت نما و همسایه خود را مثل خویشتن دوست بدار، در عهد عتیق آمده بود (تثنیه ۶: ۵؛ لاویان ۱۹: ۱۸). این حکم می‌فرماید: "همچنانکه من شما را محبت نمودم، شما نیز باید دائماً یکدیگر را محبت کنید". اگر چه محتوای اصلی و اولیه این حکم تغییر نیافته است، عیسی با این کار خود معیار محبت کردن را تعیین نمود. این حکم از این نظر "جدید" است که عیسی از شاگردان خود خواست یکدیگر را طوری محبت کنند که او آنها را محبت نمود. بر شاگردان بود که در روابط خود با یکدیگر، این نوع محبت فداکارانه و دائمی را الگوی خود قرار دهند و از آن سرمشق بگیرند.

#### **قدم ۴: بکار ببرید**

**توجه کنید:** کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان‌پذیر است. در میان بگذارید و بنویسید: افکار خود را صریحاً با هم در میان بگذارید و فهرستی از کاربردهای امکان‌پذیر براساس یوحنا ۱۳: ۱-۳۸ تهیه کنید.

**توجه کنید:** خدا از شما می‌خواهد کدامیک از کاربردهای امکان‌پذیر را تبدیل به یک کاربرد شخصی بکنید؟ بنویسید: این کاربرد شخصی را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران در میان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می‌کنند و حتی از یک حقیقت کاربردهای متفاوتی می‌یابند. فهرست زیر، نمونه‌هایی از کاربردهای امکان‌پذیر در این قسمت از کتاب مقدس می‌باشند).

#### **نمونه‌هایی از کاربردهای امکان‌پذیر (انجیل یوحنا فصل ۱۳)**

- ۱۳: ۴-۱۷ \* نسبت به انجام کارهایی متعهد شوید که هیچ شخص دیگری راغب یا قادر به انجام آنها نیست.
- ۱۳: ۴-۱۷ \* همیشه اولین کسی باشید که برای انجام هر گونه خدمت داوطلبانه‌ای آماده است.
- ۱۳: ۳۴-۳۵ \* حکم جدید را که همانا عبارت است از دوست داشتن خدا و محبت کردن به سایر مسیحیان آنگونه که مسیح ما را محبت نمود، هدف و سرلوحه زندگی خود قرار دهید.

#### **نمونه‌هایی از کاربردهای شخصی**

الف) من نیز گاهی مانند پطرس برای زندگی خود نقشه‌های بزرگ می‌کشم و به آنها مباحثات می‌کنم، ولی در واقع خود را به درستی نمی‌شناسم. من می‌خواهم به یاد بیاورم که مهم کاری نیست که من برای عیسی انجام می‌دهم، بلکه کاری است که او در حق من انجام داده است. او به خاطر من مرد. این حقیقت باید مرا فروتن سازد و بدانم که بدون حضور عیسی هیچ امیدی برای من نیست.

ب) من کاملاً تحت تأثیر این حقیقت قرار گرفته‌ام که خیانت یهودا در حق عیسی، محاکمه او در برابر دشمنان و مرگش بر روی صلیب به عنوان یک خطاکار در واقع تحقق نقشه ابدی خدا بود. خدا کنترل امور را در دست دارد و هیچ چیز نمی‌تواند مانع از اجرای نقشه او در جهان شود. بنابراین هر اتفاق سخت و بدی هم که در زندگی من رخ دهد، هیچوقت به این معنا نیست که در نقشه خدا اختلالی ایجاد شده، بلکه مشکلات نیز جزئی از برنامه و نقشه نیکوی او برای زندگی من است.

#### **قدم ۵: دعا کنید**

در مورد حقیقتی که خدا به ما در یوحنا ۱۳: ۱-۳۸ آشکار کرده است، دعا کنیم. (در دعای خود به آنچه که در طی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده اید، پاسخ دهید. تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. بیاد داشته باشید که افراد در هر گروه، در مورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

دعا (۸ دقیقه)	۵
دعای شفاعت	

به دعا کردن در گروه های دو یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و مردم دنیا دعا کنید.

تکلیف منزل (۲ دقیقه)	۶
برای درس بعدی	

(سرگروه: رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

- ۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
- ۲ - برای يك فرد یا گروه، موضوع " یوحنا فصل ۱۳ " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
- ۳ - رازگهان - هر روز نیمی از يك فصل از لوقا ۲۲ - ۲۴ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
- ۴ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (یوحنا ۱۱: ۲۵) را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
- ۵ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
- ۶ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر (یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت های خود در مورد رازگهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

## درس ۳۱

۱	دعا
---	-----

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) لوقا
---	---

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگهان خود را از قسمت مشخص شده (لوقا ۲۲- ۲۴) با دیگران در میان بگذارید (یا از روی یادداشت‌های رازگهان آن روز بخوانید).  
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان می‌گذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: یوحنا
---	---

دو نفری تعمق، حفظ و مرور کنید: یوحنا ۱۱: ۲۵

۴	تعلیم (۸۵ دقیقه) از دیداد مسیحیان و کلیساها
---	--

مقدمه: این تعلیم در رابطه با افزایش تعداد پیروان عیسی و جوامع مسیحی (کلیساها یا مشارکتهای خانگی) می‌باشد. در این درس، اصل افزایش روحانی را در کتاب مقدس بررسی خواهیم کرد و از روی کلام خدا در مورد ازدیاد مسیحیان نوایمان، شاگردان، خادمین و جوامع مسیحی مطالبی خواهیم آموخت.

### الف - اصل افزایش روحانی در کتاب مقدس

مقدمه: برای افزودن بر تعداد مردم، ابتدا باید افرادی را بدست آورید.  
برای افزودن بر تعداد شاگردان، باید شاگردسازی کرد.

#### ۱- خدمت عهد عتیق، خدمتی افزایشی بود.

مقدمه: "افزایش روحانی" یعنی افزایش تعداد کسانی که به خدا ایمان می‌آورند و از کلام او اطاعت می‌کنند.  
کشف و گفتگو کنید: در عهد عتیق، چگونه ازدیاد روحانی تحقق می‌یافت؟

بخوانید: مزمو ۷۳: ۳-۷؛ یوئیل ۱: ۳

ملاحظات: ازدیاد روحانی در عهد عتیق عبارت بود از منتقل کردن شناخت خدا و آگاهی در مورد اراده او به سه نسل بعدی. از زمانی که خدا اسرائیل را دعوت کرد تا قوم او نامیده شود، به آنها حکم کرد تا از نظر روحانی افزایش یابند و کثیر شوند.

الف) در مزمو ۷۸: ۳-۷ می‌خوانیم که چگونه قوم اسرائیل آنچه را که پدرانشان در مورد خدا و اراده او به آنها گفته بودند، به سه نسل بعدی خود منتقل کردند: "خدا شریعتی در اسرائیل قرار داد و پدران ما (نسل اول) را امر فرمود تا آنها را به فرزندان خود (نسل دوم) تعلیم دهند؛ تا نسل آینده (نسل سوم) آنها را بدانند. ... و آنها را به فرزندان خود (نسل چهارم) بیان نمایند؛ و ایشان به خدا توکل نمایند و اعمال خدا را فراموش نکنند بلکه احکام او را نگاه دارند". خدا این مسؤلیت را بر عهده "پدران" نهاد تا شناخت و آگاهی را که در مورد خدا و اراده و احکام او داشتند، به سه نسل بعدی خود، یعنی فرزندان‌شان، فرزندان فرزندان‌شان و نوه‌های فرزندان‌شان منتقل نمایند. بدین ترتیب هر نسلی از قوم اسرائیل می‌توانست در مورد خدا و اعمال باشکوه او آگاهی کسب کند و از احکام او اطاعت نماید.

ب) اصل افزایش یا ازدیاد از نظر روحانی، در یوئیل ۱: ۳ نیز تکرار شده است. کلام خدا بر یوئیل چنین بود: یوئیل (نسل اول)، "شما از این پس به پسران خود (نسل دوم)، و پسران شما به پسران خویش (نسل سوم) و پسران ایشان به نسل بعد (نسل

چهارم) خبر بدهید". هر نسلی در اسرائیل مسئولیت داشت که آنچه را در مورد خدا و اراده او می‌دانست، به چند نسل پس از خود نیز منتقل سازد. این کار از طریق تعلیمی که خانواده‌ها به نسلهای جوانتر می‌دادند، و نیز از طریق اعمال انبیا در عهد عتیق، صورت می‌گرفت. "فرزندان" هر نسل، هم شامل فرزندان يك خانواده (تنثیه ۶: ۱-۹) می‌شد و هم شامل فرزندان مردم دیگر (مزمور ۷۸: ۷۱-۷۲).

## ۲- خدمت عیسی مسیح، خدمتی افزایشی بود.

### الف) عیسی و بشارت

**کشف و گفتگو کنید:** عیسی مسیح چگونه انسانها را به سمت خود جذب می‌کرد؟

**ملاحظات:** عیسی مسیح انسانها را به سمت خود جذب می‌کرد. او خدمت عمومی خود را تقریباً حوالی دسامبر سال ۲۶ میلادی آغاز کرد. عیسی مسیح یا انسانها را در حیات خود سهیم می‌ساخت و یا خود وارد زندگی آنها می‌شد، و بدین ترتیب آنها را به سمت خود جذب می‌کرد.

۱) **بخوانید:** مرقس ۱: ۱۵؛ یوحنا ۱: ۳۹-۴۳. عیسی مردم را در زندگی و خدمت خود شریک می‌ساخت. او به سمت جلیل رفت و پیغام خوش انجیل را به گوش مردم رساند. عیسی به مردم فرمود: "ملکوت خدا نزدیک است. توبه کنید و به این خبر خوش ایمان آورید." او از طریق موعظه پیغام انجیل و ترغیب انسانها به "توبه و ایمان"، آنها را در زندگی خود سهیم می‌ساخت. عیسی از مردم دعوت می‌کرد تا "ببایند و ببینند" که او چگونه زندگی می‌کند، تا از این طریق بتوانند از الگوی او "پیروی کنند".

۲) **بخوانید:** یوحنا ۲: ۱-۲. عیسی خود را در زندگی روزانه انسانهای دیگر شریک می‌ساخت. به عنوان مثال، او به يك جشن عروسی رفت. او همچنین در اعیاد یهودی اورشلیم و در جلسات عادی که در کنایس برگزار می‌شد، شرکت می‌کرد. عیسی به خانه‌های مردم می‌رفت و با آنها شام می‌خورد. او با مردمی که در کوچه و خیابان بودند و همچنین با کسانی که به کار روزانه خود مشغول بودند و به عنوان مثال ماهیگیری می‌کردند یا باج می‌گرفتند، صحبت می‌کرد. شاگردان عیسی در آن دوران هم مشاغل روزانه خود را داشتند، و هم نزد عیسی می‌آمدند تا به تعالیم او گوش فرا دهند.

### ب) عیسی و تعلیم و تربیت

**کشف و گفتگو کنید:** چگونه عیسی به شاگردان خود تعلیم می‌داد؟

**ملاحظات:** عیسی مسیح شاگردان خود را از طریق تقویت آنها در ایمان و نیز از طریق تجهیز آنها به منظور انجام خدمتی خاص، تعلیم می‌داد. عیسی پس از گذشت تقریباً يك سال، مردان خاصی را انتخاب کرد تا به آنها تعلیم دهد.

۱) **بخوانید:** متی ۴: ۱۹. او به برخی از شاگردان خود فرمود: "از عقب من ببایید تا شما را صیاد مردم گردانم".  
۲) **بخوانید:** لوقا ۶: ۱۲-۱۳؛ مرقس ۳: ۱۳-۱۴. او با دعا دوازده نفر را به عنوان شاگردان انتخاب کرد و به آنها تعلیم داد. عیسی با آنها وقت زیادی را سپری کرد تا زندگی و خدمات او را از نزدیک ببینند، به تعالیم و پاسخهای او گوش فرا دهند و شخصاً تجربه کنند که چگونه زندگی مردم تغییر می‌یابد و چگونه می‌توان به چنین انسانهایی کمک کرد. شاگردان عیسی عمیقاً از سخنان و اعمال عیسی تأثیر پذیرفتند.

۳) **بخوانید:** لوقا ۱۰: ۱-۱۶. عیسی شاگردان خود را دو به دو به مأموریت فرستاد تا پیغام انجیل را موعظه کرده، به انسانهای نیازمند کمک کنند و از این طریق تعلیم یابند. شاگردان از آن زمان به بعد به طور تمام وقت از عیسی پیروی کردند.

۴) **بخوانید:** یوحنا ۱۱: ۵۴. عیسی در طول دو سال آخر خدمت خود، وقت زیادی را با شاگردان خود سپری کرد تا آنها را برای خدمات آینده‌شان تعلیم دهد و آماده کند.

### پ) عیسی و به مأموریت فرستادن.

**کشف و گفتگو کنید:** هدف عیسی مسیح از تعلیم دادن به شاگردان خود چه بود؟

**ملاحظات:** عیسی مسیح شاگردان را بعنوان کارگران یا مبشرین به تمام جهان فرستاد.

۱) **بخوانید:** متی ۲۴: ۱۴. عیسی قبل از مرگش بر روی صلیب فرمود، پیغام بشارت ملکوت خدا در تمام عالم موعظه خواهد شد.

۲) **بخوانید:** متی ۲۸: ۱۸-۲۰؛ مرقس ۱۶: ۱۵؛ لوقا ۲۴: ۴۴-۴۹؛ یوحنا ۲۰: ۲۱؛ اعمال ۱: ۸. عیسی مسیح پس از سه سال و نیم تعلیم و تربیت شاگردان و نمونه بودن برای آنها در زمینه موعظه، تعلیم و شفای بیماران، بر صلیب جان سپرد و پس از آن قیام فرمود. او پس از قیامش از مردگان، "مأموریت عظیم" را به شاگردان خود محول کرد. هر چهار انجیل مأموریت عظیم را ثبت کرده‌اند و نشان می‌دهند که عیسی به دفعات در زمینه‌های مختلف این مأموریت را برای شاگردان خود تکرار کرد. عیسی در متی ۲۸: ۱۸-۲۰ چنین حکم کرد: "تمام قدرت در آسمان و بر زمین به من داده شده است. پس رفته همه امتها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم اب و ابن و روح القدس تعمید دهید. و ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که به شما حکم کرده‌ام حفظ کنند. و اینک من هر روزه تا انقضای عالم همراه شما می‌باشم".

۳) **بخوانید:** اعمال ۱۷: ۶-۷. این گروه کوچک از شاگردان به جاهای مختلف رفتند و امپراطور رم را برآستی زیر و رو کردند.

### ۳- خدمت عهد جدید، خدمتی افزایشی بود.

**کشف و گفتگو کنید:** اصل افزایش روحانی چگونه در عهد جدید اعمال می‌شد؟

الف) عیسی مسیح بر تعداد مسیحیان نوایمان، شاگردان و خادمین مسیحی افزود. **بخوانید:** متی ۲۸: ۱۹-۲۰. عیسی مسیح در عهد جدید در خصوص اصل افزایش روحانی به شاگردان خود و نیز به تمام کسانی که بعدها شاگرد او می‌شدند، تعلیم داد. عیسی به شاگردان خود حکم کرد که به شاگردان جدید او تعلیم دهند تا آنها نیز از تمامی فرامین او اطاعت نمایند. یکی از این فرامین عیسی که شاگردان عیسی موظف بودند به شاگردان جدید تعلیم دهند این بود که "به سمت همه امتهای بروند و شاگرد بسازند" و "به این شاگردان تعلیم دهند که از احکام عیسی که مأموریت عظیم را نیز شامل می‌شد، اطاعت کنند". بنابراین مسئولیت شاگردان عیسی مسیح در هر نسلی این است که شاگردان جدیدی را جذب کنند و به آنها تعلیم دهند که از احکام و تعالیم عیسی اطاعت نمایند. بدین ترتیب نسل بیشماری از شاگردان و خادمین مسیحی بوجود می‌آید.

ب) پطرس بر تعداد مسیحیان نوایمان، شاگردان، خادمین و جوامع مسیحی افزود. **بخوانید:** اعمال ۴: ۱۳. پطرس یکی از شاگردان عیسی مسیح بود که پیغام انجیل را به افراد زیادی موعظه کرد و به پیروان جدید تعلیم داد که شاگرد عیسی مسیح شوند. او در ابتدا بیشتر در اورشلیم خدمت می‌کرد، ولی سپس به سفرهای مختلفی رفت، کلیساهای جدیدی تأسیس نمود، به این کلیساهای سرکشی کرد و رسالاتی برای کلیساهای مختلف نوشت.

پ) برنابا بر تعداد مسیحیان نوایمان، شاگردان، خادمین و جوامع مسیحی افزود. **بخوانید:** اعمال ۱۱: ۱۹-۲۶. برنابا در نتیجه خدمت پطرس یکی از پیروان عیسی شد. او نیز به نوبه خود پیغام انجیل را به افراد زیادی موعظه کرد و به پیروان جدید تعلیم داد که شاگرد عیسی مسیح شوند. او به انطاکیه سفر کرد و به مسیحیان آنجا کمک کرد تا در ایمان خود رشد کنند.

ت) پولس بر تعداد مسیحیان نوایمان، شاگردان، خادمین و جوامع مسیحی افزود. **بخوانید:** اول تسالونیکیان ۱: ۵-۸؛ دوم تیموتاؤس ۳: ۱۰-۱۴. برنابا پولس را از طرسوس (واقع در ترکیه) به انطاکیه (واقع در سوریه) برد تا در آنجا مشغول خدمت شود. پولس نیز به نوبه خود پیغام انجیل را به بسیاری از مردم موعظه کرد و به پیروان جدید تعلیم داد که شاگرد عیسی مسیح شوند. او به سفرهای زیادی رفت. پولس حداقل به ۴ سفر رسالتی رفت و جوامع مسیحی جدیدی (کلیساهای یا مشارکتهای خانگی) را در آسیا و اروپا تأسیس نمود. او به ملاقات مسیحیان می‌رفت، خادمین مسیحی جدیدی را تربیت می‌کرد، و به آنها مأموریت می‌داد که به مناطق مختلف رفته پیغام انجیل را موعظه کنند. او همچنین رسالاتی خطاب به جوامع مسیحی مختلف نوشت. پولس در اول تسالونیکیان ۱: ۵-۸ تشریح میکند که چگونه در شهر تسالونیکه افزایش روحانی در میان مردم تحقق یافت. پولس به همراهی همکارانش، سیلاس و تیموتاؤس پیغام انجیل را در تسالونیکه موعظه کرد، و ساکنین این شهر شنیدند که چگونه این خادمین پیغام انجیل را با قدرت و یقین کامل موعظه می‌کنند. ایمانداران تسالونیکه نیز به نوبه خود در نتیجه دریافت پیغام انجیل، با وجود زحمات شدیدی که متوجه آنها بود به تقلید از رسولان از عیسی مسیح خداوند پیروی کردند. اهالی تسالونیکه سپس برای ایمانداران منطقه خود (مکادونیه) و مناطق اطراف (انطاکیه) نمونه خوبی بر جای گذاشتند. آنها در این مناطق پیغام انجیل را موعظه کردند و ایمان‌شان به مسیح بر همگان آشکار گشت.

ث) تیموتاؤس بر تعداد مسیحیان نوایمان، شاگردان، خادمین و جوامع مسیحی افزود. **بخوانید:** دوم تیموتاؤس ۲: ۲. تیموتاؤس در ابتدا از مادر بزرگ و مادر خود تعالیم زیادی دید (دوم تیموتاؤس ۱: ۵؛ ۳: ۱۵). سپس با پولس آشنا شد و به مدت ۱۴ سال با او خدمت کرد، و در نتیجه درسهای زیادی از او آموخت. تیموتاؤس به نوبه خود پیغام انجیل را موعظه کرد و به پیروان جدید تعلیم داد که شاگرد عیسی مسیح شوند. در دوم تیموتاؤس ۲: ۲، پولس به تیموتاؤس حکم می‌کند که از نظر روحانی افزایش یابد. او می‌فرماید: "آنچه از من شنیدی، به مردمان امین بسیار که قابل تعلیم دیگران هم باشند". پولس رسول می‌فرماید که تیموتاؤس مسئولیت دارد آن آگاهی و دانشی را که در مورد عیسی مسیح و احکام او دارد، به افراد امین نسل بعدی نیز منتقل کند. این افراد امین نیز به نوبه خود مسئولیت دارند که ایمان مسیحی را به نسل پس از خود منتقل سازند. به خاطر داشته باشید که پطرس در خدمت عیسی شریک بود. برنابا در خدمت پطرس، پولس در خدمت برنابا، و تیموتاؤس در خدمت پولس شریک بود. پولس رسول (اولین نسل) کاملاً خود را مسئول می‌دانست که مأموریت بزرگ عیسی مسیح را به سه نسل پس از خود منتقل کند: به تیموتاؤس (نسل دوم)، به مردمان امین (نسل سوم) و به دیگران (نسل چهارم).

### ۴- نوع مردمی که باید افزایش یابند.

**تعلیم دهید:** در این خدمات مسیحی افزایشی، چه نوع مردمی باید افزایش یابند؟

الف) متی ۲۸ تعلیم می‌دهد که مسیحیان نه تنها باید بر تعداد مسیحیان نوایمان بیفزایند، بلکه باید تعداد شاگردان مسیحی را نیز افزایش دهند. منظور از "شاگردان"، مسیحیان بالغی هستند که از تعالیم عیسی آگاه بوده، از احکام او اطاعت می‌کنند.

ب) دوم تیموتاؤس ۲ تعلیم می‌دهد که مسیحیان باید تعداد مسیحیان امین و قابل اعتماد را افزایش دهند به طوری که آنها نیز قادر به تعلیم دیگران باشند.

پ) مزمور ۷۸ تعلیم می‌دهد که مسیحیان باید تعداد ایمانداران را از بین اعضای خانواده خود افزایش دهند.

ت) اول تسالونیکیان بیانگر این حقیقت است که مسیحیان بر تعداد شاگردان مسیح در منطقه خود و نیز در مناطق اطراف، افزودند.

ث) متی ۲۴، ۲۸ و اعمال ۱: ۸ تعلیم می‌دهند که مسیحیان باید در هر ملت و قومی، بر تعداد شاگردان مسیح بیافزایند. (مکاشفه ۵: ۹)

## ب - از دیاد جوامع مسیحی (کلیساها)

**مقدمه:** "افزایش روحانی" به معنای افزایش تعداد جوامع مسیحی (کلیساها یا گروه‌های خانگی) در هر منطقه‌ای از جهان است. **کشف و گفتگو کنید:** جوامع مسیحی (کلیساها یا مشارکتهای خانگی) چگونه بوجود می‌آیند؟

### ۱- خدا قدم اول را جهت تأسیس يك اجتماع مسیحی بر می‌دارد.

**بخوانید:** اعمال ۱۳: ۱-۴. ممکن است روح القدس در يك جامعه مسیحی محلی، افراد خاصی را برای خدمت خاصی دعوت کند. او پولس و برنابا را دعوت کرد تا پیغام انجیل را به گوش ساکنین شهرها، مناطق و کشورهای مختلف برسانند. او همچنین به اجتماع مسیحی محلی حکم کرد که اجازه دهند این خادمین خود را بطور تاموقت وقف انجام این گونه خدمات سازند.

### ۲- خادمین مسیحی نوایمان را جذب می‌کنند و آنها را شاگرد مسیح می‌سازند.

**بخوانید:** اعمال ۱۳: ۵، ۱۳-۵۲؛ اعمال ۱۴: ۱-۲۲. پولس و برنابا، به کلام خدا موعظه کردند و عیسی مسیح و مرگ و قیام او را به مردم اعلام نمودند. آنها اعلام داشتند که نجات و بخشش گناهان در عیسی مسیح یافت می‌شود، یعنی انسانها می‌توانند از طریق ایمان به عیسی مسیح، عادل شمرده شوند. وقتی که پولس و برنابا تحت جفا قرار گرفتند، به شهرهای دیگر رفتند و در آن مناطق نیز به موعظه خبر خوش انجیل ادامه دادند. آنها مردم را ترغیب می‌کردند که از بت پرستی و روشهای پست زندگی سابق خود دست کشیده، به سمت خدای زنده بازگردند. آنها شاگردان زیادی را در شهرهای مختلف جذب کردند. در اعمال ۱: ۲۱ می‌خوانیم که پولس و برنابا مدتی پس از اینکه این پیروان جدید عیسی در ایمان رشد کردند، دوباره نزد آنان بازگشتند تا باعث تقویت و بنای ایمان آنها شوند.

### ۳- خادمین مسیحی در هر اجتماع مسیحی محلی (کلیسا) پیران کلیسا منصوب می‌کنند.

**بخوانید:** اعمال ۱۴: ۲۳.

الف) پولس و برنابا که به این گروههای مسیحی بشارت داده و آنها را شاگرد ساخته بودند، در هر اجتماع مسیحی محلی کسانی را به عنوان پیران کلیسا منصوب کردند و آنها را با دعا به عیسی مسیح خداوند سپردند. کلمات "نصب کردن" و "سپردن" به معنی "دستگذاری کردن" به مفهوم امروزی نیست. بلکه این پیران کلیسا از آن زمان به بعد به عنوان "شورای پیران کلیسا" (اول تیموتاؤس ۴: ۱۴) به اتفاق مسئولیت رهبری اجتماع مسیحی محلی را بر عهده می‌گرفتند. بسیاری از این جوامع مسیحی محلی با یکدیگر در خانه‌ها جمع می‌شدند و مشارکتهای خانگی پاک و صادقی را تشکیل می‌دادند.

ب) پیران کلیسا احتمالاً بالغ‌ترین مردان و تواناترین رهبران هر اجتماع بودند. اگرچه آنها به عنوان رهبر کلیسای محلی تعیین شده بودند، ولی به طور تمام وقت خدمت نمی‌کردند و حقوقی نیز دریافت نمی‌کردند (اول تیموتاؤس ۵: ۱۷).

پ) مسئولیت پیران کلیسای این است که اجتماع مسیحی محلی را شبانی کنند، بر فعالیتها و اموال آن نظارت و مدیریت نمایند، و کلام خدا را موعظه کنند و تعلیم دهند. پیران کلیسا نباید بر کسانی که به آنها سپرده شده‌اند خداوندی و حکمرانی کنند، بلکه باید آنها را خدمت نمایند. پیران کلیسا مستقیماً در برابر عیسی مسیح خداوند که سر تمام جوامع مسیحی محلی و جوامع مسیحی جهان است، پاسخگو هستند (اعمال ۲۰: ۱۷-۳۵؛ اول پطرس ۵: ۱-۴).

### ۴- خادمین مسیحی کماکان بر جوامع مسیحی جدید و نو بنیاد تأثیر می‌گذارند.

**بخوانید:** اول قرننتیان ۱۴: ۱-۱۶؛ اول تیموتاؤس ۵: ۱۷. پولس هر چند سال یکبار به ملاقات این جوامع مسیحی می‌رفت. او همچنین به برخی از همکاران خود مأموریت می‌داد که از ایمانداران آن مناطق دیدار کرده، آنها را خدمت کنند و باعث تشویقشان بشوند، ولی بر آنها حکمرانی نکنند. پولس خطاب به این جوامع رسالاتی نوشت، که بخشی از کتاب مقدس را تشکیل می‌دهند. پولس سعی نمی‌کرد جوامع مسیحی جدید یا مشارکتهای خانگی را کنترل یا سازماندهی کند، بلکه این وظیفه بر عهده



پیران در اجتماع محلی بود. در اول تیموتاؤس ۴: ۱۴ و ۵: ۱۷ می‌خوانیم که وظیفه هدایت فعالیت‌های اجتماع مسیحی محلی (کلیسا یا مشارکت خانگی) بر عهده شورای پیران کلیسای محلی است.

#### ۵- خادمین مسیحی گزارشی از فعالیت‌های خود ارائه می‌دهند.

**بخوانید:** اعمال ۱۴: ۲۷. وقتی پولس و برنابا کار خود را به اتمام رساندند، اعضای اجتماع مسیحی محلی خود را جمع کردند و در مورد آنچه خدا توسط آنها انجام داده بود، به آنها گزارش دادند. توجه کنید که پولس و برنابا در مورد آنچه که خود انجام داده بودند گزارش ندادند، بلکه در مورد آنچه که خدا بر اساس فیض و قدرتش توسط آنها انجام داده بود. آنها خدا را به خاطر تمام اعمالی که انجام داده بودند جلال دادند.

### ب - افزایش پیروان مسیح (مسیحیان)

**مقدمه:** "افزایش روحانی" به معنای افزایش تعداد شاگردان و خادمین مسیحی در هر مکانی است. در متی ۹: ۳۵ - ۳۸ عیسی می‌فرماید که حصاد فراوان است، ولی کارگران کم هستند. بر طبق گفته عیسی مسیح، برای جمع‌آوری حصاد لازم است که تعداد خادمین مسیحی افزایش یابد. این تعداد چگونه می‌تواند افزایش یابد؟ در متی ۹ می‌خوانیم که خدا در نتیجه دعای ایمانداران بر تعداد خادمین مسیحی می‌افزاید. و بر طبق متی ۱۰، تعداد خادمین مسیحی در نتیجه تعلیم و فرستادن شاگردان به نقاط مختلف جهان، افزایش می‌یابد.

#### ۱- افزایش مسیحیان نوایمان

**بخوانید:** یوحنا ۴: ۳۵ - ۳۸

**کشف و گفتگو کنید:** چگونه تعداد مسیحیان نوایمان افزایش می‌یابد؟

**ملاحظات:** تعداد مسیحیان نوایمان از طریق بشارت افزایش می‌یابد.

عیسی تعلیم می‌دهد که در زمینه بشارت، خادمین مختلفی وجود دارند. او می‌فرماید: "یک نفر می‌کارد و دیگری درو می‌کند". کار بشارت گاهی کاشتن است و گاهی درو کردن.

#### الف) کارندگان

کارندگان در اینجا عیسی مسیح و زن سامری بودند. عیسی باعث نجات زن سامری شد، و زن سامری نیز به نوبه خود باعث نجات جانهای بسیاری در منطقه خود شد. در آن زمان عیسی خطاب به شاگردانش گفت: "آیا شما نمی‌گویید که چهار ماه دیگر موسم درو است؟" در آن منطقه، زمان برداشت محصول در ماه آوریل بود. وقتی عیسی با زن سامری ملاقات کرد، ماه دسامبر بود و محصول در چنین ماهی آماده برداشت نبود. ولی حصاد روحانی مردم محدود به فصل خاصی نیست. درخصوص آن زن سامری هیچ فاصله زمانی خاصی بین "کاشته شدن" تخم انجیل و برداشت "حصاد" روحانی، یعنی دریافت حیات جاودان، وجود نداشت. عیسی جمع کثیری از سامریان را دید که از شهر به سمت چاه می‌آمدند. به همین جهت به شاگردان خود گفت: "اینک به شما می‌گویم چشمان خود را بالا افکنید و مزرعه‌ها را ببینید زیرا که الان به جهت درو سفید شده است".

#### ب) درو کنندگان

شاگردان درو کنندگان بودند. عیسی به وضوح اعلام می‌دارد که او شاگردانش را می‌فرستد تا جانهای مردم را برای ملکوت خدا درو کنند. در یوحنا ۴: ۳۸ عیسی می‌فرماید: "من شما را فرستادم تا چیزی را که در آن رنج نبرده‌اید درو کنید. دیگران محنت کشیدند و شما در محنت ایشان داخل شده‌اید". عیسی و زن سامری هر دو در میان سامریان خدمت کرده بودند. عیسی مستقیماً با زن سامری کار کرده بود و زن سامری نیز بین ساکنین شهر خود خدمت نمود. و حال عیسی مسیح شاگردان خود را می‌فرستد تا محصول روحانی را برای حیات جاودانی درو کنند.

پ) یک نفر می‌کارد، دیگری درو می‌کند.

در حیظه روحانی، الگوی معمول این است که "یک نفر می‌کارد و دیگری درو می‌کند". در یوحنا ۴: ۳۷، عیسی می‌فرماید: "زیرا این کلام در اینجا راست است که یکی می‌کارد و دیگری درو می‌کند". هر خادمی در ملکوت خدا در عین حال هم کارنده است و هم درو کننده. او آنچه را که توسط دیگران کاشته شده است درو می‌کند، و در عین حال تخمی را می‌کارد که محصولش را دیگران برداشت می‌کنند. بنابراین در نقشه ابدی خدا همواره محصولی برای برداشت وجود خواهد داشت.

۱) گاهی خادمین مسیحی بیشتر عمل کاشتن را انجام می‌دهند. به عبارت دیگر، پیغام انجیل را به انواع و اقسام شیوه‌های ممکن به گوش مردم می‌رسانند.

۲) گاهی خادمین مسیحی بیشتر عمل درو کردن را انجام می‌دهند. به عبارت دیگر، به مردم کمک می‌کنند تا عیسی مسیح را در قلب و زندگی خود بپذیرند.

در نقشه ابدی خدا مهم نیست که آیا بیک مبشر عمل کاشتن را انجام می‌دهد یا عمل درو کردن را، زیرا همواره محصول هست. خادمین مسیحی می‌توانند همواره در این حقیقت شادی کنند که زحمات آنها در نظر خداوند باطل و بیهوده نیست (۱ قرن‌تیان ۱۵: ۵۸).  
کلام خدا هیچوقت بی‌ثمر بر نخواهد گشت، بلکه آنچه را که اراده خدا است عملی خواهد کرد و پیروز خواهد شد (اشعیا ۵۵: ۱۱).

## ۲- افزایش شاگردان مسیحی

**بخوانید:** متی ۲۸: ۲۰؛ اول قرن‌تیان ۳: ۵-۱۱؛ افسسیان ۴: ۱۱-۱۶  
**کشف و گفتگو کنید:** چه کسی مسئول محول کردن کارهای روحانی مختلف، و ایجاد رشد و حیاتی جدید در کلیسا است؟  
**ملاحظات:** تعداد شاگردان مسیحی از طریق شاگردسازی افزایش می‌یابد.  
وقتی مسیحیان نوایمان یاد می‌گیرند که از تعالیم و احکام عیسی مسیح اطاعت کنند، در آن صورت تبدیل به شاگردان بالغ مسیحی می‌شوند.

### الف) خادم مسیحی و همکارانش

پولس رسول تعلیم می‌دهد که در ملکوت خدا خادمین مختلفی وجود دارند: خدا برخی را برای کاشتن تخم انجیل، یعنی برای کار بشارت خوانده است، و برخی دیگر را مسئول آبیاری گیاهان، یعنی مراقبت و شاگردسازی مسیحیان نوایمان نموده است. ولی در تمام این فعالیتها، تنها خداست که کارهای مختلف را به افراد واگذار می‌کند و تنها او عامل اصلی رشد نجات‌یافتگان است. بنابراین "خادم اصلی" خدا است و مسیحیان همکاران او هستند. خدا از طریق ایجاد تولد تازه در زندگی مردم، به آنها حیاتی جدید عطا می‌کند. و از طریق سکونت روح القدس در زندگی این افراد، باعث رشد روحانی آنها می‌شود. خدا به هر خادم مسیحی کارهای خاصی واگذار کرده است.

ب) کسانی که بنیاد را می‌نهند و کسانی که بر روی این بنیاد بنا می‌کنند.  
اگرچه مسیحیان همگی همکاران خدا هستند، همه آنها کاری واحد بر عهده ندارند. به برخی از آنها این مسئولیت داده شده است که بنیاد ساختمانی را که همان "مسیح" است، بنا نهند. این عده از طریق کاشتن و درو کردن، بشارت می‌دهند. برخی دیگر مسئولیت دارند که بر روی این بنای اصلی، ساختمان را بسازند. این عده به شاگردسازی نوایمانان می‌پردازند و به آنها کمک می‌کنند تا در عیسی مسیح رشد کنند. آنها به مسیحیان نوایمان کمک می‌کنند تا همواره رابطه شخصی خود را با عیسی مسیح حفظ کرده، از آموزه‌های مسیحی آگاهی داشته باشند، در شخصیت و رفتار هر روز بیش از پیش به شباهت مسیح در آیند و او را خدمت کنند.

## ۳- افزایش خادمین مسیحی

**بخوانید:** افسسیان ۴: ۱۱-۱۲  
**کشف و گفتگو کنید:** چه کسانی کار تجهیز یا تربیت مسیحیان را برای انجام خدمات مختلف کلیسایی بر عهده دارند؟  
**ملاحظات:** تعداد خادمین مسیحی از طریق تجهیز کردن مسیحیان برای انجام خدمات مختلف، افزایش می‌یابد.  
پولس تعلیم می‌دهد که عیسی مسیح عطایای روحانی و مسئولیتهای مخصوصی را بر عهده برخی از خادمین مسیحی نهاده است تا بدینوسیله بتوانند مسیحیان دیگر را برای خدماتی چون بشارت، شاگردسازی و تجهیز کارکنان مسیحی آماده سازند. در هر کلیسایی باید خدمات مختلفی انجام شود. علاوه بر خدماتی که در بالا عنوان شد، خدمات زیر نیز باید انجام شود:  
تعلیم کودکان، جذب جوانان به مسیح، رسیدگی به فقرا، بیماران و کسانی که در جفا هستند، انجام کارهای اداری کلیسای محلی، نظافت کلیسا، کمک به افراد جهت مطالعه کلام خدا، دعا، سرود و غیره. نکته مهمی که باید به خاطر داشت این است که پیران کلیسای محلی باید حتماً اطمینان حاصل کنند که تمام مسیحیانی که تحت مراقبت و شبانی آنها هستند، به بلوغ روحانی کافی رسیده‌اند و برای انجام خدمات مختلف در داخل کلیسا یا مشارکتهای خانگی و یا در مکانهای دیگر، آمادگی دارند.

## ت - ماهیت خدمت شاگردسازی

### ۱- خدمت شاگردسازی بر تعداد شاگردان و خادمین مسیحی می‌افزاید.

**تعلیم دهید:** ماهیت یک خدمت شاگردسازی در این است که شاگردانی می‌سازد که ایشان نیز به نوبه خود شاگردان خواهند ساخت. هدف این است که هر دو یعنی هم شاگردان و هم مبشرین یا خادمین مسیحی (کسانی که خود بتوانند دیگران را شاگردسازی کنند) تربیت شوند. این خدمت بر تعداد شاگردان و همچنین خادمین یا مبشرین مسیحی جدید می‌افزاید.

چرا افزایش تعداد افراد بسیار اهمیت دارد؟ در متی ۹: ۳۶-۳۸ نوشته شده است: "و چون جمعی کثیر دید، دلش بر ایشان بسوخت زیرا که مانند گوسفندان بی‌شبان پریشان حال و پراکنده بودند. آنگاه به شاگردان خود گفت: حصاد فراوان است لیکن کارگر کم. پس از صاحب حصاد استدعا نمایید تا کارگران در حصاد خود بفرستد."

## ۲- خدمت شاگرد سازی بصورت يك جنبش درمی آید.

**تعلیم دهید:** خدمتی که در نتیجه آن تعداد شاگردان و خادمین مسیحی افزایش می‌یابد، رفته رفته تبدیل به يك جنبش می‌شود. این جنبش در میان خانواده‌ها، دوستان، جوامع مسیحی (کلیساها یا مشارکتهای خانگی)، محل کار، سایر کلیساهای مسیحی، سایر مردم، شهرها و ایالات و حتی کشورهای دیگر گسترش می‌یابد. عیسی فرمان داد: "به ملل مختلف بروید و شاگرد بسازید". تمام قدرت در آسمان و بر زمین به خاطر تحقق همین مقصود به عیسی مسیح داده شده است. عیسی مسیح کلیسای جهانی خود را دعوت می‌کند تا از نظر روحانی در هر کشوری از جهان افزایش و گسترش یابد. و این افزایش بواسطه قدرت فیض عیسی مسیح امکان‌پذیر است.

کتاب مقدس نمی‌گوید که انجام چنین وظیفه‌ای آسان است. بسیاری از مسیحیان از زمان مسیح به بعد در این جنگ روحانی با جفاهای زیادی مواجه شده و حتی به شهادت رسیده‌اند. ولی با این وجود، پیروزی غایی امری حتمی است. رساله رومیان (۲۸-۳۹) و کتاب مکاشفه (مکاشفه ۱۷: ۱۴) به خوبی بیانگر این پیغام می‌باشند.

<b>۵</b>	<b>دعا (۸ دقیقه)</b>
<b>دعای در پاسخ به کلام خدا</b>	

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعا‌های کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیابورید.

<b>۶</b>	<b>تکلیف منزل (۲ دقیقه)</b>
<b>برای درس بعدی</b>	

**(سر گروه):** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.

- ۱- تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
- ۲- برای يك فرد یا گروه، موضوع "ازدیاد مسیحیان و کلیساها" را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
- ۳- رازگهان - هر روز نیمی از يك فصل از تیطس ۱-۳ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
- ۴- حفظ کردن - آیه حفظی جدید (یوحنا ۱۲: ۳۲) را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
- ۵- بررسی کتاب مقدس - درس بعدی بررسی کتاب مقدس (یوحنا فصل ۱۴) را در خانه آماده کنید. از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید.
- ۶- دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
- ۷- آموخته‌های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر (یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگهان، آیات حفظی، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

## درس ۳۲

۱	دعا
---	-----

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) تیپس
---	---

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگهان خود را از قسمت مشخص شده (تیپس ۱-۳) با دیگران در میان بگذارید (یا از روی یادداشت‌های رازگهان آن روز بخوانید).  
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان می‌گذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: یوحنا
---	---

مرور: دو نفری مرور کنید. یوحنا ۱۲: ۳۲

۴	بررسی کتاب مقدس (۸۵ دقیقه) یوحنا ۱۴: ۱-۳۱
---	--

مقدمه: یوحنا فصلهای ۱۴ الی ۱۷ در خصوص تعالیم و دعای عیسی در واقعه شام آخر می‌باشند. در یوحنا فصل ۱۴، عیسی شاگردان خود را تسلی می‌دهد و به آنها وعده می‌دهد که حضور دائمی روح القدس با آنها خواهد بود و آنها خواهند توانست اعمالی بس بزرگتر انجام دهند.

<b>قدم ۱: بخوانید</b> بخوانید: یوحنا ۱۴: ۱-۳۱ را با هم بخوانیم. هر یک به نوبت يك آیه را بخواند تا تمام قسمت خوانده شود.	
---	--

<b>قدم ۲: کشف کنید</b> توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ بنویسید: يك یا دو حقیقتی را که درک می‌کنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضاء گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم در میان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کرده‌ایم با یکدیگر در میان بگذاریم. (موارد زیر مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر در میان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید که در هر گروه کوچک اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم در میان می‌گذارند که نباید لزوماً یکسان باشند).	
---	--

**کشف ۱)** در یوحنا ۱۴: ۱-۴ در رابطه با دلیل اینکه چرا مسیحیان می‌توانند دائماً به خدا ایمان داشته باشند، حقیقت مهمی برای من وجود دارد. عیسی می‌فرماید: "دل شما مضطرب نشود. به خدا ایمان آورید. به من نیز ایمان آورید. در خانه پدر من منزل بسیار است ... و اگر بروم و از برای شما مکانی حاضر کنم، باز می‌آیم و شما را برداشته با خود خواهم برد تا جایی که من می‌باشم شما نیز باشید." در دل شاگردان عواطف مختلفی وجود داشت. آنها ناراحت بودند زیرا مسیح می‌بایست آنها را ترک می‌کرد. آنها شرمگین بودند زیرا در این باره که چه کسی در ملکوت خدا از همه بزرگتر است با یکدیگر مجادله کرده بودند. آنها گیج و مغشوش بودند زیرا عیسی پیش‌بینی کرده بود که یکی از شاگردان او را انکار خواهد کرد، یکی دیگر از آنها به وی خیانت خواهد ورزید و در نهایت نیز همگی او را ترک خواهند کرد. آنها در ایمان خود دچار شك و تردید شده بودند، زیرا احتمالاً فکر می‌کردند چگونه امکان دارد کسی بتواند به مسیح موعود خیانت کند. در عین حال، عیسی را دوست داشتند و امیدوار بودند که شرایط به نوعی عوض شود. ایمان آنها مورد آزمایش قرار گرفته بود. به همین دلیل عیسی به آنها حکم نمود

که به ایمانشان به او ادامه دهند. آنها می‌توانستند دائماً به خدا ایمان داشته باشند زیرا عیسی مسیح با خدای پدر یک بود و بر طبق وعده‌اش به شاگردان، روزی به این جهان باز می‌گشت تا آنها را با خود ببرد و از آن پس در آسمان و زمین جدید در کنار یکدیگر باشند. دلیل رفتن عیسی از نزد شاگردان این بود که می‌خواست برای آنها مکانی در آسمان آماده کند. بنابراین رفتن او به آسمان یک برکت بود، نه یک فاجعه. خانه پدر در آسمان است و مسیحیان نیز در آینده در آنجا زیست خواهند کرد. از آنجا که من برای این سکونت دائمی با مسیح انتظار می‌کشم، می‌توانم همواره به او ایمان داشته باشم.

**کشف ۲)** در یوحنا ۱۴: ۵-۶ در رابطه با دلیل اینکه چرا عیسی راه، راستی و حیات نامیده می‌شود، حقیقت مهمی برای من وجود دارد. در آیه ۶ عیسی می‌فرماید: "من راه و راستی و حیات هستم. هیچ کس نزد پدر جز به وسیله من نمی‌آید". الف) عیسی راه است. او صرفاً راه رسیدن به خدا را به ما نشان نمی‌دهد، بلکه خودش تنها راه رسیدن به پدر است. عیسی مسیح، خداست. او در طبیعت الهی خود با تمام صفات الهی پدر برابر است، زیرا تمامی این صفات را به طور نامحدود دارا می‌باشد. به عنوان مثال، او نه تنها دارای محبت است و آن را اعمال می‌کند، بلکه ذات او محبت است. به همین ترتیب، عدالت نیز جزو ذات او است زیرا او عدالت محض است، و غیره ... همچنین، این جزو ذات او است که راه و راستی و حیات باشد. عیسی مسیح در تمامی اعمال، صفات و سخنان خود، راهی است بین خدا و قوم برگزیده او. تمام برکات الهی خدای پدر، از طریق خدای پسر به مردم منتقل می‌شود. عیسی همچنین راهی است بین انسان و خدا. عیسی مسیح تنها طریق دسترسی به خدای پدر است. او تنها کسی است که می‌تواند رابطه از هم گسیخته انسان با خدا را احیا کند. هر که به عیسی مسیح ایمان آورد می‌تواند دائماً و بدون هیچ مانعی با خدا در ارتباط باشد.

ب) عیسی راستی است. عیسی مسیح تجسم راستی است. او آن حقیقت نهایی است که عهد عتیق صرفاً سایه‌ای مبهم از آن را ارائه می‌داد (کولسیان ۲: ۱۷). او همچنین منشأ مطلق راستی است که می‌توان بر آن توکل کرد. عیسی مسیح کسی است که نقشه ابدی نجات خدا را برای بشر آشکار ساخت. او تجلی مرئی خدایی نامرئی است (کولسیان ۱: ۱۵؛ ۲: ۹) و هر که او را می‌شناسد، خدای پدر را نیز می‌شناسد (یوحنا ۱۴: ۷). مسیح خود راستی و حقیقت است. او از دروغ تنفر دارد و با آن مخالف است. هر که به عیسی مسیح ایمان داشته باشد، خالق و نجات‌دهنده خود را بیش از پیش خواهد شناخت و سرانجام روزی او را به طور کامل خواهد شناخت. حقیقت و راستی به طرز پر قدرت بر چنین شخصی تأثیر گذاشته، او را هدایت می‌کند و کاملاً تقدیس می‌نماید (یوحنا ۸: ۳۲؛ ۱۶: ۱۳؛ ۱۷: ۱۷).

پ) عیسی حیات است. منظور این است که تمام صفات پر جلال خدا در عیسی ساکن هستند (یوحنا ۱: ۴). او در خود حیات دارد، به همین دلیل منشأ حیات مسیحیان می‌باشد (یوحنا ۱: ۴؛ ۳: ۱۶). مسیح به عنوان "نور جهان" صفات خدا را آشکار می‌سازد. او به عنوان "کلمه حیات" اراده خدا را برای مسیحیان آشکار می‌کند تا آنها بتوانند با خدای پدر شراکت داشته باشند (یوحنا ۸: ۱۲؛ ۶: ۲۸). او به این جهان آمد تا مسیحیان حیات داشته باشند و به فراوانی از آن بهره‌مند شوند (یوحنا ۱۰: ۱۰). مسیح خود حیات می‌باشد که در تضاد با مرگ است. او بر مرگ روحانی، جسمانی و جاودانی در جهنم، غلبه یافت. هر که به عیسی مسیح ایمان داشته باشد از حیات جاودانی برخوردار می‌گردد، از مرگ جسمانی رستخیز می‌یابد و هیچوقت عذاب مرگ ابدی در جهنم را تجربه نخواهد کرد. حیات در مسیح زندگی او را احیا خواهد کرد و بدن او را متبدل خواهد ساخت تا در میراث خدا که آسمان و زمین جدید است، نصیبی داشته باشد و با او هم‌ارث شود. همانگونه که "مرگ" به مفهوم جدایی از خداست، "حیات" به مفهوم مشارکت با او می‌باشد. عیسی مسیح مرا از گناهانم آزاد ساخت و برای من امکان داشتن رابطه و مشارکت دائمی با خدا را مهیا کرد.

### سوال ۳: قدم

**توجه کنید:** در این متن چه سؤالاتی در زمینه‌های مختلف وجود دارد که مایلید در گروه آنها را بپرسید؟ سعی کنیم تمام حقایق مربوط به یوحنا ۱: ۱-۳۱ را درک کنیم و در مورد آنچه نمی‌فهمیم سؤالهای خود را مطرح کنیم. **بنویسید:** تا آنجایی که امکان دارد سؤالهای خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.

**در میان بگذارید:** (بعد از اینکه مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد اجازه دهید که هر کدام از افراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد).

**گفتگو کنید:** (سپس چند سؤال را از بین همه سؤالها انتخاب کنید و سعی کنید با گفتگو کردن در مورد آنها در گروه جوابی برای آنها پیدا کنید. در ادامه، نمونه سؤالاتی که ممکن است شاگردان بپرسند و همچنین ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است).

### سوال ۱) (یوحنا ۱: ۷-۹) شناخت خدا واقعاً به چه مفهومی است؟

**ملاحظات:** در یوحنا ۱: ۷-۹، عیسی می‌فرماید: "اگر مرا می‌شناختید پدر مرا نیز می‌شناختید و بعد از این او را می‌شناسید و او را دیده‌اید ... کسی که مرا دید پدر را دیده است". عیسی می‌فرماید که شاگردانش اغلب متوجه نبودند که او تنها راه دسترسی به خدای پدر است. او همچنین تنها راستی و حقیقتی است که باعث می‌شود انسانها در نظر خدا مقدس باشند، و تنها حیاتی است که باعث می‌شود انسان در مشارکتی غنی با خدا بسر ببرد. اگر شاگردان با دقت بیشتری به اعمال و سخنان او توجه می‌کردند، در آن صورت عیسی را بهتر می‌شناختند و در مورد خدای پدر نیز بصیرت و شناخت می‌یافتند. حال که عیسی به شاگردان خود گفته بود که او تنها راه رسیدن به خدای پدر است، آنها می‌توانستند خدای پدر را دیده، او را بشناسند. هیچ کس در عهد عتیق نتوانسته بود خدای پدر را چنین ملموس و دائمی ببیند و بشناسد. افعال در زبان اصلی (زمان حال، گذشته یا آینده کامل) حاکی

از این است که وقتی شخص از طریق مسیح در مورد خدای پدر به چنین شناخت روحانی نائل شود، چنین شناختی ماندگار خواهد بود و نتایجی ماندنی به همراه خواهد داشت. چنین ایمانداري همواره خدای پدر را در مسیح خواهد دید. تمام این بخش حاکی از این موضوع است که مکاشفه نجات جدا از عیسی مسیح غیرممکن است. مکاشفه نهایی و دائمی خدا در رابطه با نقشه نجات تنها در عیسی مسیح یافت می‌شود (عبرانیان ۱: ۱-۲) بنابراین، "شناخت خدا" به مفهوم داشتن دید و شناختی روحانی از خدا، دسترسی به او از طریق مسیح، رهایی و تقدیس شدن توسط مسیح و داشتن مشارکت غنی با خدای پدر از طریق مسیح می‌باشد.

### سؤال ۲) (یوحنا ۱۴: ۱۲) اعمال بزرگتری که مسیحیان آنها را انجام خواهند داد چه می‌باشند؟

**ملاحظات:** در یوحنا ۱۴: ۱۲ عیسی به شاگردان خود چنین وعده می‌دهد: "هر که به من ایمان آورد، کارهایی را که من می‌کنم او نیز خواهد کرد و بزرگتر از اینها نیز خواهد کرد، زیرا که من نزد پدر می‌روم". رفتن عیسی به نزد خدای پدر برای شاگردان امتیاز محسوب می‌شد، زیرا باعث می‌شد آنها بهتر بتوانند مؤثر واقع شوند. شاگردان اکنون می‌توانستند اعمالی را که عیسی انجام می‌داد، یعنی معجزات او را، خود نیز انجام دهند. همچنین می‌توانستند در حیطه روحانی به اعمالی بس بزرگتر نیز دست بزنند. بر طبق یوحنا ۵: ۲۰-۲۴، عیسی در حیطه جسمانی دست به معجزات حیرت‌انگیزی می‌زد: به عنوان مثال، بیماران را شفا می‌داد و مردگان را زنده می‌کرد. اکثر این معجزات در میان یهودیان صورت می‌گرفت. ولی شاگردان قادر خواهند بود دست به اعمالی بس بزرگتر بزنند - اعمالی وسیعتر و با جلوه‌ای والاتر که قطعاً نجات یافتن ملل غیریهود در تمامی جهان را نیز شامل می‌شد. منظور عیسی از این اعمال، کارهایی بود که در نقاط مختلف جهان توسط شاگردانش انجام می‌گرفت. منظور او، قسمتهایی از کلام خدا مانند یوحنا ۱۲: ۲۳-۳۲ بود که می‌فرماید، او تمام انسانها را به سمت خود خواهد کشید؛ یا یوحنا ۱۷: ۲۰ که می‌فرماید، او برای تمام کسانی که در نتیجه شنیدن پیغام رسولان به او ایمان خواهند آورد، دعا می‌کند. ولی این اعمال بزرگ تنها پس از مرگ و قیام مسیح و ریزش روح مسیح بر شاگردان، به وقوع خواهند پیوست.

### سؤال ۳) (یوحنا ۱۴: ۱۳-۱۴) آیا ممکن است مسیحیان چیزی را در دعا طلب کنند؟

#### ملاحظات:

**الف) دعا و اعمال بزرگتر در اعمال رسولان.** در یوحنا ۱۴: ۱۳ عیسی به شاگردانش وعده می‌دهد: "هر چه به نام من طلب کنید من آن را به جا خواهم آورد". این آیه را نباید خارج از چهارچوب آن تفسیر نمود. زیرا در اینصورت مردم با سوءاستفاده از این وعده، از خدا خواهند خواست که تمام امیال و خواسته‌های خودخواهانه‌شان را برآورده سازد. این آیه به اعمال بزرگی که در آیه ۱۲ ذکر شده، اشاره می‌کند. اعمالی که لازمه آن، دعای شاگردان است. در کتاب اعمال رسولان، تمام اعمال چه در قلمرو جسمانی و چه در قلمرو روحانی به دعا مربوط می‌شوند. به عنوان مثال در اعمال ۴: ۲۴ پس از اینکه پطرس و یوحنا با شجاعت و دلیری در مورد اعمال خدا سخن گفتند، جماعت صدای خود را در دعا به حضور خدا بلند کردند. در اعمال ۶: ۴ نیز می‌خوانیم که پس از دعا، کلام خدا به سرعت گسترش یافت و به سرعت بر تعداد کسانی که مطیع ایمان شدند افزوده شد. دعاهای کرنلیوس و پطرس در اعمال ۱۰: ۲ و ۹ باعث شد اولین فرد غیر یهودی توبه کند و ایمان آورد. دعایی که در اعمال ۱۲: ۵ و ۱۲ در مورد آن می‌خوانیم نیز به رهایی پطرس از زندان انجامید.

**ب) دعا در نام عیسی مسیح.** عیسی مسیح تنها به دعاهایی که در نام او می‌شود، پاسخ می‌دهد. دعا کردن "در نام عیسی مسیح" یعنی دعا کردن بر اساس کار تمام شده نجات توسط او برای مسیحیان. همچنین به معنی دعا کردن بر طبق اراده مطلق او می‌باشد. و از آنجا که عیسی مسیح همه چیز را در مورد اراده مطلق خود بر مسیحیان آشکار نکرده است، مسیحیان باید با ایمان دعا کنند و یقین داشته باشند که او بهترین پاسخ را به دعاهای آنها خواهد داد. آنها باید همواره اینگونه دعا کنند: "نه اراده من، بلکه اراده تو به انجام رسد" (لوقا ۲۲: ۴۲). گاهی پاسخ مسیح به دعاهای ما مثبت است، و گاهی منفی و گاهی نیز باید برای دریافت پاسخ منتظر بمانیم.

### سؤال ۴) (یوحنا ۱۴: ۱۶) چرا روح القدس تسلی‌دهنده‌ای "دیگر" نامیده شده است؟

#### ملاحظات:

کلمه اصلی برای "تسلی‌دهنده"، "پاراکلیت" می‌باشد. این کلمه به هیچ وجه به معنای منفعل "مدافع یا مشاور" نیست، بلکه همانطور که در ترجمه لاتین این واژه نیز ذکر شده است، در اصل به معنی: "شخصی است که خوانده شده تا به شما کمک کند". این واژه، دارای مفهوم منفعل "تسلی‌دهنده" که در ترجمه یونانی ایوب ۱۶: ۲ آمده نیست، بلکه به معنی "کمک کننده" یا "میانجی" است.

۱) عیسی مسیح نماینده ما در نزد خدای پدر (۱ یوحنا ۲: ۱)، و واسطه و میانجی بین ما و خدا می‌باشد. او دائماً در آسمان برای ما شفاعت می‌کند.

۲) روح القدس برای ما نماینده مسیح است بر زمین (یوحنا ۱۶: ۱۳-۱۵). او واسطه و میانجی بین ما و عیسی مسیح است. روح القدس فعالانه سخنان مسیح را برای ما توضیح می‌دهد (یوحنا ۱۴: ۲۶؛ ۱۵: ۲۶؛ ۱۶: ۱۴)، و کار تمام شده نجات توسط مسیح را عملاً در زندگیهای انسانها پیاده می‌کند.

۳) روح القدس نماینده و واسطه و میانجی "دیگری" است که از عیسی مسیح متمایز است، ولی در عین حال دارای ذات و طبیعتی واحد با خدای پسر و خدای پدر می‌باشد. روح القدس برای ما بر روی زمین، نماینده شخصیت عیسی مسیح است.

**سؤال ۵) (یوحنا ۱۴: ۲۵-۲۶) فرق بین تعالیم عیسی و تعالیم روح القدس چیست؟**

**ملاحظات:** در یوحنا ۱۴: ۲۵-۲۶، عیسی می‌فرماید: "این سخنان را به شما گفتم وقتی که با شما بودم. ولی... روح القدس... همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد و آنچه به شما گفتم به یاد شما خواهد آورد". عیسی در این آیات بین تعالیمی که در زمان حضورش بر زمین بیان فرمود و آنچه که به هنگام رسیدن به جلال آسمان از طریق روح القدس تعلیم خواهد داد، تمایز قائل می‌شود. عیسی هنگامی که با شاگردانش بر روی زمین بود، امور بسیاری را به آنها تعلیم داد، که در چهار انجیل آمده است. ولی وقایع مهم دیگری نیز بود که هنوز به وقوع نپیوسته بودند. عیسی باید می‌مرد، قیام می‌کرد، به آسمان صعود می‌کرد و بر تخت پادشاهی در آسمان جلوس می‌نمود تا این وقایع اتفاق می‌افتاد. عیسی فرمود که پس از اینکه به طور جسمانی این جهان را ترک کند، از طریق روح القدس مفهوم بسیاری از امور را برای شاگردانش روشن خواهد ساخت. عیسی وعده داد که روح القدس به شاگردان تمام اموری را که در رابطه با نجات و کار آنها به عنوان شاهدان مسیح ضروری است، تعلیم خواهد داد. عیسی وعده داد که روح القدس آنچه را که او مادام که بر زمین بود به شاگردان خود تعلیم داد، به یاد آنها خواهد آورد. عیسی از طریق تعالیم روح القدس کماکان کار نبوتی خود را ادامه خواهد داد.

**الف) روح القدس حقایق را که عیسی در زمان حضور جسمانی اش بر زمین در مورد آنها صحبت کرد، به یاد ایمانداران می‌آورد.** چرا او این حقایق کهن را به ایمانداران یادآوری می‌کند؟ زیرا عیسی از طریق روح القدس در مورد حقایق که در مدت حضورش بر زمین به شاگردان تعلیم داد، درک عمیقتری به آنها می‌دهد. دلیلش این است که این حقایق پس از شنیده شدن، نوشته نشدند (یوحنا ۲: ۲۲؛ ۱۲: ۱۶). بنابراین در اول قرن نهم، پولس می‌فرماید: "که آنها را نیز بیان می‌کنیم نه به سخنان آموخته شده از حکمت انسان، بلکه به آنچه روح القدس می‌آموزد؛ و بدین سان، حقایق روحانی را با کلماتی روحانی بیان می‌کنیم".

**ب) روح القدس به شاگردان حقایق جدیدی می‌آموزد.** چرا او حقایق جدیدی به آنان می‌آموزد؟ زیرا بین این وعده عیسی و خود واقعه ریزش روح القدس، اتفاقات مهم زیر به وقوع پیوست: مصلوب شدن مسیح، قیام، صعود و جلوس او بر تخت پادشاهی و ریزش روح القدس. تمامی این وقایع مهم می‌بایست بخوبی تشریح می‌شد تا مردم جهان به اهمیت آنها، و مخصوصاً به اهمیت مرگ و قیام مسیح پی ببرند.

**پ) هم ما و هم رسولان به روح القدس نیاز داریم.** رسولان به روح القدس نیاز داشتند، زیرا باید شاهدان عینی مسیح می‌بودند. آنها باید در مورد مرگ، قیام و تعالیم او شهادت می‌دادند، و توسط آنها بود که می‌بایست کلیسای مسیحی در میان یهودیان، غیر یهودیان و سامریان بنا می‌گشت. آنها باید کتب عهد جدید را به نگارش در می‌آوردند، تعالیم عیسی را با اقتدار تفسیر می‌کردند و آموزه‌های مسیحی را بنیان می‌نهادند. همان روح القدس امروزه به مسیحیان نیز تعلیم می‌دهد که کلام خدا را بفهمند، و به آنها کمک می‌کند تا در شرایط و موقعیتهای روزمره زندگی خود بدانند که عیسی چه انتظاری از آنها دارد.

**سؤال ۶) (یوحنا ۱۴: ۲۷). مفهوم کلمه "سلامتی" چیست؟**

**ملاحظات:** در کتاب مقدس کلمه "سلامتی" دو مفهوم متمایز دارد.

**الف) به طور منفی، به معنی "صلح" یا آرامش است و به عدم جنگ، فقدان کشمکش‌های درونی، خشم، ترس، منازعات اخلاقی و غیره دلالت دارد.**

**ب) اما "سلامتی" به طور مثبت، به معنای کامل کردن چیزی است که قبلاً شکسته یا از هم گسیخته بود. "سلامتی" در این مفهوم به احیای رابطه‌ای از هم گسسته، تجدید هدفی از بین رفته، التیام احساسات جریحه‌دار شده، و خلاصه به تمام آن چیزهایی که از دید خدا برای زندگی شما ضروری است، دلالت دارد.**

**سؤال ۷) (یوحنا ۱۴: ۲۸-۲۹) خدای پدر از چه لحاظ از عیسی بزرگتر است؟**

**ملاحظات:** در یوحنا ۱۴: ۲۸-۲۹، عیسی می‌فرماید: "اگر مرا محبت می‌نمودید، خوشحال می‌گشتید که گفتم نزد پدر می‌روم، زیرا که پدر بزرگتر از من است. و الآن قبل از وقوع به شما گفتم تا وقتی که واقع گردد ایمان آورید".

**الف) دو طبیعت عیسی مسیح در انجیل یوحنا**

۱) طبیعت انسانی عیسی مسیح. گاهی اوقات مردم یوحنا ۱۴: ۲۸ را جدا از قسمتهای دیگر کتاب مقدس تفسیر می‌کنند و چنین نتیجه می‌گیرند که عیسی خدا نیست یا با او یک نمی‌باشد. این نتیجه‌گیری اشتباه است. وقتی این آیه در چهارچوب انجیل یوحنا تفسیر شود، کاملاً مشخص می‌گردد که عیسی در این قسمت به طبیعت الهی خود اشاره نمی‌کند، بلکه منظورش طبیعت انسانی او است. عیسی مسیح به عنوان واسط و میانجی بین خدا و انسان، خود یک انسان کامل است و بنابراین بعنوان یک انسان در مرتبه‌ای نازل‌تر از خدا قرار دارد که روح است و از تمام دیگر انسانها بزرگتر است. همچنین یوحنا ۱۰: ۲۹ می‌فرماید: "پدری که... به من داد، از همه بزرگتر است". این قسمت نیز راجع به طبیعت انسانی عیسی مسیح است و بدین مفهوم است که

عیسی مسیح قبل از رستاخیز از مردگان، بار گناهان انسانها را بر دوش گرفته، به جای آنها جان خود را فدا کرد. او پس از قیام، صعود و جلوس بر تخت پادشاهی در آسمان، بار دیگر از آن جلالی که قبل از آمدن به این جهان از آن برخوردار بود، بهر مند گردید (یوحنا ۱۷: ۵). بنابراین وقتی عیسی می‌فرماید که خدای پدر بزرگتر از اوست، در واقع شاگردانش را برای مرگ خود آماده می‌کند (مرقس ۸: ۳۱؛ ۹: ۳۱؛ ۱۰: ۳۲-۳۴).

۲) طبیعت الهی عیسی مسیح. اصطلاح "فرزندان نور" در لوقا ۱۶: ۸ به انسانهایی اشاره دارد که از تمام خصوصیات نور برخوردار هستند. به همین ترتیب وقتی عیسی می‌فرماید: "من فرزند خدا هستم" (یوحنا ۱۰: ۳۶)، این حقیقت را بیان می‌کند که او از تمام صفات خدا برخوردار است. به همین دلیل است که می‌فرماید: "من و پدر يك هستیم" (یوحنا ۱۰: ۳۰). "پدر در من است و من در او" (یوحنا ۱۰: ۳۸). "کسی که مرا دید پدر را دیده است" (یوحنا ۱۴: ۹). و نیز به همین دلیل است که یوحنا می‌فرماید: "کلمه خدا بود" (یوحنا ۱: ۱) و "پسر یگانه‌ای که در آغوش پدر است همان او را ظاهر کرد" (یوحنا ۱: ۱۸). عیسی کاملاً از نظر ماهیت وجودی با خدای پدر برابر است.

#### ب) دو طبیعت عیسی مسیح در رسالات

۱) طبیعت انسانی عیسی مسیح. وقتی خدا در عیسی مسیح طبیعت انسانی بر خود گرفت، نه تنها به شکل يك انسان مجسم شد، بلکه به خاطر نجات بشر تا به مرگ مطیع گردید (فیلیپیان ۲: ۷-۸). عیسی مسیح، به عنوان واسط میان خدا و انسان، خود را مطیع خدای پدر ساخت، تا خدا بر تمام کائنات حاکم باشد (اول قرنثیان ۱۵: ۲۸).

۲) طبیعت الهی عیسی مسیح. عیسی مسیح از تمام خصوصیات طبیعت خدا برخوردار بوده، با او برابر می‌باشد (فیلیپیان ۲: ۶). عیسی مسیح چهره دیدنی خدای نادیدنی است (کولسیان ۱: ۱۵). تمامی پری خدا در عیسی مسیح ساکن است (کولسیان ۱: ۱۹). الوهیت با همه کمالش به صورتی جسمانی در مسیح ساکن است (کولسیان ۲: ۹). عیسی مسیح فروغ جلال خدا و مظهر کامل ذات اوست (عبرانیان ۱: ۳).

عیسی مسیح دارای دو طبیعت می‌باشد: او بعنوان خدا با خدای پدر برابر است، ولی به عنوان انسان در مرتبه‌ای پایینتر از او قرار گرفته است. با اینحال از آنجا که دو طبیعت او هیچوقت از یکدیگر جدا نیستند و عیسی هیچگاه از خدای پدر و خدای روح القدس جدا نمی‌باشد، مسیحیان باید عیسی مسیح را "صورت نادیدنی خدای پر جلال" بدانند.

#### ب) دو طبیعت عیسی مسیح در عهد عتیق

۱) طبیعت انسانی عیسی مسیح. اشعیا پیشگویی می‌کند: "زیرا که برای ما ولدی زاییده و پسری به ما بخشیده شد و سلطنت بر دوش او خواهد بود" (اشعیا ۹: ۶).

۲) طبیعت الهی عیسی مسیح. اشعیا ادامه داده می‌فرماید: "و اسم او عجیب و مشیر و خدای قدیر و پدر سرمدی و سرور سلامتی خوانده خواهد شد" (اشعیا ۹: ۶). در اشعیا ۹: ۶، عیسی مسیح "خدای قدیر" (در عبری: El gibor) و در اشعیا ۱۰: ۲۰-۲۳، "خداوند" (یهوه)، "قدوس اسرائیل"، "خدای قدیر" (در عبری: El gibor) و "خداوند قادر مطلق" (در عبری: Adonai jawe Tsibaoth یعنی خداوند لشکرهای آسمانی) نامیده شده است. بنابراین اشعیا نبی عیسی مسیح را به عنوان خدا آشکار می‌سازد.

#### ت) عیسی مسیح از همان حرمتی که خدای پدر دارد، برخوردار است.

عیسی می‌فرماید که تمامی قدرت در آسمان و بر زمین به او داده شده است (متی ۲۸: ۱۸). پولس می‌فرماید، اراده خدا این است که همه چیز را خواه آنچه در آسمان است و خواه آنچه بر زمین، در مسیح که سر است گرد آورد (افسسیان ۱: ۱۰). پطرس می‌فرماید، فرشتگان، ریاسات و قدرتها همه مطیع عیسی مسیح می‌باشند (۱ پطرس ۳: ۲۲). هیچکس نباید با قرار دادن عیسی مسیح در رتبه‌ای پایینتر از خدا به او بی‌حرمتی کند. یوحنا ۵: ۲۳ تعلیم می‌دهد که تمام انسانها باید همانگونه که پدر را حرمت می‌کنند، پسر را نیز حرمت کنند. "کسی که به پسر حرمت نکند، به پدر نیز احترام نکرده است".

#### قدم ۴: بکار ببرید

توجه کنید: کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان‌پذیر است.

در میان بگذارید و بنویسید: افکار خود را صریحاً با هم در میان بگذارید و فهرستی از کاربردهای امکان‌پذیر براساس یوحنا ۱: ۱-۳۱ تهیه کنید.

توجه کنید: خدا از شما می‌خواهد کدامیک از کاربردهای امکان‌پذیر را تبدیل به يك کاربرد شخصی بکنید؟

بنویسید: این کاربرد شخصی را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران در میان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می‌کنند و حتی از يك حقیقت کاربردهای متفاوتی می‌یابند.

فهرست زیر، نمونه هایی از کاربردهای امکان‌پذیر در این قسمت از کتاب مقدس می‌باشند).



## نمونه‌هایی از کاربردهای امکان پذیر (انجیل یوحنا فصل ۱۴)

- ۱۴: ۶، ۹ \* از طریق شناخت بهتر عیسی مسیح خدای پدر را بهتر بشناسید.
- ۱۴: ۱۲ \* ایمان داشته باشید که مسیح برای شما نیز "اعمال بزرگتری" در این جهان در نظر دارد.
- ۱۴: ۱۳ \* با شجاعت دعا کنید که خدا از طریق شما "اعمالی بزرگتر" انجام دهد.
- ۱۴: ۲۱، ۲۳ \* تعالیم و احکام عیسی مسیح را به مرحله اجرا درآورید. در آن صورت عیسی مسیح خود را بر شما آشکار ساخته، نزد شما ساکن خواهد شد.
- ۱۴: ۲۶ \* به روح القدس اجازه دهید که اهمیت سخنان عیسی مسیح را به شما تعلیم دهد.

## نمونه‌هایی از کاربردهای شخصی

الف) من می‌خواهم در این حقیقت که خدا را می‌شناسم شادی کنم. عیسی مسیح خدای پدر و نقشه نجات او را برای من آشکار کرده است. "شناخت خدا" یعنی دسترسی داشتن به خدای پدر از طریق مسیح، دریافت آزادی واقعی در او، تقدیس شدن و برخورداری از مشارکتی غنی با خدای پدر بواسطه مسیح. بله، من می‌خواهم در این حقیقت که خدا را می‌شناسم، شادی کنم. من مسیح را با ایمان پذیرفته‌ام و بدینوسیله می‌توانم به خدای پدر دسترسی داشته باشم. من به بررسی خود در مورد مسیح در کتاب مقدس ادامه می‌دهم تا هر روز بیش از پیش از اسارت گناهانم رهایی بیابم. من می‌خواهم در مسیح بمانم و بدینوسیله با خدای پدر مشارکتی غنی داشته باشم.

ب) من می‌خواهم به مسیح اعتماد کنم و در انجام اعمال بزرگتر که همانا ایمان آوردن ملل غیر یهود است، سهیم شوم. من باید برای این اعمال بزرگتر دعا کنم. در کتاب اعمال رسولان (۶: ۴) می‌خوانیم که کلام خدا در نتیجه دعا گسترش یافت و بر تعداد ایمانداران افزوده شد. بنابراین من هم می‌خواهم دعا کنم و اطمینان داشته باشم که دعاهای من هم می‌تواند چنین تأثیری بر ساکنین منطقه و کشور من بر جای بگذارد.

### قدم ۵: دعا کنید

در مورد حقیقتی که خدا به ما در یوحنا ۱۴: ۱-۳۱ آشکار کرده است، دعا کنیم.  
(در دعای خود به آنچه که در طی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده اید، پاسخ دهید. تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. بیاد داشته باشید که افراد در هر گروه، در مورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

۵	دعا (۸ دقیقه)	دعای شفاعت
---	---------------	------------

به دعا کردن در گروه های دو یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و مردم دنیا دعا کنید.

۶	تکلیف منزل (۲ دقیقه)	برای درس بعدی
---	----------------------	---------------

(سر گروه: رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

- ۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
- ۲ - برای يك فرد یا گروه، موضوع "یوحنا فصل ۱۴" را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
- ۳ - رازگاهان - هر روز نیمی از يك فصل از عبرانیان ۱-۳ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
- ۴ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (یوحنا ۱۳: ۳۴-۳۵) را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
- ۵ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
- ۶ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر (یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

## درس ۳۳

۱	دعا
---	-----

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) عبرانیان
---	---

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگهان خود را از قسمت مشخص شده (عبرانیان ۱-۳) با دیگران در میان بگذارید (یا از روی یادداشت‌های رازگهان آن روز بخوانید).  
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان می‌گذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: یوحنا
---	---

دو نفری تعقیق، حفظ و مرور کنید: یوحنا ۱۳: ۳۴-۳۵

۴	تعلیم (۸۵ دقیقه) تصمیم‌گیری و مشورت دادن
---	---

**مقدمه:** این تعلیم راجع به "اصول تصمیم‌گیری و مشورت دادن" می‌باشد. مردم سؤالات زیادی دارند و در جستجوی پاسخ هستند تا بتوانند تصمیم‌گیری کنند. ما در این درس خواهیم آموخت که چگونه به مردم مشورت دهیم و به آنها کمک کنیم تا برای زندگی خود تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی کنند. همچنین خواهیم آموخت که چگونه پیران کلیسا و رهبران جوامع مختلف مسیحی (کلیسا یا مشارکت خانگی) باید در چهارچوب شورای پیران کلیسا تصمیماتی را اتخاذ کنند.  
همچنین به بخش " طرح‌ریزی برنامه‌های خوب " در دستور عمل بنای کلیسا - کتاب سوم، ضمیمه شماره ۲ مراجعه کنید.

### الف - یاد بگیرید به هنگام تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی برای زندگی خود، با دیگران مشورت کنید

**مقدمه:** يك فرد مسیحی قبل از اینکه خود به دیگران مشورت دهد، باید بتواند با دیگران مشورت کند و مشورتها و نصایح آنها را بپذیرد. کتاب امثال در خصوص "حکمت" حاوی حقایق زیادی است. در زیر، سه حقیقت حکیمانه مهم در مورد تأثیری که مشورت کردن و اندرز گرفتن بر شما خواهد داشت، عنوان شده است.

۱- يك مسیحی با دیگران مشورت می‌کند تا بتواند برای زندگی خود تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی خوبی انجام دهد.

بخوانید: امثال ۱۵: ۲۲

**کشف و گفتگو کنید:** چرا يك مسیحی باید یاد بگیرد با دیگران مشورت کند؟

**ملاحظات:** يك مسیحی باید با دیگران مشورت کند تا بتواند برای زندگی خود تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی کند.

امثال ۱۵: ۲۲ می‌فرماید: "از عدم مشورت تدبیرها باطل می‌شود، اما از کثرت مشورت دهندگان برقرار می‌ماند".

تمام مردم برای زندگی خود تصمیمات خاصی می‌گیرند و برنامه‌های بخصوصی طرح می‌کنند، ولی همه دست به تصمیم‌گیری یا انتخاب درست نمی‌زنند، علتش هم این است که با دیگران مشورت نمی‌کنند. آنها فکر می‌کنند خود همه چیز را می‌دانند و به راهنمایی دیگران نیازی ندارند. خدا هشدار می‌دهد که تدابیر چنین افرادی باطل خواهد شد. بنابراین مشورت کردن با دیگران به شما کمک خواهد کرد که در مورد جوانب مختلف تصمیم‌گیریها، انتخابها و برنامه‌ریزیهای خود فکر کنید.

هر تصمیم‌گیری، انتخاب و برنامه‌ریزی، با خود نتایج و عواقبی به همراه دارد. این نتایج ممکن است خوب یا بد باشند و یا با آن چیزی که شما انتظار داشتید، فرق داشته باشند. وقتی شما با دیگران در رابطه با عواقب احتمالی يك تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی

یا انتخاب صحبت می‌کنید و در مورد آنچه به شما گفته می‌شود فکر می‌کنید، این کار باعث می‌شود تصمیماتی خوب و واقع‌بینانه اتخاذ کنید.

**الف) در امور اخلاقی و روحانی، مشاورین شما باید مسیحی باشند.**

شما به عنوان يك مسیحی، عضوی از بدن مسیح هستید و به كمك و راهنمایی دیگر اعضای کلیسا نیاز دارید (اول قرن‌تینان ۱۲: ۲۱). شما به سؤالات و مشورت‌های دیگر مسیحیان نیاز دارید تا به شما كمك کنند در مورد تصمیم‌گیری، انتخاب یا برنامه‌های خود و عواقب آنها خوب فکر کنید. در تمام امور اخلاقی و روحانی، مشاورین شما باید مسیحیانی تولد تازه یافته و افرادی باشند که از نظر روحانی بالغ و خداترس هستند، زیرا بی‌ایمانان فکر خدا را ندارند (اول قرن‌تینان ۲: ۱۲-۱۶) و ایماندارانی که بالغ نیستند قادر به تشخیص نیک و بد نمی‌باشند (عبرانیان ۵: ۱۴). همچنین خدا به کسانی که مرتکب بدی و شرارت می‌شوند، گوش نمی‌دهد (اول پطرس ۳: ۱۲).

**ب) در خصوص امور دیگر، می‌توانید از مشاورین غیر مسیحی که در امر مشاوره تخصص دارند مشورت بخواهید.** شما به عنوان يك فرد مسیحی، عضوی از جامعه هستید و به كمك دیگر افراد جامعه خود نیاز دارید. شما می‌توانید در خصوص تمام دیگر اموری که به مسائل روحانی و اخلاقی مربوط نمی‌شوند، مشاورین غیر مسیحی نیز داشته باشید، زیرا چنین مشاورینی اغلب برای كمك به شما از دانش و تجربه کافی برخوردارند. شما باید با مشاورین بسیاری مشورت کنید، زیرا از این طریق می‌توانید برای اتخاذ تصمیمات یا برنامه‌ریزی در زندگی خود به حقایق مهمی دست یابید. شما باید در رابطه با عواقب تصمیمات و برنامه‌ریزی‌های خود، با مشاورین دیگر صحبت کرده، در مورد آنها فکر کنید. هر چه مشاورین از شما و شرایطتان آگاهی بیشتری داشته باشند، بهتر می‌توانند به شما مشورت دهند (امثال ۲۷: ۲۳).

## **۲- يك مسیحی با دیگران مشورت می‌کند تا بدینوسیله رابطه خود را با خدا، انسانها و شرایط بهتر کند.**

**کشف و گفتگو کنید:** بر طبق آیاتی که در زیر از کتاب مقدس عنوان شده است، چرا يك مسیحی باید با دیگران مشورت کند؟

**الف) شما با دیگران مشورت می‌کنید تا بدینوسیله رابطه خود را با خدا بهتر کنید.** بخوانید: اشعیا ۳۰: ۱-۲. این قسمت می‌فرماید: "وای بر کسانی که... مشورت می‌کنند لیکن نه از من، و عهد می‌بندند لیکن نه از روح من... آنها عزیمت خواهند کرد بدون اینکه از من سؤال نمایند". خدا به ما هشدار می‌دهد که با اتکا به او تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی کنیم. خدا مایل است که قوم او با او مشورت کنند، بواسطه روح او با دیگران در ارتباط باشند و نقشه‌های او را پیاده کنند. مشورت خواستن از خدا و پذیرفتن آن باعث می‌شود اراده و اهداف خدا را بدانید و با او رابطه بهتری داشته باشید.

**ب) شما با دیگران مشورت می‌کنید تا بدینوسیله رابطه خود را با سایر مردم نیز بهبود بخشید.** بخوانید: امثال ۱۹: ۲۰-۲۱؛ ۱۴: ۲۲. امثال ۱۹: ۲۰-۲۱ می‌فرماید: "پند را بشنو و تأدیب را قبول نما، تا در عاقبت خود حکیم شوی. فکرهای بسیار در دل انسان است، اما آنچه ثابت ماند مشورت خداوند است." کسانی که با دیگران مشورت نمی‌کنند و نصایح آنها را نمی‌پذیرند، در نظر خدا افراد نادانی هستند. هر مسیحی باید به نصایح و راهنمایی‌های دیگران گوش داده، آنها را بپذیرد. امثال ۱۴: ۲۲ می‌فرماید: "برای کسانی که تدبیر نیکو می‌نمایند، رحمت و راستی خواهد بود". مشورت کردن با دیگران و پذیرفتن نصایح خوب از آنها باعث می‌شود که شما افرادی حکیم، امین و با محبت باشید. همچنین این کار به شما كمك خواهد کرد که با دیگران رابطه بهتری برقرار کنید.

**پ) شما با دیگران مشورت می‌کنید تا بدینوسیله با شرایط سخت زندگی خود بهتر مواجه شوید.** بخوانید: امثال ۲۸: ۱۴. این قسمت می‌فرماید: "خوشحال کسی که دائماً می‌ترسد، اما هر که دل خود را سخت سازد به بلا گرفتار خواهد شد." مشورت گرفتن از دیگران مستلزم فروتنی است. کسی که دل خود را نسبت به نصایح دیگران سخت سازد، قطعاً گرفتار مشکلات و بلاها خواهد شد. خدا مخالف افراد متکبر است (اول پطرس ۵: ۵) و انسان پس از اینکه مرتکب غرور شد، سقوط کرد. بنابراین شما باید قلب خود را نرم ساخته، تعلیم پذیر باشید و ترس خداوند را در دل داشته باشید. اگر به نصایح دیگر مسیحیان گوش دهید، می‌توانید در راستای اراده و اهداف خدا آنگونه که در کلامش ذکر شده است، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی کنید. اگر پیرسید و نصایح خوب را قبول کنید، از مشکلات در امان خواهید بود و قادر خواهید بود با شرایط سخت زندگی خود بهتر مواجه شوید.

## **۳- هر مسیحی به خاطر تصمیم‌گیری‌ها، انتخابات و برنامه‌ریزی‌هایی که می‌کند به خدا پاسخگو می‌باشد.**

**بخوانید:** دوم قرن‌تینان ۵: ۱۰

**کشف و گفتگو کنید:** چرا يك مسیحی باید یاد بگیرد مسوولیت تصمیم‌گیری‌ها، انتخابات و برنامه‌ریزی‌های خود را بپذیرد؟

**ملاحظات:** شما نباید تنها بر اساس مشورتها و نصایح دیگران تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی کنید. همچنین نباید دیگران را از اینکه مشورت خوبی به شما نداده‌اند سرزنش کنید. زیرا در نهایت این خود شما هستید که به خاطر تصمیمات، انتخابات و برنامه‌ریزیهای خود و عواقب آنها مسؤول می‌باشید. خدا شما را مسؤول و پاسخگو در برابر تصمیمها، انتخابها و نقشه‌هایتان و نتایج آنها خواهد دانست.

## **ب - یاد بگیرید قبل از دادن مشورت به دیگران، در زمینه‌ای که مشورت می‌دهید اطلاعاتی را جمع‌آوری کنید.**

**مقدمه:** يك مسیحی قبل از اینکه به دیگران مشورت دهد، باید یاد بگیرد به آنها گوش دهد و از آنها سؤالاتی بپرسد. وقتی که به اندازه کافی در مورد مخاطب خود حقایق مفید جمع‌آوری کرد، در آن صورت قادر خواهد بود به او کمک کند و مشورت مفیدی به او ارائه دهد.

به "جمع‌آوری اطلاعات به منظور دادن مشورت" در دستور عمل بنای کلیسا - کتاب سوم، ضمیمه شماره ۲ مراجعه کنید.

## **پ - یاد بگیرید خود تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی کنید.**

**مقدمه:** "تصمیم‌گیری" عبارت است از انتخاب و برنامه‌ریزی. برخی از تصمیمات باید بر اساس تعلیم روشن کتاب‌مقدس اتخاذ شوند. به عنوان مثال، تصمیم‌گیری در مورد دزدی نکردن و دروغ نگفتن مطابق ده فرمان است. برخی دیگر از تصمیمات باید بر اساس حکمت خدا در کتاب‌مقدس اتخاذ شوند و این امر مستلزم سعی و تلاش بیشتری است. به عنوان مثال، در کتاب‌مقدس در خصوص تصمیم‌گیری برای انتخاب زوج یا شغل مناسب مطلب آشکاری وجود ندارد. این گونه تصمیمات را باید بر اساس شرایطی که خدای قادر مطلق برای هر انسانی در نظر گرفته است، اتخاذ کرد. اتخاذ چنین تصمیماتی بیشتر به طرز برخورد و عکس‌العملهای ما در قبال موقعیتها و شرایط زندگی‌مان بستگی دارد، تا به آزادی ما در انتخاب چنین موقعیتهایی.

### **۱ - خدا اراده خود را بر مسیحیان مکشوف ساخته است تا آنها بتوانند بر طبق اهداف و اراده او تصمیم‌گیری کنند.**

**مقدمه:** خدا هر آنچه را که دانستن، پذیرفتن و انجام آن برای مسیحیان ضروری می‌باشد، در کتاب‌مقدس آشکار کرده است. بنابراین فرد مسیحی باید برای اتخاذ تصمیم یا انتخابی که به خشنودی خدا منجر می‌شود، به کتاب‌مقدس مراجعه کند و تصمیمات، انتخابات و برنامه‌ریزیهای خود را بر اساس اراده مکشوف خدا قرار دهد. مکاشفه خدا همانا عبارت است از تعالیم خاص و عامی که در اختیار بشر نهاده است. تصمیم‌گیریهای يك فرد مسیحی باید در چهارچوب این تعالیم باشد.

#### **الف) تعالیم خاص یا اراده اخلاقی خدا**

**تعلیم دهید:** تعالیم خاص خدا عبارتند از تمامی احکام، ممنوعیتها و تعالیم موجود در کلام خدا که اراده اخلاقی خدا نیز نامیده می‌شوند و به مسیحیان در مورد آنچه که در نظر خدا خوب یا بد، یا درست یا اشتباه است تعلیم می‌دهند. خدا به تمام انسانها حکم می‌کند که علیرغم شرایط فرهنگی و علائق و احساسات خود، از تمام فرامین خاص، یعنی از تمامی ممنوعیتها و تعالیمی که در کتاب‌مقدس وجود دارند، اطاعت کنند. مسیحیان باید انتخاب کنند که آیا حاضرند از خدا اطاعت کنند یا نه. گاهی يك فرد مسیحی حاضر است از خدا اطاعت کند، ولی مطمئن نیست که آیا فلان حکم خاص خدا تنها برای فرد یا گروه خاصی است یا برای تمام مسیحیان که او نیز یکی از آنهاست.

۱) نمونه‌هایی از تعالیم خاصی که برای تمام مسیحیان است. "شما نباید خدایان دیگر را عبادت کنید". "شما نباید دزدی کنید" (خروج ۲۰). "توبه کنید و به انجیل ایمان آورید" (مرقس ۱: ۱۵). "مسیح را به عنوان خداوند بپذیرید". "در مسیح سلوک نمایندید". "در او ریشه بگیرید و بنا شوید" (کولسیان ۲: ۶-۷). "خطاهای مردم را ببخشید" (متی ۶: ۱۴). "دشمنان خود را محبت نمایید و به آنانی که از شما نفرت دارند، نیکی کنید. برای هر که نفرینتان کند برکت بطلبید، و هر کس را که آزارتان دهد دعای خیر کنید" (لوقا ۶: ۲۷-۲۸). "با يك بی‌ایمان ازدواج نکنید" (۲ قرن‌تیان ۶: ۱۴).

این تعالیم خاص، اراده اخلاقی خدا نیز نامیده می‌شوند.

۲) نمونه‌هایی از تعالیمی که برای گروه خاصی از مردم یا مختص شرایط خاصی است. احکام مربوط به قربانی و دهیک مستقیماً خطاب به قوم خدا (اسرائیل) در عهد عتیق هستند (ملاکی ۱: ۱، ۶-۱۴؛ ۳: ۶-۱۲). حکم مربوط به فروختن تمام اموال و دادن پول آن به فقرا تنها برای آن جوان ثروتمند بود (مرقس ۱۰: ۲۱). مراسم ختنه تنها محدود به دوران عهد عتیق بود (پیدایش ۱۷: ۹-۱۴؛ غلاطیان ۵: ۳-۴؛ ۶: ۱۲-۱۵). به همین ترتیب، وعده بازسازی یا تهدید به ویرانی در ارمیا ۱۸: ۶-۱۰ و مکاشفه ۲: ۷ نیز تنها خطاب به کسانی است که بر اساس شرایط آن وعده یا تهدید عمل می‌کنند.

يك مسیحی باید یاد بگیرد کتاب‌مقدس را به درستی تفسیر کند. همیشه بهتر است در زمینه تفسیر کتاب‌مقدس از دیگر مسیحیان حکیم و بالغ کمک بخواهید. گاهی يك مسیحی دقیقاً نمی‌داند که چگونه باید تعلیم خاصی را به طور عملی در زندگی خود به کار ببندد. زمانیکه چنین مسیحی در خصوص برخی از تعالیم خاص خدا مطمئن نیست، باید از مسیحیان دیگر راهنمایی و کمک بگیرد و در دعا از خدا بخواهد تا در این زمینه او را کمک کند. خدا فکر، قلب و اعمال او را از طریق روح‌القدس هدایت خواهد کرد (مزمور ۱۴۳: ۸-۱۰).

## ب) تعالیم عام یا حکمت خدا

**بخوانید:** مزمو ۳۲: ۸-۱۰؛ اشعیا ۴۸: ۱۷؛ یعقوب ۱: ۵-۸

تعلیم. تعالیم عام عبارتند از احکام، ممنوعیتها و تعالیم عمومی که در کتاب مقدس آمده‌اند و حکمت خدا نیز نامیده می‌شوند. این تعالیم به مسیحیان می‌آموزند که چه چیزی در نظر خدا حکیمانه است و چه چیزی از نظر او نادانی و حماقت محسوب می‌شود. خدا به مسیحیان حکم می‌کند که بر اساس حکمت او برای زندگی خود تصمیم بگیرند و برنامه‌ریزی کنند. گاهی یک فرد مسیحی باید تصمیم مهمی بگیرد. مجبور است بین دو امکان تصمیم بگیرد اما نمی‌تواند در کلام خدا در این زمینه دستور العمل روشنی پیدا کند. در چنین شرایطی، خدا به یک مسیحی وعده داده است که او را در مسیر درست هدایت خواهد نمود. در مزمو ۳۲: ۸-۱۰، خدا وعده می‌دهد: "تو را حکمت خواهم آموخت و به راهی که باید رفت ارشاد خواهم نمود؛ و تو را به چشم خود که بر تو است نصیحت خواهم فرمود." و در اشعیا ۴۸: ۱۷ وعده می‌دهد: "من یهوه خدای تو هستم و تو را تعلیم می‌دهم تا سود ببری و تو را به راهی که باید بروی هدایت می‌نمایم." در یعقوب ۱: ۵-۸ از مسیحیان خواسته شده است که در دعا از خدا حکمت بطلبند.

۱) نمونه‌هایی از مواردی که مستلزم تصمیم‌گیری است. در زندگی مسائل زیادی وجود دارد که خدا در رابطه با آنها هیچ حکم یا تعلیم مشخصی نداده است. به عنوان مثال ما چگونه می‌توانیم اراده خدا را در مورد سوالات زیر بدانیم: "باید در چه زمینه‌ای تحصیل کنم؟" "با چه کسی باید ازواج کنم؟" "آیا باید فلان وسیله خاص را بخرم یا نه؟" "باید چه روشی را در زندگی دنبال کنم؟"

۲) نمونه‌هایی از تعالیم عام. خدا احکام، ممنوعیتها، تعالیم و اصول خاصی را در کتاب مقدس عنوان کرده که مبتنی بر حکمت او می‌باشند و به ما کمک می‌کنند تا اراده او را درک کرده، برای زندگی خود تصمیم درستی بگیریم. به عنوان مثال: "تحقیق نمایید که پسندیده خدا چیست؟" (افسیان ۵: ۱۰). "پس با خبر باشید که چگونه به دقت رفتار نمایید. نه چون جاهلان بلکه چون حکیمان. و وقت را دریابید زیرا این روزها شریر است" (افسیان ۵: ۱۵-۱۶). "پس آن اموری را که منشأ سلامتی و بنای یکدیگر است پیروی نمایید" (رومان ۱۴: ۱۹). ما در بسیاری از مواقع فوراً نمی‌دانیم چه چیزی خدا را بیش از هر چیز دیگر خشنود می‌سازد، انجام چه کاری در شرایطی خاص حکیمانه است، یا انجام چه کاری به ایجاد صلح در بین مردم و بنای دیگران می‌انجامد. حکم خدا به انسانها این است که بر اساس این تعالیم عام، تصمیماتی حکیمانه اتخاذ کنند. وقتی یک فرد مسیحی مطمئن نیست که چگونه باید در شرایط خاص زندگی خود تعالیم خاص خدا را به کار ببرد، در آن صورت باید از تعالیم عام یا حکمت خدا و نیز از مشاورینی باتجربه کمک بگیرد تا او را در اتخاذ تصمیمات درست یاری دهند. به بخش "خداوندی: کشف اراده خدا" در دستور عمل شاگردسازی - کتاب چهارم، درس ۴۳ مراجعه کنید.

## پ) منابع حکمت خدا

**تعلیم دهید:** منابع حکمت خدا عبارتند از:

- ۱) کتاب مقدس (مزمو ۱۱۹: ۹۷-۱۰۰)
- ۲) دعا (یعقوب ۱: ۵)
- ۳) مشاورین (امثال ۱۱: ۱۴)
- ۴) تحقیق (نحمیا فصل ۲)

## ت) سوالات حکیمانه

**تعلیم دهید:** خدا از مسیحیانی که او را دوست دارند، انتظار دارد تصمیماتی حکیمانه اتخاذ کنند. خدا می‌خواهد مسیحیان در تصمیم‌گیری‌هایشان از عقل و فکر خود به بهترین وجه استفاده کنند. به عنوان مثال:

۱) **بخوانید:** اول قرنیتان ۱۰: ۲۳. این قسمت تعلیم می‌دهد که انجام تمام اعمالی که در کتاب مقدس منع نشده‌اند برای یک فرد مسیحی جایز است، ولی لزوماً مفید یا بنا کننده نیست. بنابراین یک مسیحی باید تشخیص دهد که انجام چه کارهایی برای او هم جایز است و هم مفید و بنا کننده.

۲) **بخوانید:** اول قرنیتان ۷: ۱، ۹. این قسمت تعلیم می‌دهد که ممکن است برای یک فرد مسیحی انجام تمام اعمالی که در کتاب مقدس منع نشده‌اند خوب باشد، ولی الزاماً بهترین نباشد. یک مسیحی باید تشخیص دهد که انجام کدام یک از این اعمال جزو بهترین‌ها است.

۳) **بخوانید:** اول قرنیتان ۷: ۲۸، ۴۰. این قسمت تعلیم می‌دهد که یک فرد مسیحی باید تشخیص دهد که چه اعمالی باعث ناراحتی دیگران می‌شود و برای آنها مشکل ایجاد می‌کند، و چه اعمالی باعث خوشحالی آنها می‌گردد. آنچه باعث شادی یک نفر می‌شود ممکن است باعث ناراحتی شخصی دیگر گردد.

۴) **بخوانید:** اول قرنیتان ۱۶: ۴ و دوم قرنیتان ۹: ۵. این قسمت‌ها تعلیم می‌دهند که یک مسیحی باید تشخیص دهد انجام چه کاری "خوب" و انجام چه کاری "ضروری" است.

۵) **بخوانید:** متی ۶: ۳۳. این قسمت تعلیم می‌دهد که خدا برای هر فردی اولویتهای خاصی در نظر دارد. بنابراین، هر مسیحی باید تشخیص دهد که کدام یک از اولویتهای زندگی‌اش باعث رضایت و خشنودی خدا است.

۶) **بخوانید:** امثال ۱۶: ۱-۴، ۷، ۹، ۲۵، ۳۳ و روت فصل ۲. این قسمت‌ها تعلیم می‌دهند که یک مسیحی باید همواره از حکمت الهی (یا خداوندی) جهت تصمیم‌گیری و انتخابهای مهم زندگی خود استفاده کند. حکمت الهی غالباً باعث می‌گردد شخص دست به یک انتخاب مشخص بزند که باعث خشنودی خدا است. در شرایطی که بیش از یک انتخاب حکیمانه وجود دارد، هر دو انتخاب در

نظر خدا دارای اهمیتی یکسان هستند. خدا بر حسب قدرت مطلقش انسان را هدایت می‌کند و اجازه نخواهد داد او در طریقی نادرست گام بردارد.

## ۲- خدا به هر فرد مسیحی آزادی و مسؤلیت عطا کرده است تا تصمیماتی بخصوص اتخاذ کند.

### **تعلیم دهید:**

الف) آزادی در تصمیم‌گیری مستلزم داشتن حس مسؤلیت و یاسخگویی است. خدا انسان را به شباهت خود آفریده است (پیدایش ۱: ۲۷)، نه به صورت یک آدم آهنی. او تمام اعمالی را که انسان باید انجام دهد برای او آشکار نکرده است، ولی این حکم را به او داده است که خداوند خدای خودش را با تمامی فکر، قلب و قوت خود محبت کند. خدا به فرد مسیحی عقل و شعور داده است تا بر اساس آن، در مواردی که برای آن مکاشفه خاصی از طرف خدا داده نشده است، خود بطور حکیمانه دست به انتخاب بزند و تصمیم‌گیری کند. خدا به فرد مسیحی قلب داده است تا او بتواند خدا را با تمام وجود و با میل قلبی محبت کند (مرقس ۱۲: ۳۰-۳۱). او به فرد مسیحی وجدان داده است (اعمال ۲۴: ۱۶؛ رومیان ۲: ۱۵) تا بتواند بر اساس آن تشخیص دهد که آیا تصمیمی که گرفته است مورد رضایت خدا واقع خواهد شد یا خیر. خدا همچنین به فرد مسیحی بدن عطا کرده است (رومیان ۶: ۱۳، ۱۹) تا بتواند از اعضای بدن خود مطابق اراده و اهداف خدا استفاده کند. بنابراین خدا به مسیحیان صرفاً این توانایی را نداده است که برخی تصمیمات خاص اتخاذ کنند، بلکه آنها را طوری خلق کرده که در رابطه با تصمیماتی که می‌گیرند و عواقب این تصمیم‌گیری‌ها مسؤل هستند و باید در برابر خدا پاسخگو باشند.

یک فرد مسیحی نباید دیگران را به خاطر عواقب تصمیم‌گیریهای خود سرزنش کند. در نظر خدا آزادی همواره محدود و همراه با حس مسؤلیت‌پذیری است. هیچ کس دارای آزادی نامحدود نیست تا هر تصمیمی که دلش خواست برای زندگی خود بگیرد. تعالیم خاص خدا در کتاب مقدس و کنترل مطلق او بر شرایط، چهارچوب خاصی را تشکیل می‌دهند که فرد مسیحی باید در محدوده آن به تصمیم‌گیری بپردازد. بنابراین، یک فرد مسیحی باید یا بر اساس تعالیم خاص خدا و یا بر اساس اصول حکیمانه خدا در کتاب مقدس تصمیم‌گیری کند.

### ب) خدا انسان را جهت انتخاب و تصمیم‌گیری آزاد گذاشته است.

حقیقت مهم در کتاب مقدس این است که خدا در خصوص اکثر تصمیم‌گیریهایی که باید در طول زندگی روزانه خود بر روی این زمین اتخاذ کنیم، توصیه یا راهنمایی مشخصی ارائه نداده است. خدا مسیحیان را در زمینه تصمیم‌گیریهایی شخصی‌شان تا اندازه زیادی آزاد گذاشته است. ظاهراً روحانی بنظر میرسد که فرد مسیحی قبل از اینکه کاری انجام دهد، در جستجوی هدایت خدا باشد. اما اراده خدا این است که مسیحیان برای اتخاذ تصمیمات شخصی‌شان از عقل و وجدان خود استفاده کنند، مگر در مواردی که کتاب مقدس در خصوص آن تعلیم، حکم یا ممنوعیت خاصی بیان داشته است. به عنوان مثال، یک چوپان گله گوسفندان خود را به سمت مرتعهای سبز رهبری می‌کند ولی نمی‌تواند مشخص کند که هر گوسفند باید به کدام قسمت از آن مرتع برود. نمونه دیگر این است: اگر خدا به شما یک ساعت مچی داده تا از آن استفاده کنید، آیا اگر مدام در مورد زمان از او سؤال کنید او را بیشتر تکریم کرده‌اید یا اگر به ساعت خودتان نگاه کنید؟ خدا به ما عقل داده است تا فکر خود را بکار بیاندازیم.

### پ) گاهی ممکن است تصمیمات یا انتخابهای مختلفی باعث خشنودی خدا شود.

گاهی ممکن است انتخابهای مختلفی باعث رضایت و خشنودی خدا شود، و نه صرفاً یک انتخاب خاص. هر انتخابی که باعث خشنودی خدا شود، انتخابی صحیح است.

اگر یک مسیحی زندگی روزانه خود را به مسیح نسپارد، ممکن است تصمیمات اشتباهی بگیرد و خواهد گرفت. ولی وقتی زندگی روزمره خود را وقف مسیح می‌کند، به او اعتماد می‌کند که تصمیم اشتباهی نخواهد گرفت.

### ت) خدا در برخی موارد جهت انتخاب و تصمیم‌گیری به مسیحیان آزادی عمل می‌دهد.

۱) **بخوانید:** رومیان ۱: ۱۴-۱۵. یک مسیحی در انتخاب نوع غذایی که می‌خواهد بخورد آزاد است، ولی این خوراک نباید باعث لغزش شخص دیگری شود. او همچنین می‌تواند روزهای خاصی را جشن بگیرد، ولی نباید اعیاد مذهبی افراد بت‌پرست را جشن بگیرد.

۲) **بخوانید:** اول قرن‌تین ۷: ۸-۹. یک مسیحی می‌تواند تصمیم بگیرد که ازدواج کند یا مجرد باقی بماند.

۳) **بخوانید:** اول قرن‌تین ۷: ۳۹. یک مسیحی می‌تواند با هر شخصی ازدواج کند، مشروط بر آنکه آن شخص مسیحی باشد.

۴) **بخوانید:** دوم قرن‌تین ۹: ۶-۷. یک مسیحی می‌تواند تصمیم بگیرد که می‌خواهد برای کار خدا در کلیسای محلی خود و یا در رابطه با فعالیتهای کلیسای جهانی چه مقدار کمک مالی اهداء کند.

۵) **بخوانید:** فیلیپیان ۲: ۱۳؛ اعمال ۱۶: ۶-۱۰. وقتی یک فرد مسیحی در مسیح زندگی می‌کند، نباید نگران این باشد که مبدا تصمیمی بر خلاف اراده مطلق خدا اتخاذ کند. فیلیپیان ۲: ۱۳ و اعمال ۱۶: ۶-۱۰ تعلیم می‌دهند که خدا بر حسب قدرت مطلق و هدف نیکی خود اراده و شرایط زندگی یک فرد مسیحی را هدایت خواهد کرد. پیدایش فصل ۲۴ بیانگر این موضوع است که چگونه خدا انسانهای مختلفی را در آن واحد جهت اتخاذ تصمیمی درست هدایت خواهد کرد.

### ۳- خدا به مسیحیان جهت تصمیم‌گیری در زندگی‌شان فیض بسیار عطا می‌کند.

**مقدمه:** خروج ۳۴: ۶-۷ می‌فرماید: "و خداوند پیش روی وی عبور کرده، ندا در داد که یهوه، یهوه، خدای رحیم و رؤف و دیرخشم و کثیر احسان و وفا؛ نگاه دارنده رحمت برای هزاران و آمرزنده خطا و عصیان و گناه؛ لکن گناه را هرگز بی‌سزا نخواهد گذاشت".

- (۱) خدا در رابطه با ضعفهای مسیحیان صبور می‌باشد.
- (۲) خدا نسبت به مسیحیانی که از تصمیمات اشتباه خود توبه می‌کنند، ترحم نشان می‌دهد.
- (۳) خدا بر حسب قدرت مطلق خود شرایط زندگی مسیحیان را به گونه‌ای هدایت می‌کند که اهداف الهی او را در زندگی‌هایشان تحقق بخشند.

#### الف) تصمیمات اشتباهی که غیر عمدی است.

وقتی که يك مسیحی به طور غیر عمد تصمیم اشتباهی می‌گیرد، چه باید بکند؟  
وقتی که يك مسیحی متوجه می‌شود که ناآگاهانه تصمیم اشتباهی اتخاذ کرده است و با عواقب سخت آن مواجه می‌شود، ممکن است دچار شك و تردید یا نگرانی شود. در چنین مواقعی، او باید به حفاظت و توجه خدا اعتماد کند (اول پطرس ۵: ۷). وقتی که يك مسیحی تصمیمی را با این تصور که مطابق اراده خداست اتخاذ می‌کند، ولی بعد متوجه شود که اشتباه کرده است، باید به خدا اعتماد کند و مطمئن باشد که خدا شرایط را تحت کنترل دارد و در مورد عواقب این عمل اشتباه نیز فکر می‌کند. يك مسیحی باید متوجه شود که تا زمانی که بر روی این زمین زیست می‌کند، موجود کاملاً مقدس و بی‌عیبی نیست و همواره دچار اشتباه خواهد شد. ولی از طرف دیگر باید ایمان داشته باشد که خدا قادر مطلق است و همه چیز را برای خیریت کسانی که او را دوست دارند به کار می‌گیرد (رومیان ۸: ۲۸). يك مسیحی ممکن است همواره اراده کامل خدا را نداند، ولی باید همواره با ایمان عمل کند. "بدون ایمان تحصیل رضامندی خدا محال است" (عبرانیان ۱۱: ۶).

#### ب) تصمیمات اشتباه عمدی و آگاهانه

يك مسیحی توبه کرده که آگاهانه تصمیم اشتباهی گرفته است، باید در انتظار چه عواقبی باشد؟  
خداوند به یونس دستور داد که کلام او را به مردم شهر بزرگی به نام نینوا موعظه کند (یونس ۱: ۲). یونس نبی از انجام اراده خدا ترسان بود، به همین جهت تصمیم گرفت به مکان دیگری فرار کند. او فکر می‌کرد بدین ترتیب از نظر خدا دور خواهد ماند. ولی خدا از يك ماهی به منظور توبه و فروتن ساختن یونس استفاده کرد. وقتی که یونس توبه کرد، خداوند برای بار دوم از او خواست که کلام خدا را در شهر نینوا موعظه کند (یونس ۳: ۱-۲). خدا ممکن است از شرایط و موقعیتهای خاصی در زندگی شما استفاده کند تا شما را به خود نزدیک سازد. این نشان می‌دهد که خدا برای تمام مسیحیان يك نقشه یا برنامه واحد ندارد. خدا برنامه دومی برای شما دارد که در شرایط موجود زندگی‌تان، بهترین برنامه برای زندگی شما است. وقتی که يك مسیحی از اینکه از برنامه و نقشه اول خدا برای زندگی‌اش ناطاعتی کرده است توبه می‌کند، خدا نسبت به او ترحم نشان داده، او را می‌بخشد (اول یوحنا ۱: ۹) و بر اساس رحمتش برنامه دومی به او عطا می‌کند. این برنامه به اندازه برنامه اول خوب و مهم است.

برای آن عده از فرزندان خدا که توبه کرده نزد خدا بازگشت می‌کنند، خدا حتی برنامه‌های چهارم و پنجم خوبی نیز در نظر دارد و آنها همه نقشه‌های نیکو هستند، زیرا خدا در بخشش و محبت خود کامل است (امثال ۲۴: ۱۶). هیچ کس یا هیچ چیزی قادر نیست مانع از تحقق اهداف خدا در زندگی فرزندانش بشود (اشعیا ۱۴: ۲۴، ۲۷).

#### پ) شرایط غیر قابل کنترل

مسیحیان چگونه باید اراده مکشوف نشده خدا را در مورد شرایط و وضعیتهای مربوط به زندگی شخصی‌شان بفهمند؟  
تنها خود خدا است که از اراده مکشوف نشده خود آگاهی دارد (تثنیه ۲۹: ۲۹). خدا خداست و افکار و طرق او ویرای افکار و طرق انسانها است (اشعیا ۵۵: ۸-۱۱). اراده مکشوف شده خدا در کتاب مقدس مطلق می‌باشد و او اهداف خود را به تحقق خواهد رساند. اراده مکشوف نشده خدا نیز مطلق است و خدا اهداف خود را در این زمینه نیز به تحقق خواهد رساند. به عنوان مثال، خدا بر ما آشکار نکرده که چرا ما در زمانی خاص از تاریخ بشر در فلان خانواده بخصوص به دنیا آمده‌ایم (اعمال ۱۷: ۱۶). او سالهای عمر ما را برای ما مکشوف نساخته است (مزمور ۹۰: ۱۰-۱۲)، و همچنین بر ما آشکار نکرده که چرا اجازه می‌دهد در زندگی خود با برخی شرایط سخت مواجه شویم (رومیان ۵: ۳-۴). ولی این حقیقت را برای ما آشکار کرده است که: "به جهت آنانی که خدا را دوست دارند و بحسب اراده او خوانده شده‌اند، همه چیز برای خیریت ایشان با هم در کار می‌باشند" (رومیان ۸: ۲۸).

اراده مکشوف نشده خدا برای فرزندان او اراده کاملی می‌باشد. بنابراین، يك مسیحی باید تصمیم بگیرد خود را به خدا بسپارد و ایمان داشته باشد که خدا بهترین نقشه و برنامه را برای زندگی او دارد (اول پطرس ۵: ۷).

**مقدمه:** در بسیاری از مواقع تصمیمات باید در چهارچوب يك گروه اتخاذ شود. این تصمیمات نیز باید در چهارچوب تعالیم مکشوف شده خدا و حکمت الهی که در کتاب مقدس بیان شده است، اتخاذ شوند. خدا به هیچ يك از رهبران - مسیحی یا غیر مسیحی - چه در کلیسا و چه خارج از آن چنین اقتداری نداده است که از جانب خود قوانینی تعیین کنند و بر اساس آن قوانین دست به تصمیم گیری بزنند. اغلب در بین مسیحیان، شورای پیران کلیسا و کلیسا به صورت يك جمع تصمیم گیری می کنند. در کتاب مقدس، خدا در مورد مسئولیتهایی که بر عهده کلیساها و سازمانهای مسیحی است، تعلیم می دهد. در زیر به این مسئولیتهای اشاره شده است.

**کشف و گفتگو کنید:** مسئولیتهای کلیساها و سازمانهای مسیحی در قبال تصمیمات گروهی و سازمانی چیست؟  
**ملاحظات:**

(الف) تصمیمات بر اساس آموزههایی که در کلیسا تعلیم داده شده است.  
**بخوانید:** تیطس ۱: ۹. خدا کتاب مقدس را به عنوان مرجع مطلق و معیار افکار و رفتار بشری، در اختیار مسیحیان نهاده است. اعتقادات آموزه های کلیسا هیچگاه نمی تواند جای کتاب مقدس را بگیرد و تعیین کننده آموزه های مسیحی و نحوه زندگی مسیحیان باشد. بنابراین هر رهبر مسیحی این وظیفه را بر عهده دارد که همواره صحت و سقم اعتراضات آموزه های کلیسای خود را از طریق مطالعه دقیق کتاب مقدس ارزیابی کند (تیطس ۱: ۹).

(ب) تصمیمات در حوزه رهبران کلیساها و سازمانهای مسیحی  
**بخوانید:** عبرانیان ۱۳: ۱۷؛ اول پطرس ۵: ۳؛ اعمال ۵: ۲۹؛ اول تیموتاؤس ۵: ۲۰؛ سوم یوحنا ۹-۱۱؛ اول قرنتیان ۵: ۱۲-۱۳.

(۱) شرایط لازم برای رهبران مسیحی. کلیسا باید پیران کلیسا را بر اساس شرایطی که در کلام خدا برای انتخاب رهبران تعیین شده است، انتصاب کند. کلیسا نباید شرایطی را تعیین کند که با شرایط مقرر شده از طرف خدا در تضاد است.  
(۲) مسئولیتهای لازم رهبران مسیحی. کلیسا باید مسو. لیتهای پیران کلیسا را بر اساس آنچه در کتاب مقدس تعلیم داده شده است، تعیین کند: پیران کلیسا باید شبان مردم، ناظر بر فعالیتها و اموال کلیسا، معلمین کلام خدا و خادمین خدا باشند و کلیسای مسیح را هدایت کنند.

(۳) محدود بودن اقتدار رهبران مسیحی. کلیسا همچنین باید حوزه اقتدار و اختیارات پیران کلیسا را به وظایفی محدود سازد که بر اساس کتاب مقدس لازم و ضروری است. مسیحیان باید به پیران کلیسای خود احترام بگذارند و از آنها در چهارچوب حوزه مسئولیتهایشان با تمام وجود اطاعت کنند (عبرانیان ۱۳: ۱۷). اقتدار پیران کلیسا محدود به وظایفی است که در کتاب مقدس عنوان شده است. پیران کلیسا نباید بر مسیحیانی که تحت مراقبت آنها هستند ریاست کنند (متی ۲۰: ۲۵-۲۸؛ اول پطرس ۵: ۳). مسیحیان موظف نیستند از رهبرانی که تصمیماتی بر خلاف اصول کتاب مقدس اتخاذ می کنند، اطاعت کنند (اعمال ۴: ۱۹؛ ۵: ۲۹). مسیحیان نباید اجازه دهند که رهبرانشان در رابطه با زندگی شخصی آنها تصمیم گیری کنند، زیرا این کار بر عهده خود آنها یا بر عهده خدا است. هیچ رهبر مسیحی یا پیر کلیسایی نباید سعی کند که جای روح القدس یا کتاب مقدس را در زندگی فرد مسیحی بگیرد.

(۴) توبیخ و اخراج رهبران مسیحی. مسیحیان باید رهبرانی را که از خدا ناطاعتی می کنند، توبیخ کنند (اول تیموتاؤس ۵: ۲۰) و آنان را که به ناطاعتی از خدا ادامه می دهند از جمع خود اخراج نمایند (سوم یوحنا ۹-۱۱؛ اول قرنتیان ۵: ۱۲-۱۳).

(پ) تصمیم گیری در مورد قوانین مربوط به چگونگی اداره امور و نحوه روند تصمیم گیری  
(۱) قوانین مربوط به چگونگی اداره امور. کلیسا باید قوانین مربوط به چگونگی اداره امور را تنها بر اساس آنچه که انجام آن در کتاب مقدس حکم شده است، تدوین کند. پیران کلیسا و رهبران نباید آزادی مسیحیان را از آنان سلب کنند یا آنان را به انجام اعمالی خاص و ادار نمایند، زیرا در این صورت آنان را افرادی شریعت گرا بار خواهند آورد. چنین رفتاری باعث می شود رهبران مسیحی تبدیل به افرادی شوند که دائماً بر دیگران فرمانروایی می کنند، و بنابراین مسیحیان عادی هیچگاه از نظر روحانی به بلوغ کافی نخواهند رسید. خدا هم شریعت گرای (غلاطیان ۵: ۴) و هم فرمانروایی بر مردم را (متی ۲۰: ۲۵-۲۸) محکوم می کند. رهبران مسیحی باید همه تصمیمات مهم را به کمک تمام اعضای کلیسا اتخاذ کنند.

(۲) مراحل تصمیم گیری. هر کلیسای محلی باید توسط "شورای پیران کلیسا" اداره شود، نه توسط يك نفر (اول تیموتاؤس ۴: ۱۴). پیران کلیسا یا رهبران يك سازمان مسیحی نباید بر کسانی که به آنها سپرده شده اند سروری و خداوندی کنند (اول پطرس ۵: ۳). از آنجا که در کلیسای اولیه، تمام مسیحیان عادی در اتخاذ تصمیمات مهم کلیسایی نظیر انتخاب رسولان جدید (اعمال ۱: ۱۵-۲۶) و انتخاب خادمین (اعمال ۶: ۱-۷) سهیم بودند، مسیحیان همچنین باید در انتخاب پیران کلیسا و در اتخاذ تصمیمات مهم دیگر نیز سهم داشته باشند. برخی از تصمیمات مهم باید در جلسه سالیانه اعضا اتخاذ شود. در این جلسات باید در خصوص تعالیم و اعتراضات آموزه های کلیسا، معیارهای اخلاقی، برنامه ها و فعالیتها و بودجه سالیانه، خرید و فروش اموال کلیسا و تادیب رهبران در صورتی که مرتکب گناه شده باشند، تصمیماتی اتخاذ شود. در کلیساهای اولیه تصمیمات مهم را همواره به روش کتاب مقدس اتخاذ می کردند. به عبارت دیگر، این تصمیمات باید از يك سو مورد قبول اعضای کلیسا می بود و از سوی دیگر بر اساس تعالیم کلام خدا. اینطور نبود که تصمیمات را بر اساس روش دموکراتیک رأی اکثریت مردم اتخاذ کنند. وقتی که پیران



کلیسا و اعضای کلیسا نمی‌توانند در رابطه با يك موضوع مهم به توافق برسند، تصمیم‌گیری در مورد آن موضوع باید به زمان دیگری موکول شود. در این فرصت تمام اعضای کلیسا باید به بررسی بیشتر کتاب مقدس بپردازند و در آن رابطه دعا کنند تا سرانجام با یکدیگر به توافق برسند. شایان ذکر است که تمام تصمیمات باید با تعالیم کتاب مقدس سازگار باشد. این مسئولیت پیران کلیسا است که مطمئن شوند تصمیمات اتخاذ شده مبتنی بر کتاب مقدس است.

## **ت - یاد بگیرید به دیگران کمک کنید تا برای زندگی خود تصمیم‌گیری کنند.**

### **۱- مشورت دادن وظیفه مشاور است، ولی اتخاذ تصمیم مسئولیت خود فردی است که مشورت می‌گیرد.**

**تعلیم دهید:** همواره این وسوسه وجود دارد که به جای اینکه به دیگران کمک کنیم در مورد امور شخصی‌شان تصمیم بگیرند، خودمان به آنها حکم کنیم که چه باید انجام دهند. يك مشاور نباید به جای شخصی که خواهان دریافت مشورت است تصمیم‌گیری کند. به مسیحیان نوایمان یاد بدهید که بین گوش دادن به مشورت فرد مشاور و اتخاذ تصمیمات شخصی از سوی خودشان، فرق هست.

۱) مشورتی که مشاور می‌دهد صرفاً باید به شخص مشورت‌گیرنده کمک کند تا به عوامل مهم در هر تصمیم‌گیری پی ببرد و در خصوص عواقب آن تصمیمات فکر کند.

۲) شخص مشورت‌گیرنده باید همیشه خودش تصمیم نهایی را در مورد زندگی‌اش بگیرد. او همیشه بابت تصمیماتی که اتخاذ می‌کند و نیز بابت عواقب آن تصمیمات، مسئول می‌باشد. اگر يك مشاور مستقیماً به فرد مشورت‌گیرنده بگوید که چه کاری باید انجام دهد، در آن صورت اگر این تصمیم اشتباه باشد فرد مشاور است که مورد مواخذه قرار خواهد گرفت و سرزنش خواهد شد. يك مشاور مسیحی نباید هیچوقت بین خدا و شخص مشورت‌گیرنده قرار گیرد. در دوم قرن‌تین ۱: ۲۴، پولس رسول می‌فرماید: "نه آنکه بر ایمان شما حکم کرده باشیم بلکه شادی شما را مددکار هستیم زیرا که به ایمان قایل هستید."

### **۲- يك مشاور وظیفه دارد نمونه خوبی از خود بر جای بگذارد، ولی پیروی از هر نمونه یا الگویی مسئولیت فرد مشورت‌گیرنده است.**

**تعلیم دهید:** ممکن است فرد مشاور قبلاً با شرایط سختی نظیر آنچه که فرد مشورت‌گیرنده با آن مواجه است، رو برو شده باشد. در این صورت گوش دادن به تجارب او ممکن است باعث تسلی فرد مشورت‌گیرنده شود. ولی در اغلب موارد بهتر است که فرد مشاور در مورد تصمیماتی که در چنین شرایطی اتخاذ کرده است صحبت نکند، زیرا در آن صورت فرد مشورت‌گیرنده ممکن است از الگوی این مشاور پیروی کند و آن را تنها راه ممکن ببیند و حتی فکر کند اتخاذ چنین تصمیمی اراده خدا برای زندگی او است. يك مشاور باید فرد مشورت‌گیرنده را ترغیب کند که مبتنی بر حقیقت برداشت و تصمیم درست خود را بگیرد. يك مشاور باید این موضوع را برای فرد مشورت‌گیرنده تفهیم کند که او خود باید برای زندگی‌اش تصمیم بگیرد و به خاطر تصمیماتی که می‌گیرد و نتایجی که ببار می‌آورد، خودش پاسخگو خواهد بود.

### **۳- وظیفه يك مشاور این نیست که در مورد مشورت يك مشاور دیگر یا تصمیماتی که فرد مشورت‌گیرنده اتخاذ کرده است، داوری کند.**

**تعلیم دهید:** يك مشاور باید مواظب باشد از مشورت‌های مشاورین دیگر انتقاد نکند، مگر اینکه آن مشورت‌ها کاملاً در تضاد با تعلیم کتاب مقدس باشد. او همچنین باید مراقب باشد که فرد مشورت‌گیرنده را به خاطر تصمیماتی که اتخاذ کرده است مورد داوری قرار ندهد، مگر آنکه آن تصمیمات آشکارا با اراده مکشوف شده خدا در کتاب مقدس در تضاد باشد. این خود فرد مشورت‌گیرنده است که به خاطر تصمیمی که اتخاذ کرده در برابر خدا پاسخگو است. هیچوقت فرد مشورت‌گیرنده را متهم به بی‌ایمانی نکنید. خدا به تمام افراد کلیسا ایمانی واحد عطا نمی‌کند. "مسیحیان خجالتی و کمرو" باید بیشتر مورد تشویق واقع شوند (اول تسالونیکیان ۵: ۱۴). بنابراین وظیفه فرد مشاور این است که به فرد مشورت‌گیرنده کمک کند تا او خود برای زندگی‌اش تصمیم‌گیری کند و مسئولیت و عواقب آن تصمیم‌گیریهای را نیز بپذیرد.

<b>دعا (۸ دقیقه)</b>	<b>۵</b>
<b>دعای در پاسخ به کلام خدا</b>	

به نوبت در تمام گروه یا درحالی‌که به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایق را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیابورید.

تکلیف منزل (۲ دقیقه)	۶
برای درس بعدی	

(سر گروه: رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

- ۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
- ۲ - برای يك فرد یا گروه، موضوع " تصمیم‌گیری و دادن مشورت " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید. مسیحیان را تشویق کنید که خودشان مسئولیت مشورتی را که به آنها داده شده است تقبل کنند، و بخاطر تصمیماتی که اتخاذ می‌کنند و مشورتی که به دیگران می‌دهند، احساس مسئولیت کنند.
- ۳ - رازگهان - هر روز نیمی از يك فصل از عبرانیان ۴ - ۷ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
- ۴ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (یوحنا ۱۴: ۶) را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
- ۵ - بررسی کتاب مقدس - درس بعدی بررسی کتاب مقدس (یوحنا فصل ۱۵) را در خانه آماده کنید. از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید.
- ۶ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
- ۷ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر (یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگهان، آیات حفظی، یادداشت‌های تعلیمی و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

## درس ۳۴

۱	دعا
---	-----

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) عبرانیان
---	---

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگهان خود را از قسمت مشخص شده (عبرانیان ۴-۷) با دیگران در میان بگذارید (یا از روی یادداشت‌های رازگهان آن روز بخوانید).  
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان می‌گذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: یوحنا
---	---

مرور: دو نفری مرور کنید. یوحنا ۱۴: ۶

۴	بررسی کتاب مقدس (۸۵ دقیقه) یوحنا ۱۵: ۱-۲۷
---	--

مقدمه: یوحنا فصلهای ۱۴ الی ۱۷ حاوی تعالیم و دعای عیسی در شام آخر می‌باشد. در یوحنا فصل ۱۵، عیسی شاگردان خود را ترغیب می‌کند که دائماً در او بمانند، اجازه دهند کلام او در آنها بماند، ثمر بسیار بیاورند، یکدیگر را محبت نمایند، از احکام او اطاعت کنند و به مردم دنیا در مورد او شهادت دهند. این فصل در بر گیرنده تمام خصوصیات يك شاگرد مسیح است.

<b>قدم ۱: بخوانید</b> بخوانید: یوحنا ۱۵: ۱-۲۷ را با هم بخوانیم. هر یک به نوبت يك آیه را بخواند تا تمام قسمت خوانده شود.	
---	--

<b>قدم ۲: کشف کنید</b> توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ بنویسید: يك یا دو حقیقتی را که درک می‌کنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضاء گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم در میان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کرده‌ایم با یکدیگر در میان بگذاریم. (موارد زیر مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر در میان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید که در هر گروه کوچک اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم در میان می‌گذارند که نباید لزوماً یکسان باشند).	
---	--

**کشف ۱)** در یوحنا ۱۵: ۴، ۱۲، ۲۷ در رابطه با سه وظیفه مهم يك فرد مسیحی حقیقت مهمی برای من وجود دارد.  
عیسی از سه حکم استفاده می‌کند: "در من بمانید"، "یکدیگر را محبت نمایید" و "شما نیز باید شهادت دهید". ظاهراً می‌توان یوحنا فصل ۱۵ را به سه بخش تقسیم‌بندی کرد. سه کار مهمی که مسیحیان باید انجام دهند، عبارتند از: "داشتن رابطه شخصی با مسیح"، "داشتن محبت نسبت به یکدیگر" و "شاهد مسیح بودن در اقصا نقاط جهان".  
الف) یوحنا ۱۵: ۱-۱۱. در مسیح بمانید. آیه ۴ می‌فرماید: "در مسیح بمانید" و آیه ۹ می‌فرماید: "در محبت مسیح بمانید". ولی آیه ۵ می‌فرماید: "مسیح در ما می‌ماند" و آیه ۷ می‌فرماید: "کلام خدا در ما می‌ماند". با توجه به اینکه مسیح و کلام او در من می‌مانند، من نیز می‌توانم در او و در محبت او بمانم. اگر چه مسیح اولین کسی است که کلام خود را برای من بازگو می‌کند و محبت خود را به من نشان می‌دهد، من نیز این مسئولیت را دارم که سعی کنم رابطه‌ای شخصی با او برقرار سازم، به کلام او احترام بگذارم و محبت او را درک کنم.

ب) یوحنا ۱۵: ۱۲-۱۷. یکدیگر را محبت نمایند. آیه ۱۳ می‌فرماید که محبت نمودن به یکدیگر یعنی هر روز برای دیگران زندگی کردن. نیز محبت کردن به یکدیگر بدین معنا است که از وقت و توان و اموال خود در راه آنان مایه بگذارم تا آنها از این طریق محبت مسیح را توسط ما تجربه کنند. این دو حکم غیر قابل تفکیک هستند. آیه ۱۰ می‌فرماید، اگر من از احکام خدا اطاعت کنم، در محبت او خواهم ماند. و آیه ۱۴ می‌فرماید، اگر من آنچه را که خدا حکم می‌کند انجام دهم، در آن صورت برآستی دوست او نامیده می‌شوم. بزرگترین درسی که من از این قسمت یاد می‌گیرم این است که رابطه من با مسیح نمی‌تواند از رابطه من با برادران و خواهرانم جدا باشد. دوست داشتن مسیح به مفهوم دوست داشتن برادران و خواهرانی است که در اطراف من هستند. به همین ترتیب، دوست نداشتن خواهران و برادرانم نیز به مفهوم دوست نداشتن مسیح است. "ماندن در محبت مسیح" و "محبت نمودن یکدیگر" دو حقیقت تفکیک‌ناپذیر هستند.

پ) یوحنا ۱۵: ۱۸-۲۷. در مورد مسیح شهادت دهید. عیسی به شاگردانش حکم می‌کند که دائماً در مورد او به مردم جهان شهادت دهند. شاگردان می‌توانستند این کار را انجام دهند زیرا در زمان حیات عیسی بر روی زمین، با او بودند و روح‌القدس در آنها سکونت داشت. به همین ترتیب روح‌القدس امروزه نیز از مسیحیان استفاده خواهد کرد تا آنان راجع به شخصیت مسیح و اعمال او به مردم جهان شهادت دهند و راه نجات و داشتن رابطه‌ای شخصی با خدا را به آنها نشان دهند.

**کشف ۲** در یوحنا ۱۵: ۵ برای من این حقیقت مهم وجود دارد که بدانم بدون عیسی مسیح قادر به انجام هیچ کاری نیستم. این قسمت می‌فرماید: "آنکه در من می‌ماند و من در او، میوه بسیار می‌آورد زیرا که جدا از من هیچ نمی‌توانید کرد." من می‌خواهم میوه بسیاری برای خدا بیاورم. بر طبق این آیه، من تنها در صورتی می‌توانم میوه و ثمر بیاورم که در عیسی مسیح بمانم و او در من بماند. در واقع من بدون عیسی مسیح قادر به انجام هیچ کاری که اهمیت جاودانه داشته باشد، نیستم. با اینکه من یک مسیحی بسیار فعال هستم، این حقیقت گاهی باعث وحشت من می‌شود. بعضی اوقات از خود می‌پرسم، آیا تمام فعالیتها و خدماتی که برای خدا انجام می‌دهم در ابدیت ثمر خواهد آورد؟ خدمات من تنها در صورتی پر ثمر خواهد بود که من در عیسی مسیح بمانم و او نیز در من. من نمی‌خواهم صرفاً شخص فعالی برای خداوند باشم ولی برای خداوند هیچ ثمری نیاورم.

### قدم ۳: سؤال

**توجه کنید:** در این متن چه سؤالاتی در زمینه‌های مختلف وجود دارد که مایلید در گروه آنها را بپرسید؟ سعی کنیم تمام حقایق مربوط به یوحنا ۱۵: ۱-۲۷ را درک کنیم و در مورد آنچه نمی‌فهمیم سؤالهای خود را مطرح کنیم. **بنویسید:** تا آنجایی که امکان دارد سؤالهای خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.

**در میان بگذارید:** (بعد از اینکه مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد اجازه دهید که هرکدام از افراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد).

**گفتگو کنید:** (سپس چند سؤال را از بین همه سؤالها انتخاب کنید و سعی کنید با گفتگو کردن در مورد آنها در گروه جوابی برای آنها پیدا کنید. در ادامه، نمونه سؤالاتی که ممکن است شاگردان بپرسند و همچنین ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است).

**سؤال ۱)** منظور یوحنا ۱۵: ۱-۱۷ چیست؟ آیا یک تعلیم مشخص آشکار است؟ آیا یک تمثیل است؟ یا یک استعاره است؟

**ملاحظات:** نمونه ای از یک تعلیم مشخص آشکار در کتاب مقدس، یوحنا ۱۴: ۱۵-۲۷ است. لوقا ۱۰: ۳۰-۳۵ نمونه ای از یک تمثیل است. نمونه هایی از استعاره ها در کتاب مقدس می توانیم در یوحنا ۱۰: ۱-۱۶ و یوحنا ۱۵: ۱-۱۷ بیابیم. یک تمثیل فقط یک پیام اصلی دارد. مثلاً در تمثیل سامری نیکو، پیام اصلی این است که "همسایه کسی هستید که به او رحمت می‌کنید." یک استعاره یک مقایسه گسترده است و چندین نکته متفاوت برای مقایسه دارد. برای نمونه در این استعاره "باغبان" نماینده خدای پدر است. "تاک" نشانگر عیسی مسیح است. "شاخه هایی که میوه میدهند" نمایانگر مسیحیان اصیل هستند و "شاخه هایی که هرگز ثمر نمی‌آورند." نماینده مسیحیان ظاهری یا بی ایمانان هستند. مسیحیان حقیقی همیشه میوه می‌آورند. اما غیرایمانداران و مسیحیان ظاهری هرگز ثمری ببار نمی‌آورند حتی اگر چه آنها شاید در طی زندگی‌شان با عیسی مسیح مشارکت نزدیک داشته باشند. زیرا "تاک" و "شاخه ها" انسانها را نمایندگی می‌کنند. "میوه" در وهله اول نماینده انسانها است. این استعاره نمیکوید که عیسی مسیح در واقع یک تاک است با شاخه ها و انگورهایی بر آنها. بلکه بیان میکند که رابطه بین عیسی و انسانها می‌تواند با یک تاک و شاخه هایش مقایسه شود. ما نباید تلاش کنیم که هر جزء مشخصه سمبل یا استعاره را تشریح کنیم.

**سؤال ۲)** چگونه قطع کردن و جدا ساختن به نظر بپررحمانه باغبان را توضیح دهیم؟

**ملاحظات:** باغبان نماینده خدای پدر است. در آیه ۲ شاخه هایی که میوه می‌آورند (ایمانداران) را هرس میکند. او طبیعت گذشته و عادات بد و زشت را جدا می‌سازد، بطوریکه ایمانداران بتوانند میوه بیشتری ببار آورند. اما در آیه ۶ شاخه هایی که هرگز میوه نیآورده اند (بی ایمانان و مسیحیان ظاهری) را قطع و جدا می‌کند. اولین قطع و هرس کردن نمایانگر "تقدیس کنونی روی زمین" است. دومین قطع و جدا ساختن نشانگر "داوری نهایی در زمان آمدن ثانویه عیسی" است.

**الف) ماهیت "میوه یا ثمر"ی که ما مسیحیان باید بیآوریم چیست؟**

**ملاحظات:** کلمه "میوه یا ثمر" در کتاب مقدس دارای مفاهیم مختلفی است. در کورلیان ۱: ۶ ثمره واعظین پیغام انجیل، مسیحیان نوایمان است. در یوحنا ۱۵: ۱۶ "میوه ماندنی" نتیجه کار شاگردان یا مسیحیان بالغی است که به مسیحیان نوایمان کمک می‌کنند تا در مسیح رشد نمایند و دیگر به زندگی سابق خود بازنگردند. در غلاطیان ۵: ۲۲-۲۳ "ثمره روح" شخصیت یک مسیحی است. بنابراین، میوه‌ای که مسیح از مسیحیان انتظار دارد، اولاً مسیحیان نوایمان است که ثمره بشارت آنها هستند؛ ثانیاً مسیحیان بالغ است که ثمره شاگردسازی آنها هستند و ثالثاً شخصیت مسیحی است که ثمره روح است.

**ب) چه کسانی میوه می‌آورند؟**

**ملاحظات:** یوحنا ۱۵: ۴ می‌فرماید: "در من بمانید و من در شما. همچنانکه شاخه از خود نمی‌تواند میوه آورد اگر در تاک نماند، همچنین شما نیز اگر در من نمانید." انسانهایی که میوه می‌آورند، کسانی هستند که به عیسی مسیح نزدیک می‌شوند، او را در قلوب و زندگیهای خود می‌پذیرند و هر روزه با او در ارتباط هستند. چون عیسی مسیح در آنها می‌ماند، آنها نیز بیدار هستند که میوه آورند و در ایمان خود پایدار بمانند.

**پ) چه کسانی میوه نمی‌آورند؟**

**ملاحظات:** عیسی در یوحنا ۱۵: ۱-۱۷ مثلی را بیان می‌کند که استعاره‌ای است گسترده. منظور عیسی این نیست که او واقعاً یک تاک است و شاخه و انگور دارد. بلکه رابطه عیسی و انسانها در این مثال به رابطه بین تاک و شاخه‌هایش تشبیه شده است. ما نباید سعی کنیم تمام خصوصیات یک سمیل را توضیح دهیم. شاخه‌هایی که میوه می‌آورند، نمایانگر ایمانداران واقعی هستند، و شاخه‌هایی که میوه نمی‌آورند نمایانگر انسانهایی هستند که در ابتدا ایماندار بودند ولی پس از مدتی در ایمان خود لغزش خوردند. این استعاره به روشنی تعلیم می‌دهد که شاخه‌هایی که بریده شده و در آتش افکنده می‌شوند، نمایانگر انسانهایی هستند که هیچ وقت، حتی آنگاه که در رابطه نزدیک با مسیح بودند، میوه نیاوردند. آنها هیچ وقت ایمانداران واقعی نبودند و رابطه باصطلاح "در مسیح" آنها نیز رابطه‌ای سطحی بوده است. این استعاره تعلیم نمی‌دهد که ایمانداران تولد تازه یافته ممکن است بار دیگر نجات خود را از دست بدهند، بلکه تعلیم آن این است که مسیحیان عادی، بدون ثمر خواهند ماند، و حال آنکه مسیحیان تولد تازه یافته، میوه بسیار خواهند آورد. بنابراین انسانهایی که میوه نمی‌آورند، همچنین افرادی هستند که مسیح را از نزدیک می‌شناسند، ولی او را نمی‌پذیرند. رابطه چنین انسانهایی با خدا، رابطه‌ای سطحی است. آنها حتی ممکن است در جلسات و فعالیت‌های کلیسایی نیز شرکت کنند، ولی چون مسیح در زندگی آنها ساکن نیست، نمی‌توانند در ابدیت میوه ماندنی به بار آورند. عیسی مسیح با تأکید به مسئولیت تمام کسانی اشاره می‌کند که از نزدیک با او آشنا می‌شوند: اگر چنین کسانی کلام خدا و نوری را که دیده‌اند نپذیرند، زمانی خواهد رسید که خدا کار خود را در زندگی آنان به پایان خواهد آورد. روح القدس دیگر آنان را ملزم نخواهد کرد، وجدان‌شان دیگر به آنان هشدار نخواهد داد و قلب‌شان سخت خواهد شد. چنین افرادی در نهایت از حضور او طرد شده، به جهنم افکنده خواهند شد.

**ت) درجه ثمردهی یا میوه آوردن چه مقدار باید باشد؟**

**ملاحظات:**

- ۱) بر طبق یوحنا ۱۵: ۵، ۸، مسیحیان باید "میوه بسیار" آورند. به همین دلیل است که در یوحنا ۱۵: ۲ می‌خوانیم که خدا آنها را هرس می‌کند. خدا مسیحیان را به این صورت هرس می‌کند که گاه از طریق سختیها و دیگر مشکلات، آنها را توبیخ، اصلاح و انضباط می‌نماید.
- ۲) بر طبق یوحنا ۱۵: ۱۶، مسیحیان باید "میوه ماندگار" بیآورند. به همین دلیل است که خدا و دیگر مسیحیان دائماً به فکر مراقبت از مسیحیان نوایمان هستند. آنها نمی‌خواهند این افراد نوایمان از ایمان خود منحرف شوند.
- ۳) بر طبق مثال برزگر در متی ۱۳، بعضی از مسیحیان صد و بعضی شصت و بعضی سی ثمر می‌آورند. برخی از مسیحیان بیشتر از مسیحیان دیگر میوه می‌آورند زیرا در واکنش به کلام خدا افرادی کوشا، وفادار، با جرأت، قابل اعتماد و فروتن هستند، و یا اینکه در خدمت بشارت و شاگردسازی در مقایسه با دیگران پر ثمرتر هستند، و یا شخصیت، عطایای روحانی و شرایط متفاوتی در زندگی دارند. خدا تنها عطاکننده و تنها داور است.

**سؤال ۴) سؤالی در مورد مسیح. مانند در مسیح به چه مفهوم است؟**

**ملاحظات:** در یوحنا ۱۵: ۷ می‌خوانیم: "در من بمانید و کلام من در شما می‌ماند..." در این قسمت، منظور از ماندن در مسیح، ماندن سخنان او در زندگی فرد مسیحی است. در یوحنا ۱۵: ۹-۱۰ نیز می‌خوانیم: "در محبت من بمانید...، احکام مرا نگاه دارید." در این قسمت، ماندن در مسیح یعنی اطاعت فرد مسیحی از سخنان مسیح. اگرچه اول این مسیح است که با فرد مسیحی سخن می‌گوید و او را محبت می‌کند، فرد مسیحی نیز مسئولیت دارد که نسبت به محبت و سخنان مسیح واکنش نشان دهد. او باید سعی کند رابطه‌ای شخصی با مسیح برقرار سازد و دائماً از سخنان او اطاعت کند. یک مسیحی باید مسیح را با تمام قلب، فکر و توان خود محبت کند و آنچه را که او حکم کرده است انجام دهد. وقتی که شخصی ادعای مسیحی بودن دارد در حالیکه مسیح را

دوست ندارد و از سخنان او نیز اطاعت نمی‌کند، این خطر برای او هست که تبدیل به شاخه خشکی شود که طرد شده و به جهنم افکنده خواهد شد.

### سؤال ۵) سوالاتی در رابطه با کلام مسیح

الف) کلام مسیح چه کاری در زندگی يك مسیحی انجام می‌دهد؟  
ملاحظات: کلام مسیح فرد مسیحی را پاك می‌سازد یا به اصطلاح هرس می‌کند. بر طبق یوحنا ۱۵: ۳، کلام عیسی مسیح ایمانداران را از گناهانشان "پاك" می‌کند و آنها را عادل می‌سازد.

ب) مسئولیت يك مسیحی در قبال کلام مسیح چیست؟  
ملاحظات: بر طبق یوحنا ۱۵: ۷، مسئولیت يك مسیحی این است که اجازه دهد کلام مسیح افکار، انگیزه‌ها، عقاید، علایق، طرز برخورد، احساسات، گفتار و رفتار او را تحت تأثیر قرار دهد و کنترل کند. يك مسیحی در عین حال که باید وظیفه خود را در قبال حقایق کتاب مقدس انجام دهد، باید اجازه دهد که کلام خدا در زندگی او عمل کند.

### سؤال ۶) سوالاتی در رابطه با دعا

الف) چه رابطه‌ای بین دعا و کلام مسیح وجود دارد؟  
ملاحظات: در یوحنا ۱۵: ۷ می‌خوانیم: "اگر کلام من در شما بماند، آنچه خواهید بطلبید که برای شما خواهد شد." وقتی که فرد مسیحی اجازه می‌دهد کلام مسیح زندگی او را تحت تأثیر قرار داده، کنترل کند، در آن صورت دعاهای او مؤثر واقع خواهد شد و او پاسخ دعاهای خود را دریافت خواهد کرد، زیرا چیزی بر خلاف کلام مسیح درخواست نمی‌کند. این وعده بزرگی در رابطه با دعا است.

ب) چه رابطه‌ای بین دعا و میوه آوردن وجود دارد؟  
ملاحظات: در یوحنا ۱۵: ۱۶ می‌خوانیم: "من شما را برگزیدم و مقرر کردم تا شما بروید و میوه آورید و میوه شما بماند تا هر چه از پدر به اسم من طلب کنید به شما عطا کند." يك مسیحی واقعی برای آوردن میوه دعا می‌کند و در پاسخ به دعای خود میوه می‌آورد. وقتی مسیح به ما به عنوان افراد مسیحی مأموریت می‌دهد که برویم و میوه ماندگار بیاوریم، در می‌یابیم که تنها به واسطه قدرت، حکمت و محبت مسیح قادر به انجام چنین کاری خواهیم بود. بنابراین باید دعا کنیم که قدرت، حکمت و محبت مسیح بر ما قرار گیرد تا بتوانیم اطاعت کرده، با دلیری نزد انسانهای دیگر رفته، به آنها کمک کنیم تا میوه ماندگار مسیح شوند. مسیح وعده ای عالی در رابطه با دعا می‌دهد. او می‌فرماید که وقتی مسیحان به نام او برای آوردن میوه ماندگار دعا کنند، او به دعاهای آنها پاسخ می‌دهد و آنها را قادر می‌سازد میوه آورند.

### سؤال ۷) سوالاتی در رابطه با مشارکت

الف) مسیحیان چگونه می‌توانند یکدیگر را محبت کنند؟  
ملاحظات: یوحنا ۱۵: ۱-۱۱ می‌فرماید: "در مسیح و در محبت او بمانید." و آیات ۱۲ الی ۱۷ می‌فرمایند: "یکدیگر را محبت نمایید." بنابراین کاملاً آشکار است که مسیحیان تنها زمانی می‌توانند یکدیگر را محبت نمایند که در مسیح و در محبت او بمانند. وقتی مسیحیان سعی می‌کنند با مسیح رابطه‌ای شخصی برقرار کنند و از تعالیم او اطاعت نمایند، مسیح نیز این قدرت را به آنها خواهد داد که به دیگران محبت کنند. در مرقس ۱۲: ۳۰ مسیح به مسیحیان حکم می‌کند که خدا را محبت کنند و همسایه خود را نیز مانند نفس خود دوست داشته باشند. بر طبق رومیان ۵: ۵، خدا محبت خود را بواسطه روح القدس در قلوب مسیحیان می‌ریزد. وقتی خدا به مسیحیان حکمی می‌دهد، توانایی اطاعت از آن حکم را نیز به آنها عطا می‌کند. او به ما حکم می‌کند که دیگران را محبت کنیم، و خود محبت را نیز به ما عطا می‌کند.

ب) در آیه ۱۳، "محبت بزرگتر" به چه معنا است؟  
ملاحظات: در یوحنا ۱۵: ۱۲-۱۳ می‌خوانیم: "این است حکم من که یکدیگر را محبت نمایید، همچنانکه من شما را محبت نمودم. کسی محبت بزرگتر از این ندارد که جان خود را به جهت دوستان خود بدهد." بزرگترین محبت، محبتی است که جان خود را در راه دوستان فدا می‌کند. عیسی مسیح ما را بواسطه این محبت بزرگتر محبت نمود. او به خاطر ما بر روی صلیب مرد. محبت او محبتی فداکارانه بود که باعث شد نجات یافته، تبدیل به بهترین انسانهایی شویم که خدا می‌خواهد. این همان "محبت بزرگتر" است. عیسی مسیح به ما مسیحیان حکم می‌کند که یکدیگر را بواسطه این محبت بزرگتر دوست بداریم. مسیحیان باید نسبت به یکدیگر محبت فداکارانه داشته باشند و به آنها کمک کنند تا برای خدا و انسانهای دیگر بهترین باشند. ما نمی‌توانیم بر روی صلیب جان خود را در راه دیگران فدا کنیم، ولی می‌توانیم نسبت به دیگران فداکاری نشان دهیم و آنها را با تمام وجود محبت کنیم. این است محبت بزرگتر.

### سؤال ۸) بر مورد اطاعت سؤال کنید. چه رابطه‌ای بین اطاعت و محبت وجود دارد؟

**ملاحظات:** طریق عملی برای ماندن در مسیح، محبت او و دوستی با او، اطاعت نمودن از سخنان او است. ولی اینطور نبود که ما از همان اول قادر به اطاعت از خدا بوده باشیم، بلکه اول مسیح ما را محبت نمود و جان خود را به خاطر ما فدا کرد. سپس کسی را فرستاد تا پیغام انجیل را برای ما موعظه کند. وقتی که ما به مسیح ایمان می‌آوردیم، او روح قدوس خود را در قلوب ما جاری می‌سازد. ما بواسطه محبت خدا که در قلوب ما نهاده شده است، قادر به اطاعت از سخنان عیسی هستیم. وقتی که ما از سخنان مسیح اطاعت می‌کنیم، او در ما محبت بیشتری نسبت به خود ایجاد می‌کند. بنابراین محبت مسیح در قلوب ما محبت ایجاد می‌کند، و محبت ما منجر به اطاعت می‌شود. اطاعت ما نیز به نوبه خود باعث می‌شود که مسیح محبت بیشتری در قلوب ما ایجاد کند. محبت بزرگتر ما منجر به اطاعت بیشتر می‌شود، و همین طور ادامه می‌یابد.

### سؤال ۹) در رابطه با جهان سؤال کنید.

#### الف) منظور از "جهان" چیست؟

**ملاحظات:** منظور از "جهان" در این قسمت، قلمرو شیطان و اجتماع مردم و نهادهای شریری است که با مسیح و ملکوت او سر جنگ دارند. در دوران رسولان اولیه، آن عده از یهودیان و رهبران مذهبی‌شان که با خدا مخالف بودند، عیسی را به عنوان مسیح موعود نمی‌پذیرفتند و به کلیسای مسیح جفا می‌رساندند، همگی از مظاهر جهان شریر بودند. به همین خاطر است که عیسی می‌فرماید این جهان شریر مسیحیان را از کنایس بیرون خواهد افکند و حتی آنها را خواهد کشت. "جهان"، در اینجا متشکل از انسانهای زیادی است از ملل مختلف، که همگی مسیح را انکار می‌کنند.

#### ب) چرا جهان تا بدین حد از مسیحیان تنفر دارد؟

**ملاحظات:** جهان از مسیحیان نفرت دارد زیرا مسیحیان دیگر به این جهان تعلق ندارند، بلکه متعلق به مسیح هستند که جهان از او بیزار است. مسیح، ایمانداران به او را از بین مردم جهان انتخاب کرده و به سمت ملکوت خود جذب نموده است. مسیحیان دیگر میلی به انجام اعمال بد و شرارت‌آمیز ندارند و با آن موافق نیستند. آنها از اعمال شرارت‌بار خود توبه می‌کنند، بر علیه آن مبارزه و موعظه کرده و دیگران را نیز از اعمال شریرانه برحذر می‌دارند. اما جهان شریر از این کار مسیحیان متنفر است. مردم جهان به خاطر گناهانشان مقصر هستند، زیرا سخنان و اعمال مسیح، مسیح و خدا را به طریقی روشن بر مردم جهان آشکار کرده است. آنها نور را دیده و حقیقت را شنیده‌اند، ولی با این وجود آن را نپذیرفته‌اند. به همین جهت بخاطر گناهان و تنفرشان از مسیح و مسیحیان، هیچ عذر و بهانه‌ای ندارند.

#### قدم ۴: بکار ببرید

**توجه کنید:** کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان‌پذیر است.

**درمیان بگذارید و بنویسید:** افکار خود را صریحاً با هم درمیان بگذارید و فهرستی از کاربردهای امکان‌پذیر براساس یوحنا ۱۵: ۱-۲۷ تهیه کنید.

**توجه کنید:** خدا از شما می‌خواهد کدامیک از کاربردهای امکان‌پذیر را تبدیل به یک کاربرد شخصی بکنید؟

**بنویسید:** این کاربرد شخصی را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران درمیان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می‌کنند و حتی از یک حقیقت کاربردهای متفاوتی می‌یابند.

فهرست زیر، نمونه‌هایی از کاربردهای امکان‌پذیر در این قسمت از کتاب مقدس میباشند).

#### نمونه‌هایی از کاربردهای امکان‌پذیر (یوحنا فصل ۱۵)

- ۱۵: ۲ \* توبیخ‌ها و نصایح خدا برای این است که مقدس شویم و بتوانیم ثمر بیشتری بیاوریم.
- ۱۵: ۵ \* هر روز با عیسی مسیح رابطه‌ای شخصی و صمیمی برقرار کنید. بدین ترتیب او به شما کمک خواهد کرد که ثمر بسیار بیاورید.
- ۱۵: ۷ \* اجازه دهید سخنان مسیح افکار، رفتار، طرز برخورد و انگیزه‌های شما را تحت تأثیر قرار داده، در شما تغییر ایجاد کند.
- ۱۵: ۹-۱۰ \* محبت واقعی نسبت به مسیح به شما انگیزه می‌دهد که از تعالیم و احکام او اطاعت کنید. و اطاعت از مسیح نیز به نوبه خود باعث می‌شود محبت‌تان نسبت به او بیشتر شود. بنابراین با اطاعت کردن از مسیح، در محبت نسبت به او نیز رشد خواهید کرد.
- ۱۵: ۱۳ \* فکر کنید چگونه می‌توانید هر روز زندگی خود را بر روی این زمین وقف مسیح و اهداف او بکنید.
- ۱۵: ۱۶ \* در نظر داشته باشید که مسیح شما را برگزیده و مقرر کرده است تا بروید و میوه بسیار آورید.
- ۱۵: ۲۱-۲۳ \* از اینکه جهان از شما نفرت دارد متعجب نباشید، زیرا این جهان از خدا و مسیح و از حقیقت و نور نیز تنفر دارد.

## نمونه‌هایی از کاربردهای شخصی

الف) من از خدا می‌خواهم به من فیض لازم را عطا کند تا بتوانم در رابطه شخصی خود با او بیش از پیش رشد کنم. من می‌خواهم هر روز وقت کافی جهت مطالعه کلام خدا اختصاص دهم و در مورد راه‌های اطاعت از او تعمق نمایم. من ایمان دارم که اطاعت از سخنان مسیح باعث خواهد شد که محبت من نسبت به او بیشتر شود و بیشتر بتوانم برای او ثمر بیاورم.

ب) من از خدا می‌خواهم به من فیض لازم را عطا کند تا بتوانم میوه بیشتر و ماندگار بیاورم. مسیح مرا نجات داده و مانند شاخه سیزی در تاک خود قرار داده است. حیات او از طریق روح القدس در من جریان دارد و جهت آوردن میوه بیشتر در من انگیزه ایجاد می‌کند. من مایلم میوه بیشتر بیاورم، میوه‌ای که ماندگار است. به همین جهت می‌خواهم از طریق دعا، اطاعت از سخنان مسیح و محبت نمودن به دیگر فرزندان او، در رابطه شخصی خود با مسیح رشد کنم.

### قدم ۵: دعا کنید

در مورد حقیقتی که خدا به ما در یوحنا ۱۵: ۱- ۲۷ آشکار کرده است، دعا کنیم.  
(در دعای خود به آنچه که در طی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده اید، پاسخ دهید. تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. بیاد داشته باشید که افراد در هر گروه، در مورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

۵	دعا (۸ دقیقه)	دعای شفاعت
---	---------------	------------

به دعا کردن در گروه های دو یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و مردم دنیا دعا کنید.

۶	تکلیف منزل (۲ دقیقه)	برای درس بعدی
---	----------------------	---------------

(سر گروه: رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

- ۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
- ۲ - برای يك فرد یا گروه، موضوع " یوحنا فصل ۱۵ " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
- ۳ - رازگهان - هر روز نیمی از يك فصل از عبرانیان ۸- ۱۰ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
- ۴ - حفظ کردن - آیه حفطی جدید (یوحنا ۱۵: ۵) را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفطی قبلی را مرور کنید.
- ۵ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
- ۶ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر (یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگهان، آیات حفطی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.



## درس ۳۵

۱	دعا
---	-----

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) عبرانیان
---	---

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگهان خود را از قسمت مشخص شده (عبرانیان ۸- ۱۰) با دیگران در میان بگذارید (یا از روی یادداشت‌های رازگهان آن روز بخوانید).  
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان می‌گذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: یوحنا
---	---

دو نفری تعمق، حفظ و مرور کنید: یوحنا ۱۵: ۵

۴	تعلیم (۸۵ دقیقه) خدمت بر اساس عطایای روحانی
---	--

تعالیم زیر در رابطه با روح القدس است.  
الف) دستور عمل شاگردسازی - کتاب دوم، درس ۲۱. ماهیت روح القدس، اعمال او در زندگی انسانها و در کلیسا  
ب) دستور عمل شاگردسازی - کتاب دوم، ضمیمه ۲. روح القدس مسیحیان را علیرغم زحمات و رنجهایی که با آنها مواجه می‌شوند حمایت می‌کند.  
پ) دستور عمل شاگردسازی - کتاب چهارم، درس ۴۵. عملکردهای خاص روح القدس: تعمید با روح القدس، پر شدن از روح القدس و ثمره روح  
ت) دستور عمل بنای کلیسا - کتاب سوم، درس ۳۵. عطایای روحانی روح القدس  
ث) دستور عمل بنای کلیسا - کتاب سوم، ضمیمه ۴. سایر عطایای روحانی

### الف - هدف از عطایای روحانی و ماهیت آنها

#### ۱- ماهیت عطایای روحانی.

الف) عطای روحانی (در یونانی: charisma) توانایی یا عملکرد خاصی است که خدا بر حسب فیض و اراده مطلق خود به فرد ایماندار عطا می‌کند (اول پطرس ۴: ۱۰؛ اول قرنتیان ۱۲: ۴-۶، ۱۱). عطای روحانی، هم عملکرد عادی روح القدس در زندگی فرد مسیحی است و هم عملکرد خارق العاده او. چنین عملکردهایی هیچگاه در نتیجه مهارت یا تواناییهای خود مسیحیان حاصل نمی‌شود، بلکه همواره بیانگر فیض خدا است که در شکل‌های گوناگون از طریق خدمات مسیحیان نمایان می‌شود.

ب) عطای روحانی تجلی (مکاشفه) قدرت و حکمت خدا است (اول قرنتیان ۱۲: ۷) در زندگی فرد ایماندار، که خود را در قالب خدمات گوناگون (خدمات عادی و رسمی) و نحوه اعمال گوناگون (تأثیرات و نتایج) نمایان می‌سازد.

پ) عطایای روحانی همواره به میزانی مشخص و محدود و به فراخور اندازه بخشش مسیح عطا می‌شود (افسیان ۴: ۷). هیچکس از تمام عطایای روحانی برخوردار نیست (اول قرنتیان ۱۲: ۲۰-۳۰). همچنین هیچکس نمی‌تواند از تمام عملکردهای مربوط به يك عطای روحانی خاص برخوردار باشد (افسیان ۴: ۷).

## ۲- انواع مختلف عطایای روحانی.

**بخوانید:** رومیان ۱۲: ۴- ۸، اول قرن نین ۷: ۱، ۷: ۱۲؛ ۷- ۱۰، ۲۸- ۳۰؛ ۱۴: ۶، ۲۶؛ افسسیان ۴: ۱۱؛ اول پطرس ۴: ۱۰- ۱۱

الف) عطایای روحانی که در عهد جدید ذکر شده‌اند.

(۱) عهد جدید به ۲۵ عطایا و خدمات روحانی مختلف اشاره کرده است. این عطایا عبارتند از: نبوت و انبیا، خدمت، تعلیم و معلمان، تشویق، کمک به نیازمندان، رهبری، رحم و شفقت، احسان، کلام علم، کلام حکمت، ایمان، عطای شفا دادن، قدرت انجام معجزات، تشخیص ارواح، زبانهای مختلف، ترجمه زبانها، رسولان، اعانات، مدیریت (امور اداری)، مکاشفه، کلام آموزنده، سرود، مبشرین، شبانان و عطای سخن گفتن.

(۲) توجه داشته باشید که برخی از این عطایا یک عملکرد یا مقام و خدمت روحانی هستند، و نه صرفاً یک توانایی روحانی. "رسولان، انبیا و معلمین" از عطایایی روحانی برخوردار هستند، ولی آنچه مهم است این نیست که این افراد دارای این عطایای خاص هستند، بلکه مهم این است که این عطایا را خدا به آنها بخشیده تا خدماتی را در کلیسا انجام دهند. بنابراین عطایای روحانی مختلف در اینجا با توجه به مناصب افرادی که از این عطایا برخوردار هستند، تعریف می‌شوند. کلیسای اولیه صرفاً تحت هدایت روح نبود، بلکه افرادی نیز بودند که عهده‌دار مناصب خاصی در کلیسا بودند و بدین صورت کلیسا را اداره و خدمت می‌کردند. در کلیسای اولیه اورشلیم، رسولان در مقام "پیران کلیسا" (اعمال ۲: ۴۲ و ۴: ۳۳ در سال ۳۰ میلادی، اعمال ۸: ۱ در سال ۳۰-۳۴ میلادی، اول پطرس ۵: ۱ در سال ۶۲-۶۳ میلادی) و "خادمین" (اعمال ۴: ۳۴-۳۵ در سال ۳۰ میلادی) نیز فعالیت می‌کردند.

(۳) این فهرست عطایای روحانی متشکل از خدمات یا کارهایی است که به جهت منفعت کلیسا انجام می‌شود. برخی از عطایای روحانی ماهیتی معمولی دارند و برخی دیگر دارای ماهیتی خارق‌العاده هستند. تمام این خدمات یا کارها بواسطه عطایای خاص انجام می‌شوند (به عنوان مثال: تعلیم، رومیان ۱۲: ۷). ولی لزوماً ضروری نبود، برخی از خدمات نیز هستند که بدون حضور عطایای خاص انجام می‌شوند (به عنوان مثال: تعلیم، کولسیان ۳: ۱۶). آنچه که در اینجا مد نظر پولس است این است که در کلیسا خدمات و کارهای مختلف و متنوعی وجود دارند، و لازم نیست برای انجام همه این خدمات حتماً از عطایای خاص بهره داشت.

ب) فهرست عطایای روحانی که مطرح می‌شود، جامع نیست.

در برخی از این فهرستها، عطایای واحد چندین بار تکرار شده است. باید توجه داشت که هیچ کدام از این فهرستها کامل و جامع نیستند. رساله قرن نین به عطایای خاصی اشاره می‌کند که در زمانی خاص در خود آن کلیسا رایج بود، در حالیکه رساله رومیان به عطایای روحانی اشاره می‌کند که باید در تمام کلیساها وجود داشته باشند.

پ) عطایای روحانی که به آنها اشاره نشده است.

برخی از عطایای روحانی نیز وجود دارند که در این فهرستها اشاره‌ای به آنها نشده است. به عنوان مثال، عطای هنر و موسیقی (خروج ۲۸: ۳، ۳۱: ۱-۶؛ ۳۵: ۱۰، ۲۵، ۳۵؛ ۳۶: ۱؛ مزمو ۳۳: ۲-۳؛ ۴۵: ۱؛ ۷۸: ۷۲). به علاوه، هر یک از این عطایای روحانی به طرق مختلفی بیان می‌شوند. به عنوان مثال، عطای "تعلیم" انواع مختلف دارد. تعلیم دادن می‌تواند از طریق استفاده از کلمات، نقاشی و یا اجرای نمایش باشد. همچنین افراد مختلف دارای عطای تعلیم به گروههای سنی متفاوت می‌باشند مانند کودکان، افراد بالغ، معلولین. هر یک از این عطایای تعلیم ممکن است حاوی تواناییهای خارق‌العاده بخصوصی نیز باشد، و البته هر یک از آنها دارای ابعاد و حدود محدود و مشخصی است (افسسیان ۴: ۷).

## ۳- دریافت کنندگان عطایای روحانی

مسیحیان در این باره که آیا هر فرد مسیحی از عطایای روحانی برخوردار است یا نه، با هم اختلاف نظر دارند.

الف) کلمه "هر که" در مفهومی کلی و جامع

کلمه "هر که" (در یونانی: hekastos) غالباً دارای مفهوم کلی "هر انسان و یا هر فردی که تا به حال زیسته" می‌باشد (رومیان ۲: ۶) و "یا هر یک از مسیحیان که تاکنون زیسته است" (رومیان ۱۲: ۳؛ ۱۴: ۱۲؛ اعمال ۲: ۳۸). برخی از مسیحیان معتقدند که کلمه "هر که" در اول قرن نین ۷: ۷، ۱۲: ۷، ۱۴: ۲۶ و اول پطرس ۴: ۱۰ نشان می‌دهد که "هر فرد مسیحی" دارای عطایای روحانی است.

ب) کلمه "هر که" در مفهومی محدود

کلمه "هر که" همیشه در کتاب مقدس به معنای "هر انسانی که تا به حال زیسته" نمی‌باشد. به عنوان مثال، "هر فرد ریاکار" (لوقا ۱۳: ۱۰)، "هر که" در جمع مردم (یوحنا ۶: ۷)، "هر" سرریزی (یوحنا ۱۹: ۲۳)، "هر" مسیحی نیازمندی (اعمال ۴: ۳۵). برخی از مسیحیان معتقدند که کلمه "هر که" در اول قرن نین ۷: ۷، ۱۲: ۷، ۱۴: ۲۶ و اول پطرس ۴: ۱۰ مفهومی کلی و

عمومی ندارد. به علاوه، وقتی کتاب مقدس می‌خواهد بر مفهوم "هر شخص بدون استثنا" تأکید کند، معمولاً اصطلاح "هر يك" (اعمال ۲۰: ۳۱؛ اول تسالونیکیان ۲: ۱۱) را بکار می‌برد. بنابراین کلمه "هر که" در اول قرن‌تینان ۷: ۷، ۱۲: ۷، ۱۴: ۱۴ و ۲۶: ۱ و اول پطرس ۴: ۱۰ می‌تواند به مفهوم محدود "هر فرد مسیحی که در چهارچوب آن متن به او اشاره شده است" باشد (مقایسه کنید با کلمه "همه" در رومیان ۵: ۱۷-۱۹). کلمه "هر" در اینجا می‌تواند معنی محدودی داشته باشد، یعنی "هر فرد مسیحی در بدن مسیح که روح القدس بر حسب اراده خود به او توانایی یا عطای خاصی و عملکرد یا خدمتی را بخشیده است" (اول قرن‌تینان ۱۱: ۱، ۲۸-۳۰). بنابراین حتماً ضروری نیست که روح القدس به هر فرد مسیحی عطای روحانی خاصی را ببخشد.

#### ۴- فیض و محبت از عطای روحانی مهمتر هستند.

(الف) "فیض" بسیار فراتر از "عطای روحانی" است. افسسیان ۴: ۷ می‌فرماید: "به هر يك از ما (به هر فرد مسیحی)" به فراخور اندازه بخشش مسیح فیض (در یونانی: charis) و نه عطای روحانی یا charisma) بخشیده شده است. این بدان معنا است که "فیض" خدا چیزی بیش از صرف "عطای روحانی" است. هر مسیحی "فیض" را دریافت کرده است، ولی لزوماً دارای "عطای روحانی" نیست. هر فرد مسیحی به فراخور اندازه بخشش مسیح فیضی را دریافت کرده است. به عنوان مثال، این فیض ممکن است توانایی الهی جهت بنیاد نهادن يك ساختمان (اول قرن‌تینان ۳: ۱۰)، قدرتی الهی جهت انجام کارهای سخت (اول قرن‌تینان ۱۵: ۱)، قدرتی الهی در ضعفهای انسانی (دوم قرن‌تینان ۱۲: ۹) و یا برخورداری از توانایی الهی جهت انجام خدمات بشارتی در میان غیر یهودیان باشد (غلاطیان ۲: ۹). و یا این فیض ممکن است يك توانایی یا عملکرد الهی (به عبارت دیگر، عطای روحانی) باشد (افسسیان ۴: ۱۱؛ اول پطرس ۴: ۱۰-۱۱).

(ب) "محبت" بسیار فراتر از "عطای روحانی" است. پولس با مقایسه کردن اول قرن‌تینان ۱۲: ۳۱ به طریق محبت اشاره می‌کند که بسی برتر و بهتر از میل به برخورداری از عطای روحانی است. این آیه بر این حقیقت دلالت دارد که اگر در برخی از کلیساها و یا در بین مسیحیان عطای روحانی وجود ندارند، در عوض محبت همواره باید در بینشان حاکم باشد. اگرچه تواناییها یا خدمات (مناسب) روح القدس به برخی از مسیحیان عطا شده است، عطای محبت عطای است که روح القدس آن را به همه مسیحیان بخشیده است (رومیان ۵: ۵؛ تیتوس ۳: ۵-۶).

(پ) "روحانی بودن" مفهومی بیش از صرف برخورداری از "عطای روحانی" دارد. برخورداری از عطای روحانی باعث نمی‌شود که شخص روحانی‌تر باشد. مسیحیان کلیسای قرن‌تس از تمام عطای عادی و خارق‌العاده روح القدس برخوردار بودند، ولی با این وجود افرادی "غیر روحانی"، "نفسانی" و "طفل در مسیح" بودند (اول قرن‌تینان ۱: ۷؛ ۳: ۱). خصوصیات يك فرد واقعاً روحانی عبارت است از بلوغ روحانی (اول قرن‌تینان ۳: ۱-۴) و ثمرات روح القدس (غلاطیان ۵: ۲۲-۲۴). مهمترین اصل در رساله قرن‌تینان این است که يك فرد مسیحی باید از آنچه که در اختیار دارد به گونه‌ای استفاده کند که باعث جلال خدا و بنای همسایه‌اش شود (اول قرن‌تینان ۱۰: ۲۳-۲۴).

#### ۵- هدف از عطای روحانی

عطای روحانی دارای ۴ هدف مشخص هستند که عبارتند از: خدمت به یکدیگر (اول پطرس ۴: ۱۰-۱۱)، بنای کلیسا (اول قرن‌تینان ۱۲: ۷؛ ۱۴: ۱۲)، تجهیز مسیحیان برای خدمت (افسسیان ۴: ۱۲) و نهایتاً جلال یافتن خدا در همه چیز (اول پطرس ۴: ۱۱).

### ب - دریافت، تشخیص و ارزیابی عطای روحانی

#### ۱- دریافت عطای روحانی

(الف) در جستجوی آن عطای روحانی باشید که باعث بنای دیگران می‌شود. آن عده از مسیحیان در بدن مسیح که روح القدس به آنها تواناییها و خدمات خارق‌العاده‌ای بخشیده است، باید طالب چه نوع عطای روحانی باشند؟

سه موضوع در کلیسای قرن‌تس ضرورت داشت: ایجاد تغییر در علائقشان در رابطه با برخی عطای روحانی خاص، پیروی از طریق محبت و تأکید بر بنای دیگران.

(۱) کلیسای قرن‌تس می‌بایست علائق خود را تغییر می‌داد. در اول قرن‌تینان فصل‌های ۱۲-۱۴، پولس رسول در رابطه با استفاده نادرست از عطای زبانها به شدت اخطار می‌دهد. ایمانداران کلیسای قرن‌تس (اول قرن‌تینان ۱۲: ۲۷) برای عطای زبانها ارزش زیادی قائل بودند و امیدوار بودند این عطا به فراوانی به آنها داده شود. بنابراین لازم بود تغییری در علاقه مفرط آنها در زمینه بکارگیری عطای زبانها ایجاد می‌شد، زیرا آنها عطای زبانها را باارزشتتر از تمام عطای دیگر تلقی می‌کردند. اولویت در

رابطه با بکارگیری عطایا باید بر اساس معیارهای خدا تعیین شود، نه بر اساس معیارهای انسانی. پولس رسول وقتی عطایا را بر می‌شمرد، عطای زبانها را دو بار آخر از همه ذکر می‌کند. در اول قرن‌تینان ۱۴: ۱-۳، پولس برای عطای نبوت بالاترین ارزش را قائل می‌شود. مسیحیانی که عطای نبوت را بواسطه روح القدس دریافت کرده‌اند، باید به غیرت این عطا را بکار بگیرند، زیرا باعث بنا، تشویق و تسلی دیگران است.

چهارچوب متن مربوط به عطایا به ما اجازه نمی‌دهد که اول قرن‌تینان ۱۲: ۳۱ را اینطور تفسیر کنیم که هدف پولس، مجبور ساختن مسیحیان قرن‌تس به داشتن برخی عطایای خاص است. بر عکس، پولس رسول عالیترین طریق را به آنها نشان می‌دهد و آنها را نصیحت می‌کند که "از طریق محبت پیروی کنند" (اول قرن‌تینان ۱۲: ۳۱-۱۴: ۱). هدف پولس آشکار ساختن این حقیقت است که محبت و رای تمام عطایای روحانی است. محبت انسانها را به قوم خدا تبدیل می‌کند و به آنها می‌آموزد که برای جلال خدا و در جهت منفعت دیگران زندگی کنند.

۲) کلیسای قرن‌تس می‌بایست همواره از عالیترین طریق پیروی می‌کرد. کلمه "پیروی کردن" (در یونانی: *diokete*، ۱۴: ۱) بسیار از کلمه "به غیرت طلبیدن" (در یونانی: *zeloute*، ۱۲: ۳۱؛ ۱۴: ۱) قویتر است: "پیروی کردن" بیانگر عملی پایان‌ناپذیر است، در حالیکه "طلبیدن با غیرت و اشتیاق" بیشتر بر شدت عمل تأکید می‌کند تا بر تداوم آن. اول قرن‌تینان ۱۳ در رابطه با جامع و عمومی بودن محبت (تمام مسیحیان باید محبت کنند) صحبت می‌کند، در حالیکه در اول قرن‌تینان ۱۴: ۲-۳ پولس رسول به اشخاص خاصی اشاره می‌کند که از عطای خارق‌العاده سخن گفتن به زبانها یا نبوت برخوردارند (تنها برخی از مسیحیان دارای این عطایا هستند). بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که "پیروی کردن" حکمی برای تمام مسیحیان است، در حالیکه "به غیرت طلبیدن" حکمی است برای آن عده از مسیحیان که از عطایای روحانی خاصی برخوردارند. تمام مسیحیان باید همواره از طریق محبت پیروی کنند، ولی مسیحیانی که از عطایای روحانی خارق‌العاده‌ای برخوردار هستند باید عطای نبوت را به غیرت بکار بگیرند، نه عطای زبانها را.

به علاوه، از آنجا که باید بین دریافت عطایای روحانی و آشکار کردن یا استفاده از این عطایا (اول قرن‌تینان ۱۴: ۲۶-۳۳) تمایز قائل شد، حکم "به غیرت طلبیدن" به طور خاص به آشکار کردن و بکارگیری عطایا در کلیسا اشاره دارد، و نه صرفاً به دریافت آنها. کلمه "خصوصاً" یا "ترجیحاً" (۱۴: ۱) نشان می‌دهد که عطایای روحانی دارای درجات متفاوتی هستند ("عطایای بزرگتر"، ۱۲: ۳۱). پولس برای "نبوت" بالاترین مقام را قائل است، زیرا کلیسای قرن‌تس به اشتباه بیشتر برای تکلم به زبانها اهمیت قائل بودند.

۳) کلیسای قرن‌تس می‌بایست بیشتر باعث بنای دیگران شود، نه اینکه خودمحور باشد. اول قرن‌تینان ۱۴: ۱۲ بطور تحت‌اللفظی می‌فرماید: "همچنین شما نیز چونکه غیور جهت طلبیدن ارواح هستید، بطلبید برای اینکه کلیسا بیشتر بنا شود". برخلاف مسیحیان قرن‌تس که در پی ارواح بودند، پولس در مورد غیرت برای عطایای روحانی صحبت می‌کند. برخلاف مسیحیان قرن‌تس که "طالب ارواحی بودند که از عطایای روحانی خاصی برخوردارند"، پولس فرض را بر این می‌گیرد که آنها روح القدس را دریافت کرده‌اند (اول قرن‌تینان ۲: ۱۲) و روح القدس می‌تواند به ارواح انسانی آنها عطایای خاصی را ببخشد. بعید نیست که مسیحیان قرن‌تس به اشتباه تصور می‌کرده‌اند که هر عطای روحانی از جانب روح بخصوصی است، و حال پولس می‌خواست به آنها بفهماند که عطایای روحانی مختلف همگی از یک روح که روح القدس است نشأت می‌گیرند (اول قرن‌تینان ۱۲: ۴). برخلاف ایمانداران قرن‌تس که در پی عطای مافوق طبیعی زبانها بودند تا بتوانند به دیگران فخر کنند، پولس به آنها توصیه می‌کند که در طلب یافتن عطایایی باشند که باعث بنای افراد دیگر در کلیسا است. پولس به آن عده از مسیحیان که از عطایای روحانی خاصی برخوردار بودند توصیه می‌کند که آن عطایایی را بیشتر بکار گیرند که باعث بنای کلیسا می‌شود. اول قرن‌تینان ۱۴: ۱۳-۱۹ نشان می‌دهد که ایمانداران قرن‌تس باید برای آن دسته از عطایای روحانی که دارای نظم و هماهنگی بیشتری هستند اهمیت بیشتری قائل شوند، تا برای عطای تکلم به زبانها که بیشتر جنبه ناگهانی دارد. منظور پولس از این سخنان، نه تعلیم در مورد آنچه می‌بایست در کلیسای قرن‌تس واقع می‌شد، بلکه تعلیم در مورد آن چیزی بود که باید در جلسات رسمی کلیسای قرن‌تس و تمام کلیساها اتفاق بیفتد.

ب) عطایای روحانی توسط خدا داده می‌شوند.

چه کسی تعیین می‌کند که شما باید کدام عطای روحانی را دریافت کنید؟

خدای تثلیث (پدر، پسر و روح القدس) بر اساس اراده و فیض خود عطایای روحانی را به مسیحیان می‌بخشد و عملکردها یا خدمات خاص کلیسایی را تعیین می‌کند. (اول قرن‌تینان ۱۲: ۱۱، ۱۸، ۲۸؛ افسسیان ۴: ۷؛ عبرانیان ۲: ۴؛ اول پطرس ۴: ۱۰). خدا معین می‌کند که به چه کسی چه نوع عطایا یا خدمات روحانی را عطا کند. پولس رسول مسیحیان را ترغیب می‌کند که به غیرت طالب آن عطایای روحانی باشند که باعث بنای کلیسا است. خدا برای هر فرد مسیحی در بدن مسیح جایگاه مشخصی مقرر کرده است. اگرچه او به مسیحیان (البته نه لزوماً به هر فرد مسیحی) خدماتی مشخص محول می‌کند، هر مسیحی بایستی خدمت کند. اگرچه او بر طبق اراده خود، عطایا و عملکردهای مختلف روحانی را به مسیحیان (البته نه لزوماً به هر فرد مسیحی) عطا می‌کند، اما هر مسیحی باید در وهله نخست اصل محبت را در زندگی خود اجرا کند.

## ۲- تشخیص عطایای روحانی

چگونه مسیحیان متوجه می‌شوند که آیا خدا به آنها عطا یا عطایای روحانی خاصی بخشیده است یا نه؟ مهم نیست که این عطایا، عطایایی عادی و یا خارق‌العاده، و یا صرفاً برخی توانایی‌ها یا مناصب روحانی خاص هستند.

تعالیمی را که در کتاب مقدس در رابطه با عطایای روحانی، خصوصیات و عملکردهای آنها وجود دارد، درک کنید.

### ب) از طریق خدمت در کلیسا

در خدمات مختلف کلیسایی نظیر تعلیم به بچه‌ها، رهبری جوانان، کمک به افراد نیازمند، تشویق کسانی که در مشکلات هستند، موعظه انجیل و غیره شرکت کنید. اگر خدا به شما عطای روحانی خاصی بخشیده است، در همان حال که به دیگران خدمت می‌کنید و در جهت تقویت و بنای کلیسا می‌کوشید، این عطا نیز به تدریج بیشتر و بیشتر در شما آشکار می‌شود. خدا از طریق دادن عطایا به کلیسا، مسیحیان را قادر می‌سازد تا به دیگران خدمت کنند. اگر یک مسیحی خدمت نکند، نمی‌تواند تشخیص دهد که آیا خدا به او عطای روحانی خاصی بخشیده است یا نه.

### پ) از طریق ارزیابی خدماتتان، و نه صرفاً استعدادهای ذاتی که دارید.

عطای روحانی، توانایی است که شما را به خدمت در زمینه‌ای خاص ترغیب می‌کند. این عطا خود را از طریق ایجاد اشتیاق و غیرت در زمینه خدمتی خاص، متجلی می‌سازد. با توجه به اینکه عطایای روحانی همواره به منظور خدمت به دیگران و برای بنای کلیسا است، تأثیری که خدمات شما بر روی دیگران دارد می‌تواند نشان‌دهنده این امر باشد که آیا از عطایی خاص برخوردارید یا نه. از خود بپرسید: "چگونه مسیحیان دیگر خدمت مرا ارزیابی می‌کنند؟" "مردم معمولاً از من می‌خواهند چه خدماتی انجام دهم؟" "به نظر آنها من چه خدمتی را می‌توانم به خوبی انجام دهم؟" "کدام یک از خدمات من بیشترین تأثیر را بر آنها گذاشته است؟" سپس از خود بپرسید: "من چگونه خدمات خود را ارزیابی می‌کنم؟" "از انجام چه خدماتی بیشتر لذت می‌برم؟" "چه خدماتی را به خوبی انجام می‌دهم؟" "کدام یک از خدمات من باعث بنای دیگران است؟"

## ۳- ارزیابی عطایای روحانی

یک مسیحی باید خود را در کلیسا چگونه شخصی بداند؟

خدا بر اساس قدرت و فیض مطلق خود اجازه داده است که بین مسیحیان تفاوت‌هایی وجود داشته باشد (رومیان ۱۲: ۳-۶؛ اول قرنتیان ۱۲: ۴-۷، ۱۴-۲۷). مسیحیان در موارد زیر با هم متفاوت‌اند: "میزان و اندازه ایمان"، "عملکردهای مختلف بدن مسیح"، "عطایای روحانی" و "در فیضی که خدا به هر کس عطا می‌کند". خدا با در نظر داشتن تفاوت‌هایی که در زمینه‌های مختلف بین مسیحیان وجود دارد، مسیر زندگی هر فرد مسیحی را مشخص می‌کند.

### الف) ضرورت فروتنی

۱) اگر شخصی خود را بیش از آنچه که هست بپندارد، دچار غرور می‌شود (رومیان ۱۲: ۳). غرور عبارت است از حس طمع و ادعا به داشتن حقوق و امتیازاتی که شخص از آنها برخوردار نیست. همه با این خطر مواجه هستند که خود را بیش از آنچه که هستند بپندارند. شخصی که نسبت به عطایی که خدا آن را به او بخشیده طمع می‌ورزد، فردی خودستا است و مایل است دیگران همیشه از او تعریف و تمجید کنند. این امر در مورد تکلم به زبانها نیز صادق است.

۲) شخصی که واقع‌بینانه در مورد خود قضاوت می‌کند (رومیان ۱۲: ۳)، شخصی فروتن است. مسیحیان نباید خود را مالک عطایایی تصور کنند که ندارند. مسیحیان همچنین نباید عطایایی را رد کنند که خدا بر حسب فیض خود به آنها یا به دیگران بخشیده است. هم خودبینی کار اشتباهی است و هم فروتنی کاذب. مسیحیان باید خود را بر حسب میزان ایمانی که خدا به آنها بخشیده است تقویت و ارزیابی کنند، نه بر حسب معیارهای انسانی.

### ب) ضرورت ایمان

کلمه "ایمان" در رومیان ۱۲: ۳ یعنی "اعتماد کردن" یا "متکی بودن به خدا و وعده‌های او". اما این قسمت می‌فرماید: "به اندازه آن بهره ایمان که خدا به هر کس عطا فرموده است". به عبارت دیگر، منظور پولس مقدار و کمیت ایمان نیست، بلکه او به نوع و کیفیت ایمان اشاره دارد. پولس در مورد روشهای مختلفی صحبت می‌کند که هر فرد مسیحی می‌تواند از طریق آن، با استفاده از خدمت یا عطای خاصی که خدا به او بخشیده است باعث برکت سایر مسیحیان و نیز باعث برکت تمام کلیسا شود. متفاوت بودن میزان ایمان منعکس کننده طرق مختلفی است که "ایمان" افراد در جهت عطایا و خدمات مختلف روحانی در کلیسا بکار گرفته می‌شود.

هر مسیحی بر حسب فیض مقتدر خدا، "بهره ایمان" خود را دریافت می‌کند. به عبارت دیگر، او به عنوان عضو بدن مسیح جایگاه خود را در این بدن میابد. او از روح القدس عطایا و خدمات معمولی یا خارق العاده و یا دائمی دریافت می‌کند. او ایمان مورد نیاز که توسط آن و در محدوده آن بایستی عطیه یا خدمتش را بکار برد، دریافت می‌کند. ضرورت ایمان تنها محدود به زمانی که عضو کلیسا می‌شویم نیست؛ بلکه ما به عنوان اعضای کلیسا، جهت انجام فعالیتها، عملکردها، کارها و خدمات مختلف خود به ایمان نیاز داریم. تمام عطایای روحانی را تنها از طریق ایمان به مسیح و به توسط محبت (اول قرنتیان ۱۳) می‌توان بکار برد. بنابراین عطایا یا خدماتی (مناصبی) که روح القدس به افراد عطا می‌کند، به فراخور قابلیت‌ها یا عملکردها و به اندازه محدوده ای است که بایستی بکار رود و به میزان ایمانی میباشد که برای بکارگیری آن عطیه یا خدمت لازم است.

## پ - مشخصات عطایای روحانی

این قسمت فقط یک بخش انتخابی و خلاصه مختصر است.

### ۱ - رسولان

الف) "رسولان مسیح" (مرقس ۳: ۱۳ - ۱۹) این رسولان، افرادی منحصر به فرد بودند و جانشین نداشتند. آنها شاهدین عینی مسیح و بنیانگذاران کلیسا در تاریخ جهان بودند.

ب) "رسولان کلیساها" (دوم قرن تا ۸: ۲۳) این دسته از رسولان، نمایندگان کلیساهای محلی بودند که از سوی آنها فرستاده شده بودند تا کار خاصی را به انجام برسانند. این عنوان را می‌توان در مورد مبشرین یا مبلغین عصر حاضر نیز که کلیساهای جدیدی را تأسیس و بنا می‌کنند، بکار برد.

### ۲ - مکاشفه، انبیا و نبوت

"مکاشفه" (اول قرن تا ۱۴: ۶، ۲۶) آشکار شدن حقیقتی جدید است، بویژه از طریق رؤیا (دوم قرن تا ۱۲: ۱)؛ مکاشفه ۱: ۱۰، ۱۲).

"نبوت"، "اعلام یا بازگو کردن" اموری است که خدا آنها را مکشوف ساخته است. نبوت تحت الهام روح القدس بیان می‌شود و در کتاب مقدس در سه حالت بکار رفته است.

الف) انبیای عهد عتیق اعلام‌کنندگان مکاشفه خدا در عهد عتیق بودند. آنها افرادی منحصر به فرد بودند. عطا یا خدمت روحانی آنها تنها محدود به زمان عهد عتیق بود. این انبیا مکاشفه‌ای جدید از خدا دریافت می‌کردند و سخنان او را برای مردم بازگو می‌نمودند. آنها سخنگویان خدا بودند و سخنان قدرتمند خدا را بیان می‌کردند.

انبیای عهد عتیق تنها تا زمان یحیی تعمیددهنده نبوت کردند (متی ۱۱: ۱۳؛ عبرانیان ۱: ۱) پس از آن، چنین انبیایی (با این درجه اهمیت) دیگر وجود نداشتند، زیرا مکاشفه خدا در مورد نقشه الهی‌اش که توسط انبیای عهد عتیق آغاز شده بود، در عیسی مسیح (یوحنا ۱: ۱۸؛ عبرانیان ۱: ۲) و توسط شهادت رسولان او (یوحنا ۱۶: ۱۳ - ۱۵) به تحقق رسید. مکاشفات آنها در "کتاب مقدس"، "کتب مقدسه" یا "مجموعه ۶۶ کتابها" در کتاب مقدس جمع آوری و ثبت شده است. انبیای عهد عتیق که سخنگویان خدا بودند و مکاشفات جدیدی برای انسانهای آشکار می‌کردند، جانشینی ندارند. هیچ کس مجاز نیست چیزی به "سخنان خدا" یا کتابی به کتاب مقدس بیفزاید (مکاشفه ۲۲: ۱۸ - ۱۹).

ب) انبیای عهد جدید اهداف خدا را در شرایطی خاص اعلام می‌کردند. آنها نیز افرادی منحصر به فرد بودند. عطا یا خدمت روحانی آنها تنها محدود به دوران کلیسای عهد جدید بود. از آنجا که عهد جدید در آن زمان هنوز بطور کامل نوشته نشده بود، این انبیا کلیسای اولیه را از خواست و اراده خدا آگاه می‌ساختند و آنچه را که خدا از آنان انتظار داشت در آن شرایط خاص انجام دهند، به اطلاع مسیحیان می‌رسانند. نبوت‌های آنها محدود بود. رسولان مسیح از عطای نبوت برخوردار بودند، ولی این انبیای عهد جدید رسولان مسیح محسوب نمی‌شدند. برخلاف رسولان مسیح که مکاشفاتی که دریافت می‌کردند برای کلیسای مسیح در تمام دوران عهد جدید دارای اهمیتی بنیادین بود (اول قرن تا ۱۵: ۳؛ غلاطیان ۱: ۱۱ - ۱۲، ۱۶)، مکاشفاتی که انبیای عهد جدید دریافت می‌کردند جنبه موقتی داشت و دارای مفهوم و اهمیتی ثابت و ماندگار نبود (اعمال ۱۱: ۲۷ - ۲۸؛ ۱۳: ۱ - ۴؛ ۲۱: ۱۰ - ۱۱). رسولان مسیح مکاشفاتی را بازگو می‌کردند که تمام مسیحیان جهان، چه در زمان کلیسای اولیه و چه در حال حاضر، باید آنها را بدانند، به آن ایمان داشته باشند و مطابق آن عمل کنند. ولی انبیای عهد جدید نبوت‌های محدودی را اعلام می‌کردند که تنها برای گروه محدودی از مسیحیان کلیسای اولیه کاربرد داشت و برای این بود که این مسیحیان بدانند تحت شرایطی خاص چگونه باید ایمان داشته و عمل کنند.

۲) نبوت‌های انبیای عهد جدید به منظور بنا، تشویق و تسلی مردم (اول قرن تا ۱۴: ۳؛ اعمال ۱۵: ۳۰ - ۳۲) و یا جهت اندرز و اخطار به آنان بود (اول قرن تا ۱۴: ۸؛ اعمال ۱۱: ۲۷ - ۲۸؛ ۲۱: ۱۰ - ۱۱). کلمه "نبوت" در مورد کار آنان احتمالاً در وهله اول بیشتر به "بنا، تشویق و تسلی" اشاره دارد (اول قرن تا ۱۴: ۳)، تا به بیان "مکاشفات جدید" (اعمال ۱۳: ۱ - ۴).

۳) رسولان مسیح عاملی بودند در دستان مسیح تا تقریباً تمام عهد جدید از طریق آنان مکشوف و نگاشته شود (یوحنا ۱: ۲۶؛ ۱۶: ۱۳ - ۱۵؛ ۲۰: ۳۱). اما برخلاف چیزی که در مورد رسولان مسیح می‌بینیم، تنها تعداد کمی از نبوت‌های انبیای عهد جدید در کتب عهد جدید ثبت شده است (اعمال ۱۱: ۲۸؛ ۲۱: ۱۱). این موضوع ثابت می‌کند که انبیای عهد جدید آن نوع مکاشفاتی را که به رسولان مسیح عطا شد، دریافت نکردند. آنچه که رسولان مسیح در خصوص آموزه‌ها و رفتارهای مسیحی موعظه و تعلیم می‌دادند، برای تمام مسیحیان از هنگام آمدن مسیح تا بازگشت او لازم‌الاجرا و عاری از خطا است، (اعمال ۲: ۴۲؛ دوم تیموتاؤس ۱: ۱۳؛ اعمال ۱۶: ۴؛ فیلیپیان ۴: ۹)، و حال آنکه سخنان و نبوت‌های انبیای عهد جدید باید توسط مسیحیان دیگر مورد

سنجش و ارزیابی قرار می‌گرفت (اول قرن‌تینان ۱۴: ۲۹-۳۳). رسولان مسیح از بسیاری خصوصیات دیگر نیز برخوردار بودند که باعث می‌شد از لحاظ برخورداری از عطایا و خدمات روحانی برتر از سایرین باشند.

(پ) عطای نبوت عبارت است از اعلام حقایقی تحت هدایت روح القدس که قبلاً از طریق تعالیم و مواعظات رسولان مسیح مکشوف شده است.

این مفهوم کلی کلمه "نبوت" است.

(۱) "نبوت کردن" (رومیان ۱۲: ۷) عبارت است از توانایی یا خدمت خاص اعلام کردن (موعظه کردن) حقایق کتاب مقدس، که باعث می‌شود مسیحیان تشویق و تسلی یافته، در ایمان بنا گردند (اول قرن‌تینان ۱۴: ۳؛ اعمال ۱۵: ۳۲). و یا توانایی است که باعث می‌شود اعضای بدن مسیح به منظور انجام خدمات روحانی مختلف تجهیز شوند و از این طریق باعث بنای کلیسا گردند (افسیان ۴: ۱۲). مسیحیانی که از این عطای روحانی برخوردار هستند، آشکارا پیامهای مکشوف شده خدا در کتاب مقدس را به طرز جدی و قانع کننده اعلام یا وعظ می‌کنند. آنان بطرز قابل درک (اول قرن‌تینان ۱۴: ۸) و نیز مقتدرانه سخن می‌گویند (اعمال ۶: ۱۰؛ اول تسالونیکیان ۱: ۵).

(۲) "نبوت کردن" ممکن است آشکارکننده افکار، انگیزه‌ها، طرز برخوردها، سخنان و اعمالی باشد که قبلاً پنهان بوده‌اند. روح القدس از طریق مواعظات، تعالیم، سخنان و مشورت‌های مسیحیانی که از عطای نبوت برخوردارند، موضوعات پنهان را در شنوندگان این نبوت‌ها آشکار می‌سازد، بی‌ایمانان را به توبه وامی‌دارد و یا در یک فرد مسیحی انگیزه ایجاد می‌کند تا مواردی را در زندگی خود تغییر دهد. تأثیر چنین نبوتی این است که گناهان شخص دیگر مخفی نیست (اول قرن‌تینان ۱۴: ۲۴-۲۵). ممکن است در برخی موارد گناهان یک فرد در حضور همگان (اعمال ۵: ۳-۴) و در موارد دیگر به طور خصوصی برای خود آن شخص آشکار گردد (اعمال ۲: ۳۷؛ یوحنا ۱۶: ۸).

### ۳- معلمان و تعلیم

(الف) عملکرد یا توانایی خاص

"معلم" نیز یکی از عملکردها (خدمات) (اول قرن‌تینان ۱۲: ۲۸؛ افسسیان ۴: ۱۱؛ دوم تیموتاؤس ۱: ۱۱) و یا یکی از توانایی‌های خاص در کلیسا می‌باشد (رومیان ۱۲: ۷). معلمان حقیقت کتاب مقدس را به طور خاص برای مسیحیان بازگو می‌کنند. آنها در کلیسای عهد جدید دارای خدمت یا مقامی عادی هستند. برخلاف انبیا که پیغام خود را از طریق مکاشفه مستقیم خدا دریافت می‌کنند، معلمان دانش خود را در نتیجه بررسی نوشته‌های عهد عتیق، تعالیم عیسی مسیح و رسولان و یا از طریق ۶۶ کتاب کلام خدا دریافت می‌نمایند. در دوران عهدجدید، هر کس که مایل به تعلیم بود می‌توانست این خدمت را انجام دهد، و از نظر کتاب مقدس حتماً لازم نیست که یک معلم عطای خاص تعلیم داشته باشد (یعقوب ۳: ۱). هر شخص بر اساس دعوتی که خدا از او می‌کند می‌تواند در مقام معلم خدمت کند.

برخی از مسیحیان از مقام خاص "معلم" یا "شبان-معلم" برخوردارند (افسیان ۴: ۱۱)، ولی به چنین مسیحیانی هشدار داده شده است که نسبت به این مقام مهم در کلیسا احساس مسؤولیت کنند (یعقوب ۳: ۱). برخی دیگر از مسیحیان نیز عطای (توانایی) روحانی تعلیم را دریافت می‌کنند (رومیان ۱۲: ۷). ولی از تمام مسیحیان دعوت شده است که عملکرد یا مسؤولیت تعلیم دادن به یکدیگر را انجام دهند (متی ۲۸: ۲۰؛ کولسیان ۳: ۱۶).

(ب) مسئولیت معلمان در کلیسا

**پخوانید:** عزرا ۷: ۱۰. اولین مسئولیت معلمان، بررسی دقیق کتاب مقدس است به منظور پی بردن به صحت سخنان آن، جمع آوری اطلاعات و انتظام بخشیدن به حقایق موجود در آن (اعمال ۱۷: ۱۱). دومین مسئولیت معلمان، بکارگیری آن حقایقی است که تعلیم می‌دهند. آنها باید در زمینه بکارگیری حقایق کلام خدا نمونه خوبی از خود بر جای بگذارند (متی ۲۳: ۲-۴؛ رومیان ۲: ۲۱؛ اول تیموتاؤس ۴: ۱۲؛ تیطس ۲: ۷-۸). سومین مسئولیت معلمان این است که حقیقت کلام خدا را با اقتدار، به طور مشخص و قابل درک و با در نظر داشتن مقصود و هدف اولیه آن تعلیم دهند، تا بدینوسیله شنوندگان بتوانند حقایق کلام خدا را درک کنند و آنها را بکار بگیرند (مرقس ۱: ۲۲؛ اعمال ۸: ۳۰-۳۱؛ ۲۰: ۲۰، ۲۷؛ دوم تیموتاؤس ۲: ۱۵). مسیحیان نوایمان باید تعلیم ببینند تا بتوانند شاگرد مسیح شده، از احکام او اطاعت کنند. مسیحیانی که تعلیم پذیر، امین و قادر به تعلیم دیگران هستند نیز باید تعلیم بگیرند (متی ۲۸: ۲۰؛ لوقا ۶: ۴۰؛ دوم تیموتاؤس ۲: ۲).

(پ) جایگاه معلمان در کلیسا

پس از "رسولان مسیح"، "انبیا" و "معلمان" جزو مهمترین خدمات کلیسا هستند (اول قرن‌تینان ۱۲: ۲۸؛ افسسیان ۴: ۱۱). از آنجا که رسولان مسیح و انبیای عهد جدید تنها در دوران اولیه کلیسای عهد جدید فعالیت داشتند، امروزه در کلیسای مسیحی در سراسر جهان خدمت معلم، کار یا عملکرد و عطای روحانی تعلیم باید در صدر اولویت قرار گیرد. زیرا هیچ چیز نمی‌تواند مانند حقایق کلام خدا باعث بنای مسیحیان شود.

#### ۴ - مبشرین

"مبشر" نیز یکی از عملکردها (خدمات) (افسیان ۴: ۱۱) و یا یکی از توانایی‌های خاص در کلیسا است. مبشرین خبر خوش نجات در مسیح را به طرزی مؤثر به بی‌ایمانان اعلام می‌کنند، به طوری که در نتیجه خدمت آنها عده‌ای ایمان می‌آورند و بر تعداد ایمانداران در کلیسا افزوده می‌شود. اگرچه برخی از مسیحیان دعوت شده‌اند که بطور خاص به خدمت بشارت مشغول باشند (دوم تیموتاؤس ۴: ۵) و برخی نیز عطای خاص بشارت داده شده است، ولی تمام مسیحیان دعوت دارند که در این حصاد بزرگ، خبر خوش انجیل را به گوش دیگران برسانند (یوحنا ۴: ۳۵ - ۳۸).

#### ۵ - شبانان

"شبان" نیز یکی دیگر از عملکردها (خدمات) (اعمال ۲۰: ۲۸؛ افسسیان ۴: ۱۱؛ اول پطرس ۵: ۱-۴) و یا یکی دیگر از توانایی‌های خاص در کلیسا است. شبانان مسیحیان را تغذیه می‌کنند، از آنها حفاظت و مراقبت می‌کنند و آنها را به سمت رشد و بلوغ روحانی سوق می‌دهند. آنها افراد گمشده را می‌جویند و گمراهان را باز می‌گردانند. آنها به طور خاص به افرادی که ضعیف و نیازمند هستند، توجه نشان می‌دهند. اگرچه برخی از مسیحیان دعوت شده‌اند که بطور خاص به خدمت شبانی مشغول باشند و برخی نیز عطای روحانی شبانی را دریافت کرده‌اند، تمام مسیحیان این دعوت را دارند که به فکر نیازهای یکدیگر باشند (اول قرنتیان ۱۲: ۲۴ - ۲۶).

به بخش سایر عطایای روح القدس در دستور عمل بنای کلیسا - کتاب سوم، ضمیمه ۴ مراجعه کنید.

### ت - بکارگیری عطایای روحانی به منظور بنای کلیسا

#### ۱ - عطایای روحانی و خدمات کلیسا

چگونه يك مسیحی می‌تواند از عطای روحانی خود در جهت منفعت مسیحیان دیگر استفاده کند؟

(الف) مسیحیان به خدمات یکدیگر نیازمندند.

هر عضوی از بدن مسیح باید به دیگر اعضا خدمت کند، و هر عضوی نیز نیازمند خدمات دیگران است. خدمت کردن به یکدیگر از طریق بکارگیری عطایای عادی یا خارق‌العاده روح القدس، نوع دیگری از ابراز محبت به یکدیگر است. همانگونه که يك دست نمی‌تواند بدون وجود پا کار کند، و پا بدون کمک چشم نمی‌تواند فعالیت کند، به همین ترتیب هر عضوی از بدن مسیح نیز به خدمت یا عطای روحانی عضو دیگر نیاز دارد. خدمت یا عطای هر عضو، خدمت و عطای عضو دیگر را کامل می‌سازد و بدین ترتیب کلیسای مسیح به بهترین نحو بنا می‌شود.

(ب) يك نمونه: عطای تعلیم

بباید عطای تعلیم را به عنوان نمونه در نظر بگیریم. تمام مسیحیان، خواه از عطای تعلیم برخوردار باشند و خواه چنین عطایی نداشته باشند، باید به خدمت عادی تعلیم به یکدیگر مشغول باشند (متی ۲۸: ۲۰؛ کولسیان ۳: ۱۶). اگرچه همه مسیحیان باید تعلیم دهند، تنها برخی از آنها عطای روحانی تعلیم را دریافت کرده‌اند (اول قرنتیان ۱۲: ۲۹). آنانی که عطای روحانی تعلیم را دریافت کرده‌اند مسئولند از این عطای خاص به منظور سه هدف زیر استفاده کنند:

- ۱) آنها باید از طریق تعلیم به مسیحیان دیگر، آنها را خدمت کنند.
  - ۲) آنها باید برای مسیحیان دیگر نمونه خوبی از تعلیم دادن باشند.
  - ۳) در صورت امکان، باید مسیحیان دیگر را در زمینه تعلیم به دیگران، تجهیز و تربیت کنند.
- به همین ترتیب، مسیحیان باید از سایر عطایای روحانی که دریافت کرده‌اند نیز در جهت خدمت کردن، نمونه بودن و تا حد امکان در تجهیز ساختن دیگر مسیحیان در زمینه عطایای روحانی شان استفاده کنند.

(پ) نمونه‌ای دیگر: عطای روحانی رحم و شفقت نسبت به دیگران

تمام مسیحیان باید در خدمت نشان دادن رحم و شفقت به دیگران سهیم باشند. آنها دعوت شده‌اند که يك سامری نیکو باشند و به کسانی که در احتیاج هستند رسیدگی کنند (لوقا ۱۰: ۳۷). اگرچه تمام مسیحیان باید نسبت به دیگران رحم و شفقت داشته باشند، تنها برخی از آنها عطای روحانی رحم و شفقت را دریافت کرده‌اند. این عده از مسیحیان باید نسبت به دیگران رحم و شفقت نشان دهند، نمونه خوبی در این زمینه باشند و در صورت امکان افرادی را تجهیز و تربیت کنند تا این خدمت را انجام دهند.



## ۲ - عطایای روح القدس و ثمره روح القدس

برخورداری از عطایای روحانی روح القدس و بکارگیری آنها ثابت نمی‌کند که يك شخص لزوماً فردی "روحانی" یا "بالغ" است. مسیحیان قرن‌تس از تمام عطایای روحانی برخوردار بودند (اول قرن‌تس ۱: ۷)، ولی افرادی روحانی یا بالغ نبودند، بلکه مسیحیان دنیوی بودند و در مسیح اطفالی بیش نبودند (اول قرن‌تس ۳: ۱-۴). ممکن است شخصی مسیحی از عطایای روحانی استفاده کند بدون آنکه ذره‌ای محبت داشته باشد، ولی اینگونه بکارگیری عطایای روحانی هیچ ارزشی در نظر خدا ندارد (اول قرن‌تس ۱۳: ۱-۳). اثبات واقعی زندگی کردن توسط روح القدس، تحت کنترل و هدایت روح القدس بودن است، نه بکارگیری عطایای روح، بلکه تجلی ثمره روح القدس در زندگی او است (غلاطیان ۵: ۲۲-۲۳). اگرچه ممکن است خود شما یا کلیسای‌تان از برخی از عطایای روحانی برخوردار نباشد، ولی همه باید از ثمره روح القدس، و مخصوصاً از محبت، برخوردار باشند.

<b>۵</b>	<b>دعا (۸ دقیقه)</b>
<b>دعای در پاسخ به کلام خدا</b>	

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعا‌های کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

<b>۶</b>	<b>تکلیف منزل (۲ دقیقه)</b>
<b>برای درس بعدی</b>	

(سر گروه: رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

- ۱ - **تعهد** - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
- ۲ - **برای يك فرد یا گروه، موضوع "خدمت بر اساس عطایای روحانی"** را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
- ۳ - **راز گاهان** - هر روز نیمی از يك فصل از عبرانیان ۱۱-۱۳ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
- ۴ - **حفظ کردن** - هر روز آخرین ۵ آیه حفظی از یوحنا را مرور کنید.
- ۵ - **بررسی کتاب مقدس** - درس بعدی بررسی کتاب مقدس (یوحنا فصل ۱۶) را در خانه آماده کنید. از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید.
- ۶ - **دعا** - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
- ۷ - **آموخته‌های جدید** مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر (یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد راز گاهان، آیات حفظی، یادداشت‌های تعلیمی و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

## درس ۳۶

۱	دعا
---	-----

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) عبرانیان
---	---

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگهان خود را از قسمت مشخص شده (عبرانیان ۱۱-۱۳) با دیگران در میان بگذارید (یا از روی یادداشت‌های رازگهان آن روز بخوانید).  
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان می‌گذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: یوحنا
---	---

مرور: دو نفری آخرین ۵ آیه حفظی از انجیل یوحنا را مرور کنید.

۴	بررسی کتاب مقدس (۸۵ دقیقه) یوحنا ۱۶: ۱-۳۳
---	--

مقدمه: یوحنا فصل‌های ۱۴ الی ۱۷ در بر گیرنده تعالیم و دعای عیسی در واقعه شام آخر می‌باشند. در یوحنا فصل ۱۶ عیسی به شاگردان خود وعده‌هایی می‌دهد. او وعده می‌دهد که آنها را هرگز ترك نخواهد کرد، و روح القدس را خواهد فرستاد. او همچنین وعده داد که آنها پس از قیامت، دوباره او را خواهند دید.

<b>قدم ۱: بخوانید</b> بخوانید: یوحنا ۱۶: ۱-۳۳ را با هم بخوانیم. هر یک به نوبت يك آیه را بخواند تا تمام قسمت خوانده شود.	
---	--

<b>قدم ۲: کشف کنید</b> توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ بنویسید: يك یا دو حقیقتی را که درك می‌کنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضاء گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم در میان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کرده‌ایم با یکدیگر در میان بگذاریم. (موارد زیر مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر در میان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید که در هر گروه کوچک اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم در میان می‌گذارند که نباید لزوماً یکسان باشند).	
---	--

**کشف ۱)** در یوحنا ۱۶: ۷-۱۱ در رابطه با کار روح القدس حقیقت مهمی برای من وجود دارد. عیسی می‌فرماید که رفتن او به نفع شاگردانش است، زیرا با رفتن او، روح القدس نزد آنها می‌آید. رفتن عیسی يك واقعه تأسف‌بار نیست، بلکه يك واقعه پیروزمندانه است و برای شاگردان يك امتیاز محسوب می‌شود.  
(۱) وقتی عیسی هنوز روی زمین بود، او "با" شاگردانش بود. بعد از صعودش به آسمان و جاری ساختن روح القدس، عیسی "در" قلوب شاگردانش زندگی می‌کند.

۲) زمانی که عیسی هنوز روی زمین بود، باید بر روی صلیب جان می‌سپرد و قیام می‌کرد و نجات را برای انسانها مهیا می‌ساخت. پس از صعودش به آسمان و ریزش روح القدس، عیسی از طریق روح القدس عطیه نجات را در قلوب و زندگی ایمانداران بکار میبرد و مهیا میسازد.

عیسی می‌فرماید که وقتی روح القدس بیاید، "جهان را بر گناه و عدالت و داوری ملزم خواهد نمود. اما بر گناه، زیرا که به من ایمان نمی‌آورند. و اما بر عدالت از آن سبب که نزد پدر خود می‌روم و دیگر مرا نخواهید دید. و اما بر داوری، از این رو که بر رئیس این جهان حکم شده است". واژه اصلی که در یوحنا ۱۶: ۸ برای "ملزم کردن" بکار رفته است، دارای چند مفهوم عمیق می‌باشد: آشکار نمودن، متقاعد کردن و ملزم ساختن. کار روح القدس این است که گناهان انسانها را "آشکار سازد"، آنها را نسبت به حقیقت متقاعد و مجاب نماید و آنها را نسبت به خطاها و تقصیرهایشان ملزم کند.

**الف) روح القدس گناهان جهان را آشکار خواهد کرد.** او جهان را نسبت به گناه ملزم خواهد ساخت. یعنی گناهان جهان را عریان و آشکار خواهد نمود، مخصوصاً این واقعیت را که آنها عیسی مسیح را نپذیرفتند و در نهایت او را کشتند. او سعی خواهد کرد احساس تقصیر مردم را از بین ببرد، (کاری که امروزه بسیاری از مردم انجام می‌دهند)، بلکه بر عکس، وجدان گناهکاران را در مورد شرارت و گناه بیدار می‌سازد. تنها زمانی انسانها می‌توانند توبه کرده، نجات یابند که پی ببرند گناهکار هستند.

**ب) روح القدس جهان را نسبت به حقیقت و راستی متقاعد خواهد ساخت.** او جهان را نسبت به عدالت ملزم خواهد ساخت. کلمه "جهان" در اینجا به یهودیانی اشاره دارد که در صدد مصلوب کردن عیسی بودند و او را شخصی جنایتکار و "مجرم" می‌دانستند یعنی "یک شخص شریر" (یوحنا ۱۸: ۳۰). ولی عیسی پس از قیامش به سوی پدر رفت. قیام عیسی ثابت می‌کند که خدا از عیسی خشنود بود و او را "شخصی قدوس و عادل" می‌شمرد (اعمال ۳: ۱۴-۱۵). خدا وقتی جهان را نسبت به این حقیقت ملزم می‌کند که او و مسیح او "عادل" هستند، همزمان جهان را به این خاطر که در گناه و تاریکی بسر می‌برند محکوم می‌کند. روح القدس جهان را نسبت به "عدالت کامل مسیح" و اینکه "چگونه می‌توانند در نتیجه عمل نجاتبخش مسیح بر روی صلیب عادل شمرده شوند" ملزم خواهد ساخت.

**پ) روح القدس جهان را نسبت به تقصیرات و خطاهایشان ملزم خواهد ساخت.** او جهان را نسبت به داوری عادلانه خدا ملزم خواهد ساخت. روح القدس همه را متقاعد خواهد کرد که داوری و محکومیت خدا یک حقیقت مهم و جدی است. کار تمام شده عیسی مسیح در زمان آمدن اولیه اش، بدین معنا است که خدا گناه، گناهکاران و کسانی را که مانند شیطان (رئیس این جهان) گناه را در جهان ترویج می‌دهند، سخت داوری خواهد کرد. بر طبق اول یوحنا ۳: ۸، عیسی مسیح از این رو به جهان آمد تا اعمال شیطان را باطل سازد. در یوحنا ۱۲: ۳۱-۳۲، "بلند کرده شدن عیسی از روی زمین" به "مرگ، قیام، صعود و جلوس او بر تخت شاهی" اشاره دارد. بنابراین عیسی به این جهان آمد تا جهان را داوری کند و رئیس این جهان را بیرون افکند. در صلیب عیسی، دنیای شریر و شیطان هر دو محکوم هستند. آمدن عیسی به این جهان باعث داوری جهان شریر شد، زیرا جهان با عیسی مسیح مخالفت کرده، او را انکار و محکوم نموده بود. نیز آمدن عیسی باعث بیرون افکنده شدن رئیس این جهان شد (مکاشفه ۱۲: ۵-۹).

مطابق دانیال ۱۰: ۱۳، ۲۰-۲۱، شیطان و ایادی‌اش در دوران عهد عتیق هنوز بر ملل جهان اقتدار فراوانی داشتند. اما مرگ، قیام و پادشاهی پر قدرت عیسی مسیح به حاکمیت شیطان بر ملل مختلف جهان پایان داد (افسیان ۱: ۲۰-۲۱؛ اول پطرس ۳: ۲۲). این حقیقت که شیطان از مقام و اقتداری که بر جهان داشت رانده شده است، بدین معنا است که عیسی در دوران مابین آمدنش به این دنیا و بازگشتش، میلیونها نفر را از هر قوم و ملتی به سوی خود خواهد کشید. شیطان دیگر نمی‌تواند از موعظه پیغام انجیل به تمام ملل جهان و نجات بسیاری از مردم از زبانها و ملیتهای مختلف، جلوگیری کند. او بواسطه مرگ عیسی بر صلیب، قیام، صعود و جلوسش بر تخت پادشاهی، اقتدار خود را بر ملل مختلف از دست داد. بنابراین دیگر نمی‌تواند مانع از انتشار پیغام انجیل و انتقال انسانها از ملکوت شیطان به ملکوت مسیح شود (مکاشفه ۲۰: ۱-۳). در متی ۱۲: ۲۹ می‌خوانیم که اکنون شیطان بسته شده است و مردم از ملکوت او آزاد شده، به ملکوت پر قدرت عیسی مسیح منتقل گشته‌اند (کولسیان ۱: ۱۳). محکومیت شیطان به هنگام بازگشت عیسی مسیح بر تمام مردم جهان آشکار خواهد شد، زیرا او به آتش جهنم افکنده خواهد شد (مکاشفه ۲۰: ۱۰).

هر که از نصاب شیطان پیروی کند و توبه نکند، همراه با او زیر محکومیت قرار خواهد گرفت. من نیز این کار روح القدس را در زندگی خود تجربه کرده‌ام.

## **کشف ۲) در یوحنا ۱۶: ۱۲-۱۵ در رابطه با کار روح القدس حقیقت مهمی برای من وجود دارد.**

**الف) در آن زمان مکاشفه حقیقت هنوز کامل نشده بود.** در آیه ۱۲، عیسی می‌فرماید: "و بسیار چیزهای دیگر نیز دارم که به شما بگویم، لکن الان طاقت تحمل آنها را ندارید." در آن زمان عیسی مسیح مکاشفه خود را هنوز بطور کامل برای شاگردانش آشکار نکرده بود، زیرا آنها ایمان لازم را نداشتند و برخی از اتفاقات نیز هنوز باید به وقوع می‌پیوست. شاگردان باید او را ترک می‌کردند و انکارش می‌نمودند، و خود عیسی نیز باید محاکمه، مصلوب و دفن می‌شد. سپس باید قیام و صعود می‌کرد و بر تخت پادشاهی خود در آسمان می‌نشست، و روح القدس نیز باید جاری می‌شد. بنابراین کار نجاتبخش عیسی هنوز بطور کامل تحقق نیافته بود.

ب) مکاشفه حقیقت از طریق روح مسیح به تحقق می‌رسید. عیسی در آیه ۱۳ به شاگردان خود می‌فرماید که پس از ریزش روح القدس، آنها را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد. روح القدس آنها را به انجام کاری وادار نخواهد کرد، بلکه مانند يك رهبر آنها را هدایت خواهد نمود. آنچه برای روح القدس مهم است، تمامی حقیقت است، و نه فقط بخشی از آن. امروزه مسیحیانی هستند که همواره تنها بر برخی حقایق خاص یا بر بخشی از يك حقیقت تأکید می‌ورزند. اما تأکید روح القدس همیشه بر کل حقیقت است، و نه صرفاً بخشی از آن. پولس رسول می‌فرماید: "زیرا که از اعلام نمودن شما به تمامی اراده خدا کوتاهی نکردم" (اعمال ۲۰: ۲۷).

پ) مکاشفه حقیقت توسط مطالب عهد جدید به تحقق رسید. این نبوت عیسی به تحقق رسید. وعده او در مورد آمدن روح القدس در کتاب اعمال رسولان به تحقق رسید. وعده او در این مورد که روح القدس آنها را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد، آشکارا در رسالاتی که رسولان مسیح در عهد جدید نگاشته‌اند، به تحقق رسید. و این وعده او نیز که روح آنها را از وقایع آینده باخبر خواهد ساخت، آشکارا در کتاب مکاشفه به تحقق رسید. روح القدس همواره مسیحیان را در راستای حقایق کلام خدا هدایت خواهد کرد. کلام خدا آنگاه که اعلام و موعظه می‌شود، "شمشیر روح القدس" است. (افسیان ۶: ۱۷).

ت) روح القدس مسیح را جلال می‌دهد. روح القدس توجه دیگران را به خود جلب نمی‌کند، بلکه به مسیحیان قدرت می‌دهد تا در مورد مسیح موعظه کنند. او کار تکمیل شده نجات توسط مسیح را در زندگی مسیحیان عملی می‌سازد. او از آنچه که مسیح در گذشته انجام داده، در حال حاضر انجام می‌دهد و در آینده نیز انجام خواهد داد، برای تعلیم ما استفاده می‌کند. من نیز این حقیقت را تجربه کرده‌ام که وقتی کتاب مقدس را مطالعه می‌کنم، روح القدس حقایق موجود در آن را برای من باز می‌کند و به من کمک می‌کند تا عیسی مسیح را بیش از پیش دوست بدارم.

### قدم ۳: سؤال

**توجه کنید:** در این متن چه سؤالاتی در زمینه‌های مختلف وجود دارد که مایلید در گروه آنها را بپرسید؟ سعی کنیم تمام حقایق مربوط به یوحنا ۱۶: ۱-۳۳ را درک کنیم و در مورد آنچه نمی‌فهمیم سؤالهای خود را مطرح کنیم. **بنویسید:** تا آنجایی که امکان دارد سؤالهای خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.

**در میان بگذارید:** (بعد از اینکه مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد اجازه دهید که هرکدام از افراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد).

**گفتگو کنید:** (سپس چند سؤال را از بین همه سؤالها انتخاب کنید و سعی کنید با گفتگو کردن در مورد آنها در گروه جوابی برای آنها پیدا کنید. در ادامه، نمونه سؤالاتی که ممکن است شاگردان بپرسند و همچنین ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است).

### سؤال ۱) چه ارتباطی میان فصلهای ۱۴، ۱۵ و ۱۶ وجود دارد؟

**ملاحظات:** در یوحنا فصل ۱۴، تأکید اصلی روی تسلی و آرامش است. در یوحنا فصل ۱۵ تأکید روی نصیحت و اخطار است، و حال آنکه تأکید اصلی در یوحنا فصل ۱۶ روی پیشگویی است. عیسی پیشگویی کرد که یهودیان به شاگردان جفا خواهند رساند، و اینکه او جسماً از آنها جدا خواهد شد و ترکشان خواهد کرد. او پیشگویی کرد که شاگردان برای مدت کوتاهی غمگین خواهند بود. همچنین پیشگویی کرد که روح القدس بر مسیحیان خواهد آمد، تأثیری شگرف بر جهان برجای خواهد گذاشت، و شاگردان را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد. نیز عیسی پیشگویی کرد که شاگردان شامگاه همان روز پراکنده خواهند شد. افعال بکار رفته در فصل ۱۶ همگی به زمان آینده اشاره دارد، زیرا عیسی می‌خواست که شاگردانش در رویارویی با جفاها نومید نشوند. شاگردان ممکن بود در اوج جفاها در این مورد که آیا عیسی واقعاً این قدرت را دارد که تمام امور روی زمین را تحت کنترل خود بگیرد، دچار شک و تردید شوند. ناامیدی آنها و هجوم چنین سؤالات و شک و تردیدهایی می‌توانست روی ایمان آنها نیز اثر بگذارد. شاگردان نباید از اینکه دنیا به آنها جفا می‌رساند تعجب می‌کردند، چنانکه گویی جفا دیدن برای آنها اتفاق عجیبی است (۱ پطرس ۴: ۱۲). عیسی مسیح شاگردان خود را برای کاری که روح القدس در دوران عهد جدید در آنها انجام می‌داد، آماده می‌کرد. منظور از عهد جدید، دوران بین آمدن عیسی مسیح و بازگشت او است. مسیحیان در این دوران آماج جفا هستند، اما در عین حال خیلی‌ها نیز نسبت به گناه، عدالت و داوری ملزم می‌شوند. و سرانجام دوران عهد جدید زمانی به پایان خواهد رسید که این حقیقت که مسیح بر جهان غالب آمده است، به طور کامل بر همگان آشکار شود (یوحنا ۱۶: ۳۳).

**سؤال ۲) (یوحنا ۱۶: ۱۶-۲۲).** منظور از "اندک زمانی" که طی آن عیسی از شاگردانش خود جدا خواهد بود و آنان به خاطر دوری او غمگین و محزون خواهند بود، چیست؟

**ملاحظات:** عیسی مسیح چه زمانی از شاگردان خود جدا می‌شد و دیگر در بینشان حضور نمی‌داشت؟ او در یوحنا ۱۶: ۱۶-۲۲، می‌فرماید: "بعد از اندک زمانی مرا نخواهید دید، و پس از اندک زمانی باز مرا خواهید دید". سپس منظور خود را اینطور توضیح می‌دهد: "شما گریه و زاری خواهید کرد و جهان شادی خواهد نمود. شما محزون می‌شوید لکن حزن شما به خوشی مبدل خواهد شد... پس شما همچنین الان محزون می‌باشید، لکن باز شما را خواهیم دید و دل شما خوش خواهد گشت و هیچ کس آن خوشی را از شما نخواهد گرفت." عیسی مسیح به شاگردان توضیح داد که او بزودی توسط مردم و مقامات شریر این جهان مجازات و محکوم به مرگ خواهد شد، و پس از مرگش برای مدت کوتاهی در میان آنها نخواهد بود. در یوحنا ۱۶ می‌خوانیم که شاگردان در این دوران جدایی دچار حزن و غم بودند، و در متی ۹: ۱۵-۱۷ می‌خوانیم که آنان در این مدت روزه گرفتند.

بنابراین آن "اندک زمانی" که قرار بود عیسی در بین شاگردان خود حضور نداشته باشد و زمان حزن و ماتم بود، به فاصله بین مرگ و قیام عیسی اشاره داشت. پس از قیام عیسی مسیح، هیچ کس قادر نخواهد بود شادی شاگردان عیسی را از آنها بگیرد.

**سؤال ۳) (یوحنا ۱۶: ۲۳-۲۴). منظور از دعا کردن در نام عیسی مسیح چیست؟**  
**ملاحظات:** دعا کردن در نام عیسی مسیح دارای دو جنبه می‌باشد:

**الف) دعا کردن در نام عیسی مسیح یعنی دعا کردن بر اساس شایستگی نام مسیح (یوحنا ۱۶: ۲۳-۲۴)**  
۱) ما به شایستگی نام مسیح چیزی را درخواست می‌کنیم. یوحنا ۱۶: ۲۴ می‌فرماید: "تا کنون به اسم من چیزی طلب نکردید، بطلبید تا ببینید و خوشی شما کامل گردد." قبل از اینکه شاگردان، مسیحی شوند، چگونه دعا می‌کردند؟ تمام شاگردان متعلق به قوم خدا در عهد عتیق بودند. آنها درخواستهای خود را مستقیماً نزد خدا مطرح می‌کردند و جز خدا، به هیچ نام دیگری متوسل نمی‌شدند. به عنوان مثال، در مزمور ۱۷، داود پادشاه دعای خود را اینگونه آغاز می‌کند: "ای خداوند، عدالت را بشنو و به فریاد من توجه فرما. و دعای مرا که از لب بی‌ریا می‌آید گوش بگیر." قوم خدا در عهد عتیق خدا را به نام "خداوند" یا "خدا" خطاب می‌کردند. اما دعاهای خود را در نام خدا به پایان نمی‌رساندند، بلکه منتظر آمدن مسیح موعود بودند که بنا بود خدا توسط او تمام ملل روی زمین را برکت دهد (پیدایش ۲۲: ۱۸).

حال مسیح موعود آمده بود، و باید در راه گناهان بشر جان می‌سپرد. خدا می‌خواست از طریق مرگ و قیام مسیح تمام ملل جهان را برکت دهد. عیسی مسیح باید از طریق کار تمام شده نجات بر روی صلیب، واسط و میانجی میان انسان و خدا می‌شد. تا بدینوسیله انسانها بتوانند در نام عیسی مسیح به حضور خدا دعا کنند.

چرا مرگ و قیام مسیح برای دعا دارای اهمیت فراوان است؟ عیسی مسیح به عنوان يك واسط و میانجی، راهی به سوی خدای پدر مهیا کرد. اگر عیسی در راه گناهان ما فدا نشده بود، ما نمی‌توانستیم به حضور خدای قدوس و عادل برویم زیرا در ما هیچ عدالت و قدوستی یافت نمی‌شد. ولی چون عیسی مسیح در راه گناهان ما فدا شد و قیام فرمود، راه به سوی خدای پدر برای ما باز شده است. بر طبق افسسیان ۲: ۱۸ و ۳: ۱۲، "ما می‌توانیم آزادانه و با اطمینان به خدا نزدیک شویم." و عبرانیان ۴: ۱۶ می‌فرماید: "پس با دلیری نزدیک به تخت فیض ببایم تا رحمت ببایم و فیضی را حاصل کنیم که در وقت ضرورت (ما) را اعانت کند."

۲) **خدا بر اساس شایستگی نام مسیح به درخواستهای ما پاسخ می‌دهد.** یوحنا ۱۶: ۲۳ می‌فرماید: "و در آن روز چیزی از من سؤال نخواهید کرد. آمین آمین به شما می‌گویم که هر آنچه از پدر به اسم من طلب کنید، به شما عطا خواهد کرد." در واقع، ترجمه بهتر این جمله چنین است: "آمین آمین به شما می‌گویم، آنچه از پدر طلب کنید، او آن را در نام من به شما عطا خواهد کرد." نه تنها برای طلبیدن چیزی از خدا باید در نام مسیح دعا کنیم، بلکه دریافت پاسخ آن درخواست نیز در نام او است. خدای پدر بر اساس نقشه کامل نجات که در پسر به تحقق رسیده است، به درخواستهای ما پاسخ خواهد داد. خدای پدر بر اساس محبت خود نسبت به عیسی مسیح و بر اساس قربانی عیسی مسیح بر صلیب به ما پاسخ خواهد داد. عیسی مسیح بواسطه کار تمام شده نجات بر صلیب، واسط و میانجی میان انسانها و خدا است. به همین جهت، خدای پدر در نام عیسی مسیح به درخواستهای انسان پاسخ می‌دهد.

چرا مرگ و قیام مسیح برای دعا حائز اهمیت فراوان است؟ عیسی مسیح به عنوان يك واسط و میانجی، راه دسترسی به خدا را برای ما باز کرد. اگر عیسی در راه گناهان ما فدا نشده بود، خشم مقدس و عادلانه خدا بخاطر گناهانمان، مانع از این می‌شد که خدا به دعاهای ما گوش کند. و بر طبق مزمور ۶۶: ۱۸، امثال ۱: ۲۳-۳۳ و اشعیا ۱: ۱۵، در آنصورت خدا هرگز به دعاهای ما گوش نمی‌داد.

بنابراین، دعا کردن در نام عیسی مسیح به مفهوم دعا کردن با این اطمینان و دلیری است که خدا به دعای ما گوش داده، پاسخ می‌دهد.

**ب) دعا کردن در نام عیسی مسیح یعنی دعا کردن بر طبق اراده مسیح (اول یوحنا ۵: ۱۴)**  
این آیه می‌فرماید: "و این است آن دلیری که نزد وی داریم که هر چه بر حسب اراده او سؤال نماییم، ما را می‌شنود."

۱) **عیسی مسیح به عنوان شفیع و میانجی، ماهیت و شخصیت خدا را آشکار کرد.** چرا برای دعا، داشتن آگاهی و شناخت از شخصیت و اراده خدا حائز اهمیت فراوان است؟ عیسی مسیح به عنوان واسط و میانجی بین خدا و انسان، شخصیت و ماهیت واقعی خدا را آشکار کرد. برخی از مردم به بتها ایمان دارند. و حال آنکه بتها صرفاً ساخته دست انسانها هستند و هیچ حیتی در خود ندارند. آنها نمی‌توانند به دعاهای انسانها گوش کرده به آنها کمک کنند. برخی از مردم نیز به خدایانی ایمان دارند که غیر قابل پیش‌بینی و بی‌ثبات هستند. هیچ کس نمی‌داند چگونه باید دعاهای خود را به چنین خدایانی عرضه کند. ولی خدای زنده شخصیت خود را مکتشف ساخته است. به عنوان مثال، چون خدا قدوس است، می‌دانیم که نباید از او چیزهایی بطلبیم که ناپاک هستند. چون او خدایی رحیم است، می‌دانیم که باید از او طلب بخشش کنیم. چون او خدایی امین و وفادار است، می‌توانیم از او کمک بخواهیم. بنابراین، ما هر چه بیشتر در مورد شخصیت خدا شناخت داشته باشیم، بهتر خواهیم دانست که چگونه باید دعا کنیم.

۲) عیسی مسیح به عنوان شفیع و میانجی، اراده خدا را آشکار کرد. دعا کردن در نام عیسی مسیح یعنی دعا کردن مطابق اراده مکشوف شده مسیح. اگر عیسی مسیح خداوند و ارباب است، در آنصورت مسیحیان نباید برای چیزهایی که خلاف اراده او است دعا کنند. زیرا آنها می‌دانند که چنین چیزهایی خدا را خشنود خواهد کرد. بنابراین، دعا کردن در نام عیسی مسیح بدین معنا است که با اطمینان و دلیری برای موضوعاتی دعا کنیم که مطابق با اراده مکشوف شده خدا است و باعث گسترش ملکوت و جلال خدا می‌شود.

#### **قدم ۴: بکار ببرید**

**توجه کنید:** کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان‌پذیر است. در میان بگذارید و بنویسید: افکار خود را صریحاً با هم در میان بگذارید و فهرستی از کاربردهای امکان‌پذیر براساس یوحنا ۱: ۱-۳۳ تهیه کنید.

**توجه کنید:** خدا از شما می‌خواهد کدامیک از کاربردهای امکان‌پذیر را تبدیل به یک کاربرد شخصی بکنید؟  
**بنویسید:** این کاربرد شخصی را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران در میان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می‌کنند و حتی از یک حقیقت کاربردهای متفاوتی می‌یابند.  
(فهرست زیر، نمونه‌هایی از کاربردهای امکان‌پذیر در این قسمت از کتاب مقدس میباشند).

#### **نمونه‌هایی از کاربردهای امکان‌پذیر (انجیل یوحنا فصل ۱۶)**

- ۱۶: ۸-۱۰ \* وقتی که شما پیغام انجیل را اعلام می‌کنید، اطمینان و یقین داشته باشید که خدا خود از طریق روح‌القدس گناهان انسانها را آشکار کرده، آنها را نسبت به حقیقت کتاب‌مقدس متقاعد خواهد ساخت و چنانچه نسبت به پیغام انجیل بی‌تفاوت باشند، آنها را در مورد داوری ملزم خواهد کرد.
- ۱۶: ۱۲-۱۵ \* عیسی پس از قیام، صعود و جلوسش بر تخت شاهی در آسمان، بسیاری از حقایق را توسط روح‌القدس برای رسولان خود مکشوف ساخت. تمامی این مکاشفات به ثبت رسیده‌اند و بنابراین در عهد جدید کامل شده‌اند.
- ۱۶: ۱۳ \* روح‌القدس امروزه نیز هیچگاه شما را به سوی آنچه که با حقایق مکشوف شده در کتاب‌مقدس مطابقت ندارد، هدایت نمی‌کند. همچنین روح‌القدس هیچ حقیقتی را بر شما آشکار نمی‌کند که بخواهید آن را به کتاب‌مقدس بیفزایید.
- ۱۶: ۱۹-۲۲ \* شما می‌توانید یک زندگی شاد داشته باشید، زیرا عیسی مسیح قیام کرده، زنده و حاضر است.
- ۱۶: ۲۴ \* شما می‌توانید با اطمینان و دلیری دعا کنید، زیرا عیسی واسطه و میانجی میان خدا و شما است و شفیع میان شما خدا است.
- ۱۶: ۳۳ \* هیچ‌گاه از یاد مبرید که در این دنیا زحمات و سختی‌هایی را تجربه خواهید کرد. ولی از طرف دیگر به یاد داشته باشید که عیسی مسیح بر جهان غالب آمده است و جهان تحت کنترل او است. به همین دلیل است که شما این توانایی را دارید که بواسطه قدرت و وعده عیسی مسیح، اعمال بزرگتر انجام دهید (یوحنا ۱۴: ۱۲).

#### **نمونه‌هایی از کاربردهای شخصی**

الف) این حقیقت باعث تشویق و دلگرمی من می‌شود که وجود جفا و زحمات لزوماً به این معنا نیست که من نسبت به خدا گناه ورزیده‌ام و حال او دارد مرا مجازات می‌کند. بلکه اکنون می‌دانم که زحمات و جفاها بخشی از زندگی یک مسیحی است و عیسی مسیح قبلاً در این مورد پیشگویی کرده است. بنابراین وقتی که انسانهای دیگر از من تفرق دارند و به من جفا می‌رسانند، نباید متعجب شوم و فکر کنم چیز عجیبی برای من اتفاق افتاده است. من در انتظار بازگشت عیسی مسیح و احیای این زمین هستم زمانی که پیروزی کامل او بر تمام مردم شریر یک واقعیت جاودانه کامل خواهد شد.

ب) من کاملاً متقاعد شده‌ام که کتاب اعمال رسولان به‌خوبی توضیح می‌دهد که چگونه پیشگویی عیسی در رابطه با آمدن روح‌القدس بر کلیسا و تأثیر عظیم آن بر زمین، به تحقق رسیده است. اکنون می‌دانم که روح‌القدس رسولان مسیح را به جمیع راستی هدایت کرد، و به همین دلیل آنها توانستند مفهوم کار تمام شده نجات توسط مسیح را در قالب رسالات خود در عهد جدید به ما تعلیم دهند. من اکنون می‌دانم که روح‌القدس در رابطه با وقایع آینده به شاگردان خبر داد، و این پیشگوییها در رسالات پولس، پطرس و یوحنا، و مخصوصاً در کتاب مکاشفه به ثبت رسیده است.

#### **قدم ۵: دعا کنید**

در مورد حقیقتی که خدا به ما در یوحنا ۱: ۱۶-۳۳ آشکار کرده است، دعا کنیم.  
(در دعای خود به آنچه که در طی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده اید، پاسخ دهید. تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. بیاد داشته باشید که افراد در هر گروه، در مورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

دعا (۸ دقیقه)	۵
دعای شفاعت	

به دعا کردن در گروه های دو یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و مردم دنیا دعا کنید.

تکلیف منزل (۲ دقیقه)	۶
برای درس بعدی	

(سرگروه: رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

- ۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
- ۲ - برای يك فرد یا گروه، موضوع " یوحنا فصل ۱۶ " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
- ۳ - رازگهان - هر روز نیمی از يك فصل از یعقوب ۱-۳ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
- ۴ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (محبت کردن از طریق پرداخت بها: دوم قرننیا ۱۲: ۱۴-۱۵) را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
- ۵ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
- ۶ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر (یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت های خود در مورد رازگهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

## مسئولیت والدین در رابطه با تأدیب فرزندان

**مقدمه:** بخش مهمی از تربیت فرزندان در يك خانواده مسیحی، تأدیب نمودن آنها است. عبرانیان ۱۲: ۵-۶ می‌فرماید: "ای پسر من تأدیب خداوند را خوار م شمار و وقتی که از او سرزنش یابی، خسته خاطر مشو. زیرا هر که را خداوند دوست می‌دارد، توبیخ می‌فرماید و هر فرزند مقبول خود را به تازیانه می‌زند." و امثال ۳: ۱۲ می‌فرماید: "زیرا خداوند هر که را دوست دارد تأدیب می‌نماید، مثل پدر پسر خویش را که از او مسرور می‌باشد." بر طبق کلام خدا، تأدیب نوعی ابراز محبت است. بنابراین، تأدیب نباید هرگز وسیله‌ای باشد برای ابراز خشم غیرقابل کنترل یا مجازاتی ناعادلانه. تأدیب همواره باید در فضای راستی و محبت صورت گیرد.

### ۱- تأدیب نمودن بخش مهمی از تربیت است.

**کشف و گفتگو کنید:** تأدیب از چه جهت بخشی از تربیت است؟

(الف) **بخوانید:** امثال ۲۲: ۶. کلمه "تربیت" در امثال ۲۲: ۶ و افسسیان ۶: ۴ عبارت است از "کسب عادات خوب، بویژه از طریق انضباط و تصحیح".

(ب) **بخوانید:** افسسیان ۶: ۴؛ کولسیان ۳: ۲۱. دقت کنید که بر طبق کلام خدا، پدران مسئولیت تأدیب و تربیت فرزندان را بر عهده دارند. اگرچه مادران در این زمینه به پدران کمک می‌کنند، پدران نباید تکلیفی را که خدا به آنها سپرده است، نادیده بگیرند.

(پ) **بخوانید:** عبرانیان ۱۲: ۱۰-۱۱. "تأدیب" در وهله اول به مفهوم تنبیه کردن فرزند به خاطر ارتکاب خطا نمی‌باشد، بلکه بیشتر به مفهوم تربیت نمودن طفل در راهی است که باید در آن گام بردارد (امثال ۲۲: ۶). بنابراین، محبت واقعی پدر نسبت به فرزندش باعث می‌شود که وی را تأدیب کند. و از آنجایی که این تأدیب از سر محبت است، هیچگاه با تندی در صدد اصلاح فرزند بر نمی‌آید، زیرا خدا به پدران اجازه نمی‌دهد که باعث عصبانیت فرزندان خود بشوند. چنین طرز برخوردی باعث ناامیدی فرزند می‌شود. اگر والدین فرزند خود را دوست دارند، او را تأدیب می‌کنند، ولی هیچگاه او را از خود سرخورده نمی‌سازند. امتیاز بزرگ تأدیب این است که فرزند بدین ترتیب رابطه درستی با خدا برقرار کرده، در ارتباط با دیگران اعمال درستی را به جا می‌آورد و در قلب خود از صلح و آرامش برخوردار می‌شود.

### ۲- تأدیب نمودن به مفهوم تعیین حد و مرز است.

**کشف و گفتگو کنید:** خدا و والدین در چه مواردی حد و مرز تعیین می‌کنند؟

(الف) خدا و والدین حد و مرزهای مختلفی تعیین می‌کنند.

(۱) **بخوانید:** تثبیه ۵: ۱۷-۲۱. در ده فرمان با ده محدودیت مهم مواجه می‌شویم. بدون وجود این گونه محدودیت‌ها و حد و مرزها، جامعه در ارتباطش با خدا و دیگران دچار شکست می‌شود.

(۲) **بخوانید:** متی ۵: ۱۳-۱۶؛ مزمور ۱: ۱؛ مزمور ۱۱۹: ۳۷؛ امثال ۱: ۱۰-۱۵؛ ۴: ۱۴-۱۵، ۲۳-۲۷؛ ۵: ۱-۸، ۶: ۲۰-۲۹؛ ۷: ۲۴-۲۷؛ اول قرنتیان ۱۵: ۳۳. اگرچه مسیحیان باید همواره بر دیگر انسانها تأثیر بگذارند و در فعالیتهای جامعه خود شرکت داشته باشند، خدا و والدین در خصوص افرادی که فرد باید با آنها مشارکت و ارتباط نزدیک داشته باشد، حد و حدودی را تعیین می‌کنند. مسیحیان نباید با افراد شریر، تمسخرکنندگان، جنایتکاران، افرادی که از نظر اخلاقی فاسد هستند و کسانی که می‌خواهند آنها را به انجام کارهای بد و ناشایست وادارند، ارتباط نزدیک داشته باشند. مسیحیان نباید فکر کنند ارتباط و دوستی با افراد فاسد بر شخصیت خود آنها تأثیری نخواهد گذاشت.

(ب) چرا باید حد و مرزهایی وجود داشته باشد؟

**کشف و گفتگو کنید:** چرا خدا و والدین این حد و مرزها را معین می‌کنند؟

**بخوانید:** اول قرنتیان ۸: ۹، غلاطیان ۵: ۱، ۱۳، ۲۴؛ اول پطرس ۲: ۱۶

**ملاحظات:** والدینی که فرزندان خود را دوست دارند، به آنها اجازه نمی‌دهند از يك آزادی نامحدود برخوردار باشند. محبت واقعی و خالص حد و مرزی را معین میکند تا به فرزند کمک کند که تفاوت میان خوب و بد، و درست و اشتباه را تشخیص دهد. تعیین حد و مرز مشخص برای فرزند، باعث می‌شود که او در چهارچوب این حد و مرز احساس امنیت کند. چنین حد و مرزهایی به او کمک می‌کند تا بداند که در صورت عدم رعایت آنها، با عواقب بدی روبرو خواهد شد و برای خود و دیگران مشکل ایجاد خواهد کرد. فرزند بدون چنین حد و مرزهایی به‌درستی نخواهد دانست که چه اعمالی درست است و چه اعمالی



نادرست، و طبعاً قادر نخواهد بود عواقب اعمال خود را ارزیابی کند. حد و مرزهایی که برای فرزند تعیین می‌شود، مانند يك حافظ از او محافظت کرده، به فرزند كمك می‌کند تا این حقیقت را درك کند که در صورت احترام گذاشتن به چهارچوب، کارهایی که انجام می‌دهد باعث خشنودی خدا و والدینش خواهد بود.

چنین حد و مرزهایی اغلب در قالب قوانین منزل خلاصه می‌شوند. والدین به روشنی در مورد قوانین خانه و اهمیت آنها به فرزند خود توضیح می‌دهند. والدین باید برای فرزندان خود حدود مشخصی معین کنند، و از وضع قوانین غیرضروری و بی‌اهمیت پرهیز نمایند. به عنوان مثال، والدین حتماً باید فرزندان خود را در صورت ناطاعتی، ناراستی (دروغگویی و غیره) و بی‌احترامی تأدیب کنند. تعیین حد و مرزهایی مشخص برای فرزند تنها راهی است که می‌توان در او احساس امنیت ایجاد کرد، زیرا فرزند می‌داند که چه کارهایی را باید انجام دهد و از کدام کارها باید اجتناب کند. وقتی فرزندان یاد می‌گیرند به حد و مرزهایی که در خانه برای‌شان تعیین شده است احترام بگذارند، به حد و مرزهای تعیین شده از سوی جامعه و حد و مرزهایی که خدا تعیین کرده است نیز احترام خواهند گذاشت.

### ۳- تأدیب نمودن به مفهوم توبیخ و اصلاح فرزند است.

#### الف) ضرورت توبیخ

بخوانید: اول سموئیل ۲: ۲۲-۲۴، ۳: ۱۲-۱۳؛ امثال ۲۷: ۵

**کشف و گفتگو کنید:** چرا پدری به نام عیلى در تأدیب نمودن فرزندان خود دچار شکست شد؟

**ملاحظات:** عیلى دو پسر داشت که اعمال بدی مرتکب می‌شدند. او با آنها زیاد صحبت می‌کرد، ولی هیچگاه آنها را تأدیب و اصلاح نمی‌نمود. او صرفاً از آنها می‌پرسید: "چرا چنین کارهایی می‌کنید؟" چنین سؤالی به منزله توبیخ کردن فرزند نیست، بلکه تنها درخواستی است مبنی بر انجام ندادن کاری. عیلى در عوض می‌بایست از فرزندان خود می‌پرسید: "چه کار کردید؟" و آنها را آشکارا متوجه اعمال بدی که انجام داده بودند و عواقب وخیم این اعمال می‌کرد، و به این خاطر توبیخ‌شان می‌نمود.

#### ب) جوانب مختلف توبیخ کردن

**کشف و گفتگو کنید:** مطابق کلام خدا، جوانب مختلف توبیخ کردن فرزند چیست؟

(۱) **بخوانید:** افسسیان ۵: ۱۱. والدین گناه خاصی را که فرزندشان مرتکب شده است "آشکار می‌سازند". چنین فرزندى باید کاملاً از اشتباه خود آگاه شود. والدین نیز باید مطمئن شوند که فرزندشان متوجه شده است چرا کاری که انجام داده در نظر خدا و آنها اشتباه است.

(۲) **بخوانید:** امثال ۲۷: ۵-۶؛ ۲۸: ۲۳. سپس والدین با تأیید نکردن کار فرزندشان و سرزنش کردن او، وی را توبیخ می‌کنند. (۳) **بخوانید:** تیطس ۱: ۹. در صورت لزوم، وقتی فرزند سعی می‌کند برای کار اشتباهی که انجام داده دلیل بیاورد و آن را توجیه کند، والدین می‌توانند دلایل او را "تکذیب" کنند. البته والدین باید به فرزند خود اجازه دهند که کاری را که انجام داده برای آنها توضیح دهد. ممکن است فرزند آنان برای انجام آن کار دلیل خوبی داشته است که والدین از آن غافل بوده‌اند. والدین چنانچه به اشتباه فرزندشان را به انجام کاری متهم کنند، حتماً باید به این خاطر از او معذرت بخواهند.

(۴) **بخوانید:** یوحنا ۱۶: ۸. در این حین، والدین به آرامی دعا می‌کنند تا روح‌القدس فرزندشان را در مورد اشتباهی که مرتکب شده است "متقاعد ساخته"، او را نسبت به خطایش "ملزم" سازد، تا بدین ترتیب او به خاطر اشتباهاتش شرمگین شود و احساس تقصیر کند، و از آنها توبه نماید.

(۵) **بخوانید:** دوم تیموتاؤس ۳: ۱۶. سرانجام، والدین از طریق کمک به فرزند خود، او را "اصلاح می‌کنند" تا در راه صحیح گام بردارد.

(۶) **بخوانید:** عبرانیان ۱۲: ۶؛ امثال ۲۲: ۱۵. و اگر فرزند با وجود تمام نصایح والدین، کماکان با تکبر و نادانی، قلب خود را نسبت به سخنان والدین سخت سازد و اقتدار والدین خود را نپذیرد و از آنها ناطاعتی کند، در آنصورت والدین باید چنین فرزندى را به طرزى مناسب "تنبیه کنند".

### ۴- تأدیب نمودن به مفهوم تنبیه کردن فرزند است.

#### الف) پاداش و مجازات مناسب

والدین بایستی تمایز قائل شوند در انواع گوناگون طریقه‌های تشویق و پاداش به فرزندانشان برای اینکه آنان را ترغیب کنند تا در راه صحیح بمانند. همچنین والدین باید تمایز قائل شوند در انواع متفاوت مجازات‌ها برای اینکه فرزندانشان ترغیب شوند که از راههای اشتباه خویش بازگشته و به طریق درست بازگردند.

پاداشهای امکان پذیر که فرزند را تشویق می‌کند که به راه درست ادامه دهد:

(۱) تشکر و ستایش (تحسین) فرزند برای انجام دادن آنچه که درست است.

(۲) در آغوش گرفتن فرزند و به او توجه کامل کردن.

(۳) با فرزند به گردش یا بیرون رفتن به آنجا که خودش خواهان است.

(۴) به فرزند جهت ملاقات با دوستانش آزادی بیشتری بدهید.

(۵) به فرزند نوعی جایزه بدهید.

مجازاتهای امکان پذیر که فرزند را ترغیب میکند که روش غلط خود را تغییر دهد:

- ۱) فرزند را بخاطر خطایش توبیخ کنید. اما به شخصیت او توهین (تحقیر) نکنید.
- ۲) فرزند را محدود کنید (در گوشه ای از اتاق) برای اینکه به او فرصتی بدهید که در باره خطایش فکر کند.
- ۳) قرار گردش یا بیرون رفتی را که با فرزند داشتید لغو کنید.
- ۴) مانع بعضی از آزادیهایی که جهت ملاقات با دوستانش داشت، شوید.
- ۵) مقداری از پول توجیبی او را کم کنید.
- ۶) تکالیف بیشتری جهت کار در خانه به او محول کنید.
- ۷) اگر واقعاً ضروری است، فرزند را با یک چوب تنبیه کنید. به بخش (ت) در ذیل مراجعه کنید.

ب) مجازات با نگاهی به نجات

**بخوانید:** عاموس ۴: ۶-۱۲؛ حجی ۱: ۲-۱۱؛ لوقا ۱۲: ۴۷-۴۸؛ غلاطیان ۶: ۷-۸  
خدا مردم را در زمان حاضر با مجازاتهای موقتی تنبیه و داوری میکند برای اینکه آنان را از مجازات ابدی نجات دهد (متی ۲۵: ۴۶).

خدا یک ملت را منهدم و سرزمینش را ویران می سازد برای اینکه مردم را ترغیب به توبه و اطاعت از خویش کند (ارمیا ۱۸: ۵-۱۷). خدای زنده مردم را با گرسنگی، قحطی، خرابی محصول، مریضی یا بیماریهای واگیردار، شکست در جنگ و انهدام شهرهایشان مجازات می کند برای اینکه مردم را به بازگشت به سوی خودش وادار کند (عاموس ۴: ۶-۱۲).  
خدا قومش را با خرابی محصول، خشکسالی و با از دست دادن هر چه انجام می دهند مجازات می کند تا آنها را ترغیب کند که به غافل بودن از خدا در زندگی روزانه شان خاتمه دهند (حجی ۱: ۲-۱۱).  
خدا قومش را در زمان حاضر با مجازاتهای موقتی تنبیه می کند تا آنان را از مجازات ابدی در جهنم نجات دهد. خدا کاملاً مقدس و عادل است و همچنین مجازاتهای او همیشه کاملاً منصفانه و عادلانه است (لوقا ۱۲: ۴۷-۴۸). خدا می خواهد که جدی گرفته شود و اشتیاق دارد که مردم در زندگیشان روی زمین در قنوسیت او شریک باشند (غلاطیان ۶: ۷-۸).

ب) مجازات بیدرنگ

**کشف و گفتگو کنید:** چرا گاهی لازم است فرزند را فوراً تنبیه بدنی کرد؟

**بخوانید:** جامعه ۸: ۱۱. بیدرنگ تنبیه کنید. کتاب مقدس می فرماید: "چونکه قنوی بر عمل بد بهزودی اجرا نشود، از این جهت دل بنی آدم در اندرون ایشان برای بدکرداری جازم می شود". وقتی دولتهای حاکم بر یک کشور، جنایتکاران را به سرعت مجازات نمی کنند، این افراد مرتکب جنایات بیشتری می شوند. به همین ترتیب والدین نیز وقتی فرزند خود را بسرعت و بطرزی آشکار تنبیه نمی کنند، فرزندشان هیچگاه بدرستی متوجه نمی شود که کار بدی که انجام داده تا چه حد در نظر والدین اشتباه بوده است. چنین فرزندى از کار بد خود احساس غرور می کند و حتی بیشتر از قبل دست به اعمال زشت می زند. همچنین فرزند ممکن است در نتیجه عدم تنبیه به موقع والدین، احساس عدم امنیت کند و دچار مشکلات روانی شود.

ت) تنبیه با چوب در صورت لزوم

**بخوانید:** امثال ۱۳: ۲۴؛ ۲۰: ۳۰؛ ۲۲: ۱۵؛ ۲۳: ۱۳-۱۴؛ ۲۹: ۱۵، ۱۷. با چوب تنبیه کنید. هیچ قدرت حاکمی در دنیا این اقتدار یا اجازه را ندارد که با احکام روشن خدا در مورد تأدیب فرزندان مخالفت کند. هر حکومت یا قدرتی که احکام و تعالیم خدا را که در کتاب مقدس آمده است رد کند، در واقع خدا را رد کرده و در داوری نهایی توسط خدا مورد بازخواست قرار خواهد گرفت (مزمور ۲: ۱-۲۸؛ اعمال ۴: ۱۹-۲۰؛ ۵: ۲۹؛ اول تسالونیکیان ۴: ۸؛ دوم تسالونیکیان ۱: ۸-۱۰).  
کتاب مقدس در این مورد که چرا گاه لازم است در مواردی خاص فرزندان را با چوب تنبیه کرد، دلایل مختلفی عنوان می کند. منظور از "چوب"، شاخه ای است که از یک درخت بریده شده، و بنابراین "شلاق" مورد نظر نیست. اگر به فرزند خود اجازه دهید هر کاری دلش خواست بکند و هر راهی که خواست در پیش بگیرد، مرتکب اعمال جنایت آمیزی خواهد شد (امثال ۴: ۱۴-۱۵) و یا به خاطر رفتار اشتباهش به عواقبی دردناک دچار خواهد گردید (اول قرنتیان ۱۱: ۳۰). ولی وقتی به خاطر ناطاعتی یا رفتار بدش فوراً تنبیه شود، احتمال اینکه در آینده تبدیل به فردی جنایتکار شود یا در نتیجه رفتار بدش بمیرد بسیار اندک است. کتاب مقدس تعلیم می دهد: "از تأدیب کردن فرزند خویش کوتاهی نکن. چوب تنبیه او را نخواهد کشت، بلکه جان او را از هلاکت نجات خواهد داد" (امثال ۲۳: ۱۳-۱۴). و "تنبیه برای بدن دردناک است اما دل را از بدی پاک میکند" (امثال ۲۰: ۳۰). بنابراین گاهی لازم است فرزندى را با چوب تنبیه کرد، زیرا تنها از این طریق است که می توان دل او را از بدی پاک کرده، جان او را نجات داد.

وقتی فرزند خود را با چوب تنبیه می کنید، به شیوه ای ضربه وارد کنید، که بدن او را مجروح نشود. همچنین سعی کنید با دست خود او را نزنید زیرا ممکن است بعدها از دستان شما بترسد، بلکه بهتر است از یک چوب به عنوان سمبل تنبیه استفاده کنید. بهتر است که فرزند از چوب بترسد، ولی هیچگاه نباید از والدینش یا از دستهای آنان در هراس باشد.

دلایل بیشتر دیگری نیز وجود دارند دال بر اینکه چرا در برخی از مواقع تنبیه کردن فرزند با چوب ضروری است. کتاب مقدس تعلیم می دهد: "حماقت در دل طفل بسته شده است، اما چوب تأدیب آن را از او دور خواهد کرد." و "چوب و تنبیه حکمت می بخشد، اما پسری که بی لگام باشد، مادر خود را خجل خواهد ساخت. پسر خود را تأدیب نما که تو را راحت خواهد رسانید و به جان تو لذات خواهد بخشید". گاهی فرزندان اعمالی را از روی حماقت انجام می دهند، به والدین خود احترام نمی گذارند یا

مرتکب جرم می‌شوند. در کتاب امثال بارها تعلیم داده شده که گاهی تنبیه کردن با چوب ضروری است تا بدین وسیله فرزند دارای وجدانی پاک باشد و در خانه صلح برقرار شود. چنین تنبیهی به فرزند کمک می‌کند تا از کارهای بد خود دست بکشد و جان خود را از هارویه نجات بخشد. وقتی والدین بلافاصله فرزند خود را تنبیه می‌کنند، به احتمال زیاد این فرزند شخص حکیمی می‌شود و بدینوسیله در قلوب فرزندان و والدین و در خانه‌هایشان صلح برقرار می‌شود. به طور کلی، وقتی فرزندان به سن نوجوانی می‌رسند، والدین دیگر نباید آنها را با چوب تنبیه کنند. بلکه باید از آن زمان به بعد، در صورت ارتکاب جرم مانند افراد بالغ مورد تأدیب واقع شوند.

#### **۵- تأدیب نمودن به مفهوم اطاعت کردن به طور مداوم یا همیشگی است.**

**بخوانید:** جامعه ۵: ۵

**کشف و گفتگو کنید:** اگر والدینی همیشه فرزندان خود را تهدید به تنبیه کنند ولی هیچگاه این تهدید خود را عملی نکنند و آنان را تنبیه ننمایند، نتیجه چه خواهد شد؟

#### **ملاحظات:**

جامعه ۵: ۵ تعلیم می‌دهد: "بهتر است نذر نمایی تا اینکه نذر نموده، وفا نکنی." بهتر است تهدید بی‌جا نکنیم، به عنوان مثال: "اگر تو این کار را انجام ندهی، من تو را تنبیه خواهم کرد." از عاب و تهدید باعث می‌شود فرزند مدام بترسد که مبدا تنبیه شود، یا مجبور شود برای اینکه تنبیه نشود به والدین خود دروغ بگوید، یا در خلوت برای فرار از مجازات نقشه بکشد. به همین دلیل تهدید کردن به طور کلی روش مفیدی جهت تأدیب يك فرزند نیست. به جای تهدید کردن، والدین می‌توانند به فرزند خود کمک کنند تا متوجه عواقب رفتار اشتباه خود بشود.

اگر والدین فرزندان خود را به چیزی تهدید می‌کنند، باید به حرفشان عمل کنند. زیرا اگر تهدیدشان را عملی نکنند، فرزند آنها تصور می‌کند که نباید سخنان والدینش را جدی بگیرد و به آنچه می‌گویند اعتنا کند.

والدین باید بجای آنکه صرفاً فرزندان خود را تهدید کنند، از آنها انتظار داشته باشند که پیوسته مطیع آنان باشند. والدین نباید با التماس از فرزند خود بخواهند که از آنها اطاعت کند. همچنین نباید تسلیم خواسته‌های نابجای او بشوند، زیرا در اینصورت فرزند از والدینش اطاعت نخواهد کرد یا اگر هم اطاعت کند صرفاً برای این است که تنبیه نشود. والدین نباید در زمینه اطاعت کردن به فرزند خود حق انتخاب دهند، ولی در عین حال نیز نباید از او انتظارات غیرممکن داشته باشند. تأدیب نمودن به این معنا است که والدین از فرزندان خود انتظار داشته باشند به طور دائم از آنها اطاعت کنند.

#### **۶- تأدیب نمودن به مفهوم تسلی دادن فرزند پس از توبه یا تنبیه است.**

**کشف و گفتگو کنید:** چرا بخشش و اطمینان خاطر دادن، فوق‌العاده برای فرزند مهم است؟

**الف) بخوانید:** لوقا ۱۷: ۳؛ دوم قرنتیان ۲: ۵-۸

#### **ملاحظات:**

والدین باید پس از آنکه فرزندان از گناهی توبه کرد یا پس از آنکه او را به خاطر اشتباهاتش تنبیه نمودند، فرزند خود را ببخشند، تسلی دهند و او را در مورد محبتشان نسبت به او خاطر جمع سازند. اگر والدین این کار را انجام ندهند، در واقع در زندگی فرزندان جای پای برای فعالیت شیطان باز می‌کنند و بدین ترتیب فرزندان ممکن است شخصی تلخ و انتقامجو بار آید. اگر والدین فرزند خود را پس از توبه و تنبیه نبخشند، در آنصورت فرزندان باور نخواهد کرد که اگر به خاطر گناهی که مرتکب شده از خدا آمرزش بطلبد، خدا او را خواهد بخشید و تسلی خواهد داد. کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که والدین پس از تنبیه فرزند باید او را ببخشید، تسلی دهند تا او بیش از حد دچار غم و اندوه نشود. آنها باید فرزند خود را از محبت خود نسبت به او خاطر جمع سازند. بهترین روش برای انجام این کار این است که با فرزندان دعا کنید، او را در آغوش بگیرید و علاقه خود را به او بگویید و نشان دهید.

**ب) بخوانید:** امثال ۱۷: ۹؛ عبرانیان ۸: ۱۲؛ متی ۱۸: ۳۵

#### **ملاحظات:**

به تفاوت بین "فراموش کردن گناه" و "به یاد نیاموردن آن" توجه داشته باشید. والدین پس از اینکه فرزند خود را به خاطر خطایی می‌بخشند، دیگر نباید آن را به او یادآوری کنند، زیرا در اینصورت فرزندان فکر می‌کنند که والدینش هنوز او را نبخشیده‌اند. همانطور که خدا خطایای گذشته انسانی را که توبه کرده به یاد او نمی‌آورد، والدین نیز نباید خطایای گذشته فرزندان را مدام به او یادآوری کنند. حتی اگر در آینده نیز به خاطر خطایای گذشته فرزندان عصبانی شوند، باز باید در قلب خود او را ببخشند.

## ۷- تأدیب نمودن به مفهوم تشویق کردن فرزند است.

بخوانید: کولسیان ۳: ۲۱؛ امثال ۱۵: ۱

**کشف و گفتگو کنید:** پدران چگونه گاه باعث اوقات تلخی فرزندان می‌شوند؟ آنها به چه طریقی می‌توانند فرزندان خود را تشویق کنند؟

### ملاحظات:

#### الف) راه‌های خشمگین کردن فرزند

والدین نباید با تأدیب بیش از حد فرزند، یا حتی با تأدیب نکردن او، باعث خشم و عصبانیت فرزندان بشوند. کولسیان ۳: ۲۱ می‌فرماید: "ای پدران فرزندان خود را خشمگین مسازید مبادا شکسته‌دل شوند." "اوقات فرزندان را تلخ کردن" یعنی آنها را به هیجان آوردن یا باعث شدن که آنها خشمگین شوند. پدران و مادران باید فرزندان خود را تنبیه کنند، ولی این تنبیه نباید با خشم و عصبانیت شدید همراه باشد. آنها نباید از شخصیت فرزندان انتقاد کرده، او را داوری کنند. به عنوان مثال نباید به او بگویند: "تو نادان هستی"، "تو زشت هستی"، "تو هیچ موقع سروقت نیستی"، "تو همیشه تنبل هستی." زیرا با این کار، شخصیت فرزند خود را خرد می‌کنند و او ممکن است بعدها دچار مشکلات روانی شود. پدران و مادران به راه‌های گوناگون ممکن است باعث ناامیدی و خشم فرزندان خود بشوند. به عنوان مثال راه‌های معمول که باعث یأس فرزندان میشوند عبارتند از، خشمگینانه فریاد زدن بر آنها، داد زدن سر آنها و گفتن سخنان ناشایست در مورد شخصیت آنها مخصوصاً در جمع و در حضور مردم آنها را شرمسار کردن. امثال ۱۵: ۱ تعلیم می‌دهد: "جواب نرم خشم را بر می‌گرداند اما سخن تلخ غیظ را به هیجان می‌آورد." والدین با مشاهده عکس‌العمل فرزندان می‌توانند متوجه شوند که چه چیزهایی باعث ناامیدی فرزندان می‌شود. به عنوان مثال فرزندان عصبانی و افسرده می‌شوند و از والدینشان دوری می‌گزینند. یک پدر یا مادر با مشاهده چنین عکس‌العملهایی از فرزندش باید نحوه برخورد خود را نسبت به او تغییر دهد. تأدیب باید فرزند را در جهت درست هدایت کند، ولی نباید باعث تضعیف روحیه او شود.

#### ب) راه‌های تشویق فرزندان

۱) با فرزندان خود رابطه‌ای شخصی برقرار کنید. با آنها مانند اشپایی که باید دیده شوند ولی صدایی نباید از آنها شنیده شود، برخورد نکنید. والدین و معلمین هر چه در زمان کودکی فرزندانشان بکارند، همان را به هنگام بلوغ آنها درو خواهند کرد (غلاطیان ۶: ۷-۸). هر فرزندی نیاز دارد که با والدین و معلمین خود رابطه‌ای دوستانه، شخصی، با محبت و دائمی داشته باشد. بنابراین حتی اگر سرتان شلوغ است، سعی کنید زندگی خود را طوری برنامه‌ریزی کنید که بتوانید وقت کافی با فرزندان و مخصوصاً نوجوانان و جوانان داشته باشید. فراموش نکنید که هر کودک، نوجوان و جوانی نیاز به توجه و محبت دارد.

۲) همواره به کودک، نوجوان یا جوانی که با او سر و کار دارید بگویید که دوستش دارید. مخصوصاً در برخی فرهنگ‌ها لازم است که پدران با فرزندان خود وقت بگذرانند، با آنها صحبت کنند و نسبت به آنها توجه نشان دهند، یا حتی آنها را در آغوش بگیرند.

بسیاری از نوجوانان و جوانان از اینکه با پدران خود هیچ رابطه‌ای ندارند شکوه می‌کنند. ناامیدی آنها از پدران زمینی‌شان اغلب باعث می‌شود که به پدر آسمانی‌شان نیز اعتماد نکنند. برعکس، داشتن یک رابطه سالم با پدر زمینی، باعث می‌شود فرزند تشویق شود که با پدر آسمانی خود نیز رابطه خوبی برقرار کند.

ارتباط بین فرزند و والدین نباید تنها به موضوعات تحصیلی و مالی محدود باشد، بلکه باید در مورد موضوعات جالب دیگری نیز با هم گفتگو کنند. با فرزندان خود کارهای جالب، خلاق و حتی مهیج تشویق آمیز انجام دهید.

۳) نسبت به فرزندان‌تان علاقه نشان دهید. به آنها اجازه دهید در مورد دوستان خود با شما صحبت کنند. دوستان‌شان را به منزل دعوت کنید و برای‌شان برنامه‌های تفریحی ترتیب دهید. وقتی فرزندان می‌بینند که والدین و معلمان‌شان دوستان‌شان را می‌پذیرند و از آنها خشنود هستند، این موضوع باعث تشویق‌شان می‌شود.

۴) به فرزندان، نوجوانان یا جوانان در انجام تکالیف‌شان کمک کنید. آنها جهت انجام تکالیف و ادامه تحصیل، به مشورت و راهنمایی و تشویق بسیار نیاز دارند.

۵) وقتی فرزندان‌تان هنوز کوچک هستند، گاهی به آنها پاداش دهید. همواره از فرزندان و نوجوانان به خاطر کارهای خوبی که انجام می‌دهند، قدرانی کنید. و وقتی که آنها شایستگی تشویق دارند، به آنها بگویید که به وجود آنها و به کارهایی که انجام می‌دهند افتخار می‌کنید.

۶) به فرزندان و نوجوانانی که با آنها سر و کار دارید ثابت کنید که به آنها اعتماد دارید. وظایفی را بر عهده آنها بسپارید و در صورت انجام این وظایف از آنها تعریف کرده، تشویق‌شان نمایید.

## جمع آوری اطلاعات به منظور مشورت دادن

**مقدمه:** قبل از اینکه يك مسیحی بتواند به دیگران مشورت دهد، نخست باید یاد بگیرد که مشاهده کند، گوش فرا دهد و سؤالاتی بپرسد. چنین فردی پس از جمع‌آوری اطلاعات لازم بهتر می‌تواند به دیگران مشورت دهد در اتخاذ تصمیمات درست به آنها کمک کند.

کتاب امثال در مورد مشاهده کردن، گوش دادن و سؤال کردن حاوی حقایق حکیمانه زیر می‌باشد.

## ۱- یاد بگیرید مردم را مشاهده کنید.

**کشف و گفتگو کنید:** چگونه شواهد عینی می‌تواند در جمع‌آوری اطلاعات و مشورت‌دهی به دیگران، به شما کمک کند؟

(الف) شیوه زندگی و رفتار مردم را مشاهده کنید.

**بخوانید:** امثال ۲۴: ۳۰-۳۴ می‌فرماید: "از مزرعه مرد کاهل، و از تاکستان شخص ناقص‌العقل گذشتم. و اینک بر تمامی آن خارها می‌رویید، و خس تمامی روی آن را می‌پوشانید، و دیوار سنگی‌اش خراب شده بود. پس من نگرسته متفکر شدم، ملاحظه کردم و ادب آموختم. اندکی خفت و اندکی خواب، و اندکی بر هم نهادن دستها به جهت خواب. پس فقر تو مثل راهزن بر تو خواهد آمد و نیازمندی تو مانند مرد مسلح." برای آنکه بتوانید از آنچه می‌بینید درس بیاموزید، باید نخست یاد بگیرید که چگونه باید به مشاهده شیوه زندگی دیگران پرداخت. به عنوان مثال، با مشاهده زندگی يك شخص تتبل می‌توان به دلیل فقر وی پی برد.

(ب) شرایط زندگی مردم را مشاهده کنید.

**بخوانید:** امثال ۲۷: ۲۳ می‌فرماید: "به حالت گله خود نیکو توجه نما، و دل خود را به رمه خود مشغول ساز." شما باید همواره شرایط جسمانی، عاطفی، اجتماعی و روحانی مسیحیانی را که تحت توجه و مراقبت شما قرار دارند مشاهده کنید. باید از خود بپرسید: "فلان بیماری را علاج چگونه بر زندگی این فرد مسیحی و خانواده‌اش تأثیر گذاشته است؟" "چرا این شخص از لحاظ عاطفی ضربه خورده است؟" "چرا مردم نمی‌توانند به راحتی با او ارتباط برقرار کنند؟" "چرا او در جلسات کلیسایی شرکت نمی‌کند؟" بنابراین با مشاهده زندگی مسیحیانی که تحت حمایت و توجه شما می‌باشند، بهتر می‌توانید به آنها مشورت دهید و کمک‌شان کنید.

(پ) ارتباطات غیرکلامی مردم را مشاهده کنید.

**بخوانید:** مرقس ۳: ۴-۵. منظور از ارتباط غیرکلامی، ایجاد ارتباط از طریق احساسات و طرز برخوردها است، بدون آنکه سخنی بر زبان آورده شود. در این نوع ارتباط، حالات صورت، دستها، شانه‌ها و دیگر قسمت‌های بدن شخص، و نیز حالت‌های فرد در شرایط مختلف، نظیر حالت راه رفتن، نشستن، کار کردن و غیره، بیانگر احساسات درونی اوست. گاهی مردم نسبت به سؤالی که از آنها پرسیده می‌شود از طریق حالات مختلف چهره و اکنش نشان می‌دهند. صورت شخص می‌تواند نشان‌دهنده خشم، تنفر، مقاومت، ترس، ناامیدی، شك، نگرانی، عدم امنیت، افسردگی، فشار عصبی، عدم توافق، تعجب، شادی و غیره باشد. حتی حرکات بدنی یا آهنگ صدای يك شخص نیز می‌تواند بیانگر چنین احساساتی باشد. چنین افرادی به زمین خیره می‌شوند یا چشمان‌شان مدام به این سو و آن سو نگران است. شانه‌های آنها ممکن است بیانگر بی‌تفاوتی یا ندانم‌کاری باشد. دستهای آنها می‌تواند بیانگر حالت عصبی یا فشار روحی باشد که در آن بسر می‌برند. گاهی حتی بوی عرق ناشی از ترس و فشار عصبی چنین افرادی را می‌توان استشمام کرد. رفتار آنها ممکن است نشان‌دهنده بی‌توجهی، عصبی بودن و غیره باشد. کارهایی که فرد انجام می‌دهد یا از شرکت در آنها طفره می‌رود، همگی می‌تواند بیانگر پذیرفته شدن، طرد شدن، شادی، عدم تمایل و دیگر حالات روحی او باشد.

(۱) **هدف از مشاهده ارتباط غیرکلامی.** به یاد داشته باشید که هرگز نباید از روی ارتباط غیرکلامی در مورد دیگران قضاوت کنید. نتیجه‌گیری شما در مورد ارتباط غیرکلامی که از او دیده‌اید ممکن است به هیچ وجه درست نباشد. بنابراین باید از آنچه بر اساس مشاهدات‌تان در مورد طرف مقابل نتیجه می‌گیرید، بکوشید سؤالات مناسبی را مطرح کنید و در مورد وجود برخی احساسات یا رفتارهای خاص در او، اطمینان حاصل نمایید.

(۲) **هدف از ارتباط غیرکلامی.** باید در استفاده از ارتباط غیرکلامی خیلی مواظب بود. مواظب باشید ارتباط غیرکلامی که با دیگران ایجاد می‌کنید از روی غرور و تعصب نباشد و باعث خوار شدن آنها نشود. ارتباط غیرکلامی شما هیچوقت نباید به سردرگمی مخاطبین‌تان بیانجامد، بلکه باید در جهت کمک و خدمت به او باشد.

## ۲ - یاد بگیرید به دیگران گوش دهید.

**کشف و گفتگو کنید:** چگونه آنچه که می‌شنوید، در گردآوری حقایق و دادن مشورت به شما کمک می‌کند؟

**الف) گوش دهید تا موضوع را خوب درک کنید.**

**بخوانید:** امثال ۱۳: ۱۵؛ ۲۷: ۲۵. این قسمت می‌فرماید: "عقل نیکو، نعمت می‌بخشد." هر چه بیشتر گوش دهید، بیشتر موضوع را درک خواهید کرد. هر چه بیشتر به مخاطب خود گوش دهید، بهتر به او خواهید فهماند که سخنان او برای شما مهم است و آماده‌اید او را درک کنید و بپذیرید.

بین گوش دادن به حرفهای طرف مقابل از یکسو و از سوی دیگر درک کردن آنچه او می‌گوید و نیز پی بردن به مشکلاتی که از خلال سخنان او آشکار می‌شود، فرق هست. ممکن است مخاطبتان سعی کند مشکل اصلی خود را از روی ترس یا به خاطر انگیزه‌های پنهان، در لابلای سخنان خود مخفی سازد. هدف شما باید این باشد که سخنان مخاطبتان را خوب درک کنید و بکشید او را در مشکلاتش یاری دهید.

**ب) قبل از سخن گفتن، گوش دهید.**

**بخوانید:** امثال ۱۸: ۱۳، ۱۵. این قسمت می‌فرماید: "هر که سخنی را قبل از شنیدنش جواب دهد برای وی حماقت و عار می‌باشد. دل مرد فهم معرفت را تحصیل می‌کند، و گوش حکیمان معرفت را می‌طلبد." شما نباید به کسی مشورت دهید مگر آنکه اول خوب به سخنان وی گوش داده باشید. اول به سخنان او گوش دهید، موضوع را خوب ارزیابی کنید و بداخل زندگیش نگاهی بیاندازید، بعد به او مشورت دهید. قبل از اینکه سخنی بگویید باید گوش دهید.

**پ) به طرفین منازعه گوش دهید.**

**بخوانید:** امثال ۱۸: ۱۷. این قسمت می‌فرماید: "هر که در دعوی خود اول آید صادق می‌نماید، اما حریفش می‌آید و او را می‌آزماید." وقتی بین دو نفر منازعه‌ای صورت می‌گیرد، کار حکیمانه‌ای نیست که صرفاً سخنان یکی از طرفین را بشنویم. ممکن است این شخص دروغ بگوید، یا اغراق کند و منصفانه در مورد طرف مقابل قضاوت نکند. وقتی شما به سخنان طرف مقابل نیز گوش می‌دهید، می‌توانید اطلاعات بیشتری گرد آورید و بدین ترتیب بهتر به هر دو طرف مشورت دهید. بنابراین قبل از دادن هر گونه مشورتی باید به سخنان هر دو طرف منازعه گوش داد.

**ت) به سخنان دیگران گوش دهید، ولی هرگز هر آنچه را که می‌شنوید باور نکنید.**

**بخوانید:** امثال ۱۴: ۱۵. این قسمت می‌فرماید: "مرد جاهل هر سخنی را باور می‌کند، اما مرد زیرک در رفتار خود تأمل می‌نماید."

۱) اگر منازعه‌ای صورت گیرد، مردم معمولاً در مورد آن به سخن‌چینی می‌پردازند. کار احمقانه‌ای است اگر شخص فکر کند حقیقت همان چیزی است که می‌بیند یا می‌شنود. شما هرگز نباید به سخن‌چینیهای مردم گوش دهید، بلکه باید با طرفین منازعه به گفتگو بپردازید و در مورد ماهیت مشکل آگاهی کسب کنید.

۲) همچنین کار احمقانه‌ای است اگر فقط بر اساس برخی واقعیات، در مورد انگیزه‌های کسی نظر دهید. شما باید نخست خوب به سخنان طرفین دعوی گوش دهید، شرایط را از نزدیک مشاهده کنید و به اندازه کافی از هر دو طرف سوالاتی بپرسید، تا بتوانید قبل از دادن مشورت، به اندازه کافی در مورد اتفاقی که افتاده آگاهی داشته باشید.

## ۳ - یاد بگیرید سوال کنید.

**مقدمه:** گاهی اوقات برای مردم دشوار است که در مورد افکار، انگیزه‌ها و تجارب تلخشان گفتگو کنند. بنابراین يك مسیحی باید بتواند سوالات درستی از مخاطبش بپرسد و کاری کند که او آنچه را که در قلبش می‌گذرد برای او بازگو نماید.

**کشف و گفتگو کنید:** سوالاتی که می‌پرسید چگونه می‌توانند به شما در جمع‌آوری اطلاعات لازم و مشورت‌دهی کمک کنند؟

**الف) برای جمع‌آوری اطلاعات بیشتر، سوالاتی را مطرح کنید.**

**بخوانید:** امثال ۲۵: ۲. این قسمت می‌فرماید: "تفحص نمودن امر، جلال پادشاهان است." شما باید دائماً سوالاتی مطرح کنید تا بتوانید از این طریق اطلاعات لازم را کسب کرده، مشورت درستی به افراد بدهید.

**ب) سوالات متقابل مطرح کنید تا بدینوسیله صداقت یا عدم صداقت طرف مقابل آشکار گردد.**

**بخوانید:** متی ۲۱: ۲۴. عیسی می‌فرماید: "من از شما سخنی می‌پرسم. اگر آن را به من بگویید، من هم به شما می‌گویم...". گاهی بهترین روش پاسخگویی این است که سوال مخاطبتان را با سوالی جواب دهید که درست در مقابل پرسش اوست. عیسی بدین طریق به سوال فریسیان پاسخ می‌داد، زیرا می‌دانست که قصد آنها غافلگیر کردن اوست. او از انگیزه‌های آنها به خوبی

آگاه بود و برای اجتناب از افتادن در دام آنها، کاری می‌کرد که خود در دامی که گذاشته‌اند بیفتند. عیسی آنها را وامی‌داشت پاسخی بدهند که بخوبی عدم صداقتشان را آشکار می‌کرد. شما نیز باید یاد بگیرید سؤالات متقابل از مردم بپرسید.

(ب) سؤالاتی مطرح کنید که دیگران را به فکر وادارد.

**بخوانید:** لوقا ۱۰: ۲۶-۲۸. این قسمت می‌فرماید: "در تورات چه نوشته شده است و چگونه می‌خوانی؟" همیشه این وسوسه وجود دارد که بجای اینکه به طرف مقابل کمک کنید تا خودش چاره‌اندیشی کند، شما برای مشکل او پاسخی بیابید. عیسی افراد را ترغیب می‌کرد تا خودشان حقیقت یا پاسخ سؤالشان را در کتاب‌مقدس بیابند. او آنها را ترغیب می‌کرد که فکرشان را بکار بیاندازند و پاسخ سؤالات خود را در کتاب‌مقدس بیابند. کلام خدا همیشه از مشورت شخصی شما بسیار متقاعدکننده‌تر است. بنابراین شما باید یاد بگیرید سؤالاتی را مطرح کنید و به مردم کمک کنید تا حقیقت و پاسخ سؤالات خود را در کتاب‌مقدس بیابند. وقتی انسان شخصاً حقیقتی را کشف کند، بهتر آن را درک می‌کند و به خاطر می‌سپارد.

#### **۴- یاد بگیرید از طریق مطالعه و بررسی کتاب‌مقدس حکمت بیاموزید.**

**بخوانید:** کتاب‌مقدس در رابطه با قادر مطلق بودن خدا و مکاشفه اراده او چه تعلیمی می‌دهد؟

یک مسیحی ایمان دارد که خدا قادر مطلق است و برای جهانی که آفریده، و وقایع موجود در آن، نقشه و برنامه دارد. البته خدا تمام نقشه خود را در رابطه با جهان و تاریخ بشر، برای انسانها مکشوف نساخته است. اشعیا ۵۵: ۹ می‌فرماید: "زیرا چنانکه آسمان از زمین بلندتر است همچنان طریق‌های من از طریق‌های شما و افکار من از افکار شما بلندتر می‌باشد." خدا بسیاری از مسائل را برای ما آشکار نکرده و نخواهد کرد. خدا وقایع مربوط به زندگی آینده‌مان را برای ما مکشوف نمی‌سازد. ما نباید از امور ناشناخته ترسان باشیم، زیرا به جهت آنانی که خدا را دوست دارند، همه امور برای خیریت ایشان با هم در کار می‌باشند (رومان ۸: ۲۸). خدا، خدایی است بامحبت و قادر مطلق.

خدا تمام آن اموری را که انسانها باید بدانند و آنها را بر روی زمین انجام دهند، از طریق انبیای عهد عتیق، عیسی مسیح و رسولان عهد جدید آشکار ساخته است. تثنیه ۲۹: ۲۹ می‌فرماید: "چیزهای مخفی از آن یهوه خدای ماست و اما چیزهای مکشوف تا به ابد از آن ما و فرزندان ماست تا جمیع کلمات این شریعت را به عمل آوریم." نقشه مکشوف شده خدا عبارت است از برخی تعالیم خاص، و نیز تعالیمی عام و همگانی.

## طرح‌ریزی برنامه‌های خوب

**مقدمه:** اجتماع مسیحی (کلیسا یا مشارکتهای خانگی) در وهله نخست يك ارگانيسم يا موجود زنده و متشکل از افرادی است که روح خدا در آنها سکونت دارد. ولی فعالیتهای این سازمان باید دارای نظم باشد (اول قرن‌تبیان ۱۴: ۳۳، ۴۰). بنابراین مسیحیان باید موضوعاتی چون برنامه‌ریزی، سازماندهی و مدیریت و ارزیابی را جدی تلقی کنند.

### الف - دلایل نیاز به برنامه‌ریزی خوب

۱- برنامه‌ریزی منجر به نتایج بهتری می‌شود.

امثال ۲۱: ۵: "فکرهای مرد زرنگ تماماً به فراخی می‌انجامد، اما هر که عجول باشد، برای احتیاج تعجیل می‌کند." (امثال ۱۹: ۲)

۲- برنامه‌ریزی منجر به داشتن روابط بهتر با دیگران می‌شود.

امثال ۱۴: ۲۲: "برای کسانی که تدبیر نیکو می‌نمایند، رحمت و راستی خواهد بود."

۳- برنامه‌ریزی منجر به داشتن رابطه بهتر با خدا می‌شود.

اشعیا ۳۰: ۱-۲. خلاصه: با خدا مشورت کنید و با هدایت روح خدا نقشه‌های او را در زندگی خود پیاده نمایید.

### ب - آنچه برای يك برنامه‌ریزی خوب لازم است

۱- برنامه‌ریزی مستلزم سخت‌کوشی در زمان مناسب است.

امثال ۱۰: ۴-۵ " آدمهای تنبل، فقیر میشوند ولی اشخاص فعال ثروتمند میگردند. کسی که به موقع محصول خود را برداشت میکند عاقل است، اما کسیکه موقع برداشت محصول میخوابد مایه ننگ است."  
 امثال ۲۰: ۴. "مرد کاهل به سبب زمستان شیار نمی‌کند، لهذا در موسم حصاد گدایی می‌کند و نمی‌یابد."  
 امثال ۲۷: ۱. "در باره فردا فخر منما، زیرا نمی‌دانی که روز چه خواهد زایید."  
 امثال ۲۸: ۱۹. "هر که زمین خود را زرع نماید از نان سیر خواهد شد، اما هر که پیروی باطلان کند از فقر سیر خواهد شد."  
 امثال ۳۰: ۲۵. "مورچه‌ها طایفه بی‌قوتند، لیکن خوراک خود را در تابستان ذخیره می‌کنند."

۲- برنامه‌ریزی مستلزم حضور مشاوران خوب است.

امثال ۱۵: ۲۲. "از عدم مشورت تدبیرها باطل می‌شود، اما از کثرت مشورت‌دهندگان برقرار می‌ماند."  
 امثال ۱۹: ۲۰. "پند را بشنو و تأدیب را قبول نما تا در عاقبت خود حکیم بشوی."  
 امثال ۲۰: ۱۸. "فکرها به مشورت محکم می‌شود، و با حسن تدبیر جنگ نما."  
 امثال ۲۹: ۱۲. "حاکمی که به سخنان دروغ گوش گیرد، جمیع خادمانش شریک خواهند شد."

۳- برنامه‌ریزی مستلزم دعا است.

امثال ۱۶: ۳. "اعمال خود را به خداوند تفویض کن، تا فکرهای تو استوار شود." (یعقوب ۴: ۲)

۴- برنامه‌ریزی مستلزم فروتنی است.

امثال ۱۶: ۹. "دل انسان در طریقش تفکر می‌کند، اما خداوند قدم‌هایش را استوار می‌سازد."  
 امثال ۱۶: ۲۵. "راهی هست که در نظر انسان راست است، اما عاقبت آن راه موت می‌باشد."  
 امثال ۱۹: ۲۱. "فکرهای بسیار در دل انسان است، اما آنچه ثابت ماند مشورت خداوند است."  
 امثال ۲۱: ۳۱. "اسب برای روز جنگ مهیا است، اما نصرت از جانب خداوند است."



## ۵- برنامه‌ریزی مستلزم در نظر گرفتن اولویتها است.

امثال ۲۴: ۲۷. "کار خود را در خارج آراسته کن و آن را در ملك مهيا ساز (کارهایی که واقعاً مهم و در اولویت هستند و نمیتوانند به عقب بیاقتند) و بعد از آن خانه خویش را بنا نما (کارهای کم‌اهمیت‌تر که چندان اولویت ندارند)".

## ۶- برنامه‌ریزی مستلزم جمع‌آوری حقایق است.

امثال ۲۴: ۳۲. "پس من نگریسته متفکر شدم، ملاحظه کردم و ادب آموختم".  
امثال ۲۵: ۲. "مخفی داشتن امر جلال خدا است، و تفحص نمودن امر جلال پادشاهان است."  
امثال ۲۷: ۲۳. "به حالت گله خود نیکو توجه نما، و دل خود را به رمه خود مشغول ساز."  
امثال ۲۹: ۱۸. "جایی که رویا نیست قوم گردنکش می‌شوند، اما خوشبحال کسی که شریعت را نگاه می‌دارد."

## ۷- برنامه‌ریزی مستلزم وفاداری است.

امثال ۲۷: ۱۸. "هر که درخت انجیر را نگاه دارد میوه‌اش را خواهد خورد، و هر که آقای خود را ملازمت نماید محترم خواهد شد."

## ۸- برنامه‌ریزی مستلزم نظم و تربیت است.

امثال ۲۸: ۲. "از معصیت اهل زمین حاکمانش بسیار می‌شوند، اما مرد فهیم و دانا استقامتش برقرار خواهد ماند."  
امثال ۳۰: ۲۷. "ملخها را پادشاهی نیست، اما جمیع آنها دسته دسته بیرون می‌روند."

## پ - آنچه برای اجرای يك طرح یا برنامه خوب لازم است.

### ۱- برنامه‌ریزی

برنامه‌ریزی زمانی است که من بر اساس حقایق موجود، اهداف مشخصی برای خود تعیین کرده باشم و به منظور نیل به این اهداف، برنامه روشنی تدارک دیده باشم.

### ۲- سازماندهی

سازماندهی زمانی است که هر شخص بروشنی می‌داند مسؤول انجام چه کاری است و در برابر چه کسی پاسخگو است.

### ۳- رهبری

رهبری زمانی است که من در زمان مناسب، تصمیمات درستی اتخاذ می‌کنم و این تصمیمات به‌خوبی به مرحله اجرا در می‌آیند. توانایی ایجاد ارتباط روشن و مشخص یکی از ارکان مهم رهبری است.

### ۴- ارزیابی

ارزیابی زمانی است که من کاری را که انجام داده‌ام با آنچه باید انجام می‌دادم یا با آنچه طرحش را برنامه ریزی کرده‌ام، مقایسه می‌کنم و تفاوت بین آنها را تجزیه و تحلیل کرده‌ام.

## ت - محتوای يك برنامه خوب

يك برنامه خوب عبارت است از اطلاعات، هدف، فعالیتها و زمانبندی مناسب (فعاليتها + زمانبندی = يك برنامه). يك برنامه باید در چارچوب سازمانی توسط رهبران و کارکنان، خطمشی، قوانین، اولویتها و منابع محدود آن اعمال گردد.

۱- اطلاعات به شما می‌گویند که چارچوب برنامه‌تان چیست.

۲- هدف به شما می‌گوید که چه کاری را می‌خواهید به انجام برسانید.

۳- فعاليتها به شما می‌گویند که چگونه می‌خواهید هدف‌تان را به تحقق برسانید.

۴- زمانبندی به شما می‌گوید که چه وقت می‌خواهید هدف‌تان را به تحقق برسانید.

## ث - اول: جمع‌آوری و ارزیابی اطلاعات

برای داشتن يك برنامه‌ریزی درست، آگاهی از اطلاعات مربوطه دارای اهمیت فراوانی است. شما باید درخصوص موارد زیر اطلاعات لازم را بدست آورید:

### ۱ - هدایت

خدا در کلامش و توسط روحش به مسیحیان در نقاط مختلف جهان، و به طور خاص به خود شما، چه می‌گوید؟ خدا درخصوص برنامه‌ای خاص در کلامش چه تعلیمی می‌دهد؟ او چگونه شما را در دعا هدایت می‌کند؟ اهداف مخفی یا مکشوف شده خدا (تثنیه ۲۹: ۲۹؛ مزمور ۳۲: ۸؛ عاموس ۳: ۷) را به هیچ وجه نمی‌توان عقیم گذاشت. خدا بر تمام امور کنترل دارد. نقشه الهی او (هدف، مشیت و تدبیر او) همواره پابرجا و استوار خواهد ماند و به انجام خواهد رسید (ایوب ۴۲: ۲-۳؛ مزمور ۳۳: ۱۱؛ امثال ۱۶: ۹؛ ۱۹: ۲۱؛ ۲۰: ۲۴؛ ۲۱: ۳۰؛ اشعیا ۸: ۱۰؛ ۱۴: ۲۴، ۲۷؛ ۲۵: ۴۰؛ ۴۸: ۶؛ ۱۰: ۱۰-۱۱؛ ۴۸: ۴؛ ۱۴: ۵۵؛ ۱۱: ۱۱؛ ۴۴: ۲۹؛ افسسیان ۱: ۱۱؛ مکاشفه ۳: ۷-۸). بنابراین سعی کنید تا حد امکان مطابق با نقشه خدا برنامه‌ریزی کنید.

### ۲ - سازماندهی

اهداف عمومی اجتماع مسیحی (کلیسا، مشارکت خانگی یا سازمان) که من عضو آن هستم، چه هستند؟

### ۳ - پیشرفت

تا به حال به چه نتایجی دست یافته‌اید؟ در سال گذشته به چه پیشرفت‌های نائل شده‌اید؟ (اول تیموتاؤس ۴: ۱۵)

### ۴ - درسهای آموزنده

از تجارب، اشتباهات، موفقیتها و شکستهای سال گذشته خود چه درسهایی باید بیاموزید؟ (امثال ۲۴: ۳۲). این نکات آموزنده را تجزیه و تحلیل کنید.

### ۵ - فرهنگ

مشخصات اصلی فرهنگ (جهان‌بینی، اعتقادات، ارزشها، سنن و سازمانها) شما و فرهنگی که در آن خدمت می‌کنید، چه هستند؟ روح زمانه ما چیست؟ (مراجعة کنید به راه‌هایی منجرکننده: تثنیه ۱۸: ۹-۱۳؛ سنتهایی باطل و بیپوده، متی ۱۵: ۱-۹)

### ۶ - نیازها

کسانی که می‌خواهید به آنها رسیدگی کنید چه نیازهایی دارند؟ نیاز خودتان، همکارانتان و اعضای خانواده‌تان چیست؟ (امثال ۲۷: ۲۳؛ ارمیا ۱۲: ۱۰-۱۱؛ ۲۳: ۱-۴۰؛ حزقیال ۳۴: ۱-۲۴، زکریا ۱۰: ۲-۳؛ ۱۱: ۱۱-۱۵-۱۷، متی ۹: ۳۶)

### ۷ - امکانات و موقعیتها

خدا چه موقعیتها یا درهای بازی پیش روی شما قرار داده است؟ (اعمال ۱۴: ۲۷؛ اول قرنتیان ۱۶: ۸-۹؛ دوم قرنتیان ۲: ۱۲؛ کولسیان ۴: ۳؛ مکاشفه ۳: ۷-۸).

### ۸ - مشکلات

با چه نوع مشکلات، مخالفتها، موانع و کمبودهایی مواجه می‌شوید؟ (اعمال ۱۶: ۶-۹؛ اول تسالونیکیان ۲: ۱۷-۱۸؛ دوم قرنتیان ۱۱: ۲۸).

### ۹ - منابع

چه منابعی در اختیار دارید؟ آیا نیروی انسانی در اختیار دارید؟ کسانی که حاضرند به شما کمک کنند تا چه حد خود را در این زمینه متعهد می‌بینند (فیلیپیان ۲: ۱۹-۲۱)؟ آیا جهت ملاقات با یکدیگر مکانهایی در اختیار دارید (اعمال ۱۹: ۹)؟ آیا از وقت کافی، مواد لازم، منابع مالی (کولسیان ۴: ۲-۴)، حمایت از طریق دعا (کولسیان ۴: ۲-۴) و غیره برخوردار هستید؟

### ۱۰ - قابلیتها

همکارانتان یا افرادی که می‌خواهید به آنها رسیدگی کنید چه قابلیت‌هایی دارند؟ آیا از قابلیت‌هایی چون استعدادهای طبیعی، عطایای روحانی، نقاط قوت و ضعف، تجربه، ایمان و قابلیت‌های دیگر برخوردارند؟

## ۱۱- هزینه‌ها

شما و دیگران باید از لحاظ وقت (دوم قرن‌تیاں ۱۱: ۲۷)، از لحاظ مالی، توانایی‌ها، آماده کردن مطالب آموزشی و برنامه‌ها، مخالفتها و زحمات احتمالی که ممکن است با آنها مواجه شوید (دوم تیموتاؤس ۳: ۱۲)، چه بهایی را متقبل شوید؟

## ۱۲- مشورت دیگران

رهبران‌تان یا سایر کسانی که از لحاظ روحانی افرادی بالغ و باتجربه هستند در شرایطی مشابه چه مشورتی می‌دهند؟ تنها پس از توجه به تمام نکات بالا، درصدد مشورت گرفتن از دیگران برآید.

## ج - دوم: تصمیم‌گیری و نوشتن اهداف

### ۱- تصمیم‌گیری در مورد اهداف

الف) در مورد ایده‌های جدید تبادل نظر کنید.

(۱) تبادل نظر یعنی بحث و گفتگو به منظور رسیدن به ایده‌هایی جدید.

(۲) به طور خاص با همکاران، رهبران، مشاوران، و نیز با همسر و فرزندان‌تان تبادل نظر کنید.

ب) تبادل نظر کردن در فضایی آزاد.

(۱) در فضایی آزاد با یکدیگر تبادل نظر کنید. تمام راه‌ها را سبک و سنگین کنید و تمام جوانب را خوب بسنجید.

(۲) به دقت به واکنشها و سوالات دیگران گوش دهید. سعی کنید به مقاصد یکدیگر بدرستی پی ببرید.

(۳) در مورد عواقب فرضی و واقعی تصمیمات و اقدامات خود با یکدیگر فکر کنید. اشعیا ۴۷: ۷ "در مورد آن چیزی که ممکن است واقع شود فکر کنید."

(۴) هر ایده‌ای را با کلام خدا مطابقت دهید.

(۵) در رابطه با هر موضوع مهمی دعا کنید.

(۶) به کسانی که در روند تصمیم‌گیری‌ها نقش دارند (مانند همسر، فرزندان، اعضای گروه و غیره) به اندازه کافی فرصت بدهید تا در خصوص تصمیمات پیشنهادی به تفکر پردازند و دعا کنند.

### ب) تصمیم‌گیری.

(۱) سعی کنید تا حد امکان در جمع تصمیم‌گیری کنید؛ به عنوان مثال، تمام همکاران یا شورای پیران کلیسا یا اعضای کلیسا با هم در مورد مسئله‌ای تصمیم بگیرند.

(۲) سعی کنید تصمیمات‌تان به اتفاق آراء و با موافقت جمع باشد. (اعمال ۱۵: ۲۸).

(۳) برخی از تصمیمات را باید به تنهایی اتخاذ کنید. در این گونه موارد، تنها خودتان مسؤو و پاسخگو خواهید بود.

### ت) اتخاذ تصمیمات مهم.

(۱) تصمیمات و برنامه‌های شما بر اساس کدام اصول (احکام، تعالیم و وعده‌های) کتاب مقدسی است؟

(۲) انتظار دارید خدا در میان شما چه کاری انجام دهد؟

(۳) می‌خواهید چه نوع تأثیری بر مردم بر جای بگذارید؟

(۴) فلسفه خدمتی شما چیست؟ (منظور، اصول یا حقایقی است که تعیین‌کننده عملکردهای شما است)

(۵) خطمشی خدمت شما چیست؟ (منظور، نگرش و گامهای اصلی است که برمی‌دارید؟)

(۶) چه برنامه‌های دارید؟ (منظور، اهداف و برنامه‌ریزی‌هایی است که نوع فعالیت و زمانبندی انجام این فعالیتها را نیز در بر می‌گیرد)

(۷) ساختار سازمان شما چگونه است؟

(۸) با سایر گروهها و نهادها چه نوع رابطه‌ای دارید؟ (گروههای دیگر در کلیسا، کلیساها و رهبران دیگر)

(۹) سبک، روحیه و روش خدمتی شما چگونه است؟

### ۲- نوشتن اهداف

#### الف) محتوای اهداف

اهداف باید منعکس‌کننده موارد زیر باشد:

(۱) اهداف باید منعکس‌کننده دعوت خدا باشد.

خدا از شما می‌خواهد چه کاری انجام دهید؟ خدا مایل است زندگی خود را وقف انجام چه کاری بکنید؟ اشعیا ۳۰: ۱-۲.

(۲) اهداف باید منعکس‌کننده احکام و تعالیم خدا باشد.

از کدام احکام و فرامین مهم کلام خدا باید اطاعت نمود؟ لوقا ۱۰: ۲۵-۲۸.

۳) اهداف باید منعكس‌كننده خواسته‌های ملكوت خدا، كليسا و همسايگان‌تان باشد. اهداف كلي اجتماع مسيحي (كليسا يا سازمانی) كه در آن عضویت داريد چيست؟

**ب) نقش و عملکرد اين اهداف**

اهداف شما بايد:

- ۱) انگيزبخش باشد. هدف بايد بتواند بروشنی به همگان نشان دهد كه چرا شما به انجام كاری بخصوص مشغول هستيد.
- ۲) انتخابی باشد. هدف بايد بتواند ديگران را نيز متقاعد كند كه خود را نسبت به آن متعهد ببينند.
- ۳) كار آمد باشد. هدف نبايد باعث هدر رفتن منابع (اعم از منابع انسانی، مالی يا وقت) شود. هدف نبايد بی‌جهت بر امور غير ضروری تاكيد داشته باشد.
- ۴) قابل سنجش باشد. هدف، اساس ارزیابی و كنترل است. به همین خاطر است كه اهداف را بايد بر اساس نتایج واقعی و قابل سنجش تنظيم نمود.

**پ) مشخصات اهداف خوب**

هدف شما بايد:

- ۱) مختصر و کوتاه باشد. هر كس بايد بتواند هدف را به خاطر بسپارد.
- ۲) روشن و مشخص باشد. هر كس بايد بتواند هدف را يادداشت كند.
- ۳) انگيزبخش باشد. بايد بتواند مردم را وادار به انجام كاری سازد.
- ۴) ترغيب‌كننده باشد. هدف بايد باعث تقويت ايمان و پيشرفت زندگی شخص شود.
- ۵) واقع‌گرایانه باشد. هدف بايد عملی و واقع‌بينانه باشد.
- ۶) مشخص و جزئی باشد. هدف بايد قابل‌سنجش باشد.
- ۷) آشكار باشد. هدف بايد بيانگر نتایج باشد، نه بازگوكننده فعاليتها.

**چ - سوم: يادداشت نمودن اهداف، فعاليتها و زمانبندی**

"برنامه‌ریزی كردن" یعنی بكار گرفتن منابع در زمینه‌هایی كه باعث می‌شود به هدف خاصی كه داريم نائل شويم.

**۱- نمونه‌ای از يك برنامه سالیانه جهت شاگردسازی.**

اهداف	فعاليتها	زمان
الف) من اين گروه ۵ نفره را برای مسيح شاگردسازی کرده‌ام.	الف) ۴ كتاب دستور عمل شاگردسازی را كه حاوی نکات خلاق و آموزنده هستند، تعليم دهيد.	الف) ۴۸ درس هفتگی در طول سال، هر درس بين ۲ الی ۳ ساعت
ب) من ديگران را تشويق کرده‌ام كه كلام خدا را در زندگی خود بكار ببرند.	ب) ملاقاتهای مرتب انفرادی داشته باشيد.	ب) هر گاه نیاز بود، ولی حداقل ماهی يكبار
پ) من گروهی را پيرو مسيح ساخته‌ام.	پ) ۱۲ جلسه با شركت تمام گروههای كوچك يا گروه‌های خانگی ترتيب دهيد.	پ) ۱۲ جلسه ماهیانه، در وسط ماه

**۲- نمونه‌ای از درس ۳ در دستور عمل شاگردسازی - كتاب اول**

اهداف	فعاليتها	زمان
الف) ما با هم فرصت پرستش داشته‌ايم.	الف) خصوصیت: خدا عظيم و قدرتمند است.	الف) ۲۰ دقیقه
ب) ما با يكديگر اوقات خلوت داشته‌ايم.	ب) متی ۸: ۱-۱۱: ۲۴	ب) ۲۰ دقیقه
پ) من يك درس جديد شاگردی تعليم داده‌ام.	پ) مفاهيم پيغام انجيل	پ) ۷۰ دقیقه
ت) ما با يكديگر دعا کرده‌ايم.	ت) دعا در واكنش به كلام خدا	ت) ۸ دقیقه
ث) من يك تكليف داده‌ام.	ث) تكليف كتبی برای درس ۴	ث) ۲ دقیقه

۳- نمونه‌ای از درس ۴ در دستورعمل شاگردسازی - کتاب اول

اهداف	فعالیتها	زمان
الف) ما با یکدیگر وقت رازگهان داشته‌ایم.	الف) متی ۱۱: ۲۵ - ۱۴: ۳۶	الف) ۲۰ دقیقه
ب) ما يك آیه را حفظ کرده، در مورد آن تعمق نموده‌ایم.	ب) اطمینان از پاسخ دعا - یوحنا ۱۶: ۲۴	ب) ۲۰ دقیقه
پ) ما با یکدیگر قسمتی از کلام خدا را بررسی کرده‌ایم.	پ) روش ۵ قدم من از کجا می‌آیم؟ پیدایش ۱: ۱ - ۲: ۴	پ) ۷۰ دقیقه
ت) ما با یکدیگر دعا کرده‌ایم	ت) دعا کردن برای یکدیگر	ت) ۸ دقیقه
ث) من يك تکلیف داده‌ام	ث) تکلیف کتبی برای درس ۵	ث) ۲ دقیقه

۴- فهرست ارزیابی کارها

- الف) آیا من با دیگران مشورت کرده‌ام (امثال ۱۵: ۲۲؛ ۲۴: ۶)؟  
 ب) آیا خدا این برنامه‌ها را تأیید کرده است (اشعیا ۳۰: ۱ - ۲؛ دوم قرنتیان ۱۰: ۱۸؛ اعمال ۱۵: ۲۸)؟  
 پ) آیا تمام احتمالات را سنجیده‌ام؟  
 ت) آیا از منابع خود به بهترین نحو استفاده کرده‌ام؟

۵- فهرست انجام کارها

الف) فعالیت‌های مربوط به درس بعد را به خوبی آماده کنید (در نهایت با همکاران که او را تعلیم می‌دهید).  
 ب) منابع مورد نیاز برای آن درس را که شامل تکالیف کتبی برای تمام اعضای گروه است، جمع‌آوری کنید.  
 پ) میز و صندلیها، نور، سیستم گرمایی، تخته سیاه، گچ و تخته‌پاک‌کن (یا تخته سفید و ماژیک و تخته‌پاک‌کن)، کتابهای سرود، کتاب‌مقدس، کاغذ و خودکار و نوشیدنیها را يك به يك آماده کنید (یا از همکاران درخواست کنید که این مسؤلیت را بر عهده گیرد).  
 د. دعا کنید و تمام کارهایی را که بنا است انجام دهید به خدا بسپارید تا در برنامه‌های خود موفق شوید (امثال ۱۶: ۳). به طور مرتب برای اعضای گروه خود دعا کنید. با همکار خود دعا کنید. به عنوان مثال می‌توانید بر طبق کولسیان ۱: ۹ - ۱۲ برای آنها دعا کنید.

## سایر عطایای روحانی

به پنج عطایای روح القدس که در دستور عمل بنای کلیسا - کتاب سوم، درس ۳۵ در مورد آنها توضیحاتی داده شده است، مراجعه کنید.

### ۶- رهبران و مدیران

الف) "رهبری" (اول قرن‌تین ۱۲: ۲۸) عبارت است از عملکرد (خدمت) یا توانایی خاصی در کلیسا. رهبران پیشرو مردم حرکت کرده، به آنها جهت می‌دهند و برای آنها الگو قرار می‌گیرند. این مسئولیت به طور خاص بر عهده پیران کلیسا است.

ب) "مدیریت" (اول قرن‌تین ۱۲: ۲۸) عبارت است از عملکرد (خدمت) یا توانایی خاص در کلیسا. مدیران از طریق رسیدگی به مشکلات کلیسایی و دادن مشورتهای حکیمانه، اعضا را هدایت می‌کنند. پیران کلیسا، مسئولیت اداره امور کلیسا را بر عهده داشتند، اما موعظه، تعلیم و هدایت مردم بر عهده آنها نبود (اول تیموتاؤس ۵: ۱۷). در کلیسای اولیه کسانی بودند موسوم به "امدادکنندگان" که مسئول انجام امور اداری کلیسا بودند. اما "مدیران" تا حدی از لحاظ روحانی نیز کلیسا را رهبری می‌کردند.

### ۷- خدمت کردن و کمک کردن

الف) "خدمت کردن" (رومیان ۱۲: ۷) عبارت است از توانایی خاصی در کلیسا، که در کلیسای اولیه احتمالاً عملکرد (خدمت) خادمین بود. خادمین به نیازهای مختلف کلیسا رسیدگی می‌کنند.

ب) "کمک کردن" (اول قرن‌تین ۱۲: ۲۸) نیز یک توانایی خاص است. کسانی که در این خدمت هستند، در انجام کارهای مختلف کلیسایی به دیگران کمک می‌کنند.

### ۸- بیان کلام حکمت، کلام معرفت، سخنی بناکننده یا خواندن مزامیر و سرآیدین سرودها

الف) "بیان کلام حکمت" (اول قرن‌تین ۱۲: ۸) یعنی بیان سخنی که حکمت در آن است. این عطای مخصوص، به مردم نشان می‌دهد که بهترین طریق رسیدن به اهداف و الا کدام است. مسیحیانی که دارای این عطای روحانی هستند، به دیگران کمک می‌کنند که دریابند چگونه می‌توانند از طریق زندگی خود باعث خشنودی خدا شوند.

ب) "بیان کلام معرفت" (اول قرن‌تین ۱۲: ۸) یعنی بیان سخنی که معرفت در آن است. این عطای مخصوص، معنای اموری را که برای انسانها مخفی است، روشن می‌سازد. مسیحیانی که از چنین عطایی برخوردارند می‌توانند تشخیص دهند که آیا معرفت یا شناختی خاص از طرف خداست یا نه؛ به عبارت دیگر، آیا با مکاشفه خدا در کتاب مقدس مطابقت دارد یا خیر.

پ) "خواندن مزامیر و سرآیدین سرودها" (اول قرن‌تین ۱۴: ۲۶) نیز یکی دیگر از توانایی‌های خاص است. یک مسیحی می‌تواند از طریق خواندن مزامیر و سرآیدین سرودهای روحانی جدید باعث بنای دیگران شود (افسیان ۵: ۱۹؛ کولسیان ۳: ۱۶). مسیحیانی که از این عطای روحانی برخوردارند، کلام خدا را از طریق مزامیر، اشعار، سرودها و موسیقی به دیگران منتقل می‌کنند.

ت) "گفتن کلام تشویق یا تسلی" (رومیان ۱۲: ۸) عبارت است از توانایی خاصی که فرد مسیحی از طریق آن سایر مسیحیان را به انجام کارهایی که در کلام خدا دستور داده شده است، ترغیب می‌کند. کلام تشویق یا تسلی ممکن است از طریق بیان موعظه یا تعلیم خطاب به جمع بیان شود، و یا به طور خصوصی خطاب به فردی بخصوص. مسیحیانی که از این عطای روحانی برخوردارند، به مسیحیان دیگر در زمینه رشد روحانی و خدمت مشورت می‌دهند. آنها مسیحیان را ترغیب می‌کنند که درسهایی را که هر روزه از کلام خدا می‌آموزند در زندگی خود بکار ببرند تا بدین ترتیب شخصیتشان رشد کند. آنها مسیحیان را ترغیب می‌کنند که رفتار مسیحی داشته باشند و در زندگی خود با ایمان گام بردارند.

"بخشیدن" (رومیان ۱۲: ۸) عبارت است از توانایی خاصی که در آن فرد مسیحی قسمتی از اموال زمینی خود را در جهت منافع دیگران و جلال خدا بکار می‌برد. مسیحیانی که از این عطای روحانی برخوردارند، به این نکته توجه دارند که سرمایه و دارایی خود را برای پیشبرد ملکوت خدا بکار گیرند. آنها پول یا اموال خود را در اختیار کلیسا و یا سازمانهای مسیحی قرار می‌دهند تا بدینوسیله ملکوت خدا گسترش یابد.

#### ۱۰ - "رحم کردن"

"رحم کردن" (رومیان ۱۲: ۸) توانایی خاصی است در زمینه همدردی با مشکلات دیگران و تسلی دادن و کمک به آنها. مسیحیانی که از این عطای روحانی برخوردارند، غالباً ناظرین و شنوندگان خوبی هستند و مشکلات را خوب تشخیص می‌دهند. آنها قادرند که وضعیت نیازمندان و شرایط کسانی را که از نظر فکری و احساسی دچار ترس، یأس و نومیدی هستند، یا بیمار، معلول، داغدار یا سالخورده و رو به مرگ هستند، بخوبی ارزیابی کنند. اینگونه افراد قادرند با کسانی که دارای چنین مشکلات و نیازهایی هستند همدردی کنند.

#### ۱۱ - ایمان

"ایمان" (اول قرن‌تینان ۱۲: ۹) عبارت است از اشتیاق و توانایی جهت انجام کاری خاص برای خدا. مسیحیانی که از این عطای روحانی برخوردارند، وقتی خدا آنها را به انجام تکلیفی دشوار و سنگین فرا می‌خواند، به او اعتماد می‌کنند. به عنوان مثال، خدا ممکن است از آنها بخواهد در یک کشور غریب زندگی کنند، تحت فشار و جفاهای مختلف باشند یا در جهانی که بی‌عدالتی در آن غوغا می‌کند، عدالت را اجرا کنند. مسیحیانی که از این عطای روحانی برخوردارند به خدا اعتماد می‌کنند تا از طریق آنها معجزات و اعمال عظیم ظاهر سازد. آنها ایمان دارند که خدا قادر است موانع و مشکلات را هر قدر هم که بزرگ باشد، از پیش پای آنها بردارد و اعمالی انجام دهد که از نظر انسانها غیرممکن بنظر می‌رسد. اینگونه افراد نیز مانند نوح، ابراهیم و موسی، قادرند اهداف خدا را بواسطه ایمان درک کنند.

#### ۱۲ - عطای شفا دادن

"عطای شفا دادن" (اول قرن‌تینان ۱۲: ۹، ۳۰) عبارت است از توانایی خاصی جهت شفای بیماری جسم، جان و روح مردم. خدا از کسانی که از این عطا برخوردارند بطرز مافوق طبیعی برای شفای بیماران استفاده می‌کند. تمام شفاهای الهی هستند.

#### ۱۳ - قوای یا معجزات

"قوای یا معجزات" (اول قرن‌تینان ۱۲: ۱۰، ۲۸-۲۹) عبارت است از تواناییهایی خاص جهت انجام اعمال مافوق طبیعی یا علامات و معجزاتی غیرمعمول (دوم قرن‌تینان ۱۱: ۲۳-۲۸). هدف از معجزات این است که واقعی بودن خدای کتاب مقدس و مکاشفه او را اثبات کنند و باعث شوند مردم به عیسی مسیح ایمان آورده، نجات بیابند (یوحنا ۲۰: ۳۰-۳۱). معجزات در کتاب مقدس بویژه هنگامی اتفاق می‌افتاد که خدا می‌خواست خودش و حقیقت وجود خودش را از طریق موسی، انبیای عهد عتیق (مخصوصاً الیشع و ایلیا)، عیسی مسیح و رسولان عهدجدید آشکار نماید (متی ۱۰: ۱، ۸؛ لوقا ۱۰: ۱۸-۲۰؛ اعمال ۲: ۴۳؛ دوم قرن‌تینان ۱۲: ۱۲؛ عبرانیان ۲: ۴).

#### ۱۴ - تشخیص ارواح

"تشخیص ارواح" (اول قرن‌تینان ۱۲: ۱۰) اشتیاق، توانایی یا دعوت الهی خاصی است جهت تشخیص بین روحهای مختلف. تا زمانیکه هنوز عهد جدید به نگارش در نیامده بود، مسیحیان می‌توانستند با استفاده از این عطای روحانی امور الهی و شیطانی، آنچه را که روحانی و آنچه احساسی یا روانی، آنچه حقیقت و آنچه را که دروغ است، امور درست و اشتباه و امور سازنده و مخرب را از هم تمیز دهند. مسیحیانی که از این عطای روحانی برخوردار بودند، می‌توانستند "روحها را بیازمایند" تا دریابند کدام روح از جانب خدا است و کدام روح از طرف خدا نیست (اول یوحنا ۴: ۱-۶؛ اعمال ۱۳: ۶-۱۲). آنها می‌توانستند تشخیص دهند که آیا آنچه که یکی از انبیای عهد جدید می‌گوید درست است یا خیر، و آیا جماعت باید بر طبق نبوت او عمل کنند یا نه (اول قرن‌تینان ۱۴: ۲۹). و اگر کسی در کلیسا ادعا می‌کرد که از عطای روحانی خاصی برخوردار است، کسانی که دارای عطای تمیز ارواح بودند می‌توانستند تشخیص دهند که آیا این عطا واقعی است، یا دروغین و یا حتی شیطانی. ارواح شریر در زندگی کسانی که اسیر دیوها بودند و همچنین در زندگی افرادی که خود را با اعمال مرموز و سحرآمیز مشغول کرده بودند، عمل می‌کردند. ارواح شریر حتی در بین جماعت نوایمانان غیریهودی مسیحی شده نیز فعال بودند (اول

یوحنا ۴: ۱). چنین روحهای شریبری می‌توانستند خود را در قالب نبوتهای دروغین و معجزات کاذب متجلی سازند (اعمال ۱۹: ۱۳-۱۶). خلاصه آنکه این ارواح قادر بودند بطرزی شیطانی از عطایای روحانی و کار مسیح تقلید کنند (متی ۲۴: ۲۳-۲۴؛ اعمال ۲۰: ۲۹-۳۱؛ دوم قرنتیان ۱۱: ۱۳-۱۵).

## ۱۵- انواع مختلف زبانها

الف) زبانها در کتاب اعمال رسولان  
در کتاب اعمال رسولان "تکلم به زبانها" عبارت بود از توانایی خاصی جهت سخن گفتن درباره خدا و اعمال عجیب او به سایر زبانهای قابل فهم و شناخته شده دنیای آن روز (اعمال ۲: ۷-۱۱).  
هدف از تکلم به زبانها، توصیف تحقق تاریخی نبوت یونیل ۲: ۲۸-۲۹ در عهد عتیق و اثبات ریزش و حضور واقعی روح القدس بود (اعمال ۲: ۱۶). تکلم به زبانها علامت قابل رؤیت اولین ریزش روح القدس در تاریخ بشر بر تمام یهودیان (اعمال فصل ۲)، سامریان (کسانی که نیمه یهودی بودند)، (اعمال فصل ۸) و تمام غیر یهودیانی (اعمال فصلهای ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۵) بود که به عیسی مسیح ایمان آورده بودند (اعمال ۱: ۸). در فصل دوم اعمال می‌خوانیم که این علامت، امری قابل رؤیت (بصورت زبانه های آتش) و قابل شنیدن بود (سخن گفتن به زبانهای بیگانه).  
کتاب اعمال رسولان، اعمال خدا را در تاریخ نجات بشر بازگو می‌کند. این وقایع، اموری منحصر به فرد بود و نظیر آن هیچگاه پیشتر دیده نشده بود. کتاب اعمال رسولان تعلیم نمی‌دهد که امروزه در کلیساهای مسیحی دنیا چه اتفاقاتی باید به وقوع بپیوندد. کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که ایجاد کلیساهایی فعال (اول قرنتیان ۱۲: ۱۲-۱۳؛ اعمال ۲: ۴۲) و حضور قابل رؤیت ثمره روح در زندگیهای ایمانداران (مخصوصاً محبت) (غلاطیان ۵: ۲۲)، از علامات قابل رؤیت ریزش و عملکرد روح القدس است. از طرفی کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که ایمانداران حتی آنگاه که دارای برخی عطایای خاص نیستند، همواره باید بر اساس اصل محبت زیست کنند (اول قرنتیان ۱۳: ۱-۸). ولی کتاب مقدس چنین تعلیم نمی‌دهد که نبوت به زبانهای مختلف (یا تکلم به سایر زبانها) همواره بایستی علامت دریافت روح القدس (یا تعمید روح القدس) باشد.

## ب) زبانها در رسالات قرنتیان

در رساله قرنتیان (اول قرنتیان ۱۲: ۱۰، ۲۸-۳۰؛ ۱۳: ۱، ۸-۱۱؛ ۱۴: ۱-۳۳) "تکلم به زبانها" عبارت بود از توانایی خاصی جهت بیان سخنانی غیرمعقول، نامفهوم و عجیب (زبانهای فرشتگان). این پدیده همراه با زبانه های آتش نبود، ولی قابل شنیدن بود و در بین مردم ابهاماتی ایجاد کرده بود.

۱) پولس رسول راجع به ناگهانی بودن واقعه زبانها صحبت نمی‌کند، بلکه در مورد توانایی دائمی تکلم به زبانها سخن می‌گوید. عبارت "کسی که به زبانی سخن می‌گوید" (اول قرنتیان ۱۴: ۱۳) به شخصی اشاره نمی‌کند که در يك جلسه کلیسای ناگهان به سرعت تحت تاثیر روح القدس قرار گرفته و به زبانی بیگانه و نامفهوم سخن می‌گوید. بلکه این عبارت به شخصی اشاره دارد که از توانایی دائمی تکلم به زبانها برخوردار است (در یونانی: زمان حال). "هر که زبانی دارد" (اول قرنتیان ۱۴: ۲۶، در یونانی: زمان حال) به شخصی اشاره می‌کند که به طور دائمی از توانایی تکلم به زبانها برخوردار است. کلمات "سخن گفتن به زبانی" (اول قرنتیان ۱۴: ۲۷-۲۸) (در یونانی: زمان حال) به شخصی اشاره می‌کند که به طور کامل و پیوسته بر آنچه که بر زبان می‌آورد تسلط دارد. به همین دلیل نیز پولس رسول می‌توانست محدودیتهای خاصی را در استفاده از عطایای روحانی در جلسات کلیسای تعیین کند، در حالیکه اگر مسیحیان به طور ناگهانی قدرت تکلم به زبانی را از روح القدس دریافت می‌کردند، اعمال چنین محدودیتهایی غیر ممکن می‌بود.

۲) تجلی عطایای روحانی مربوط به دوران اولیه کلیسای عهد جدید بود، زیرا انجیل در آن زمان هنوز به طور کامل نگاشته نشده بود. به همین دلیل امکان وجود خطا و تعالیم اشتباه زیاد بود. کلیسای قرن‌س اغلب از ایماندارانی تشکیل شده بود که از زمینه‌های بت‌پرست بودند و اغلب در محیط غیرمسیحی با مشکلات متعددی مواجه می‌شدند. ایمانداران کلیسای قرن‌س بطور تحت اللفظی "برای روحها غیرت داشتند" (در یونانی: اول قرنتیان ۱۴: ۱۲). آنها احتمالاً معتقد بودند که "روحهای" مختلف عطایای مختلفی به مردم عطا می‌کنند. ولی پولس رسول تعلیم داد که منشأ تمام عطایای روحانی از يك روح، یعنی از روح القدس است (اول قرنتیان ۱۲: ۴، ۱۱). پولس تعلیم داد که مسیحیان قرن‌س باید برای انجام کارهایی غیرت داشته باشند که باعث بنای کلیسا می‌شود، نه اموری که در کلیسا بی‌نظمی ایجاد می‌کند (اول قرنتیان ۱۴: ۳۳، ۴۰). بنابراین با توجه به وضعیت گناه‌آلود کلیسای قرن‌س، به برخی عطایای خاص مانند نبوت و تشخیص ارواح نیاز شدیدی وجود داشت (اول قرنتیان ۱۲: ۱۰).

۳) از رساله قرنتیان چنین برمی‌آید که تکلم به زبانها تنها یکی از مشکلات موجود در کلیسای قرن‌س بود، و آنها با مشکلات دیگری نیز دست به گریبان بودند. مشکلاتی چون جدایی، حسادت، نزاع، درگیری، انحرافات جنسی، متوسل شدن به قضات دنیوی و خدانشناس، سوءاستفاده از آزادی که داشتند، مشکلات مربوط به ازدواج، خوردن گوشتی که برای بتها قربانی شده بود، حضور زنانی که از موقعیت خود سوء استفاده می‌کردند، جلسات کلیسای مخرب و استفاده نادرست از شام خداوند، غیرت بیش از حد جهت تکلم به زبانها و انکار رستاخیز جسم.

مشکل اعضای کلیسای قرن‌س این بود که بیش از حد به تکلم به زبانها اهمیت می‌دادند (اول قرنتیان ۱۲: ۳۰) و بدین ترتیب باعث ایجاد بی‌نظمی در جلسات کلیسای می‌شدند (اول قرنتیان فصل ۱۴). به همین دلیل پولس به بررسی موضوع عطایای روحانی (در یونانی: charismata) می‌پردازد. او ابتدا در خصوص تنوع عطایای روحانی، خدمات و تجلیات روح القدس تعلیم



می‌دهد (اول قرن‌تینان فصل ۱۲). سپس به مهمترین طریق اشاره می‌کند که همان طریق محبت است. محبت باعث می‌شود عطایای روحانی در جای درست خود بکار روند، زیرا تمام عطایای روحانی باید بر اساس اصل محبت بکار گرفته شوند (اول قرن‌تینان فصل ۱۳). پولس در پایان در مورد تفاوت بین عطای زبانه‌ها و عطای نبوت تعلیم می‌دهد (اول قرن‌تینان فصل ۱۴). برخی از اعضای کلیسای قرنتس که از عطایای روحانی خاصی برخوردار بودند، از جلسات کلیسایی سوءاستفاده می‌کردند تا سخنان خود را به گوش دیگران برسانند. این عده به طریقی ناشایست عمل می‌کردند، در حالیکه خواست خدا این است که تمام امور کلیسا در نظم پیش رود. آنها جلسات معمول کلیسا را مغشوش می‌ساختند. به همین دلیل به جای آرامش و سلامتی، تشویش و اغتشاش و بی‌نظمی در کلیسا حاکم بود (اول قرن‌تینان ۱: ۳۳، ۴۰). اگر چه پولس رسول برای تمام عطایا ارزش قائل بود، اما نمی‌توانست چنین رفتارهایی را تحمل کند. حکم او این بود که در جلسات کلیسایی تمام امور باید در جهت منفعت و بنای اعضای کلیسا باشد. هر فرد مسیحی باید در چهارچوب اصل محبت، و به هدف بنا کردن و خدمت به دیگران، از آزادی خود در زمینه بکارگیری عطایای روحانی استفاده کند. همچنین این عطایا باید بر اساس اصولی بکار گرفته شود که پولس رسول در کتاب مقدس مشخص کرده است (اول قرن‌تینان ۱: ۲۶ - ۴۰).

۴) بدین ترتیب پولس رسول عطای تکلم به زبانها را در جایگاه صحیح خود قرار داد. روی سخن او بویژه با مسیحیانی بود که توانایی دائمی تکلم به زبانها را داشتند یا عادت داشتند که به این زبانها صحبت و دعا کرده یا سرود بخوانند. در اول قرن‌تینان ۱: ۱۴ - ۱۷ میخوانیم: "زیرا اگر به زبانی دعا کنیم که آن را نمی‌فهمیم، در واقع روح من دعا می‌کند و خودم از آنچه می‌گویم بی‌خبرم. پس چه کنم؟ باید هم به زبانهای غیر دعا کنم و هم به زبان معمول، هم به زبانهای غیر سرود خوانم هم به زبان عادی تا همه بفهمند. زیرا اگر شما خدا را به زبانی شکر گوید که فقط روح خودتان می‌فهمد، چگونه دیگران بتوانند به دعای شکرگزاری شما آمین بگویند، در حالیکه نمی‌فهمند چه می‌گویید؟ شکی نیست که شما بسیار عالی خدا را شکر می‌گویید اما حاضرین بهره‌ای نمی‌برند." وقتی پولس از سخن گفتن، دعا کردن و سرودخواندن به روح صحبت می‌کند، تنها میتواند این معنا را بدهد که شخص صداهایی را ابراز می‌کند که هیچکس نمی‌تواند بفهمد. و وقتی پولس از سخن گفتن، دعا کردن و سرودخواندن به عقل یا ذهن صحبت میکند، تنها میتواند به این معنی باشد که شخص کلماتی را ابراز می‌کند که هر فردی میتواند بفهمد. پولس این مسیحیان را مخاطب قرار میدهد زیرا آنها فقط بواسطه روح انسانی خود سخن گفته، دعا کرده یا سرود میخواندند و نه از طریق عقل و اندیشه انسانی خود. در نتیجه تنها زبانها و صداهای نامفهوم تولید میکردند (اول قرن‌تینان ۱: ۱۳ - ۱۷). بر چنین مسیحیانی بود که دعا کنند تا در آینده بتوانند آنچه را که تنها به زبانی غیر قابل درک بدان متکلم می‌نمودند، روزی ترجمه کنند. پولس از آنها نمی‌خواهد که ابتدا به زبانی بیگانه و غیر قابل فهم تکلم کنند و سپس آن را ترجمه نمایند. بلکه از آنان می‌خواهد که دعا کنند تا در آینده تکلم آنها به زبانها، هم بواسطه روح انسانی باشد و هم با تکیه بر عقل و خرد انسانی‌شان. تا بدین ترتیب بتوانند در جلسات کلیسایی به زبانی معقول و روشن که برای همه قابل فهم است سخن بگویند، دعا کنند و سرود بخوانند. با توجه به اینکه روح انسان مطیع او است (اول قرن‌تینان ۱: ۳۲)، چنین ایماندارانی این توانایی را دارند که تصمیم بگیرند که بجای تکلم به زبانی نامفهوم و بیگانه، به زبانی تکلم کنند که باعث بنای دیگر اعضای کلیسا است (اول قرن‌تینان ۱: ۱۹). تنها از این طریق است که سایر اعضای کلیسا نیز بنا خواهند شد.

## ۱۶- ترجمه زبانها

الف) "ترجمه زبانها" (اول قرن‌تینان ۱: ۱۰، ۳۰، ۱۴: ۲۷-۲۸). ترجمه زبانها توانایی خاصی است که به موجب آن، شخص می‌تواند نه تنها زبانهای خارجی قابل فهم را ترجمه کند، بلکه سایر زبانهای مختلف و ناشناخته مردم و فرشتگان را نیز درک و ترجمه نماید تا از این طریق شنوندگان و اعضای کلیسا بنا شوند. این عطای روحانی و عطای روحانی تکلم به زبانهای مردم و فرشتگان، هر دو در جلسات کلیسایی لازم و ملزوم و مکمل یکدیگرند. مسیحیانی که از این عطای دائمی برخوردار هستند می‌توانند تشخیص دهند که آیا مسیحیان دیگر برآستی از عطای زبانها برخوردارند یا نه، یا آنچه را که می‌خواهند به زبانی متکلم شوند، باعث بنای شنوندگان در کلیسا خواهد شد یا نه.

ب) تکلم همزمان از طریق روح و فکر روشن است که آن عده از اعضای کلیسای قرنتس که به زبانی بیگانه و غیر قابل درک تکلم می‌کردند، از عطای روحانی ترجمه زبانها برخوردار نبودند (اول قرن‌تینان ۱: ۱۳). این امکان وجود داشت که کسانی که از عطای دائمی تکلم به زبانها برخوردار بودند، خودشان آنچه را که می‌گفتند ترجمه کنند. ولی در اینصورت می‌بایست به زبانی قابل درک سخن می‌گفتند تا دیگران بفهمند. یعنی هم‌زمان، هم از طریق روح خود سخن گویند و هم از طریق فکر انسانی خود. به عبارت دیگر، آنچه را که روح آنها می‌خواست به زبانی غیر قابل درک و بیگانه متکلم شود، فکر و دهان آنها می‌بایست به زبانی قابل فهم بیان می‌کرد (اول قرن‌تینان ۱: ۱۴، ۵: ۱۳-۱۹).

ولی این توانایی امری خودکار نبود (اول قرن‌تینان ۱: ۱۴، ۵: ۱۳). به طور کلی، اگر در جمع مسیحیان مترجمی حضور می‌داشت، آن شخص خود از عطای دائمی ترجمه زبانها برخوردار بود و سایر مسیحیان نیز همگی این موضوع را می‌دانستند، و این شخص معمولاً کسی بود غیر از فردی که به زبانی غیر قابل درک تکلم می‌کرد (اول قرن‌تینان ۱: ۱۰، ۱۴: ۲۷-۲۸). اگر در جلسات کلیسایی هیچ مترجمی حضور نمی‌داشت یا مترجم تمایلی به ترجمه زبانها نداشت، تعلیم پولس رسول این بود که در چنین شرایطی هیچ کس اجازه ندارد در جلسات کلیسایی به زبانی بیگانه تکلم کند (اول قرن‌تینان ۱: ۲۸).

پ) محدودیت‌های رسولان در زمینه تکلم به زبانها  
پولس رسول به روشنی حکم می‌کند که در جلسات کلیسایی حداکثر سه نفر مجازند به نوبت به زبانها تکلم کنند، آن هم در صورتی که سخنان آنها بلافاصله توسط کسی که عطای ترجمه دارد، ترجمه شود. به اعتقاد پولس، مسیحیان اجازه ندارند به طور همزمان در جلسات کلیسایی به زبانها تکلم کنند (اول قرن‌تینان ۱۴: ۲۷). همچنین او به زنان اجازه تکلم به زبانها یا نبوت در جلسات رسمی کلیسایی را نمی‌دهد (اول قرن‌تینان ۱۴: ۳۴-۳۸).

#### ۱۷- تجرد

"تجرد" (اول قرن‌تینان ۷: ۷، ۳۲-۳۵؛ متی ۱۹: ۱۰-۱۲) عبارت است از توانایی، انتخاب یا دعوتی خاص که برخی از مردم از آن برخوردارند تا از این طریق بتوانند خود را با تمام وجود وقف خدمت به خدا و گسترش ملکوت او کنند. این عطا نیز مانند سایر عطایای روحانی ممکن است بر حسب نیازی که وجود دارد، به طور دائمی یا موقت از طرف خدا به فردی داده شود.